

Scientific Council of the Russian Academy of Sciences for the Study and  
Preservation of Cultural and Natural Heritage

S N Gavrov

# MODERNIZATION

in the name

# EMPIRE

**Social and cultural aspects of  
modernization processes in Russia**

**Gavrov سرگئی مدرنیزاسیون به نام امپراتوری**  
**جنبه های اجتماعی و فرهنگی ، فرایند مدرنیزاسیون**  
**در روسیه**

<http://filosofia.ru/76529/>

**(Poc2) 66.3 60.5BBK .2004 .Gavrov S.**

## 87.6 چاپ دوم. -- 352.

### Gavrov سرگئی Nazipovich نوین امپراتوری.

## اجتماعی و جنبه های فرهنگی ، فرآیندهای مدرنیزاسیون در روسیه است

او در رساله استاد (D.Ph) سرگئی Nazipovich Gavrov در نظر فرایند مدرنیزاسیون جانشینی امپراطوری روسیه ، و مدل های لیبرال و مدرنیزاسیون ، که در آن مدل های امپریالیستی مسلط است ، اما تنها لیبرال اضافی جبرانی. بدبختی تاریخی ما نهفته در این واقعیت است که روسیه را ترویج نوسازی نه زیاد ورود روسیه به مدرنیته ، به عنوان تقویت فئودالی - سیستم های امپریالیستی به دلایل فرهنگی و تمدن. ارتقا به تحکیم امپراتوری به توزیع مجدد از انرژی حیاتی انسان را از محدوده ی زندگی روزمره در عرصه megaprojects سکولار یا دینی ، منجر به ایجاد یک جهان مردم تنها به این معنی که در آن موجود ، و تقویت امپراتوری -- هدف بزرگ. آیا می توانید این دایره معیوب شکستن ما ، که منجر خارج از کشور سنج های امپریالیستی ، شکستن بند ناف متصل است که آن را با میراث امپریالیستی - فئودالی و انسان آزاد از خدمت به امپراتوری ، و مقامات مناسب -- چنین است در طیف وسیعی از مسائل که ما تلاش می کنند که در این کتاب پاسخ دهند. کتاب های فرهنگی را از دانشمندان ، مورخان ، جامعه شناسان و همه کسانی که علاقمند به فرآیندهای نوسازی روسیه در نظر گرفته شده است.

سرگئی Gavrov فیلسوف ، انسان شناس اجتماعی ، یک دانشمند سیاسی است.

(D.Ph) ، استاد جامعه شناسی و اجتماعی ، مردم شناسی ، مهندسی اجتماعی موسسه MGUDT. متخصص روسیه در این زمینه از مدرنیزاسیون اجتماعی غیر جوامع غربی.

متولد در سال 1964 در نیژنی نوگورود (Gorky ، اتحاد جماهیر شوروی سابق).

پژوهشگر برجسته بخش sociocultural فرآیندها و سیستم های Rossiyskogo برای موسسه تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ روسیه است.

نویسنده چندین کتاب و بیش از یکصد and fifty مقالات علمی است. عضو هیئت تحریریه مجله "شخصیت. فرهنگ جامعه (آفت موسسه فلسفه) و" روانشناسی نخبگان ، و همچنین به عنوان پاداش "را به مطالعه مسائل پیچیده ای از فرهنگ انسان و جامعه" ، اقدام به عنوان شورای آفت "تاریخ تمدن جهان".

در حوزه منافع علمی -- مدرنیزاسیون ، مدرنیزاسیون مشکل از تحولات در تظاهرات مختلف آن ، از جمله سیاسی ، اقتصادی ، جمعیتی ، آموزشی ، اجتماعی ، فرهنگی ، آموزش و پرورش و فلسفه و ethno آن - خصوصیات فرهنگی. پژوهش در تاریخ ، تئوری و عمل macrosocial تحولات نوسازی در روسیه ، فرامین و مسائل ملی ، فرهنگی و همکاری بین‌الادیانی.

عضو اتحادیه نویسندگان مسکو ، مقاله نویس و منتقد ادبی. پروفیسور L'ê Havre موجود در لیست کوتاه از دانش پژوهان مشاوره روسی و سیاستمداران ، به بهترین وجه در آثار او از زندگی سیاسی در روسیه 1994-2003 منعکس می‌شود.

تماس با ما :

سرب Rossiyskogo پژوهشگر موسسه تحقیقات فرهنگی ،

دکتر فلسفه H. E. Selezneva ؛

دکتر فلسفه ، پروفیسور L. H. Vojvodina

انتشارات خانه سرمقاله URSS. 117312 ، R. مسکو ، 60 - prospekt اجازه Oktyabrya ، 9. مجوز شماره 05175 مورخ 25.06.2001. r. امضا شده را به نسخه قابل چاپ 16.01.2010. r. قطع 16/90x60. شمارگان : 1500 نسخه. 900. Zak. 22. I. Pec. شماره

دکتر خانوادگی تان چاپ شده در "Oblizdat. 248640 ، کالوگا ، pl. بازرگانی قدیمی ، 5.

شابک 9785354009152 4-00915-354-5 © سرگنی Gavrov ، 2010

© سرمقاله

## مطالب و محتوا

..... 4

مقدمه.....

فصل 1. دو مدل از مدرنیزاسیون.....	6
دوم. فرامین و مدل لیبرال و مدرنیزاسیون.....	17
سوم. تاریخی دنباله روسی ارتقا.....	30
فصل 2. کالبدشناسی سنتگرایی روسیه.....	51
I. سنتی ذهن : اعتقاد به توحید عقاید ذهنی و فرهنگی.....	51
دوم. مناسب و موجود در آگاهی سنتی روسی.....	64
فصل 3. مدرنیزاسیون و اجتماعی و فرایندهای فرهنگی در روسیه از سال 1991.....	93
I. اجتماعی و فرهنگی ، اوضاع در روسیه پس از سال 1991.....	93
دوم. disistema سیستم. سناریوها و چشم اندازها.....	109
به جای نتیجه گیری.....	118
S.P.....	119

از آنجایی که پیتر بزرگ ، شما بیشتر و بیشتر گسترش محدودیت های خود را در فضای بی نهایت را گم نمی کنید.

کلود هنری سن سیمون د Ruvrua --

کارشناسی ارشد Lunin

روسیه -- امپراتوری است. جهت پشتیبانی ، دولت باید دست ها و سایر جنبه های زندگی از کشور نگه می دارد.

Witte

چرا همه این اتفاق افتاد؟ خواهد شد و در طبیعت را سرزنش ، و یا اراده خداوند دروغ. آیا باید در غیر این صورت بوده است؟ ما برای همه پرداخت شده ، و مجبور به تسلیم شدن.

برودسکی

## مقدمه

پرسید که چرا نویسنده علاقه به توسعه مسایل مربوط به تحولات مدرن در روسیه ، پاسخ ساده است کافی است. پرنده روسی ' - هر دسته سه تایی ، تمام 70 و بیشتر 80 - ies forlornly roamed جلسات حزب raznovelikim و آشپزخانه های ناراضی ، تا پایان سال 80 -- 90 در اوایل شدم به زندگی -- و چه زنده است. کشیده شدن بال بال زدن ، پس

بله ، پرواز کرد که از او به دور از نرخ خوب (جمهوریهای سابق اتحاد جماهیر شوروی) ، خواهد شد ، و برخی از unwittingly را در آن در مراحل مختلف تاریخ روسیه کاهش یافته است. و bolted. و ما -- معاصر -- نفس خود را دور kaleidoscopically ، تغییر نه تنها جهان در اطراف ما است ، اما زندگی ما ، خودمان. در اینجا چیزی است که او مانند 's' -- مرحله جدید نوسازی روسیه.

من می خواستم ، برای آن زمان بی حد و حصر در تاریخ ما به درک که کی هستیم ، از کجا میرویم و چگونه بزرگ یا کوچک شانس رسیدن به پایان را در یک محل مناسب و معقول ، و اگر ما می توانیم "صورت کنترل" در گرفتن ورودی از عناصر تمدن مدرن است. اما مهمتر از همه ، اینکه آیا آن را میخواد که بخش اعظم جامعه و قدرت روسیه؟ و اگر چنین است ، چه ما به اصول ، آمادگی برای انجام چه مهم است که آنها حاضر به فداکاری؟

امواج مدرنیزاسیون از روسیه و سه قرن گذشته ، نورد ، با شروع با انتقال از پیتر I. در طول این زمان ، کاری می تواند انجام شود ، اما چیزی در این زمینه از آرزوها و searchlights باقی مانده بود. پس چرا وسوسه ثابت به روز رسانی به هیچ عنوان کمتر فرایند مدرنیزاسیون مقاومت ثابت ، به همراه وقتی است که اصلاحات ضد باید اصلاح ، اما بعد از زمان ، فرآیند تکثیر در دنباله همان؟ در رساله خود ، ما سعی در یافتن پاسخ به این و دیگر "بیمار" از جنبه های زندگی ما.

این اغلب در مورد مسیر زیر را در روسیه گفت که این به اصطلاح "سوار کردن مدرنیزاسیون. اما این فقط بخشی از حقیقت ، سبقت مدل با این نسخهها کار فقط در برخی از اقلیت اجتماعی روسیه و فرهنگی نظام ، اما نه در این سیستم به عنوان یک کل. در این دوره از دوره مدرنیزاسیون در تاریخ ما ، ما با تمدن غرب مدرن ، (در اصل غربی اروپا) به ویژه در حوزه تکنولوژی نظامی و صنعتی لحظه ، که همه در خدمت توسعه نظامی پتانسیل فنی کشور. تغییر قابل توجهی از ساختار اجتماعی را که شامل نه تنها تصویب طرح سازمانی ارائه شده توسط تمدن مدرن است ، بلکه روح آن ، معرفی و مطابق با حقوق و آزادیهای مدنی ، تقویت جامعه مدنی -- تمام این کار را برای بسیاری از دوره تحت بررسی ، آن را بسیار ساده بود نه.

مقامات به نظر می رسد به همان اندازه ساده تر و قابل اعتماد تر از تکیه بر ابتکار عمل خصوصی "مرد کوچک" ، اما دیگر تصمیم می شوم ، به بسیج همه نیروهای ممکن برای دستیابی به موفقیت در آینده. وقتی که قیمت از استرس وحشتناک / ولتاژ بیش از همه نیروهای حیاتی از مردم انجام شد و یا شکستن ، که در اغلب موارد اتفاق افتاده باشد که در بخش اجرا ، به طور ناگهانی است که در اطراف hopelessly پشت اجتماعی میباید ، فضای فرهنگی است که صرفا در یک موقعیت نه تنها بازی ، بلکه حفظ این موفقیت محلی است. درک است که وجود جامعه مدنی ، سطح توسعه اجتماعی به طور کلی بزرگترین و بالاترین ارزش -- قدرت است امروز ممکن نیست.

بنابراین ، نکته اصلی. برای قرن ها ، تلاش اصلی در فرایند مدرنیزاسیون نشانی از روسیه به خاطر پیوستن به تمدن غرب در سلسله شناسی مدرن آن رخ می دهد نیست ، بلکه به خاطر حفاظت ، باروری و تحکیم امپراتوری. مدرنیزاسیون انجام شد تنها در جهت در ظاهر مدرن تر و قابل رقابت از عناصر منحصر به فرد امپراتوری را ، قربانی را مجبور به عقب نشینی های خصوصی ، مناطق محلی اجازه داده شد برای حفظ و تقویت کل بدن و ذهن از امپراتوری.

در نهایت ، دلیل دیگری که ما را وادار به به طور مفصل در بررسی جزئیات فرایند مدرنیزاسیون به عنوان روسیه وجود دارد. تا آن جا که تجزیه و تحلیل ما از نشریات علمی نشان داده است ، موجود مطالعات انجام نمی دهد و یا بیشتر تصویر کمتر کامل از تحولات مدرنیزاسیون روسی. هر کدام از آنها به اجتماعی معاصر روسی از راه دور هستند و فرهنگی واقعیت ، یا این پدیده و مدرنیزاسیون در شرایط تغییر در فرهنگ و جامعه نیست که در چارچوب نظری و فرهنگی (فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته -) به منظور رویکردی نه تنها به سفارش چند چند عکس کاربست

sociocultural ، که خود را از طریق تغییرات آشکار فرآیندهای مدرنیزاسیون ، بلکه قادر به درک بهتر روابط سببی که منجر به یک یا چند نوبت دیگری از تاریخ.

در این رساله درباره یک موضوع ، سعی کنید که ما در نظر گرفتن زمینه های تاریخی و مراحل نوسازی روسیه ، برای ارزیابی چشم انداز خود و به عنوان یک نتیجه از این چشم انداز ، شانس زندگی شخصی ما ، یعنی که آیا ما به ساختن خانه ، پرورش فرزندان و پرورش ما ، باغ و یا دوباره پوتین در مد خواهد شد فایل - های نظامی و امپراتوری خواهد ما را به کوره پرتاب ideokraticeskogo پروژه بعدی تصادف.

نویسنده صادقانه بیان حق شناسی خود را به همکارانش که در زمان مشکل از خواندن این کتاب : دکتر فلسفه ، استاد Èá Orlova ، و دکترای فلسفه ، استاد AA Pelipenko. بحث در نگرانی های مشترک اعلام و نظرات کمک به بیان بهتر مفهوم نویسنده است. با تشکر ویژه من می خواهم به بیان داوران ما ، که منجر Rossiyskogo پژوهشگر موسسه تحقیقات فرهنگی ، دکتر فلسفه دکتر Èn Seleznevoi و فلسفه ، استاد LN Vojvodina.

## فصل 1. دو مدل از مدرنیزاسیون

### I. پدیده مدرنیزاسیون

مشکل از نوسازی یکی از دردناک برای آگاهی های ملی ، علمی و عمومی هر دو است ، چرا که آن را با پیچیدگی هر دو متوسط و بلند مدت راهبرد توسعه متصل است. کلمه مدرنیزاسیون ، رفتن فراتر از درک محدود از این واژه های علمی ، آنها بسیار گسترده ای استفاده می شود و تار ، که اغلب از جمله معانی مختلفی. برای دادن صحت تحقیقات ما لازم باشد ، باید به اصطلاح مدرن با مفاهیم خواهر خود را در رابطه باشد.

این بالاتر از همه ، مفهوم تجدد است. به اصطلاح "بزرگ مدرنیته" در گذشته نگر بسیار گسترده با ظهور مسیحیت رابطه. کلمه «» مدرن برای اولین بار در اروپا در پایان سال مورد استفاده قرار V. برای تمایز دریافت را ببینید از این موقعیت گذشته رومی مسیحی و غیر مسیحی. در دوران بعد از محتوای این مفهوم تغییر کرده است ، اما تنها روشنگری و رمانتیسیسم ، سپس آن را با اشاره به این معنی که مدرن پر. مدرن ، مدرن و از آن پس آن چیزی است که منجر به بیان هدف از ارتباط طور خود به خودی تازه ای از روح زمان.

در تمدن مدرن و فرهنگ در مطالعات تحت بزرگ مدرن یا مدرنیزم است درک دوران عصر جدید است که آغاز دوره ی رنسانس و اصلاحات و به اوج خود رسید (بیشتر یا کمتر دائم) با تصویب الگوی ایدئولوژیک ، پسا مدرن را در ربع آخر قرن بیستم را ببینید.

به نظر می رسد این است که بدون نیاز به منابعی در ساکن شدن در شرایط رقت محتوا مانند "نوسازی" استفاده می شود وجود دارد ، "مدرن" و "مدرنیته" را در شرایط هنری "مدرن" (در مفهوم سبک هنری در اواخر نوزدهم -- اوایل قرن XX). و "نوگرایی" را (در ارزش آگاهی از جریان غالب هنری قرن بیستم). معروف اسلاو ، فیلسوف ایتالیایی ویتوریو Strada ، گفت که در زبان روسی را از کلمه "مدرن" مشتق شده است ، از جمله نوسازی هنر سبک نو است ، اما هسته بسیار از اصطلاح "مدرن" ، که توسط شاخه از مدرنیته جایگزین وجود دارد. در همین حال رده مدرنیته یک مفهوم

وسیع تر از رده مدرنیته است. به طور خاص ، می توانیم در مورد دوره مدرن امروزی صحبت می کنند ، تاکید بر آن "حال حاضر" ، ما مشاهده مدت.

در صورتی که توسط مدرنیته ، منظور ما دوره پس از انقلاب های بورژوائی اروپا (به ویژه تمایل به برجسته انگلیسی از انقلاب یدلایمخیرات 1640 -- gg1642) و همچنان در طول تاریخ معاصر به کشورهای توسعه یافته بیشتر از گذار به جامعه postindustrial ، پایان XX -- شروع قرن XXI ، حداقل ، نزدیکترین دیدگاه تاریخی که توسط ما به عنوان مدرنیته در اواخر نظر گرفته شد. ما همچنین همبستگی در این راستا با موقعیت جامعه شناس Senegalese S. امین ، که "مدرنیته (مدرنیته) کامل ، آن را باز میکند که در را برایشان ناشناخته اعتقاد دارند. nezavershaema مدرنیته در ذات ، اما شامل دنباله ای از فرم ، که بسیار متنوع غلبه بر تناقض جامعه را در هر لحظه ای از سابقه آن است. " ارزیابی ما از این دوره تا حد زیادی رابطه خوب با موقعیت E. گیدنز ، هابرماس ، که به نمایش این پروژه کاملا به عنوان تاریخ مدرن ، حفظ برخی از قدرت خلاق است. در همان زمان ، یکی باید اعتراف کنید که مخالفت با این دیدگاه هستند بی اساس نیست. بنابراین ، A. Gehlen معتقد است که "قضیه از عصر روشنگری مرده اند ، همچنان به فعالیت تنها عواقب آن است."

تجزیه و تحلیل چنین پدیده های مهم از لحاظ تاریخی به عنوان مدرنیته و مدرنیزاسیون را می توان در سطوح مختلف انجام شده است. برای پدیده های خارجی تجربی طبقه بندی شده زیر شاخه های سیاست ، اقتصاد ، جامعه شناسی ، تاریخ ، تکنولوژی ، تغییرات قانون در هر دو ذهنیت فردی و جمعی از کشورهای اروپایی اتفاق می افتد. توسل به این تغییر عمیق باعث می شود فکر پژوهش به دنبال جواب سوال نه تنها به آن چه اتفاق افتاده است ، اما مهمتر از همه چرا. در این راستا ، لازم نیست اینقدر به موضوع - ، تجربی و نظری در رویکرد فرهنگی ، که در آن طرز فکر و تمدن ایستاده عناصر غیر قابل حل از یک سیستم تک فرهنگی وجود دارد.

ما به خوبی از نحوه اروپا تبدیل شده است اروپا در شرایط آگاه از منبع جهانی را تحت تاثیر قرار نوسازی. اما وقتی که ما سعی کنید بفهمید چرا آن اتفاق افتاده است ، جواب این است : نه چندان واضح ، پیشنهاد تجدید نظر را با حوزه های فرهنگی فلسفی و نظری از گفتمان علمی است. هنگامی که ما امتحان کنید و به آن پاسخ ، بر اساس داده ها عمدتا در خارج تجربی ، بسیار به درک ما را غیر قابل دسترس می باشد. بنابراین ، در سطح تجزیه و تحلیل های تاریخی و تجربی ، تقریبا غیر ممکن است برای توضیح چگونگی دستیابی به موفقیت های فن آوری در قرن پانزدهم در اروپا رخ داده است و نه در شرق ، به ویژه چین ، جایی که آن را به حال کافی خارجی (مواد) شرایط. تلاش برای پاسخ به این سوال که چرا اروپا برای اولین بار در سبک هنر نو قرار گرفت ، ما را به ویژگی اساسی اروپا از نظام فرهنگی و تمدن روشن است که تعیین جهت بردار از توسعه تاریخی آن است.

روسیه AA انسان شناس اجتماعی معتقد است که قدمت Pelipenko نمونه جامعه غربی سودمندگر ، فرهنگی و محیط زیست آن تمدن در سطح بالاتری از اجتماعی و پویایی فرهنگی در مقایسه با جهان کهن با هدف بود. بحران وجودی از شرق باستان ، همراه با خرابی های طبیعی از اسطوره های سنتی سیستم توسط rooting در آیین انسان باستانی در سطح وجودی که در طراحی و توسعه مالکیت خصوصی منعکس شده بود ، مسلم حقوق مدنی جبران شد.

لازم به ذکر است که این روند توسعه هستند نه بیشتر به علت کاهش سرعت از پویایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ، میل به زندگی در بازتولید سنت. دوران امپراتوری روم از کاهش رکود با تجربه در زمینه های مختلف از زندگی ، از جمله در چنین مهمی برای شتاب از فرآیندهای پویا فناوری است. تکنولوژی در زمان مرگ بیش از غرب امپراتوری روم قرن ها نمی بود توسعه یافته است ، و هیچ دلیلی برای باور است که دنیا ظرفیت نگهداری می روم برای پیشرفت

تکنولوژیکی و... در شمار اولویت های اجتماعی به رسمیت شناخته شده اجتماعی و فکری بوده اند وجود دارد هرگز شامل پیشرفت در زمینه فن آوری است. "

خستگی و کاهش تدریجی و سپس از دست رفتن امپراتوری در غرب کشیده میشوند ، و ملت بی تربیت از اروپا را عمیق اجتماعی شوک فرهنگی برای قرن های مختلف ، به اصطلاح "سنی تاریک" ، زمانی که فروپاشی سیستم های مخابراتی از جهان باستان تا به بازگشت و بسیاری از غرب به بدوی با تجربه حکومت ، که در تمدن سنتی روستایی ویزگی تقریباً ماقبل تاریخی شده است. چیزی از میراث باستانی از مردمان بیگانه از غرب و اروپا موفق شدند برای یادگیری است ، اما اغلب از آن بی ربط بود گذشته با سفر به منطقه از خاطرات. "در این جامعه ، هنوز هم سنت های رومی و محترم. اما این سنت وجود داشته است تنها در صورت مسیحی نبوده است زندگی تجربه ، و جان سالم به در فقط به عنوان خاطرات خوب است. "

تمدن پس از قرن ها پس از فاجعه ، که منجر به کاهش در اروپا و امپراتوری روم ، به ارث رسیده از دوران باستان ، و تمام عناصری از دگرگونی مسیحی بیشتر رایج است ، تمرین های مذهبی و انرژی حیاتی از تشکل های اجنبی etnoplemennyh شروع به شکل چشم انداز فرهنگی جدیدی از تمدن جدید مسیحی اروپا.

این کاملاً متفاوت است ، با خصوصیات خاص خود را و فرهنگ و تمدن سیستم. ویژگی متمایز دیگری نیز در قرون وسطی در اروپای غربی سیستم فرهنگی و تمدن شکل گیری سه مدل باند از جهان ، که در آن ستون فقرات بین قطبهای خدا و شیطان ، خوب و بد اندازه طبیعی ، انسانی بود. سه جانبه این بخش از جهان با آزادی طبیعی ، در واقع انسان ، تا حد زیادی مشخص در هر دو جهت و میزان تسریع فرایندهای پویا در تاریخ و sotsiokulture این سیستم ، تحریک توسعه متعاقب آن از بمب مجهز مردی از دنیای مادی.

"بعد از فراق با Augustinian خالص در زمان آکوناس ، جهان کاتولیک تقسیم در دو ، عدم (" نور " و " ظلمت " ) -- و سدیم : ناحیه کوهستانی میان خارج از جهان مادی و گیلاس منطقه گودال پر از غیر طبیعی برای مدت زمان زندگی می کردند با قوانین خاص خود را ، ولو تحت قدرت خدا ، محدوده طبیعی است. علاوه بر این ، " ... کاتولیک بود... مانند موافقت نامه بین روح و ماده ، در نتیجه اعلام روح استبداد در تئوری ، اما این موضوع فرصتی برای استفاده در عمل به او داده شد ، لغو تمام حقوق خود را".

در طول قرون وسطی در اروپا ، تا به روند دشوار و گاهی اوقات دردناک فراق را با روح Augustinian ، متنوع در الهی inopolozhennogo محتوای متعالی مطلق است. بنابراین ، حتی زمانی که پیر در نظر گرفتن اصول عقاید Abelard از سه گانگی الهی قابل توجهی از "عدم وجود هر گونه احساسی از واقعیت قابل توجهی از ایده آل". در نتیجه این فرایند ، "آرمان ارزش های آسمانی ، تا آن را به زمین پایین آورده شدند. مراحل بازگشت این عقیده که هر نوآوری ممنوع می باشد و به عنوان شیطان توسط الهام. نوآوری ، پیشرفت های تکنولوژیکی بیشتر با گناه شناسایی نیست. دنبال لذت پیروزی و زیبایی از بهشت اکنون می توانید بر روی زمین اجرا شود.

در اواخر قرون وسطی به تدریج در حال تغییر دادن صلاحیت این دادگاه ها از دید متافیزیکی ، مسائل مربوط به این منطقه شروع به حرکت به حقوق مدیریت ، تصمیم خود را در حال حاضر تنها در او بستگی دارد ، و از افکار و اقدامات برخی از نیروهای sverhestestestvennyh نیست. توجه داشته باشید که منطبق از این و نه طولانی ، اغلب در قالب فرایند نهفته سقوط پیروزی nominalists بیش از واقع گرایانه ، رشد شهری و ایجاد دانشگاه ها ، همراه با تمایل بیشتر تلفظ از ذهن اروپایی را به روش تحلیلی و نامحدود. این پروسه عملاً در اروپا در سال جدید به اتمام تایمز : "دوران ما تماس بگیریید زمان جدید... تشخیص داده شود که انسان مقیاس و مرکز یکی دیگر. مرد -- همیشه و همه جا ، یعنی ای است که زمینه هر گونه objectified ، درست است که شما می توانید تصور کنید ، این «mutceibus».



اما اگر در مرکز کهکشان خود انسان است ، او می تواند حوزه های مختلف زندگی ، *refleksirovat* بنابراین *sanctifying* تغییر دادن آن به شیوه ای عقلانی ، تدریج کمتر و کمتر با توجه به اجتماعی و سنت های فرهنگی از ابتدای مقدس است. از دست دادن سنت های مقدس خود را از اجتماعی و پژوهش های فرهنگی بیشتر در معرض تغییر و افراد درون آن *acquires* درجه آزادی در انتخاب می توانند آنچه را از گذشته گرفته شده باشد ، ولی از آنچه می تواند *waived*. انطباق با اصول عقلانی از جهان آمدند تا سطح زندگی در دوره ی رنسانس و اصلاحات ، اما حضور رسمی و سازمانی خود بود در حال حاضر را در عصر پست مدرن است. شده اند وجود دارد حفظ کرده و در عمل اجرا شده اند ، بیان شده در منطقه غرب اصول فرهنگی : *obscheevolyutsionny* اصل از تکامل اشکال ساده تر از سازمانها و از زندگی خود را به اشکال پیچیده تر و اصل اختصاص بیشتر و بیشتر خود مختار و خود موجودیت کافی از طبیعی و سپس چهار چوب اجتماعی است. E. نویمان ، گفته است که "تجزیه و تحلیل نشان هویت غرب را در حرکت ثابت ، در هر دو به جلو و عقب مانده ، اما با پیشرفت مداوم در مسیر تعریف شده در ابتدا : رهایی انسان از طبیعت و آگاهی از ضمیر ناخودآگاه."

این بروز رسانی از این فرایندها و اصول ، به حمایت از توسط ظهور بعد از ملت دولت و نظام سرمایه داری تولید ، ساخته شده تا به اروپا ، و سپس تمام یورو آتلانتیک تمدن منبع *areal* نوسازی تحولات در جهان است. مدرنیته است به تدریج بیرون آمدن از اروپا ، در سراسر جهان گسترش عمدتا به دلیل "نه دیگر ، فرم های سنتی تر از جامعه می تواند آن را مقاومت در برابر مدرنیته نیست... آیا پدیده ای منحصر ا غریبی در شرایط زندگی... پاسخ مستقیم به این سوال باید مثبت باشد

س از در نظر گرفته مهم ترین ابعاد نظری و فرهنگی ، از این روند ، ما به نوبه خود در حال حاضر به فهم تاریخی و تجربی از پدیده های مدرن. مدرنیته ، اوج ، نقطه بیان حداکثر از همه الگوی ترقی خواه فرهنگی و تمدن بود. ایدئولوژی پیشرفت ، تبدیل شدن به سکولار به طور فزاینده از مطالب ، در سراسر دوران مدرنیته مشخص اروپامحوری از روند تاریخی ، فرض جنبش اقوام مختلف ، در پله های صعودی را به عقلگرایی ، سکولاریسم ، *ekonomikotsentrizmu*. رابرت Nisbet ، به صورت انبوه را تعیین می مشاهدات از کلاسیک فکر اجتماعی و سیاسی در حال پیشرفت است اعلام کرد که به طور کلی مفهوم کلاسیک می تواند به عنوان ایده آزادسازی تدریجی بشریت می شود از ترس و نادانی بازدید ، در امتداد مسیر هرگز به سطوح بالاتری از تمدن. با رویکرد مراحل توسط تکامل است به فرزندی قبول شده ، *neoevolyutsionisty* ، مارکسیستها و *positivists* در مدت زمان طولانی تا آخرین دهه قرن گذشته ، غالب ، و در فرم غیر مستقیم ، و در حال حاضر کاملا متداول در غرب ، تا حد زیادی حفظ روح اروپامحوری و علم.

در نظر گرفتن عناصر فرایند مدرنیزاسیون است که مناسب را در زمینه چهارچوبی از تاریخ اجتماعی ، علوم سیاسی و اقتصاد ، ما به نکات زیر توجه کنید. تا قبل از نیمه دوم قرن XX ، برتری واقعی تمدن غرب بر بقیه جهان غالب آن بود ، اگر مطلق نیست. به عنوان یک آلترناتیو ، غرب از مسیر توسعه برای بیشتر از قرن گذشته ، طرفداری پروژه سوسیالیستی است ، نومیدانه تلاش برای رسیدن به شاخص های اقتصادی کمی از کشورهای پیشرو مدرنیته.

گزینه های مدرنیزاسیون سوسیالیستی با تجربه در طول قرن XX در کشورهای مختلف در سراسر جهان ، به ویژه در شوروی سابق بودند انطباقی عمدتا پاسخ به غیر جوامع غربی ، شتاب رادیکال پویایی تاریخی و *culturalsocio* در داخل محدوده مدرنیته برقرار شود. این اتفاقی است که در خارج از این منطقه به طور عمده گزینه سوسیالیستی تلقی مدرنیزاسیون بود ، چون او در ادامه در راستای ذهنیت *collectivist* از غیر جوامع غربی. به طور طبیعی ، یکسان به درخواست تجدید نظر از نسخه سوسیالیستی ارتقاء داده شده بود نه برای برخی غیر کشورهای اروپایی هستند ، کافی برای

ارائه فرآیندهای مدرنیزاسیون در ژاپن و برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی، مرسوم به عنوان "ببر" و "اژدها" در آسیا می گویند.

ده سال پس از شروع آزمایش سوسیالیستی در روسیه Lunacharskii در نظر گرفته و موقعیت از نویسندگان اروپایی، فیلسوفان، سیاستمداران و ارزیابی امکان را به دخالت در الگوی ترقی خواه از غیر جوامع غربی، با استفاده از انواع مختلف مدرنیزاسیون سوسیالیستی. آنها باور داشتند که خود بخود جذب آسیا را از اروپا به دنبال قرض گرفتن مواد، فعالیت های بدنی را به آتش است، اما عملاً غیر ممکن برای دستیابی به انتقال مکانیکی نظام سرمایه داری را در آسیا، غیر اروپایی به طور کلی، خاک. آسیا در این مرحله از توسعه خود را درک نمی تواند از اروپا، این میل به پیشرفت در حوزه های زندگی مادی به طور مستقیم، از طریق تصویب نظام سرمایه داری، بازار آزاد، مقدمه ای از دموکراسی سیاسی و حقوق بشر است. اما غیر مستقیم نفوذ اروپا در آسیا و احتمالاً از طریق Bolshevism، که می تواند انجیل جدید برای توسعه منطقه آسیا به خود را در این بخش و را تولد تازه یافته می شود: "او خواهد بود که بر اساس ایدئولوژیک بازیابی در آسیا، یعنی اکثریت قریب به اتفاق انسان ها. اما موفقیت و تعالیم و جنبشهای خود را در غرب محدود خواهد شد. شما خودتان تملق گفتن".

چگونه سوسیالیسم گرایی نزدیک آسیا، تا کنون به عنوان فردگرا یورو در تمدن اقیانوس اطلس، جایی که او شناس *vanishingly* کوچک است. امروز، با توجه به فرایند مدرنیزاسیون در نگاه به گذشته تاریخی، از آن مشخص شد که "در حال حاضر وجود دارد و توسعه در بسیاری از فرهنگ ها و تمدن. مشکل دقیقاً نهفته در این واقعیت است که این تمدن ها با اجزای مشابه بسیاری، و همواره در پیدا کردن نقاط تقاطع میان آنها، همچنان به تحول، ایجاد نسخه های جدید از جنبه های مختلف نوگرایی، هر یک از ارائه برنامه های خود را توسعه فرهنگی است. همه این کمک به تنوع و گوناگونی رویکرد به درک درستی از مدرنیسم و به ارزیابی از برنامه های فرهنگی، به جلو توسط بخش های مختلف جوامع مدرن قرار داده است.

جایگزین پیش نویس دوم، با این حال، فراگیر نشده است، پروژه مدرنیزاسیون را از طریق انقلاب محافظه کار بود، فاشیسم در ایتالیا و سوسیالیسم ملی در آلمان را مشاهده کنید. توجه داشته باشید که استفاده از مدل نوسازی شده است تا حد زیادی به دلیل داشتن سرنوشت مشابه تاریخی است. و آلمان، در سراسر قرون وسطی *strove* برای احیای امپراتوری روم، و ایتالیا، جایی که در قرن سیزدهم، تجارت در شهرستان رونق - جمهوری، با معیارهای تاریخی خیلی دیر به الگوی شکل گیری دولتهای ملی نقل مکان کرد.

واقعیت است که شهرستان تجاری شهرستان از جمهوری ها و فرم های امپریالیستی از ایالتی، به میزان کمتری نسبت به دولت های ملی، کمک به سرعت بخشیدن به شدت پویایی تاریخی و *sociocultural*. نتیجه این کاهش فرآیندهای دینامیکی نازل شده است تاخیر در فرایند اتحاد دولت، آلمان و ایتالیا موفق شدند برای حل این مشکل فقط در سال 70 از قرن نوزدهم. تا حد زیادی به دلیل این شکل گیری از اساطیر ملی در این کشورها شکل گرفته تا مهاجم.

تجزیه و تحلیل فرآیندهای مدرنیزاسیون، ما باید به یاد داشته باشید که آنها نمایندگی سنتز مترقی و مغلوب به پویایی، پیشرفت و پس رفت، اگر چه زمانی که در چهار چوب به اندازه کافی طولانی *diachronic* مشخص شده توسط شروع به جلو در نظر گرفته. به عنوان مثال از پاسخ منفی انطباقی به چالش یورو در تمدن اقیانوس اطلس می تواند در نظر گرفته از تجربه رژیمهای توتالیتر در قرن XX، از جمله، بالاتر از همه، تجربه آلمان نازی و تا حدی استالین اتحاد جماهیر شوروی. در داخل این اجتماعی پروژه های فرهنگی و دست آوردهای تکنولوژیک نو، در حالی که انکار شکل دموکراتیک از سازمانها و جامعه، حقوق بشر، قوانین شدید ترین از پتانسیل خلاق فردی است. رژیمهای تمامیت خواه قرن XX حفظ پوسته بیرونی از جامعه مدرن، ترک آن ضروری است، بنیادهای هستی شناختی.

در این راستا، جالب است و موقعیت آن را از ع Akhiezer، مشکلات در ارتباط با شکل گیری بنیادهای سیاسی جامعه مدرن، چالش ها و مشکلات ناشی در این راه بررسی کرده است. آن را به کشور های موج دوم و مدرنیزاسیون آلمان قرن گذشته به آن تعلق دارد، تا به پشت سر نظر سیاسی و اقتصادی بیشتر کشورهای در حال توسعه عقب مانده. آلمانی سوسیالیست های ملی سعی در تطبیق تکنولوژی جامعه باز به اهداف مدرن توتالیتر، جامعه بسته شده است. سوسیالیسم ملی در آلمان واکنش به افزایش اجتماعی داخلی، بحران های فرهنگی، و شکست سیاست خارجی بود. در این مورد، بلکه استفاده از قدرت و مدرنیزاسیون در زمینه کاربردی، استفاده از دست آوردهای خود را در تکنولوژی، ساخت و ساز نظامی، و بخشی دیگر در اقتصاد است.

رژیمهای توتالیتر، به دنبال تطبیق برخی از این تحولات را برای بازسازی کهنه، جامعه بسته، ایدئولوژی است که ترکیبی از عقلانیت و بی خردی، با تکیه بر علم و در زمان مشابه، بر اساس افسانه کهنه ترین از آگاهی اجتماعی است. حتی در 1923، ادبیات کلاسیک آلمان، توماس مان گفته است که "آلمانی ها به درخواست متعهد به... می شود که مردم اروپا به نام آزادی، این امر می تواند... معادل به درخواست او را به ارتکاب خشونت علیه طبیعت است.

در نیمه دوم قرن XX وضعیت تغییر بنیادین، آلمان، پایین، آغاز از بخش غربی آن، تبدیل شده است و جدایی ناپذیر، پس از آن، یکی از عناصر کلیدی طرح های اروپایی مدرن می باشد. بسنده بودن آن راه دشوار در حال حاضر انجام شده و یا همچنان در آن مسیر و برخی کشورهای دیگر از قاره اروپا، از جمله ایتالیا و اسپانیا و بعد از آن لهستان، مجارستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی سابق حرکت می کند. ما به چهار چوب تاریخی از فرایندهای مدرنیزاسیون در این کشور اروپایی درخواست تجدید نظر، نه تنها به منظور تأکید بر تنوع آنها در مقیاس داخلی، بلکه همچنین تأکید بر وعده *determinacy* از سرنوشت تاریخی مردم مختلف از گذشته تاریخی خود را.

بقیه مردم، اغلب در سال پس از جنگ جهانی دوم به عنوان یک کشور "جهان سوم" مشخص، نه تنها قادر به ارائه هیچ طرح جایگزینی معنی دار است، بلکه گزینه های قوی توسعه محلی برای غیر کشورهای غربی. وضعیت تغییر کرد در نیمه دوم قرن XX، زمانی که موفق شدند وجود دارد، رقابتی گزینه برای تولید مثل مدرنیته در خارج از تمدن غربی. تفسیر او از مدرنیزاسیون هستند پویا، اقتصادی و اجتماعی موفق کشورهای آسیایی، کشورهای متعلق به تمدن اسلامی، در تلاش برای استفاده از فعالیت های اقتصادی از نهادهای دینی (ممنوعیت بهره وام ها در سنت قرآنی). با توجه به نقطه مشاهده، Eisenstadt، S. "تناقض -- بین منحصر به فرد از غرب و آنچه که وی مانند یک مدل برای سایر نقاط جهان بود، اما از سوی دیگر، پویایی خاص از تمدن های دیگر، این واضح بود در زمان مارکس و وبر ندارد، به عنوان گسترش سرمایه داری و مدرنیزاسیون در خارج از اروپا شد در مراحل اولیه. اما آن تبدیل شده است خیلی بیشتر آشکار در مراحل بعد از نوسازی پس از جنگ جهانی دوم.

این تناقض پیدا کرد بیان نابرابری مشهود در رک بین رشته های مختلف در طراحی و توسعه تمدن از دنیای مادی، در حوزه زندگی اقتصادی است. I. Wallerstein توسعه نظریه نظام جهانی، توضیح درجه ای از نابرابری بین کشورهای اول (دولت مدرن) و جهان سوم. روند تشکیل یک نظام جهانی روابط اقتصادی و سیاسی را بر اساس توسعه اقتصاد جهانی سرمایه داری، از آن زمان، حداقل، از قرن شانزدهم. اقتصاد جهانی سرمایه داری نشان میدهد وجود هسته نیمه حاشیه، حاشیه و خارج از عرصه

ایالات هسته I. Wallerstein صفات: بریتانیا، هلند، فرانسه و بعداً عضو شده در شمال این کشور، غرب اروپا است. آن را در این جوامع، اشکال مدرن از کسب و کار، انقلاب صنعتی است. آمریکا، واقع در جنوب اروپا، در سراسر مدیترانه، را تبدیل به نیمه حاشیه از هسته. بخشی از سرزمین های آسیایی و آفریقایی متعلق به امور خارجه، به عنوان آنها عملاً انجام روابط تجاری با کشورهای هسته تحت تأثیر قرار ندارد. فرایندهای استعمار و فعالیت های شرکت

های عمده کشورهای آسیا و آفریقا را به زندگی اقتصادی جهانی در تلاش اند. I. Wallerstein استدلال میکند که کشور مسلط در جهان در حال دانه سیستم قادر به کنترل فرآیند تجارت جهانی، جهانی اول کشور را فرصتی برای بهره برداری از منابع کشورهای جهان سوم.

یکی از جنبه های اساسی از فرایند است، ظاهراً در زیر است. تمدن غرب است دوره مدرنیته شده است به طور فزاینده در سطح افقی در حال توسعه، به طور فزاینده خود را ترک کوچک شدن، عمودی ابعاد است که تجلی، به ویژه، در تبدیل و غنی سازی، محتوای مسیحی سکولار در تکوین سیستم های معنایی و فرهنگ subsystems. (کمتر از جهت عمودی، ما درک می کنیم ارزش ابعاد متعالی sacral - تحت جهت افقی -- ثروت). بدون فرهنگ ها و تمدن غربی را برای مدت زمان طولانی می تواند به تماس، از غرب تا حد زیادی به دلیل سلطه از اندازه گیری های عمودی افقی در بالا پاسخ ندارد. پاسخ، contours از آن شروع به توسط پایان قرن گذشته پدیدار شده است که سعی اجتماعی به سرعت، پویایی فرهنگی، که شامل اشکال زندگی اقتصادی، سازمان های اجتماعی، فناوری، و غیره، در حالی که حفظ ابعاد عمودی استراتژی زندگی، معنوی آن (عمدتاً دینی) جزء.

لازم به ذکر است که در فرایند izingcivil تمایل به "سازگاری و رسیدن به" دولت مدرن، بدون از دست دادن، یا دست کم نه دگرگونی ریشه ای هویت سنتی تمدن، مشکل ساز است. در مورد اجرای عملی این پروژه حمل و نقلی است که به دست، که معمولاً در هزینه های نیروهای تنش شدید در جامعه و دولت، دریافت چند سیستم جهت نمی تواند به طور موثر عمل در هر یک از این هواپیما. همچنان امروز و خوی بچگانه mifologizm آگاهی جمعی، و نه تنها در روسیه، همچنان به امکان دستیابی به طیف وسیعی از مزایای تمدن و استانداردهای زندگی توجه کند، در حالی که فدا کردن هیچ چیزی معنی دار نیست. به عنوان مثال، گفت: اعراب و مسلمان اندیشمندان دینی سید قطب، که به توصیف جامعه آرمانی اسلام، که در زندگی مادی خود را با سطح مدرن (غربی سازگار باشد) تمدن است، اما "در روح، ایدئولوژی -- اعتقادات مذهبی، عقاید درباره زندگی، اهداف وجود انسان، جایگاه انسان در جهان، از ویژگیهای خاص آن، حقوق و مسئولیت ها -- در بر اساس صرفه جو بود.

بدین ترتیب، فرایند مدرنیزاسیون قرار دارند در نظر گرفته به عنوان یک قاعده، در سه معنی متفاوت است. همانطور که توسعه داخلی از کشورهای غرب اروپا و شمال آمریکا، با اشاره به جدید اروپا وقت گرفتن به بالا نوسازی، که از سوی کشورهایی که به کشورهای گروه اول تعلق ندارد، اما می خواهم که به عقب، و فرآیندهای نوآوری معاصر است که برای کشورهای متعلق به تمدن غرب مشخصه هستند.

ما بیشتر علاقه دارند در فرآیندها، ترکیب شده و در گروه دوم، از روسیه در سه قرن گذشته، هرچند با جنبش پسرونده، انجام پروژه های نوسازی آن است. این به این معنا نیست که در خارج از حوزه توجه ما به چهره های مختلف مدرنیزاسیون، مدرنیزاسیون از سیستم فقط در چهار چوب گسترده ای از درک ممکن از شاخه های جداگانه ای از نوسازی. نویسندگان مختلف پایبندی به دامنه نسبتاً گسترده ای از مشاهدات را به عنوان تعریف چارچوب زمانی و مدرنیزاسیون، و همچنین بنیاد هستی شناختی آن، است که به وضوح در اکثر تفاوت میان تجلی جهانی (با مراحل) و محلی (تمدن) روش.

در چارچوب تئوری های مدرنیزاسیون کلاسیک، آشنایی بازگشت به سنت مسیحی universalism، مدلی از فرایند مدرنیزاسیون در روح تاریخ گرایی جهانی توسعه یافته، مشترک به همه مردم و توسعه تمدن ها در مناطق محلی است. تغییر هویت فرهنگی به عنوان یک نتیجه اجتناب ناپذیر تحولات اجتماعی و فرهنگی، شاخص به اصطلاح رادیکالیسم آنها مشاهده شد. تنوع از واقعیت های تاریخی و sociocultural باید توسط یکسان، بیشتر یا کمتر موفق اجتماعی قالب غربی، گفتمان های فرهنگی جایگزین شده است. در سال 50 از قرن گذشته، P.-J. سارتر، بیان غالب در

گزارش محیط زیست روشنفکری ، نوشت که "تعدد از ارزشهای داستان می تواند در پایه آن می شود تنها بر اساس آینده خود را تحکیم می شود... وظیفه تاریخی ما در مرکز چند ظرفیتی از جهان است به لحظه ای که عجله سابقه خواهد بود تنها یک معنی ، هنگامی که تمایل به آن در افراد خاص انجام آن با هم حل داشته باشد. "

در حال حاضر در سال 70 از قرن گذشته ، ویلیام مور ، توصیف پویایی غیر جوامع غربی ، نوشت که "همه در یک جهت روند ، با وجود اختلاف در امتیازات ، مرزها و موانع ، به روز رسانی -- این است که انطباق با اصول عقلانی و سازمان های اجتماعی و اجتماعی فعالیت های فرهنگی. چنین فرایند عقلانی منجر به رشد همگرایی. مدرنیزاسیون چرا - مسیر همگرایی کشورهای مختلف تاریخی با سرنوشت در یک جامعه جهانی پست. "

در چارچوب تمدن مدرن غربی را به عنوان ایده آل وجود فرد در نظر گرفته شده است که به دنبال فردگرا با خدا خالق است ، که باعث ایجاد یک نگرش محتاط در مناطق کمتر سکولار به رقابت بپردازند. انسان بدون جهان غرب می تواند به عنوان ارتقا "مختصر و فرم hypertrophied از تمدن غرب خود را".

Unifying رویکرد به مدرنیزاسیون از غیر جوامع غربی دارای دو جنبه است واکنش در خارج از محدوده سنتی به مدرنیته ، متمم vesternizatsionnyh تلاش های ملی نخبگان به نفی کل خود را قطعی sociocultural ، سنت مذهبی ، مفهوم مکان در جهان خدا و انسان : "... منشاء دینی و فکری توسعه در مفهوم کاملا غربی است غیر قابل قبول برای غیر اروپایی فرهنگ ها. در آینده نخواهد بود در نتیجه تسلط یکی از تمدن غرب ، با درک خود را از آزادی ، تمدن ، عقلانیت ، و غیره ، و به جهان از ارائه بسیاری از تمدن ها ، کمک به توسعه دانش ، هویت خود را ، و اعمال برای ایجاد بیشتر انسانی ، اقتصادی ، اجتماعی و قابل دوام جامعه فقط .

پیشنهاد разноцветье آینده فرهنگ ها و تمدن های مختلف ، که هر کدام ادعای مدرنیته بیتی خود را به احتمال زیاد ، اما این امور حاکی از برخی از "ابعاد" عمومی مدرن ، منجر به ناتوانی در منزوی ساختن و تعمیر همه جانبه خود ، unifying تصویری. در بادیه نشین شتر با تلفن همراه ماهواره ای یا بیشتر که اثبات تمدن مدرنیته به این منطقه از جهان گسترش نمی باشد. زن در برقع ، محروم از حق رای یکسان ، به عنوان ، در واقع ، اغلب آنها را محروم و مرد رانندگی غرب ماشین ، نشانی از موفقیت و مدرنیزاسیون معنا نیست.

جزئیات مربوط به نشان دادن زندگی روزمره تنها شبیه سازی فرایند مدرنیزاسیون ، و نه چیزی بیشتر. در حرکت در جهت مدرنیزاسیون در مقدار ممکن است تغییرات سازمانی ، منعکس کننده مکمل توسط رادیکال تغییر ذهنیت فوق بدوی. ما باور داریم که علیرغم مخالفت و حتی مقاومت در برابر بی درنگ به مدرنیزاسیون در مناطق مختلف از عدم جهان غرب می تواند تعداد مورد نیاز برای همه ی بسته های از مدرنیزاسیون از تحولات را ندارند ، و یکی نمی تواند پشت آن مخفی euphemism از کثرت و تجدد در حال ظهور. همانطور که در میان اصلاحات اقتصادی ، پدر لهستانی معجزه اقتصادی L. Balcerowicz : "هر کشوری ، با نقطه نظر واقعا خاص. اما این به این معنا نیست که استفاده از روش موفقیت آمیز برای درمان یک بیماری خاص که اقتصاد گرفتار آن وجود دارد. چینی ها و روس ها ، البته ، از یکدیگر متفاوت است ، اما اگر آنها مریض ، مانند سل ، آنها باید تحت درمان به طور مساوی.

این بسته های ضروری در نوسازی تحولات مورد بحث در جزئیات. اجتماعی و فرایندهای فرهنگی که در سال موفق ترین های اقتصادی ، زمینه اجتماعی ، سیاسی و ژئوپولیتیک ایالات متعلق به تمدن غرب ، در قرن XX که گسترش جهانی است. در سطح اجتماعی سازمان فرهنگی از جامعه ، این فرایندها به شکل جنبش ها از صنعت گرایی تجلی به بعد صنعتی در حوزه های اقتصادی ، در سیاست به عنوان یک جنبش از رژیم های استبدادی به دموکراتیک ، حقوقی به عنوان یک گذار از سنتی به حق قانونی. گفت : "این به تغییرات در حوزه اجتماعی به دانش قابل توجه و چشم انداز مطابقت : تغییر مکان در حوزه های مذهبی قابل توجه است از مقدس به اعتبار جهان نظم سکولار ، و در فلسفه -- از monistic به فهم

پلورالیستی از جهان ، در هنر -- از میل به وحدت stylistic به polistilistike ؛ در علم -- از عین گرایی فلسفه مادی به اصل anthropic. عکسبرداری با یکدیگر ، اجتماعی کلی فرهنگی روند مدرن سازی نامیده می شود.

این خصوصیات از فرایند مدرنیزاسیون ، به نظر ما ، شایسته توجه جدی و اساسی. از نقطه نظر ما را از مشاهده ، فرآیندهای مدرنیزاسیون پوشش تمام زمانها اروپایی مدرن ، که در حدود سه قرن ها ، نه تنها در طول قرن XX است. در جنبش عرصه اقتصادی به جامعه ologicallypostindustrial chronol باید به نیمه دوم قرن گذشته اعمال شود. با توجه به جنبه های سیاسی جامعه فرایند جایگزین رژیمهای دیکتاتوری به جای دموکراسی در اروپا در همان دوران انجام گرفت ، با حرکت در زمان های alternated به پایین ، به عنوان آن بود ، به خصوص در آلمان ، اسپانیا ، ایتالیا ، اتحاد جماهیر شوروی در نیمه اول قرن XX. این روند ادامه دارد ، امروز ، همانگونه که انقلابهای دموکراتیک در شرق اروپا و ایالات متحده از جایگاه اتحاد جماهیر شوروی سابق در نوبت 80 - 90 - نشان داد ies از قرن گذشته. در حوزه حقوقی جامعه از جنبش متعارف به حق قانونی است حتی بیش از دور سابقه تاریخی ، در وهله اول ، استفاده از کشورهای اروپایی ، قانون روم ، در ویژگی های اساسی آن است که در دوران امپراطوری روم تحول زیادی یافته است.

عطف به زمینه های اجتماعی به دانش قابل توجه و چشم انداز ، من می خواهم به یاد داشته باشید به شرح زیر است. روند هتک حرمت از جهان ، انتقال به یک نظم جهانی سکولار نیز توجیه از همان سن تا دوران مدرن ، به تدریج به دست آوردن قدرت ، کلیت ، و در نتیجه معتقد به فلسفه عقلانی تر و اجتماعی و فرهنگی ، کثرت در حوزه زندگی عمومی است.

بنابراین ، ما به نوعی ، بسیاری از مشکلات تمدن نوگرایی و مدرنیزاسیون فرایند توسط دانشمندان غربی ، شامل تعریف و مطالب مربوطه می باشند.

مدل او ارائه می دهد A. گیدنز جامعه مدرن ، با قرار دادن تأکید بر تعدد تظاهرات رسمی و سازمانی خود را ، که در چهار محور سازمانی گنجانده شده است. محور اول صنعتی است ، گیدنز تعریف شده به عنوان یک سیستم از روابط اجتماعی بر اساس استفاده بزرگ مقیاس از انرژی و فن آوری در فرایند تولید می باشد. موسسه دوم محور سرمایه داری مدرن ، دیده به عنوان یک سیستم تولید مبتنی بر کالا در بازار رقابتی ، تولید و نوع خاصی از کار است. محور سوم از جامعه مدرن شده توسط روابط عمومی موسسه نظارت ، که بر اساس افزایش ، در مقایسه با دوره ملوک الطوائفی ، نهادینه شدن ، complicating دولت است. سیستم اداری جامعه مدرن را باید در شرایط کنترل در نظر گرفته شود ، بدست آمده از طریق جمع آوری و استفاده از اطلاعات. بعد چهارم شامل اشکال نهادی از کنترل بیش از انحصار دولت مدرن با استفاده از خشونت در داخل مرزهای ملی خود را.

A. گیدنز ، با توجه به اصول سازمانی و سازماندهی مدرن ، نشان میدهد که دو عامل : ملت دولت و نظام تولید سرمایه داری. شجره شناسی آنها بازگشت به صفحه ویژگی های خاص از تاریخ اروپا. شباهت ها در ادوار مختلف تاریخی و بستر فرهنگی هستند ناچیز. دسته گسترش آنها در سرتاسر جهان تا حد زیادی به دلیل محل قدرت تولید شده توسط آنها را گرفت : "خیر دیگر ، فرم های سنتی تر از جامعه می تواند آن را مقاومت در برابر نشده ، در حالی که انزوای کامل نگهداری از روندهای جهانی است. آیا مدرنیته را پدیده ای منحصر غربی از نظر سبک زندگی ، fostered توسط این دو قدرت بزرگ تحول؟ پاسخ مستقیم به این سوال باید بله.

با این حال ، تضعیف قابل توجهی از اروپامحوری و حتی کامل خود را از اخراج تعدادی از گفتمان های علمی و فلسفی را کمک به جمع بندی ایده های خاصی در مورد مدرنیزاسیون. بدین ترتیب به وجود آمد مفهوم "چند مدرن" ، به عنوان ، به ویژه ، می گوید جامعه شناس مشهور و نظریه مدرنیزاسیون S. Eisenstadt. کاربرد مدل های مختلف مدرنیزاسیون منبع خلاقیت بیش از حد ، توانایی های ، گزینه های برای توسعه های آینده است.

در نظر او از مشخصات بارز مدرنیته می دهد لا Pellikani. با توجه به نقطه نظر خود را ، مدرن -- این تمدن ، که شامل خودمختاری subsystems ، حق رای ، نهادینه شدن تغییرات اجتماعی ، انطباق با اصول عقلانی ، فرهنگ سکولار ، حاکمیت قانون ، حقوق جهانشمول شهروندان.

D. برگر ارائه تعریف خود را از اصول اساسی است که پی ریزی نظریه مدرنیزاسیون. مدرنیزاسیون است در درجه اول درونی برای رسیدن به جامعه ای که در آن فرآیندهای مدرنیزاسیون unfolding ، فرایندهای نوسازی ، برای نمونه بخش های مختلف اجتماعی و حوزه های فرهنگی مختلف تکمیلی ، به صورتی که ، از یکدیگر حمایت کنند ، کشورهای پیشرو را در فرایند مدرنیزاسیون ، کسانی که به مانع نیست در مراحل قبل ؛ فرآیندهای مدرنیزاسیون را جهت معمول است. از نقطه نظر ما را از مشاهده ، با ارزش ترین اینجا اختصاص تغییر نهادی اجتماعی است ، شکل گیری جدید ، نهادهای سکولار ، مستقل ، منطقی. آن را به مادیت و اجتماعی بسیار مهم است و فرهنگی حوزه ، خودمختاری بیشتری از subsystems فرد آن ، از شکل گیری یک نظام سیاسی دموکراتیک بر قانون (رم در مبدا) قانون ، اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

بر طبق این روش ها کلاسیک نوسازی فرآیندهای مدرنیزاسیون توسط پیوند سلسله شناسی خود را از نهادهای سیاسی غرب ، جامعه باز ، حزب دموکراسی همراه شده است. با نفوذ خود را در بخشهای مختلف sotsiokultury است تغییر تدریجی در نوع شخصیت غالب ، یعنی وجود دارد نوع فعال آن "شروع می شود" را به غلبه بر تماشاگر عددی (سنتی) نوع "ب". در خط اول زندگی عمومی می رود هویت نظامی ، طرح ریزی جان خود را در بخش منطقی ، شخصی و رفتار روزانه که مصمم است توسط آرمان ها نیست ، بلکه منافع است. از آنجا که آرمان های کاملا انتزاعی است ، اما منافع خاص ، یعنی گذر از سلطه به یک دیگر و اجازه می دهد تا ریشه بگیرند در نهاد مدرن سازی کشور از دموکراسی پارلمانی ، پس از همه ، به منظور آگاهانه از یک حزب خاص سیاسی باید به روشنی درک و منافع آنها را تا چه حد است که آنها در این برنامه بیان شده است و عملا خط مشی این حزب رای بدهند.

مدرنیزاسیون نیز افزایش می دهد تفاوت در خرده فرهنگ از نخبگان و neelity ؛ طولانی باقی می ماند یک سوال باز در چه جهت خواهد جامعه را در چهار چوب حرکت که در آن خرده فرهنگ عمده سیاسی جهت متفاوت است. سوال تا چه اندازه باید اجتماعی و سنت های فرهنگی یک جامعه مدرن تغییر ، خطاب پوستریوری ، تغییرات زمان بندی ممکن است پیش آگهی بینایی ، اما نتیجه نهایی معمولا مشکل داشته باشد. در هر صورت ، برای پیاده سازی تحول نوسازی نیاز به یک بار به اندازه کافی بزرگ تاریخی ، به دلیل بالاتر از همه ، از ذهنیت تغییر کند.

E. Allard ، انتقاد از تئوری مدرنیزاسیون کلاسیک می گوید ، از مفهوم "چند مدرن" مورد استفاده در کار S. Eisenstadt. سلسله شناسی برمی گردد به جهان مدرن غربی. فرم های سازمانی از جمله ملت دموکراتیک دولت ، اقتصاد بازار ، آموزش و پرورش و دانش علمی است. با این حال ، حوزه نهادی از نوگرایی سازمان های اجتماعی تا حد زیادی متفاوت بود ، در جوامع خاص. در اغلب جوامع از فر و شرق میانه ، افریقا و اتخاذ مدل اولیه توسعه فضایی. نخبگان و neelity برداشت تا بسیاری از ویژگی های مهم مدرنیته غرب ، پذیرش و رد از انتخاب عناصر مختلف را بر اساس درک از منافع خود هستند. مدرنیزاسیون از غیر جوامع غربی با روند تفسیر و reformulations همراه بود تجربه .inokulturnogo implantable

با توجه به نقطه مشاهده ، C. Eisenstadt ، این فرآیند را به تمدن جهانی منجر نشده است ، اما به تغییرات مختلف مدرنیسم. نگرش به سنت فرهنگی است که موانع آشکار به مدرنیزاسیون بود به عنوان یک شرط لازم برای موفقیت آن را تصور دگرگون کرد : "فرهنگ" است متوقف می شود رئیس بد ، خوب بود. "

برای موفقیت در حال حاضر و حتی بیشتر را برای تثبیت نتایج متوسط فرایند مدرنیزاسیون بسیار مهم است سازمان سیاسی تبدیل کردن جامعه است. در نظر گرفتن فرایند مدرنیزاسیون در چشم انداز تاریخی است که نشان می دهد که تغییرات در سازمان سیاسی جامعه ، که معمولاً در اواخر ، دور و عقب مانده ، با توجه به نه تنها به عنوان چیزی ثانویه ، و این چیزی است که با آن امکان پذیر است صبر کنید ، اما اغلب به عنوان مضر ، آنچه را به ارمغان می آورد شهروند از حالت وابستگی تقریباً مطلق در دولت است.

وابسته به مردم ، و بخصوص بردگان ، معمولاً راحت تر به مدیریت و کنترل آن به طور موثر کاهش می یابد به سفارش ، که مورد بحث نیست ، بلکه اجرا در آمد. مناسب است آن را به یاد واژه پیتر من : اتباع خارجی که «می گویند که من آن را فرمان برده. این درست نیست : آیا تمام شرایط دانند. مطالب من فرمان موجب اطاعت من ، این موجب شامل سود ، آسیبی وارد نشود دولت است. شما باید بدانید که چگونه برای اداره مردم است. آزادی زبان انگلیسی را در محل نیست ، به عنوان نخود دیوار... ". خلاصه ، ما به این توجه داشته باشید که ممکن است موجب آسیب برساند و به نفع هر دو ، حاوی اما نه سود و نه آسیب فراتر از کنترل جامعه هستند.

در حال حاضر در قرن XX ، هرچند به دلایل مختلف ، نخبگان از رژیمهای توتالیتر ، نه تنها درک نمی کنند ، اما به عنوان رد منحنی و مضر اصول سازمان سیاسی مدرنیته جامعه است. نقش جامعه مدنی در اطمینان حاصل کردن از فرآیندهای پویا در کلیه عرصه های زندگی ، از جمله علم ، صنعت ، امور نظامی و رشته های انسانی فرهنگ ، به طور کامل تنها در نیمه دوم قرن XX متوجه شد.

به رسمیت شناختن این بود مطلق نیست ، تجربه تعدادی از غیر جوامع غربی در نیمه دوم قرن XX نشان می دهد که از آن استفاده میکنند الگوهای ایدئولوژیک و شیوه های وجود روزمره بر میگردد به سنت گرایی. راه تحول نهادی و ارزش هنجاری است طولانی ، حتی در اروپا است. فقط به یاد داشته باشید که در نهایت شکل گیری مدرنیته در اروپا ، تنها پس از جنگ جهانی دوم انجام گرفت ، زمانی که مدار یورو جهان اقیانوس اطلس (supertsivilizatsii) لیبرال ، در واژگان از (Akhiezer .A) عضو شده در غرب آلمان است.

توجه داشته باشید که در اغلب جوامع مدرن مشاهده coarsening inokulturnyh کاشته نمونه ، کاهش خود را به شکلهای بدوی. U. Gunners با توجه به تعدادی از مدل های تعامل میان فرهنگ ها -- دهنده و گیرنده ، که چگونه با تاکید بر رایج ترین سناریوی "فساد محیطی. جوهر این سناریو است در فرآیند فیلتر کردن بالاترین دستاوردها و ارزش های فرهنگ اهدا کننده ، تثبیت سطح تعامل فرهنگی در براکت پایین تر ، تعریف شده توسط فرهنگ دریافت کننده.

در سال 30 - ies قرن XX در تاریخ روسیه به این مواد از موضوع همان درمان و تروتسکی. از نقطه نظر او ، "یک ملت غالباً vulgarises دستاوردهای بیرونی ، آنها را به تطبیق خود را بیشتر فرهنگ بدوی. در این فرایند بسیار جذب می شود و مورد بحث است. بدین ترتیب ، جذب عناصر معینی از علم و تکنولوژی غربی ، نه به ذکر است وام گرفتن نظامی و صنعتی ، که توسط پیتر من به تقویت غلامی. سلاح های اروپایی و وام های اروپا -- محصولات از فرهنگ بالاتر -- tsarism منجر به افزایش ، که ترمز توسعه تبدیل شد. "

در نتیجه ، ما در حال حاضر از نظر یکی از محققان برجسته در هنر نو ، استاد آلمانی ، W. بک : "مدرنیزاسیون است که نه تنها به شکل گیری قدرت متمرکز ، تمرکز سرمایه و به طور فزاینده پیچیده interweaving از تقسیم کار و روابط بازار ، تحرک ، مصرف انبوه ، و غیره روستا ، اما -- در اینجا ما به یک مدل کلی آیند -- سه گانه "فرد" : آزادی از نظر تاریخی شکل تجویز و روابط اجتماعی در مفهوم سنتی از شرایط سلطه و نرم افزار ( "جنبه ای از آزادی" ) ، از دست دادن ثبات و سنتی در شرایط دانش موثر ایمان و اعتقادات و هنجارهای پذیرفته شده ( "razvolshebstvleniya" )



جنبه") و -- از آن به عنوان inverts معنای مفهوم -- نوع جدید اجتماعی و ادغام فرهنگی ( "جنبه ای از نظارت و استقرار مجدد).

پس از مرور مفاهیم اولیه در ارتباط با مفهوم مدرن ، ما می توانیم به این سوال که تعریف مدل روسیه به نوسازی آن specificities در مجتمع فرهنگی و تمدن تبدیل شود. ما در عین حال تاکید شود که تاریخی ، جنبه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مشکل ما عمدتاً در زمینه تصویر سازی ، توضیح و علاقه مند مکمل زاویه های فلسفی و فرهنگی مدرن روسیه است

## دوم. فرامین و مدل لیبرال و مدرنیزاسیون

توصیف فرآیندهای مدرنیزاسیون در روسیه ، تعداد زیادی از نویسندگان ، از جمله Murza-AA کارا و توسط Vishnevsky ، متوسل به اصطلاح "مدرن محافظه کار" به گنجاندن ویژگی های روسیه به تعدادی از کشورهای که در تلاش برای ورود کامل به مدرن ، تمرکز بر برای حفظ کند و یا دگرگونی ارزش های سنتی ، نهادها و روابط. "ما به سختی می توان از انقلاب های اقتصادی ، در اتحاد جماهیر شوروی سابق تحت شعار سوسیالیزم ساختمان" "انجام شد ،" محافظه کار "تردید. اما می تواند از آن باشد در غیر این صورت؟ XVII و یا به لایه های قرن XVIII تحت پوشش تمام لایه های بعدی تاریخی ، این لایه باید در جامعه وجود داشته و به اندازه کافی قوی باشد... "انقلاب محافظه کار" و چنین امتیاز به نام نوسازی. با ماهیت آن می تواند فقط به یک راه حل موقت آورد ، دیر یا زود در معرض بررسی کامل.

به یاد بیاورید ، شاید ، یکی از برجسته ترین نظریه پردازان انقلاب محافظه کار در جمهوری وایمار E. جوان ، که خود به عنوان یک بازسازی "همه آن قوانین ابتدایی و ارزش ها ، که بدون آن فرد از دست می دهد تماس با طبیعت و خدا و می توانند نظم واقعی ایجاد نمی دانستند. برابری باید به ارزشهای درونی و باورهای اجتماعی تبدیل خواهد شد -- باور به انصاف از جامعه سلسله مراتبی ، انتخابات مکانیکی -- fyrurerstva اصل آلی (leaderism) ، تهدید و اجبار اداری -- مسئولیت درونی خود واقعی دولت ، جرم شادی -- حق برخورداری از شخصیت مردم است. " E. یونگ اعتقاد داشت که وظیفه تاریخی مهم ترین رایش جدید خواهد بود که حفاظت از ایمان مسیحی و زیرساخت های کلیسا از تهدید ناشی از Bolsheviks ، آن است که برای همه انقلاب رایش جدید خود را برای دفاع از ارزش های سنتی قرار بود.

ما می بینیم که تعداد زیادی از ظواهر نشانه هایی از تحولات اجتماعی و فرهنگی لنینیست دوران استالین می توان شاهد بسیاری از این محافظه کار نوسازی ، مقایسه استالین اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیست ملی آلمان است کاملاً عادی ، شباهت ها در شعارهای ایدئولوژیک ، با این نسخهها کار از تبلیغ نا گذرا ، نقاشی و بسیاری از زمینه های دیگر هنر و زندگی گاهی طرز حیرت انگیزی از کلمه به کلمه. اما هیچ تفاوت معنیداری کمتر وجود دارد. در دهه های اول Bolsheviks اتحاد جماهیر شوروی به سوی حفظ و یا بازگرداندن هر گونه ملک سنتی با گرایش راه نبودند ، آنها می توانند امتناع ، خودداری و برای رسیدگی ، از جمله بروید و تولد دوباره آشکار مارکسیسم.

زمان "به منظور جمع آوری سنگ و گوهر" ، یعنی بیش از عناصر فرهنگ سنتی را از سمت چپ ، آنها قبل از غروب آفتاب از امپراطوری شوروی سابق ، خاموش آمد که ایمان خود را به عملی شدن پروژه ideokraticeskogo. رد معامله ، Bolsheviks نمی توانست خودداری ideokraticeskogo پروژه های امپریالیستی برای انجام ، ابتدا به عنوان یک مقیاس در سراسر جهان ، و سپس به مرزهای ترجمه شده که تا حد زیادی تکرار مرزهای امپراتوری tsarist. این پایه

در حالت استراحت است که اتحاد جماهیر شوروی و کاهش ارزش که منجر به فروپاشی بدن فرهنگی طبیعی جغرافیایی و اجتماعی از امپراتوری.

از نقطه نظر ما را از مشاهده ، استفاده از واژه "محافظه کار نوسازی" را در رابطه با روسیه نادرست است ، حداقل به دلیل هدف از خط غالب و مدرنیزاسیون روسی است به هیچ وجه از کیفیت دگرگونی سیستم از تمدن روسیه در جهت از عناصر مدرن است. این جدایی هر دو نشان داده شد ، قبل و بعد از انقلاب بلشویکی سال 1917. بنابراین ، L. Pellikani معتقد بود که انقلاب بلشویکی در روسیه بود "رادیکال تلاش برای جلوگیری از گسترش فرهنگ غربی. سیستم شوروی کوشید تا از تمدن غرب تنها علم و تکنولوژی را ، رها کردن بقیه. صنعتی ممکن است از Bolsheviks مورد استفاده برای مبارزه با غرب و در ساختمان جامعه خصمانه به فردگرایی و سکولاریسم "است که به بنیادهای بسیار از عناصر مدرن و خصمانه است. موقعیت های مشابه و مشترک توسط دانشمند مشهور انگلیسی در زمینه روابط بین المللی K. Coker ، فکر می کند که کمونیسم "به تشدید همه غیر غربی روسیه است. لنین محصول از عکس العمل روسیه در برابر غرب ، و نه کاتالیزور برای Westernization از کشور بود.

ما نظر به طور کامل صحیح نیست با توجه به روسیه و استفاده از واژه "ابتلا به نام" ، اگر چه برخی از نویسندگان مشغول به کار در رابطه با تحولات مدرن روسی ، معتقد است که روسیه در حال توسعه عمدتاً در چارچوب این مدل از نوسازی. با وجود این حقیقت که تعداد زیادی از موقعیتهای تاریخی ، جهت از اروپا (یا آمریکا) به عنوان پیشرفته و روسیه به عنوان یک سوار به بالا مطابقت ، اما زمانی که با توجه به وضعیت در چهار چوب از قرنها ، سابقه طولانی در تعامل / کنترل روسیه و اعضای غربی این مسابقه است و دیگر دوم ، حرکت در یک جهت های مختلف ، اما مسیر یک سویه. بردارهای متفاوت از مدار تاریخی ، الگوها تمدن ، اصول توسعه کاملاً مشهود است ، بنابراین مشکل است که صحبت کردن در مورد "ابتلا به نام" به معنای دقیق از این واژه.

ما باور داریم که وظیفه درک ماهیت فرایند مدرنیزاسیون در روسیه نیاز به معرفی یک ترم خاص قرار داده و در یک سری خاص typological. تز ما این است که به عنوان کلید قرار زیر هستند.

به عنوان یک نتیجه تاریخی قرن تعامل با تمدن غرب در روسیه توسعه یافته است وضعیت تولید مجدد به طور پیوسته است که در آن دارای دو جنبه اجتماعی روسیه ، بنیاد فرهنگی تمدن است ، مشخص و در داخل ثبات چرخه آونگ ، که در آن مدل های امپریالیستی غالب جایگزینها مدرنیزاسیون با یک جزء از مدل لیبرال شد. این فرایند مدرنیزاسیون نیز پایدار غالب -- مدل خود را از امپریال مدرن.

مدل های امپریالیستی از نوسازی چیست؟ برای پاسخ به این سوال لازم است به منظور تعیین آنچه آموزش و پرورش عمومی امپراطوری است. عمل فعلی استفاده معمول از واژه گلچینی رنج می برند معروف ، امپراتوری به نام کاملاً بی شباهت به پایگاه های داخلی خود را آموزش و پرورش عمومی است. نافذ از زبان روزمره به زبان علمی ، مفهوم امپراتوری خود را از vagueness و وضعیت dimensionless ایجاد عدم اطمینان قابل توجهی.

به طور کلی ، ما در همبستگی با سنخ شناسی از امپراتوری های ایستاده ، پیشنهاد مکان بسته گرافیکی Yakovenko ، امپراتوری به دو نوع اولیه : تقسیم استعماری و ideokratische (سنتی). امپراتوری های استعماری و نه kvaziimperiyami بودند ، وقتی که کلان شهر ، معمولاً از نظر جغرافیایی از مستعمرات حذف خواهند شد. در مظهر امپراتوری مستعمراتی امپریالیستی از بسیاری جهات است از استثمار و غارت مستعمرات ، و همچنین به عنوان یک اثر جانبی ، اجرای بخشی خاصی از ماموریت civilizing از انسان "سفید پوست" ستایش ، به ویژه ، توسط R. Kipling. اما امپراتوری استعماری و استعماری سیستم به عنوان یک کل یک پدیده محلی از دوران توسعه گسترده ای از تمدن مدرن و صنعتی اروپا به حکومت بر مناطق مشخص شده توسط وفور منابع طبیعی است.

سرخ شناسی از امپراتوری ، سعی کنید به تعیین آنچه در واقع به منزله شکلی از ایالتی روسیه. نویسنده های مختلف از موقعیت های مختلف و ارزیابی شد ارزیابی کیفیت امپراطوری روسیه و اتحاد جماهیر شوروی سابق. بنابراین ، دکتر خانوادگی Fedotov گفت : "روسیه امپراتوری ، از مرتب کردن. در آن ساختار های ملی و جغرافیایی ، آن را اشغال و موقعیت وسط میان بریتانیا و اتریش مجارستان. غیر آن ، مالکیت روسی از آن است و نه به وسیله دریا جدا می شود. آن ها ادامه بدن مستقیم از قاره خود ، و همچنین آرایه ای از جمعیت روسیه است با ویژگی های تیز حاشیه inorodcheskih از هم جدا نیست. اما شرق دور ، یا Turkistan ، در اهمیت اقتصادی و حتی سیاسی خود ، آن را با مستعمرات و کشورهای غربی سازگار است. Typological ، سپس تشابه کیفی با اتریش مجارستان حتی بیشتر قابل توجه وجود دارد.

در نوبه خود ، آلن Besancon امپراتوری استعماری اتحاد جماهیر شوروی ، و در نتیجه کاملا استدلال قانع کننده ، که ما تا حد زیادی با نظر موافق نیست : "اتحاد جماهیر شوروی سابق است که یک امپراتوری نیست. برای داشتن امپراتوری ، شما باید مردم ممتاز ، که عمدتا به روش های نظامی فتح و اهداف روشن است. همه این خصوصیات که روم ، اسپانیایی ، انگلیسی و فرانسوی امپراتوری. مردم روسیه انجام است دسترسی ندارند. او به "مزیت" را به عنوان یک متحد قابل اعتماد ترین کمونیم ، و رهبران حزب که عمدتا از صفوف خود استخدام -- حتی در جمهوریهای ملی است. اما این منافع است نه حقوق.

در هر دو مورد ، در نظر گرفته شده است یک نسخه از استعمار امپراتوری ، و واقعا می تواند وجود داشته باشد و موقعیت استدلال مخالف. از نقطه نظر ما ، این واقعیت است که روسیه / اتحاد جماهیر شوروی دارای ویژگی های خاصی است که آن را نزدیک به امپراطوری های استعماری ، اجازه نمی دهد که این راه ، طبقه بندی و. ما به طور کامل در همبستگی با نظر VF Galetsky بایستد ، که بر طبق آن "روسی ، ترکی ، اتریش و مجارستان از گروه های قومی imperoobrazuschimi بودند ، اما به نظر می رسد هنوز هم یک ساز در درجه اول شده است ، نه به ساختمان امپراطوری. این امر به ویژه از گروه های قومی و روسی و ترکی درست است.

به نظر میرسد که مشکل از تعیین ماهیت روسیه به عنوان یک غیر امپراتوری امپریالیستی ، و یا به شرح زیر است. امپراتوری های مستعمراتی امپراتوری متفاوت باشد میزان قابل توجهی از ideokraticeskih. تصور raticeskoideok امپراتوری است بسیار عمیق در محتوا ، از هدف از وجود آن است متافیزیکی وظیفه مهم است که سرزمین پروژه الهی. "اهداف و ارزش های امپراطوری قرون وسطی غیر منطقی هستند. آنها مافوق انسان. این ریشه Supertask و منبع از اشتیاق برای رسیدن به سلطه در جهان به نام افضل به درستی.

که از استقرار جهانی ، جشن خارج از حدود باید هدف غالب امپراتوری مذهبی ، و عملی ، اهداف عقلانی هستند و نه مکمل است و مکمل. امپراتوری Ideokraticeskaya است با تعریف جهان ، پس بومی سازی امپراتوری مرزهای جغرافیایی از زمان هستند و ناپایدار است. به این ترتیب ، در آمریکا مورخ Rieber معتقد است که "دولت های امپریالیستی در بر فتح ، مرزهای خود را از آنها طبیعی هستند و نه فرهنگی ، و جنگ را تشکیل می "مرز".

دکترین سلطه جهانی باید باشد ، که به یک جهان را از طریق مؤسسه از قدرت های امپریالیستی ، به عنوان یک قاعده ، همیشه تأکید به وضوح به اندازه کافی است ، اما پوسته ایدئولوژیک ، بسته به دوره تغییر کند ، گنجانده در ساختارهای متفاوت است. در جهان باستان و تاریخ کهن ، ما را تنها پیش نویس " امپراتوری ideokraticeskoy ، اوج خود را بعد از اتمام دوره باستان رسیده بود. این بود که قرون وسطی مسیحیت و اسلام را با توجه به مرجع (بالا) نمونه از دولت های امپریالیستی و ایدئولوژی های امپریالیستی. از نقطه نظر ما ، برای روسیه می تواند از سخن به عنوان ideokraticeskoy امپراتوری ، امپراتوری از ایده عالی messianic و به میزان کمتری به عنوان یک امپراتوری مستعمراتی.

مکان بسته گرافیکی Yakovenko معتقد است که دولت روسیه "... تا به شخصیت شاخصی امپریال. Muscovy (بازگرداندن پس از سقوط دولت در مشکلات) امپراتوری سنتی است. روسیه 1721-1917 gg. استاندارد را به عنوان یک امپراتوری می‌شود. در دهه گذشته، پایان نامه از ماهیت امپریالیستی اتحاد جماهیر شوروی امری عادی تبدیل شد. نظر از ماهیت امپریالیستی روسیه / اتحادیه جماهیر شوروی سهام تعدادی از مورخان غربی. به عنوان مثال از این موقعیت ممکن است بسیار رایج برای نقل قول D. Rowley مورخ آمریکایی، معتقد است که "و استبداد، امپراطوری و همچنان در اشکال مختلف کمی تا 1991، فراگیر وجود داشته باشد.

اجازه بدهید، ما را در این رابطه، منطقی سوال: چه عواملی در ایجاد امپراطوری سازی و گرفتن مهمتر از همه، سازگار با محیط زیست تولید مثل از امپراتوری؟ این مجموعه کامل از عواملی که در هر دو بازی و حمایت اساسی برای نقش روند است. شما نمی‌باید فرض کنیم که یک سری از جنگ موفقیت آمیز فتح و همچنین استفاده از عنوان های امپریالیستی و قدرت نطق و بیان است شرایط کافی برای استقرار و در هر وجود طولانی مدت از امپراتوری. بیانیه امپراطوری در سطح فصاحت و بلاغت در یک طرف، و توزیع جمعی،، rooting از آگاهی های امپریالیستی از سوی دیگر -- پدیده های مختلف، به یکدیگر همیشه موجود است.

این در دسترس بودن همواره پایدار و پخش آگاهی های امپریالیستی امکان به ساختن امپراتوری موفق است، و تجدید حیات دائم است. ما در این حس نیست به حداقل رسانده، بر اهمیت عوامل وابسته به جغرافیای سیاسی، بدون تصادف خوشحال است که رویای ایجاد یا احیای امپراطوری باقی می‌ماند و رویاها، ترکیبی موفق از عوامل وابسته به جغرافیای سیاسی را به عنوان بخشی ضروری از ساختمان امپراطوری مشروط دوجمله‌ای.

تاریخ به ما می‌گوید که در قرون وسطی اروپا نمی‌تواند در هر ساخت کامل امپراطوری رسیده مذهبی است، اما تلاش های ساختمان امپراتوری در سراسر این دوره انجام شد. تاریخ اروپا با جانشینی جوراجور از عنوان های امپریالیستی انباشته شده است، برای مثال، صلیبیون فرانسوی قدرت را در امپراتوری روم شرقی (بیزانتیوم) را دریافت که در پایان قرن XVIII مورخان به نام گرفتار "امپراتوری لاتین". مورخ مشهور فرانسوی F. Braudel شرح امپراتوری اول و دوم Genoese، متشکل از سه نفر از جنوا تجارت و پست های آن است. دانمارکی امپراتوری بود، امپراتوری کارولنژی، و در نهایت، بیشتر به خوبی وجود دارد، شناخته می‌شود، امپراتوری مقدس رومی. در سراسر اروپا در قرون وسطی به دنبال احیای امپراتوری روم، یکی از ideologues از استقرار اروپا متحد، سیاستمدار فرانسوی روبرت شومان، مشاهده کرد که "از دوره کارولنژی و پایان را با چارلز پنجم Germanskuyu ایده برای ایجاد یک امپراتوری در امتداد خطوط امپراتوری روم آنها را داد تلاش های فلج کننده از چیزی عرفانی.

با این حال، نه دوره کارولنژی، نه امپراتوری اتو ساختمان ناموفق بود دوباره ایجاد یک بیشتر یا کمتر محتمل، اعتبار و مهمتر از همه، طرح های پایدار است. بنابراین، حتی در معروف ترین امپراطوری قرون وسطی در غرب اروپا -- امپراتوری مقدس رومی ژرمنی ملت است یک واحد را با مرزهای ارضی ناپایدار، و امپراتور شد دامنه دائم خود را ندارد. در نتیجه این تلاش قهرمانانه در دوران قرون وسطی اروپا، مذهبی، پروژه در مقیاس در اروپا بودند قطعی نیست

این حقیقت ندارد عود تمایلات امپریالیستی در حال حاضر در اروپا مانع جلو راه ایجاد نیست، مدرن و معاصر، بیرون آورده، از جمله، در تلاش برای اجرای عملی این پروژه امپریالیستی. در اروپا، قرن نوزدهم. می‌توانید امپراتوری ناپلئون بوناپارت در ساختمان در اروپا در XX. -- فکر توسط هزاره از هیتلر رایش سوم به یاد. ساختمان امپراطوری سامی تلاش عملی نشان داد که این کاملاً گذرا، و بر پایه نوع آموزش و پرورش امپریالیستی -- شکننده است. ما باور داریم که امپراتوری سازی در اروپا است توسط - خط، نوع آپاندیس تاریخی است. ما به طور کامل در همبستگی با ارائه ایستاده است که خط کلی، توسعه های تاریخی غالب در تاریخ اروپا، طرفداری از شکل گیری دولتهای ملی، در

حالی که تمام شاخه های این خط ناکارآمدی تاریخی خود را نشان داد: "اروپا -- است، جهان تنها متمدن، که توسط امپراتوری نمی توسعه. آنچه ما تماس بگیرد آسیا -- در منطقه توسعه امپریالیستی...".

ساختن امپراتوری در اروپا بود و جبرانی، تکمیلی، اصل از طرز حکومت های امپریالیستی شده است قادر به رقابت موثر با خط، با هدف ایجاد دولتهای ملی است. اما این رقابت به عنوان یک کل نشان داد که این ایده مفید است چون خیلی از ملت دولت، رشد می کند که از قرون وسطی monarchies ملی شد، بتوانید خود را در اجرای عملی این جدال تاریخی با universalistko پروژه امپریالیستی مذهبی.

با توجه به روند رو به کلی از اروپا تاریخی شکل گیری کشور دولت آگاهی های امپریالیستی در کشور های اروپایی شکست خورد به ریشه بگیرند "به طور جدی و به طور دائم است که برای اجازه داده نشده در ساختمان امپراتوری اروپا سیاست های موثر است. حتی در اسپانیا، با Hapsburgs، بیش از دیگران نزدیک شدن اجرای پروژه های امپریالیستی، نشانی از آگاهی های امپریالیستی تبدیل شده نه در ذهن مردم مسلط: فیلیپ دوم کمک هزینه را به نام امپراتور و پادشاه نیست.

Habsburgs اتریش به دنبال تداوم سنت در قلمرو امپراطوری خود و سطح زیر کشت از روح و امپراتوری امپراطوری اتریش مجارستان برای قرنها به طول انجامید. ثبات و قابلیت تکثیر آن در طول زمان، در هیچ اندازه کوچک و کمک به نیاز به مهار نظامی امپراتوری عثمانی، تا مردم متمایز مقیم اتریش مجارستان، یکی یکی برای انجام چنین کاری قادر به. اما پس از تضعیف و انقراض متعاقب فروپاشی امپراتوری عثمانی توسط نسبتا بدون درد از اتریش مجارستانی امپراتوری، مردم اتریش هیچ قابل توجه مجتمع های امپریالیستی حفظ نمی دنبال شد. عود در تاریخ امپراتوری اتریش رخ داد هنوز هم در زمانی که در طی اختلاط اتریش در سال 1938 هیتلر در رایش سوم پشت سر هم کمی از احساسات با شکوه بود، آیا به موجب محدودیت های زمانی خود را از عواقب جدی ندارند به آگاهی ملی است.

امپراتوری های مستعمراتی حتی کمتر موفق شدند به فرم مجتمع در طول تاریخ پایدار امپریال. به عنوان مثال، در انگلستان، اری برنده زن یک امپراتوری عظیم استعماری، دلنگی برای عظمت استعماری و امپریالیستی ادامه یابد نه تنها در توده، بلکه در ذهن گروه های اشرافی subcultural. حتی کمتر بر اثر میراث امپریالیستی مدرن هلندی، Belgians، پرتغالی، برای آن ماده ساخته شده بود، ملت و دولت بریتانیا و جامعه مدنی: "... ملت از امپراتوری متفاوت است زیرا امپراتوری unites مردم از طریق این سرویس خود را (از طریق مورد پادشاه)"، به عنوان یک ملت -- را از طریق وابستگی متقابل هر یک با هر اتصالی داخلی را از طریق از همه خود مختار، "امور خصوصی".

به این ترتیب، تمایلات درونی از تاریخ اروپای غربی است تا حد زیادی به وسیله تداخل شکل گیری خط غالب ایالات ملی، تکمیل شده توسط جزئی از تمایلات امپریالیستی مشخص می شود. نفوذ خارجی در توسعه غرب اروپا را مقابله طولانی با "یعنی واقعی"، امپراطوری مذهبی. اولین بار آن را امپراتوری روم شرقی (بیزانتیوم) و سپس خلفای عرب، امپراتوری عثمانی و سلسله های بعدی Muscovy بود (پابین، آغاز از فتح قازان توسط ایوان وحشتناک و خانان آستراخان)، امپراتوری روسیه، اتحاد جماهیر شوروی سابق. عطف به سوال در مورد ریشه و معنی کمونیسم روسی، H. A. Berdyaev درستی اشاره کرد که "Bolshevism است پدیده سوم بزرگ روسیه، امپریالیسم روسیه -- اولین رویدادی پادشاهی اهل مسکو، دومین پدیده Petrine امپراتوری بود.

در امپراتوری های مذهبی گرایش های امپریالیستی در طبیعت مسلط می شوند و فرآیند تشکیل دولت ملی پایان نیست، آیا فرم های بالغ از ملت ساختمان برسند. همه شرایط سایر سیستم های فرهنگی و تمدن هستند ساخته شده است راه مخالف، آن است که در تمام اروپا مسلط است، و در سیستم از امپراتوری های جنبی و حاشیه ای، و بالعکس.

در این دوره از روند تاریخی طی قرون اولیه ویژگی های مهم جوامع فرهنگی و تمدن در اصل خود مختاری را در رابطه با آن مخالف شکل گرفت. به عنوان مثال از چنین رویکردی می تواند از نظر کارشناسی Erasova نتیجه : "اسلام و آئین هندو را که برای قرن های جانبی توسط طرف وجود داشته ، اغلب در درون جامعه تنها ، بهبود علائم و اعتقادات خود را در تعامل ثابت و دفع یکدیگر".

اروپا اروپا نخواهد بود ، آیا در همسایگی امپراتوری مذهبی خواهد بود و تماس نه ترس دائمی از آن در میان اروپاییها ، در موارد مختلف رخ می دهد ، اما همیشه در برابر ترس از کل ، در برابر کوچک تر! روسیه تکامل در تعامل ثابت با اروپا ، اغلب به این تداخل رخ می دهد در این دوره از اقدام نظامی ، و نه تجارت است ، اما از جنگ نیز شکل خصوصی در تعامل بین فرهنگی ، معرفی امکان تجربه برای درک inokulturnogo. روسیه بدون نفوذ اروپا نیز توسعه یافته راه متفاوت است.

در این راستا ، به نظر می رسد نه تنها ممکن ، بلکه لازم را به آدرس موضوع نوسازی روسیه خود احداث فرایند رخ می دهد توسط خود را به عنوان چیزی طبیعی نمی باشد ، بلکه به عنوان یکی از جنبه های فوق macrohistorical تعامل منطقی.

نوسازی امپریالیستی چیست؟ امپراتوری ندارد قصد دارد تا در جهت ادغام در تمدن هنر نو تحول مییابد ، در واقع ، او از لیبرال انحطاط و ضعف داخلی ، اجتناب ناپذیر میترسد هنگام گرفتن inokulturnyh دموکراتیک نهادهای سیاسی ، بازار سرمایه داری ، باید خود را متعهد به هر مقدار قابل توجهی از احترام به حقوق بشر است.

اهداف و مدرنیزاسیون در امپراتوری نشانی از انحطاط تشکیل شده است ، نرم شدن امپراتوری ، برای مهم است که دشمن تنها را که به شما کمک خواهد کرد که با موفقیت با آن مقابله (در گزینه نرم -- رقابت). امپریال مدرن نشانی از تحولات ساختاری جامعه این مفهوم را میسرانند ، بلکه عمدتاً به کمی تغییرات در این یا نواحی دیگر ، در وهله اول به نیازهای مربوط به ساخت و ساز نظامی. علاوه بر این ، نوسازی امپریالیستی است انجام می شود در درجه اول به خاطر تثبیت و حفاظت از ویژگیهای اساسی از امپراتوری ، که خدمت به عنوان قرض inokulturnye ، و دستیابی به رقابت پذیری از عناصر منحصر به فرد این سیستم فرهنگی و تمدن.

بنابراین ، با توجه به خصوصی ، اما این مورد نماینده مدرنیزاسیون شاهی دوران اتحاد جماهیر شوروی ، LD Pellikani معتقد است که "اگر جامعه مدرن -- قانون جامعه ، دولت کمونیستی در اقدامات آنها توسط هر گونه قوانین محدود نبود. دولت کمونیستی حکومت توتالیتر ، یک نسخه از هنر نو نمی باشد ، محروم کرده است تا همه اصول اساسی تجدد و borrows تنها پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی برای حاکمیت بوروکراسی حزب.

رفتن به مدرنیزاسیون از امپراتوری به دولت ملت ، ما را دیده اند ، نمونه ای از ترکیه ، که در آن ملی نخبگان متوجه بی کفایتی و خسارت مستقیم از سیاست های امپریالیستی است : "در این ایالت ، که امتداد از شرق به غرب ، ترکیبی از عناصر مختلف ملی که شخصیت های مختلف و فرهنگ ، سازمان داخلی به طور طبیعی در اساس بسیار ناقص است ، و بنابراین غیرقابل دفاع. گذر از یک دوره طولانی انحطاط و شکست های نظامی ، ترکیه نشان داده است در جهان نادر است نمونه ای از یک deconstruction داوطلبانه امپراطوری مذهبی ، پیدا کردن مقاومت را تغییر پارادایم از برنامه های امپریالیستی از ساختمان یک دولت ملی است.

در حال حاضر در سال 1923 ، مصطفی (کمال) آتاتورک رفت و در شکستن رادیکال با میراث امپریالیستی ، ترک اسکرپیت قدیمی ، به نمایندگی ترکی اعراب و مخلوط فارسی ، مبتنی بر الفبای عربی ، به جای آن را با زبان رسمی جدید ، ایجاد شد از طریق فرم صحبت و بر اساس در لاتین. "مدرن ایجاد شده توسط اصلاحات در ترکیه کمال آتاتورک را می تواند به عنوان یک مثال paradigmatic ناسیونالیسم مدنی در نظر گرفته شود... آتاتورک را انتخاب غرب ، اغلب به

روشنی بیان شده است که به معنی لغو فرهنگی و ادبی که از طریق آن خود را بیان‌کنندگان مسلمان امپراتوری". در چند دهه اخیر، ترکیه بوده است به طور فعال به سمت ادغام در اروپا سیاسی، اقتصادی، فضای فرهنگی حرکت می‌کند. در زمان مشابه، امکان انتخاب مشابه برای روسیه است مختل اثرات ساکن سنتی فنودالی برنامه‌های امپریالیستی.

امپریال مدرن است با deconstruction از امپراتوری نیست، همراه در مقابل، موفقیت خود را کمک به چالش‌های ساختمان امپراطوری و تولید مثل در شرایط جدید تاریخی و sociocultural. این ویژگی از وظایف می‌تواند به عنوان مدرنیزاسیون با عظمت خاص پدیده تاریخی و فرهنگی در نظر گرفته شود.

در حال حاضر ارائه یک مدل کلی مدرنیزاسیون امپریالیستی، البته، که واقعی تاریخی و اجتماعی و فرآیندهای فرهنگی هستند نه چندان سرراست و مکانیکی. تقابل و کشمکش نیز به صورت گفتگوی فرهنگی و تمدن، و منطقی خود را به نشانی از طرح سفت و سخت mechanistic متناسب نیست. انحرافات از این گونه طرح‌ها را منطبق به طور کلی، ساخته شده در بافت تاریخی تعامل با اروپا، پیدا کردن بیان در ترکیب نامتقارن و نامتوازن از مدل‌های امپریالیستی و مدرنیزاسیون و لیبرال روسیه را تغییر دهید. نیست.

بر اساس مدل لیبرال، ما درک می‌کنیم نوع ادراک تجربه در زمینه‌های فرهنگی و تمدن از غرب، که مستلزم دگرگونی در جامعه روسیه در جهت لیبرال شد. با توجه به نقطه نظر جان Burbank، "خیالی" غرب "تبدیل به یک مدل یا برای antimodely خیالی" روسیه"، و این مخالف دودویی به پروژه‌های فرهنگی دیگر snapped است. به این ترتیب، دیالکتیک تاریخی روابط بین روسیه و غرب در چهار چوب و مدرنیزاسیون acquires دیگر ابعاد است، که فقط در نگاه اول به نظر می‌رسد ابعاد داخلی صرفاً از تمدن روسیه.

استفاده از واژه "تمدن روسیه را" قابل‌بجی. چند فرهنگی، دانشمندان و محققان تمدن‌ها، به خصوص Nat. Pomerantz در نظر بگیرد آن را نامناسب، با این حال، بخش قابل توجهی از محققان در حال بدست گرفتن این مدت است. از نقطه نظر ما را از مشاهده، از واژه "تمدن روسیه" کاملاً درست به نظر می‌رسد به عنوان تعیین subsivilizatsii درون اسلاوی شرق (و یا ارتودوکس) جامعه متمدن.

فرامین و مدل لیبرال و مدرنیزاسیون در تاریخ روسیه هستند نه تنها در حالت چرخش مداوم، این سکانس است نه چندان خطی. چگونه تظاهرات مختلف گرایش قدرت، آنها تقریباً همیشه در موازات کار میکنند. در زمانی که امپراطوری مرحله بعدی از عناصر مدرن inokulturnye های امپریالیستی در رابطه نامشروع اجتماعی و عناصر فرهنگی از نظام‌های امپریالیستی است، این سیستم ناگزیر نفوذ خواهد شد: "میل به دگرگونی کامل نهادهای اجتماعی کهنه‌ترین مخلوط با برداشت منفی از تجربه غرب و مدرنیزاسیون سرمایه‌داری. تمایل به حفظ مزیت واقعی است یا خیالی از فرهنگ ملی و یا یکی دیگر از ویژگیهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی را با روند در تعارض باشد، حتی بسیار محدود نظامی و اصلاحات اداری.

نفوذ به اجتماعی روسیه، فضای فرهنگی، این عناصر کمک فرسایش inokulturnye داخلی زمینه‌های امپریالیستی سیستم، در نتیجه تهیه زمین برای موج بعدی از روندهای نوسازی لیبرال شد. به نوبه خود، و فوراً از عناصر inokulturnyh، همراه با تضعیف امپراتوری از دلایل اجتماعی و فرهنگی نظام، ایجاد ناآرامی در جامعه و به عنوان یک قاعده، مختلف در درجه سختی عکس‌العمل سرکوب را از روی سیستم امپریال.

نفوذ به طور مداوم از محدودیت‌های اجتماعی روسیه - سیستم‌های فرهنگی نفوذ اروپا، به نفوذ اجتماعی روسیه - سیستم‌های فرهنگی، از عناصر غربی در سلسله‌شناسی خود را، تا حد زیادی تعیین احساسات دو جنبه از جاذبه و رد توسط روسیه در برابر غرب، که تبدیل شده است "... برای هر دو روسی و هدف دنبال شده توسط احساس، و هدف، هدف گلوله قرار گرفت...". که جالب است، برای غربی روسیه غرب -- نه، آن گنجانده شده است به دلیل: "غرب برای"

غربی -- کامل نقطه نظر ، به جای واقعیت های فرهنگی و جغرافیایی می باشد. " در زندگی دیگر شدید اجتماعی و فرهنگی را از نشانه ای از درک تمدن غربی به این تغییر مخالف است : "... از غرب به ما شر است. این تحریک ترس ، فعالیت به عنوان حفاظت از ارزش های ما ، partitsipatsii فعال به آنها و ما را بالاترین حقیقت ، تحریک ترس از ارتداد ، که به طور خودکار منجر به partitsipatsii بد غرب است.

لازم به ذکر است که انعکاس در بخش آسیایی در تمدن روسیه در ذهن مردم بیان شده است بسیار ضعیف تر از بحث در باره ثابت نگرش ما به اروپا بود. آن اشاره کرد که روسیه به عنوان بخشی از خود را دارد "آسیا داخلی -- آسیایی و مناطق آسیایی ، اما هنوز هم می تواند صف شرق تورم نیست ، چرا که برای قرن های بسیاری ، تا به ارتقاء فضای نمونه ها به تمدن امپراتوری لیبرال که احساسات متناقض از جاذبه و دافعه. از یک طرف ، اروپایی و آسیایی خود را". امپراتوری به دنبال به دست آوردن منافع جذاب از تمدن لیبرال -- در کالا ، دانش ، فن آوری ، اما از سوی دیگر ، آگاهی های امپریالیستی نفی سیستم یکپارچه ، که در تولید این منافع. فراوانی در مواجهه با وام گرفتن از inokulturnyh ، اجتماعی امپریالیستی - سیستم های فرهنگی تولد دوباره ترس است ، چرا که رسیدن به سطوح quantified عناصر inokulturnye شروع به سازماندهی و سیستم بازی به طور کامل. در اینجا به آن مناسب برای فراخوان T. پارسونز ، به بررسی روند تبعیض نژادی از تجربه sociocultural وارداتی در کشورهای تحت تجدد و ثابت است که با اشاره به تلاش برای تقسیم تجربه وارداتی در inokulturny قابل قبول و نه قابل قبول است تمایل به حفظ ارزشهای فرهنگی از "سطح بالاتر ، باز در همان در راه تغییرات رادیکال در سطح بعدی خصوصیات ارزش ، یعنی در سطح عمده subsystems عملکردی است.

از نقطه نظر ما را از مشاهده ، در روسیه این تغییرات در سطح subsystems عمده تابعی اکیدا دوز ، چرا که قرض گرفته باید در عمل محدود ، تعریف شده به شدت محدود و تحت هیچ شرایطی "آیا ریشه را ندارد" ، در غیر این صورت disistemnye عناصر می تواند به شکل یک سیستم جایگزین شود. بنابراین ، دوز و تبعیض نژادی عناصر inokulturnyh چالش به تصمیم گیری های امپریالیستی است که آگاهی همیشه جدی است.

مکانیزم موجود در حفظ ثبات داخلی اجتماعی روسیه ، نظام فرهنگی ، تولید مثل دائمی از آگاهی های امپریالیستی مانع فرایندهای نوآوری است. سیستم را از محیط خارجی را از طریق کنترل و سرکوب نامطلوب است از نظر نخبگان حفاظت ، اجتماعی و اطلاعات فرهنگی. Muscovy ، امپراتوری روسیه ، اتحاد جماهیر شوروی به دنبال درک inokulturnuyu ، در درجه اول غرب ، اطلاعات مربوط به حوزه های فن آوری و کاربردی. بدین ترتیب ، تولید مثل توسط هویت sociocultural و مذهبی پایین کاهش روند تاریخی و پویایی sociocultural ، دست یافته بود که تصویری از خود را تربیت ، غریبه به آموزش و پرورش جامد و شهروندی ، به رسمیت شناخته و آنها (مقامات مسکو بهترین راه حل برای ملت خود و با حرف بی صدا ترین فرم خود را از دولت توسط مردم را به سختی حمل کرده است ، اگر بتوانم بعضی از آموزش و پرورش و دریافت مفهوم بهتر از خدا ، و همچنین دستگاه خوب است. در این پایان ، پادشاهان همه به معنای از بین بردن آن را بهبود بخشید و تلاش های خارجی برای اجتناب از هر چیزی ، که می تواند آداب و رسوم بومی را تغییر دهد. "

در برابر ، کنترل سیاست ها و محدودیت از صفات کفایت ارتباطات به دست آورد ، یعنی ، انزوا سازگار و هدفمند اقتصادی کشور ، حوزه های سیاسی ، و فرهنگی است. نمونه ای از این رویکرد محدود به اطلاعات و ارتباطات بشر ، آینده از اروپا ، بزرگ زیادی است ، اما در اینجا ما به تنها تعداد کمی از آنها. به عنوان مثال ، گزارش های خبری از زمان خود -- "سازیموسیقی زنگی" ، بر اساس منابع خارجی در سفیر فرمان -- وارد شده به بدیلایمخیرات 1703 ژانویه محرمانه دولت در نظر گرفته شد ، این است که نظارت بر انتشار اطلاعات. برای نشان دادن محدودیت های در



تماس با انسان می تواند در این واقعیت تاریخی زیر نتیجه : در حال حاضر "ایوان سوم مجازات مرگ برای عبور از مرزهای غربی معرفی شده است.

این اعمال هر چند بار بعد از آن در تاریخ ملی تکثیر کنند. پس دوباره ، به عنوان مثال ما به این توجه داشته باشید توسط J. فلچر مراجعه کنید : "اجرای دور (از Muscovy بسیار دشوار است ، چرا که تمام مرزها توسط فوق العاده حساس حفاظت شده هستند ، به عنوان مجازات برای چنین تلاش ، اگر مقصر آنها گرفتن ، مجازات اعدام و مصادره اموال همه وجود دارد آنها فقط به یادگیری خواندن و نوشتن ، و این کار بسیار کم است و برای همین دلیل آنها اجازه به خارجی ها به حالت خود را از هر گونه قدرت تحصیل کرده جز به تجارت آمده ، برای بازاریابی محصولات خود و دریافت از طریق آنها ، کالا های خارجی . در این مرحله جدیدی از توسعه تاریخی ، در حال حاضر در قرن XX ، عمل مانیتورینگ ، کنترل و انحصار اطلاعات تبدیل شده است عمل روزمره رژیم های تمامیت خواه ، انحصار نهادین از کلمات صادق است ، منع تنوع stylistic از... موجود در جعبه ابزار خشونت توتالیتار ."

توجه داشته باشید که یکی از تناقضات ذاتی امپراتوری در شرایط منطق صوری malosochetaemyh است در حالت تک پایه ارگانیزم را از پیروی از سیاست انزوا و پرخاشگری. از یک طرف ، توسط امپراتوری متافیزیکی مخالف سفت و سخت از خود و دیگران مشخص است ، و شمشیر بازی کردن از گذشته در تمام راههای ممکن است ، به عنوان "حکمت یونانیان bou مادر همه اصول عقاید حيله گر." بنابراین ، حتی در قرن XVII. Archangel. بازرگانان ، بازگشت به خانه پس از برقراری ارتباط با خارجی ها ، متعهد به کلیسا تصفیه مناسک ویژه ، شیوع را نشان می دهد و این عمل Sigismund Herberstein : "چه کسی خوردند با لاتینها ، دانستن این کار ، باید پاک تصفیه نماز... بازرگانان و مسافران ، پیاده روی در کشورهای لاتین از دست دادن نمی رسم دینی است ، اما آن را پس از آشتی با کلیسا را از طریق نماز از ابراز ندامت و توبه پذیرفته.

از طرف دیگر ، این تقسیم واضح و روشن از جهان را در "یونانیان و بومیان ، خالص و ناخالص ، صالح و ناصالح باعث امپراتوری در مبارزه با بد جهان ، معمولا از طریق استفاده از قدرت نظامی و توسعه طلبانه به اجرا درآمد به دلیل گسترش امپراتوری ideokraticeskaya ترجیح خود را به حساب امپراطوری جهان است. به همین دلیل ، به سادگی می تواند امپراتوری نیست ، هیچ قانون داخلی را به ایستگاه فضایی و رندر هنوز قابل سکونت در محدوده طبیعی است. در توسعه استعماری بریتانیا ymetaphoricall و poetically توسط هانا آرنه گفت : "توسعه آن -- همه... من می خواهم که ضمیمه این سیاره ، اگر من می توانم". این انگیزه دادن به تسلط بر جهان عمل با تغییر ناپذیری از غریزه های طبیعی ، و بنابراین تجربه تاریخی غمگین امپراتوریهای جهان را که جذب بیش از قادر به هضم (ترتیب) است ، پیروان ساختمان مورد امپراطوری در نظر گرفته است.

مطالب خود را از امپراتوری ، تقسیم نمایندگی های امپریالیستی ، اعتقاد دارند که اگر بدون عوارض جانبی شرایط تاریخی ، اشتباهات فردی و ضعف در این زمینه ، اجرای عملی از سلطه جهان است ، یا حداقل به کنترل بیش از بخشهای وسیعی از سبک مرزهای امپراتوری ، آن است شاید. مشاهده و مشترک توسط بسیاری از روس ها که در صورت عدم توافق Belovezhskiye (خیانت ملی و تبنانی پشت پشت مردم) ، اتحاد جماهیر شوروی سابق می تواند وجود داشته باشد ، تقریبا برای همیشه -- پدیده شماره همان معنایی.

چگونه از این ایده ها را انکار ابتدایی در اواخر دهه 80 -- 90 ies - اوایل قرن XX. روند ، به یاد داشته باشید ، بدیهی است که معاصران آن رویدادها. در سال 1990 ، M. Gefter ، و بسیاری از آن سالها در اتحاد جماهیر شوروی و فراتر از آن احساس نزدیکی تمدن rappedsc ، یکی دیگر از طغیان روسی و تغییر وابسته به جغرافیای سیاسی : "هم اکنون در نزدیک ، در رویکرد روسیه -- به عنوان یک چالش ، به عنوان شناخته شده نیست ، مانند آتشفشان که به سختی

شروع به دود ، اما فردا گدازه ریخت و از دهانه آن ، که سوختگی خیلی بیشتر نسبت به سرنوشت بشر گدازه از عداوت آذربایجانی ارمنی. خوشبختانه ، این premonitions هستند بازتابی از واقعیت از آینده نیست ، با توجه به مقیاس شکستن وابسته به جغرافیای سیاسی ، همه چیز رفت نسبتا مسالمت آمیز.

اما برای یک لحظه فرض کنید که وجود داشته باشد "خیانت" و میهن پرستی در روسیه ، اوکراین ، قفقاز الهام گرفته شده بود... ما فرض کنیم که ارتش شوروی به پایان از مراسم ادای سوگند وفاداری به شوروی سابق و نیروهای امنیتی (نظامی) روش های سعی را "نظم" در کشور جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی دولت. تمایل به در وقایع در چنین سناریو در این کشور شرکت بود. در ماه مه 1991 ، مسکو میزبان اولین بار در تمام کنفرانس روسیه از سربازان - internationalists ، مصوب درخواست تجدید نظر برای اعضای ارتش و نیروی دریایی ، که در آن ، میان چیزهای دیگر ، اظهار داشت : "در شرایط سخت ، وضعیت داخلی ارتش باقی خواهد ماند ضامن معتبر از پا بر جایی از اتحاد جماهیر شوروی سابق ، کلید به هماهنگی و صلح مدنی دیواره سد از توسعه امنیت اجتماعی است.

سناریوی تحولات در قدرت به معنای حداقل یک دهه را صرف در ترانسه ، ذبح میلیون زندگی می کند ، دهها میلیون نفر از پناهندگان و اشخاص آواره داخلی ، به طور مستقیم یا غیر مستقیم درگیر در جنگ از کشورهای مختلف و واحد های نظامی از کشورهای خارجی است. چه کسی در این موقعیت می تواند نام یک میهن ، یک انسان است که به سرنوشت هموطنان خود را بی تفاوت نیست ، و چه کسی -- که به نام جنگ بالقوه جنایی (نگاه کنید به وضعیت یوگسلاوی سابق) ادعا؟ از نقطه نظر ما را از مشاهده ، میهن پرست ، کسانی که مردم خود را از برادر کش ، تقریبا برای اولین بار در تاریخ این امپراتوری اقدامات نه پس از واقع ، و تبدیل به proactively بوریس یلتسین ، ولادیسلاو Shushkevich و لئونید vchukKra نجات داد. علاوه بر این ، سازمان های مختلف از فضای جغرافیایی و فرهنگی ، تحت نظارت امپراتوری -- حتی آنقدر دیروز نیست ، یک روز قبل از دیروز چه مرحله از رشد انسان ، قرن XX به طور کلی می تواند به عنوان سن امپراتوریهای deconstruction تعریف کرد.

ما اکنون باید تصویر نمونه و ایده آل از emanations خیس مطالب مناسب از امپراتوری را به رئیس مطالب را امتحان کنید. این تصویر فوق العاده است موضوع جنجال برانگیز اجتماعی ، و این تناقض است که بیشتر تاکید شده ، صریح و روشن را از طریق فرایند مدرنیزاسیون. قدرت شاهنشاهی ، اعمال مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، می خواهد ببیند کاملا رام و مطیع به عنوان خود ، داشتن در زمان مشابه ، شیوه زندگی فعال. به عنوان مثال ، مورخ فرانسوی Leweck اشاره کرد که "پیتر بیشتر افزایش روسی برده داری ، و اصرار دارد آنها را به مردمی آزاد بسیار شبیه بود" و ما معاصر ، A. Besancon ، خود خطاب به دوران سلطنت نیکلاس من ، گفت که دولت تلاش ناموفق برای حل و فصل بیشتر از معضل پیتر -- چگونه "را برده ، نگهداری او را به عنوان مثل ، به عمل آگاهانه و آزادانه."

توجه داشته باشید که این مشکل این است که قابل حل نیست ، در اصل ، زمانی که طول می کشد فرد لطمه از تصمیم گیری و تحمل مسئولیت کامل برای آنها ، او ceases به برده آزاد می شود ، بدون در نظر گرفتن شرایط تاریخی گذرا. انتشار چنین انسان شوروی در مواجهه با شرایط فوق العاده ، به جنگ در شکل افراطی آن ، او می نویسد رمان واسیلی Grossman در زندگی و سرنوشت " ، احساس آزادی درونی بوده است و قهرمانان ویکتور Nekrasov در ترانسه استالینگراد ، هنگامی که زیر آتش ، خاموش از مقامات برش ، فرماندهان و commissars ، مردم آزاد شوند ، متوقف می شود به خاطر صحبت با صدای بلند در مورد استالین ، سرکوب سیاسی از اردوگاه های کار اجباری اتحاد جماهیر شوروی.

اما معتقد است که دولت های امپریالیستی در غیر این صورت ، به جز مدت کوتاهی در فواصل زمانی از چهار چوب تاریخی بدون قطع این مصنوعی ، بر اساس نظام آموزش ، تبلیغ و انتخاب سرکوب - پرورش موضوع با عظمت ، اخیرا در ایده آل گنجانده تصویر نمونه انسان شوروی. باید ترکیب عشق عاری از نفس پرستی در کشور و در عین حال

هیچ منافع خصوصی وجود دارد ، او باید خوش بینانه ، ورزشی و altruistischen و مهمتر از همه ، در هر زمان و بدون تردید به فدا کردن جان خود را از دیگر پروژه eskoguideokratic را.

امپریالیستی "قدرت ، بر اساس انباشت و انحصار قدرت تمام اعضای آن فرد ، به ناچار محروم هر یک از استحکام آن ، robs او را از خود و ویژگی های طبیعی انسان است. دنداندار کردن او در جمع کردن قدرت از خودرو می شود و فقط می تواند به خود کنسول با بازتاب های ظریف در پایان ماموریت خود ، همان دستگاه طراحی شده است به طوری که به سادگی رعایت قانون داخلی خود ، می تواند صدای بوقلمون در آوردن تا جهان ."

علاوه بر این ، او املاک را در هیچ حس غربی قانونی دارد. او صاحب همه چیز متعلق به او را فقط به طور موقت و به طور مشروط ، با کسب اجازه از مقامات ، که در هر لحظه ممکن است همه چیز را دور کنند ، چرا که مفاهیمی مانند اجتماع حق مالکیت خصوصی و آزادی فردی در این سیستم ارزش ها عملاً وجود ندارد. در سطح لفظی و حتی در سطح اعلامیه ها نوشته شده است و "مقننه" اعمال آنها ممکن است حال حاضر است ، اما کلمات را نه نهادی و نه تقویت روانی ، باقی می ماند جز اعلان وارسته تر. خوشبختی است و ایده آل افراد معمولی از امپراتوری است در مورد حقوق و آزادی نیست ، نه ملک ، و خدمت عاری از نفس پرستی به مناسب ، به نظر می رسد او را در شکل از قدرت های امپریالیستی : "خدمت به دولت در پست بالا -- این یک اصل خودشناسی در روسیه است."

مطالب Mytheme ایده آل از امپراتوری بزرگ chimeras آگاهی امپریالیستی بود ، نشان دادن مقاومت قابل ملاحظه تاریخی ، و بازی در بخش جدیدی از پویایی تاریخی و sociocultural ، اخذ زمان مناسب ، میانجی گری ایدئولوژیک و لغوی. علاوه بر این ، پیش بینی در حوزه های مختلف آگاهی اجتماعی می شود ، این اساطیر شده است فراگیر. توسط Losev ، با تأمل در تاریخ معاصر روسیه قرن XX ، گفت که "روسیه ، البته ، کمی هم صحبتی با غرب است ، اما فاقد شخصیت ، بی روح ، بی مرام ، سنگ را تا حد زیادی بردگی.

در سال نو هنر و ارزش های سازمانی و گسترش هنجارها و تمدن غرب ، مدرنیته "ایجاد کرده است مداوم و حاضر در روز بین رویارویی بنیادهای فرهنگی و سازمانی از مدرنیسم غربی از یک طرف ، و پایه های تمدن های دیگر ، به عنوان مناطق کل فردی و خارج از کشور -- با دیگر". با استفاده از این توسعه در ارتباط با دیگر پدیده ، که می گویند ما نمی توانیم در چهار چوب گفتمان ما است. این به اصطلاح "اثر تحمیل در توسعه ، با وجودی که این مدت خود را به روشنی تعریف شده ندارد و کاملاً به طور گسترده ای در فرهنگ ، جامعه شناسی و علوم سیاسی استفاده می شود. اثر توسعه تحمیل شده است ، مستقل از مدل نوسازی نیست ، آن است تا حد زیادی به باطل تصویری از مدرنیسمیون ، و همراه با مدل های مختلف آن است. یکی از بیانیه ای که اغلب به علت نقص فنی از موقعیت ، به موجب آن فرم تقلیدی از جامعه لیبرال ، در دوره مدرنیسم مصنوعی به جامعه سنتی معرفی ، بیش از زمان ، جذب ، تبدیل از تقلید از اصل.

یکی دیگر از Belinsky VG ، نسبت به او ، امروز به مسکو و سنت پترزبورگ ، متوجه شده است که در پایتخت شمالی از نفوذ غربی در زندگی مردم عادی منجر شامل "قهوه و سیگار برگ ، که حتی خوش اشتراک guys حومه ، و جنس عالی... بدون قهوه قویا ممکن است زندگی می کنند ؛ حومه دهقانی پترزبورگ روسیه در حال حاضر رقص ملی برای رقص گروهی فرانسوی ، که به رقص اصوات هماهنگهای بازیابی توسط خود را فراموش کرده ام...". فرم های شبیه سازی زندگی روزمره هستند imparted به راحتی به اندازه کافی است ، اما چه عالی از راه دور از جذب از فرمها را به تسلط بر محتوا است. روند پر کردن فرم های تقلیدی از مطالب نامربوط بیش از احتمال است ، هر چند نوسازی روسیه مدت زیادی است در صورت تقلید شده است تظاهرات خارجی فرهنگ اروپایی. عنصر تقلید از فرم های خارجی به فرهنگ های خارجی می توانند باشد ، دیده به ویژه ، همانطور که در انتقال از پیتر من ، و در نوسازی و تحولات بعد از مدت Petrine.

در عین حال در صورت فسخ از اثرات خارجی اغلب مشاهده روند را نفی اصلاحات لیبرال تحمیل شده توسط  $\otimes$  شکل راه لیبرال از زندگی ، در برخی موارد ممکن است تقریباً به طور کامل ناپدید می شوند ، می روم نه قابل اندازه گیری مقدار کم. علاوه بر این ، اغلب رد antimodernizatsionnaya موج جامعه را به لحاظ تاریخی در سطح پایین تر از predmodernizatsionny. مثال کلاسیک در این راستا است انفجار رخ داده است که سنت گرایی را در قالب انقلاب اسلامی در ایران ، آن را مثال آموزنده است ، اما تنها نیست. تاریخ را ما ارائه می دهد نمونه های فراوانی از این و آن مربوط است به یاد بیاورید که "روسیه است در اساس تمدن آنها -- آسیا ، اما این پیتر آسیا تبدیل شده به اروپا و Europeanized لایه فوقانی ، ترک مردم آسیا بوده است. در نتیجه ، وقتی که با فروپاشی نظام امپراتوری ، اروپا لایه بالایی تقریباً به طور کامل پیچ خورده بود دور و تخریب در چندین مرحله دارد.

مایه اصلی توسعه است در حال حاضر در عمل تاریخی روسیه در دو روش اعمال شده. درباره ما او را به صحبت در این واقعیت است که امپراتوری بود که از غرب قرض نه تنها تکنولوژی است ، بلکه برخی نهادهای اجتماعی و فرهنگی به طور موثر به منظور مقابله با غرب در شرایط مشابه از رقابت های جهانی استراتژیک است. وام گرفتن از چنین ناراحتی را نمی توان نام اثر مستقیم توسعه تحمیل کرده است ، بلکه دست کم گرفتن inokulturnoe ضربه اشتباه بزرگی خواهد بود. دشوار است به تصور کنی که چطور برای ایجاد روابط بین قدرت های امپریالیستی روسیه و مطالب خود را ، اگر نه غیر مستقیم و گاه مستقیم حضور (فشار) از غرب ، به یاد داشته باشید دست کم تقاضا از کشورهای غربی در اتحاد جماهیر شوروی پس از امضای قانون نهایی هلسینکی ، تحمیل میان چیزهای دیگر ، های انسان دوستانه "چهارمین سبد خرید" : احترام به حقوق بشر است. و آن را در مورد حقوق بشر در اروپا ، مفهوم غرب ، که در نهایت به زیستگاه های مختلف تمدن جهان پخش شد.

به عنوان احترام به حقوق بشر عملی بر خلاف اصول طبیعت بیشتر از قدرت های امپریالیستی مانند اتحاد جماهیر شوروی بود ، و در پیش از زمان اتحاد جماهیر شوروی ، این جنبه از زندگی داخلی روسیه است به طور مستقیم در نفوذ اروپا ، یورو در تمدن اقیانوس اطلس به عنوان یک کل تحت تکفل. اما مشکل از محرومیت از حقوق مدنی است طبیعت جدا نیست ، آن را در کنار محرومیت دائم از مخفف وارداتی به روسیه ، مؤسسات غربی. توجه داشته باشید که نهادهای دموکراسی نمایندگی ، دادگاهها ، نظام انتخاباتی در روسیه عمدتاً خارجی بودند ، تقلیدی فرم ، که نه تنها به طور جدی تغییر داده اصلی (غرب) به آنها محتوا ، بلکه همچنین موجب کاهش پایداری این نهادها صورت antimodernizatsionnyh روند.

لازم به مسئله مربوط به توسعه فن آوری های نظامی ، صنعتی و اجتماعی را به تکامل از قدرت های امپریالیستی روسیه بپردازیم. هم روسیه و شناخته شده ترین فیلسوف مهاجر Vysheslavtsev فشار خون ، سخن گفتن از زندگی معاصر غرب ، به حق مشاهده شده : "چگونه است جدید در اینجا به نظر میرسد پس از تغییر شرایط زندگی؟ پاسخ روشن است : آن علم دقیق (علوم ریاضی و زیست شناسی) و روش علمی ، این است که در اکتشافات علمی صنعتی. و ، علاوه بر این ، و بالاتر از همه ، سازمان منطقی از دولت و قانون ، لیبرال دولت قانونی و دموکراتیک است ، اطمینان از امنیت شخصی و آزادی ، که بدون آن هیچ خلاقیت و اختراع و علم وجود دارد. "

عطف به خود ما نیست مدتها پیش گذشته ، اتحاد جماهیر شوروی ، اجازه دهید که چگونه و بر اساس مدل توسعه بسیج همه نیروهای شرکت کننده در این فرایند مورد استفاده افراطی برای ایجاد مدرن برای آن زمان از صنایع سنگین به یاد بیاوریم. مدرنیزاسیون در امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی استفاده از امکان وسیع ترین پهنای کار برده ، میلیون ها نفر از زندانیان بر اساس اتحاد جماهیر شوروی ساخته شد کانالها ، قطبی سیبری و شهرستانها ، سنگ معدن اورانیوم استخراج ، در استخوان ها ساخته شده خود را سوسیالیسم واقعی است.

قلعه دانشمند اتحاد جماهیر شوروی که مشغول به کار در sharashka تهدید به خارج کردن "دایره اول" را در دوازدهم از دایره تخیل دانته ، و تنظیم و ثبت در واقعیت دوزخ استالین ، در حد نیروهای نظامی برای رسیدن به توازن استراتژیک را با آمریکا از اصول تجدد ، به ویژه ایالات متحده ، با سطح علمی و تکنولوژیکی قرن XX اواسط زندانیان ensnared اتحاد جماهیر شوروی در دور دوازدهم ، دست های عریان ، بدون هیچ گونه ابزاری برای حفاظت از استخراج سنگ معدن اورانیوم است که تضمین شده است و در حال مرگ دردناکی در یک دوره زمانی کوتاه و معقول. این فقط یک مثال فوق العاده است ، نهفته است که بین تعداد بی نهایت شکسته از زندگی بشر abyss از درد و رنج ، میزان مرگ و میر بزرگ ، با توجه به مجموع منجر به depopulation از ملت است. در نتیجه موج شدید نیروهای مردمی از اندازه از جمعیت روسیه amounted به سال 1995 ، حدود 146 میلیون در مقابل 270 میلیون دلار ، که به گفته کارشناسان ، می تواند در کشور ما در سال 1995 در همان زندگی می کنند. خسارات مستقیم و غیر مستقیم از روسیه در طول قرن گذشته amounted به حدود 121 میلیون نفر.

در نیمه دوم قرن XX به طور چشمگیری به عنوان یک چهار چوب سیاست خارجی تغییر است که در آن اتحاد جماهیر شوروی سابق و چالشهای پیش روی کشور قرار داد. اکثر کشورهای توسعه یافته به تدریج به مدرنیته آغاز شد بعد از مرحله صنعتی توسعه. در کتاب "یک مرد بعدی. تحقیق از ایدئولوژی جامعه پیشرفته صنعتی" ، که در سال 1964 منتشر شد ، هربرت مارکوزه گفته است که " (غرب -- سورگوم) جامعه ما متفاوت است پیروزی نیروهای گریز از مرکز اجتماعی را با کمک تکنولوژی ، به جای وحشت را بر اساس دو قریب به اتفاق قربانیان بهره وری و افزایش زندگی... ". سطح بعد از فن آوری های صنعتی مستلزم alities emancipatedment در محیط جدید بنده از یک دانشمند را نمی توان به اثربخشی کار رایگان قابل مقایسه با دانشمند. تحول نظام شوروی نسبت به تحمل بیشتری مشاهده شده در نیمه دوم 50 - ies از قرن گذشته ، به همراه روش عناصر سبک زندگی منحصر به فرد با معیارهای غربی بود ، تنها با توجه به استحاله تدریجی خود را داوطلبانه روح انسانی نیست. در این انحطاط از بسیاری جهات بسیار تطابق اجباری سیستم را به تاریخی ناشی از شرایط جدید بود ، تبدیل شدن هزینه اجتناب ناپذیر و منحصر به فرد ارائه رقابت های سیاسی و نظامی.

دولت اتحاد جماهیر شوروی ، شروع به دفتر سیاسی با احتیاط به غرب ، که به تدریج بزرگ ترین شریک تجاری تبدیل شد و همواره برای کشور منبع فن آوری های جدید ، اخذ آن به طور فزاینده اهمیت یافت شده است عمل می کنند. به عنوان مثال ، بعد از کار اصلی غرب از Gulag "s'Solzhenitsyn مجمع‌الجزایر "از اعضای دفتر سیاسی مورد بحث در طول آن ، تحت این شرایط به چنین نویسنده ی مشهور روسیه ، که در زمان انجام شدن جایزه ادبی نوبل. و پیشنهادات شما ، در ذات ، آب پز کردن را به دو : ارسال و در خارج از کشور سعی در اتحاد جماهیر شوروی را تا سر حد پر از قانون اتحاد جماهیر شوروی. من خواهد بود شکایت کرد و فرستاده شده به Verkhoyansk ، به عنوان پیشنهاد شده توسط رفیق. Kosygin ، چرا که "هیچ کس در آنجا خواهد شد از خبرنگاران خارجی : هوا خیلی سرد است." اما ، به عنوان رفیق با پشیمانی بزرگ ذکر شده باشد. Solomentsev ، "ynSolzhenits -- دشمن از سوگند یاد اتحاد جماهیر شوروی. اگر نبودند سهام های خارجی ، که اکنون حامل اتحاد جماهیر شوروی ، این امر می تواند امکان داشته باشد ، البته ، حل و فصل مسئله را بدون تاخیر. اما هر گونه تصمیم گیری خواهد شد اعمال سیاست خارجی ما تاثیر بگذارد؟ .

بنابراین ، سیاست های داخلی در اتحاد جماهیر شوروی در سال وابستگی خاصی در سیاست خارجی ، چهار چوب های بین المللی ، که به حال به عمل وزارت امور خارجه و بخش بین المللی کمیته مرکزی CPSU. معلوم شده است که در صنعتی و به خصوص در پسا صنعتی جهان را نسبت به بهره وری نظامی و تکنولوژیکی است توسط فرسایش درونی نظام های امپریالیستی همراه ، فعال اثر توسعه تحمیل شده ، تجلی و عمدتاً در گسترش عناصر disistemnyh آورده در مورد Westernization.

در نوبه خود ، روسیه ، و سپس امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی یکی از منابع توسعه اعمال شده در رابطه با مستعمرات و نیمه داخلی و خارجی آسیا شد. مثال کلاسیک مدرنیزاسیون شوروی در آسیای میانه است. در سال 70 از قرن گذشته از آن به نظر می رسد که راه های سنتی در این کشورها هرگز در گذشته ، بنیاد فرهنگ اسلامی پولیس ضعیف ، حفظ بیشتر به صورت ضمنی رفته است. با این حال ، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، این کشورها به سرعت سقوط آن بازگشت به وضعیت طبیعی تاریخی ، یعنی استبداد فئودالی قرون وسطی ، و همسایه افغانستان پس از عقب نشینی اتحاد جماهیر شوروی او بازگشت "را به وضعیت طایفه و قبیله ای است که تکه تکه شدن آن را برای هزاره مشخص ، و که در آن زمان از یخ زده روسیه رقابت بریتانیا ، پس از منطبق جنگ سرد.

امروز ، حداکثر خود وحی از ویژگیهای اساسی از اجتماعی و نظام فرهنگی از کشورهای آسیای مرکزی تنها از طریق وجود خود را در نظم های معاصر بین المللی ، هیچ نعمت های مختلف به شکل قرون وسطایی پیروی از سیاست انزوا محدود می شود. در همان زمان در صورت تضعیف توجه جامعه بین المللی را به مسائل انسان دوستانه از خارج تحمیل موجودیت نظام سیاسی لیبرال است که بر این اساس ، دشوار است را حتی تزیینی ، مجبور شده است از بین بروند. به محض تضعیف اصول اساسی سازماندهی شده است که امپراطوری و جابه جایی از راه تمدن از حاشیه به مرکز ، بیشتر و بیشتر افرادی که قبل از در مدار خود کاهش یافته است ، قادر به زندگی می کنند بیشتر در راستای اجتماعی خود ، سنت های فرهنگی وجود دارد. آن را از خود است ، تولید مثل از این سنت اجازه نمی دهد که این افراد در تقسیم کار جهانی شرکت کند ، از بخشی از جهان مدرن : "این منطقی است به فرض کنیم که در قرن XXI پس از تنظیم مجدد از لایه های کل و مناطق است که نه از نظر اجتماعی و اقتصادی از جنس است ، و ساده تر و ارزانتر به دور انداختن".

ما معتقدیم که فرایند مدرنیزاسیون در روسیه در نمای خارجی از جامعه مصمم است از مطالعه حکمت غایی های امپریالیستی به اپوزیسیون غرب ، که در دو جنبه است با توجه به جاذبه و دافعه ابراز شود. در جنبه های درونی فرایند مدرنیزاسیون توسط پویایی مبارزه امپریالیستی غالب تعیین می شود و خدمت به عنوان اجزاء از مدل لیبرال و مدرنیزاسیون. آیا طرح کلی ، چگونه این طرح ابراز خود در تاریخ ، به بخش بعدی ما اختصاص یافته است.

### سوم. تاریخی دنباله روسی ارتقا

قبل از چرخش به ترتیب تاریخی و مدرنیزاسیون روسی و تبدیل مواد را به تجزیه و تحلیل تجربی و کمال از جانشینی فرامین و مدل لیبرال و مدرنیزاسیون ، من می خواهم به بیان نگرش خود را به یک کاملاً رایج در محافل دانشگاهی و مشاهده خطاهای *okolonauchnyh* تاریخی است. ذات آن نهفته است در نظر متافیزیکی از روسیه به عنوان یک ثابت در طول تاریخ همواره برابر است و به خودی خود. با این حال ، مرزهای کشور ، ترکیب مردمان آن ، مربوط به این ترکیب ، فرهنگی و چشم انداز تمدن چند بار تغییر. علاوه بر این ، "در تاریخ ما شاهد پنج مختلف روسیه : روسیه کیف ، روسیه ، تاتار دوره ، روسیه مسکو ، روسیه پیتر ، امپراتور و ، سرانجام ، اتحاد جماهیر شوروی جدید روسیه است." نادیده گرفتن این تغییرات گام در جهت *mythologizing* سابقه است. اما در هیچ اسطوره و سابقه آن در توسعه است ، اما خداوند واحدی وجود ندارد ، داده شده قدرت های امپریالیستی ، در هر زمان داده شده را در خود دارد حاوی تمام وجود احساس پری تاریخی آن است.

چنین مشاهده استاتیک تاریخی ملت و فرهنگ ، از نقطه نظر ما ، قابل توجیه نیست ، بلکه نشانی از تغییرات را به حساب تحت تأثیر پویایی تاریخی و فرهنگی می باشد : "فرهنگ زندگی نمی تواند یک تکرار گذشته -- همواره به آن را افزایش می دهد به ساختار و عملکرد سیستم های جدید و متون . اما می توان آن خاطره گذشته نیست. " با این حال ، این

دیدگاه اساطیری از تاریخ روسیه به تداوم پایدار بازتولید کلیشه های ذهنی آگاهی ملی و فرم مربوطه را از روابط اجتماعی نهفته است.

کلیشه های ذهنی که در عصر ظهور از Kievan روس ، قدرت به دست آورد و در طول firmer افزایش مسکو و شکل گیری ملیت روسی بر اساس گروه های مختلف قومی در قلمرو ولادیمیر - Suzdal و مناطق اطراف آن. مجموعه ای از زمین و تشکیل دولت مسکو مدل entrenching این نوع گرایش به قابل پخش در تحولات مختلف تاریخی ، جغرافیایی و ethno - تحولات فرهنگی باشد. با توجه به تولید مثل از برنامه های سنتی ، و دوباره سازماندهی جامعه ، A. یادداشت Akhiezer که "درجه بالایی از پایداری است که نه تنها به جهت گیری های فرهنگی از تولید مثل از تضمین برخی از "مطلق" ، "طبیعی ، نظم تغییر ناپذیر ، نه تنها قدرت جبر تاریخی بلکه به نظام سرکوب ، همراه با فرهنگ در حال ظهور " .

این برنامه جهانی در انواع شرایط تاریخی و نسبتاً به طور مرتب با درجه بیشتر یا کمتری از تمامیت ایفا کرده است. به ویژه ، B. Kagarlitsky معتقد است که این ویژگیها را از تاریخ روسیه ممکن است در درجه اول در جهان را شناسایی - رویکرد سیستم و توضیح می دهد که آنها را به دور از موضع روسیه در نظام جهان و به عنوان یک کشور مشارکت محیطی در تقسیم بین المللی کار و تجارت است.

یکی از پیامد های قرص inokulturnogo انتخابی در شکاف عظیمی بین تشکیل شده بود به طور مداوم در سطح اروپایی نظامی پتانسیل های فنی و عقب ماندگی از زندگی اجتماعی مینمایند. زندگی روزانه از توده های اصلی مردم ، که بی تربیتی بود ، تا انقلاب اکتبر 1917 را حفظ بسیاری از راه کافر کهنه ، ردهای که در بعضی از خرده فرهنگ باقی بماند امروز. تغییر در زندگی روزمره مردم وجود دارد ناخواسته بودند ، به طور عمده در نتیجه پیامدهای نامطلوب ارتقا امپریال. درآمد حاصل از این فرآیند را به صورت borrowings (subcultural)inokulturnyh ، و در صورت تطابق اجباری برخی از جنبه های زندگی اجتماعی به مشکلات موجود در حال حاضر ساخت و ساز های امپریالیستی.

بنابراین ، لنین به این واقعیت اشاره کرد که "یک فرد بی سواد می ایستد سیاست خارج و به همین خاطر باید الفبای یاد بگیرند. بدون این می تواند سیاست وجود ندارد" ، یعنی باید برای رسیدن به سواد آموزی جهانی است در درجه اول به دلیل لحظه ای از وظایف ، به طوری که انسان معمولی قادر به خواندن فرمان و دستورات رژیم شوروی ادامه یافت که به فرم یک سنت سکولار از قرون وسطی ، زمانی که افراد به حال به دانستن ساز در درجه اول به منظور خواندن Scriptures. فرمان شورای Commissars خلق "در از میان بردن بیسوادی در میان جمعیت RSFSR از 26.12.1919 ، برقرار ضربات پنهانی برای عدم به یادگیری خواندن و نوشتن ، که شده است ، انحراف واقعی از مشارکت در زندگی سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی سابق: " خجالتی و دور از تعهدات این مصوبه... تحت پیگرد قانونی قرار.

البته پیوستن به مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون بعنوان یک قاعده ، آیا به تغییر در زندگی روزمره مردم نمی شود ، عمدتاً نخبگان Europeanization شد. فقط در دوره کوتاه از اصلاح طلبان لیبرال در دسترس ارتقا آگاهانه ، نه تنها برای اصلاح حکومت ، بلکه در زندگی اجتماعی است.

از نقطه نظر ما را از مشاهده ، در نظر گرفتن اثر متقابل دو مدل از نوسازی روسیه نمی تواند شروع از زمان که آمد به استفاده از کلمه "نوسازی". از آنجا که پدیده رابطه از دو مدل و مدرنیزاسیون است از نزدیک با این پدیده از اصلاح طلبی و شکل گیری روسیه در منطقه خاص فرهنگی و تمدن ، توجه به نوسازی روسیه باید آغاز و با سابقه خود را نشان میدهد.

پس بیابید آغاز خواهد شد. در اینجا این است که چگونه استاد. م. H. Speransky characterizes قرن پانزدهم مسکو ، "آن را به تولید یک طرفه ، به عقب نوع نگرش قرون وسطایی در اساس غلط فهمیده و یا درک ضعیف

Byzantinism: مذهبی، ملی و بعد از آن، منحصر به فرد، رابطه رسمی به ایده های دین، مذهب، bukvalistika، مناسک، عدم آموزش و پرورش است اظهار عقیده بدون دلیل جایگزین -- تمام صفات مشترک mindset قرون وسطی، آورده، اما به یک sidedness، گاهی اوقات چیز عجیب و غریب.

سلطنت ایوان سوم می تواند به عنوان تلفیق کننده عقاید مختلف تشریح شود، مشخص شده توسط تقسیم بودن از روند خود ادامه خواهد داد که به عنوان مخالف قرار خواهد شد. میبینیم که دست ها، فرم ها و روابط زندگی اجتماعی و اقتصادی، همتای اروپایی، به اندازه کافی قوی شده اند در زندگی روسیه. در آتن مسکو، "اروپایی قرن" روسیه در قرون میانه، شاه سازندگان اولین fascinatingly گفت: A. ژانی. بودند اما گرایش دیگری در رابطه با زمان آشنا شده توسط سنت قدرتمند از استبداد و ظلم و ستم (ایوان زندانی دیمیتری نوه او، و نه اشاره به اعدام و زندانی کردن افراد با رتبه پایین تر وجود دارد، عظیم مهاجرت اجباری ساکنان نوگورود، Tver، Vyatka...).

با وجودی که این سیاست در برابر ساکنان سرزمین را فتح به نظر می رسد کاملاً در مقایسه با یک برگزار شد توسط جانشینان او پرنس بزرگ Vasili و در ادامه پسر باسیل امپراتور بزرگ و قادر متعال شاهزاده ایوان چهارم (وحشتناک) لیبرال شد. از مشاهده از گذراندن شد و سپس در مورد آنچه Muscovy J. فلچر، متعلق به ساکنان از این اراضی در حال حاضر را جمعآوری کرده بود "بازو" از مسکو: "او (باسیل شکست در گرفت و او را با سه نفر از ساکنان از چهار، بعد از او به چه کسی فروخته و یا تاتارها، بود که با او در جنگ. "علیه سابقه و هدف از این گرایشها دارای دو جنبه را تقویت و ایده های امپریالیستی، با تشکر کوچک هیچ اقدامی در کمک به ازدواج ایوان سوم با صوفیه Palaeologus با مشروعیت متعاقب آن از سقوط tvaderzhavopriems تحت ضربات ترکان عثمانی یدلایمخیرات 1453 مه 29 در قسطنطنیه.

از این vicissitudes معروف تاریخی تبدیل به کلیدی در گفتمان های موجود در رابطه از دو مدل و مدرنیزاسیون، شکل گیری و تقابل دو خط جایگزین از توسعه فرهنگ روسیه و جامعه است. اگر دوران ایوان سوم در سال خود را وابسته به همتایی توسعه شامل گزینه های متعدد، از جمله گرایش های امپریالیستی و protoliberalnuyu را در عصر ایوان چهارم (گروزی)، اولین شرکت روسیه، هنوز به طور کامل آگاه از این تغییر به عنوان یک انتخاب معنادار، از آسیایی اروپایی تبدیل شده. با شروع در دوران الگوریتم خاص ایوان چهارم را مشخص آغاز اصلاح طلب روسیه، و نه به طور منظم در داستان های بعد دوباره. جوان و پادشاه - اصلاح طلب جمع آوری دایره غیررسمی از همکارانش برای اجرای اصلاحات، به برخی از حد، پوشیدن لیبرال شد.

اصلاحات در عرصه به دلایل مختلف شکست، خود را در درجه اول سیستم خود را رد، اما عواقب این محرومیت توسط تناقضات و shortsightedness خود را اصلاح طلبان compounded است. ایوان چهارم در گذار به اصلاحات و سیاست های استبدادی و سرکوب، نه تنها واقعی مایوس بود، اما مخالفان بالقوه، بندگان خود را، به کشاورزان خود، خانواده و خانوار. در بی رحمی و سیاست در حد از سرکوب و قتل پادشاه رفت و فراتر از معمول در آن زمان در شیوه های Muscovy دولت بوده است. در این مرحله از حکم ایوان چهارم، اصلاح طلبان مفقود شده است: که در بلوک است که در تبعید، که در صومعه.

همه ما بدانند، و یک نمونه از مشکلات و نیازهای قطعنامه دیگری "شهروند روسیه و قدرت استبدادی" نشان داده شده توسط A. Kurbski -- در خارج از کشور فرار کرد. و از خارج از کشور می تواند یک حاکم ستمگر یا مستبد، و به محکوم کردن آن نیز بزرگ اجتماعی و سیاسی و ادبی سنت، شروع شده توسط نامه شاه سابق مورد علاقه و قهرمان کازان و جنگ Livonian هستم Kurbski به ایوان چهارم: «سنت در مسکو به حال تمایل شاهزادگان طولانی خون او برادر و خراب کردن آنها را به خاطر بدبختی املاک و مطرود، nesytstva به خاطر ".



اصلاحات پروژه های توسعه یافته توسط دولت را انتخاب کرده راضی خواهد کرد به عنوان یک نمونه برای همه اصلاحات لیبرال متعاقب آن خدمت می کنند ، هسته اساسی از پروژه های لیبرال ، که برای قرن اخیر الهام بخش ترین پویا و بورژوائی از روسیه و جامعه گرا. پروژه های لیبرال در روسیه همواره وجود دارد شده است تفکیک ناپذیر از ایدئولوژی ایجاد روابط حسنه با اروپا ، و آن را شکست خورده در دوره های مختلف تاریخ روسیه به پایان برسانند.

به عنوان یک پیروزی برای روسیه جامعه طماع بسته راه کلیسای اصلاحات ، و واکنش های امپریالیستی و برش کوتاه defeodalizatsiyu فاز اول آغاز شده ، به ویژه ، اصلاح Zemstvo. اداری ، نظامی و بالاتر از همه ، Zemstvo ، فکر اصلاحات توسط دولت انتخاب شده راضی که توسط دانش نه تنها از عقب ماندگی های فنی و نظامی ، بلکه سیاسی و اجتماعی اروپا املا شده است. اگر چه منطق و روش پیاده سازی خود را تا حدی حفظ رابطه با منطق و روش مشخصه از مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، این اصلاحات موجود در خود و برخی از عناصر لیبرال شد.

با این حال ، روسیه به خارج در آن سال به اجرا درآمد مهمترین محدوده های تاریخی ، که متشکل در نفی مدل لیبرال توسعه که نه تنها نشانی از تاثیر ویرانگر در آینده ، تا زمانی که فاجعه تمدن است که پس از انقلاب اکتبر سال 1917 : "... شاید نسل ما این است که گناهان را پرداخت نمی باستانی مسکو می رسد؟ آیا جانشینان Kalita استبداد ، و تخریب دولت principalities و شهرستانها رایگان ، که سرکوب استقلال اشراف و کلیسا -- با به تصلب بافت های بدن اجتماعی امپراتوری منجر نشد ، با عجز از طبقات متوسط و سیاه - "صد" به سبک عامیانه "از انقلاب بلشویکی؟

از آن به بعد ، هر دو شکست خورده دولت را انتخاب کرده خوشحالم در تاریخ روسیه است که تمایل دیر  پویایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ، در حالی که حفظ اجماع بین جنبش به جلو و عقب حرکت طبیعی از نتیجه وجود دارد : شکست اصلاح طلبان و پیروزی محافظه کار ، ضد بخشی اصلاح طلب از نخبگان حاکم. "متروپولیتن Makarios ، سر از سلسله مراتب ، موفق شده است تا تبدیل به یک راز دار ، مشاور معنوی پادشاه. روز پس از روز ، همواره و methodically به او الهام گرفته که او ، پادشاه مسکو ، متعال و قادر مطلق ، که پیش از آن تمام -- بردگان. تزار ایوان دانش آموز سخت کوش بود ، و بعد از آن ، در پاسخ به نامه مقصر داننده Kurbsky هستم ، او با تغییرات مکرر ، به یاد کلام متروپولیتن : "شما در سواد besosostavnoy من تمام هستیم به تکرار همان ، عطف گوناگون" از کلمات و غیره و آن ، نوع تفکر شما است که بردگان را از اربابان قدرت... آیا وجدان مبتلا به جذام ، به پادشاهی خود را در دست خود را برای نگهداری و به بندگان خود را به حکومت کنید؟ این ذهن کثیف است -- نمی خواهم که باید خود را برده؟ آیا ارتودوکس درخشنده -- به تحت اقتدار برده؟".

بعد از انتقال گرانش از خصومت ها در قسمت شرقی روسیه در مرزهای غربی آن ، که همه تحت تاثیر توسعه کشور وجود داشته است. مقدار تغییر در اولویت های استراتژیک نظامی گرفته شده توسط ایوان چهارم ، فراتر از شرایط خاص تاریخی ، اگر چه برای معاصران از این تحولات ، پیامدهای ویرانگر بودند : تاتارها کریمه باز راه به مسکو می رود. کریمه خان Devlet Giray نابودی بخش مرکزی ایالت سوخته مسکو ، و مهمتر از همه ، تعداد باور نکردنی از مردم کشته شدند : بیش از صد and twenty thousand and سربازان و شهروندان به جز زنان ، کودکان و روستایی ، که به مسکو از دشمن فرار کرد و همه هشتصد هزاران.

آن را با ایوان چهارم (وحشتناک) و فتح قازان و آستاراخان شد khanates ، از آغاز ورود در "میراث تاتار" آغاز می شود و داستان از امپراطوری روسیه ، آغاز می شود مدتها قبل از اعلام در یدلایمخیرات 1721 توسط امپراتور پیتر I. مدرن ترین مورخان غربی پایبند این دقیقا همان نقطه نظر. توجه داشته باشید که ما نیز تقسیم این دیدگاه با توجه به آغاز بر اساس سال از روند ساخت و ساز و محتوای امپریالیستی در Muscovy / روسیه است.

فعالیت های اصلاحی از بوریس Godunov در آغاز سلطنت خود ، دارای دو جنبه است ، و نه از نزدیک هم تنیده شده آن را دریافت نکرده اند و مفهومی به عنوان مخالف روند فرامین و protoliberalnye. با وجود موضع دوگانه ای از اصلاحات داخلی ، در مجموع ، استدلال می کنند که ممکن است رخنه کردن در آن کلی است و نزدیک به جهت protoliberalnomu. این راستا می تواند از دوره ، نه ، قدرت اعمال نظر از قبیل لغو یا از حق تغییر دهفانی از یک مالک خود را به دیگری در روز سنت جورج ، اما این امکان وجود دارد در نظر گرفتن ترفیع کسب و کار چاپ اول ، آموزش و پرورش ، دعوت به اقامت دائم از بیگانگان و سیاست ها به منظور ایجاد روابط حسنه با اروپا.

کوتاه مدت در دوران Godunov به یاد حداقل خودداری می کند زیرا او به ادامه ترور امپریالیستی استبداد و برداشتن قدم های مناسب برای از بین بردن عواقب آن است. سلطنت او یک بار دیگر نشان میدهد الگوی خاص ، که شامل این واقعیت است که حاکمان روسیه لیبرال مردد هستند. و این دو دلی تنها situational ، به علل خارجی است ، اما نه باعث از ویژگی های داخلی. در این لحظه بحرانی از چهره های تاریخی ، ، مرسوم منتسب به خط لیبرال و مدرنیزاسیون روسیه از B. Godunov به تلاش گورباچف به نگر سیاست دارای دو جنبه است که ترکیبی از تعهد خود را به یک سری اصلاحات لیبرال ، و متعهد شده در سیستم ، و در تعهد خود را به عکس العمل محافظه کارانه امپریالیستی ، فیزیولوژیکی ترس از اصلاح سیستم. به این ترتیب ، مورخ آمریکایی فرانسیس Vchislo اشاره کرد که "... از ویژگی های ذهن پلیس" (در حال حاضر را در عصر اصلاحات بزرگ" 1860 -- 1870 یافت نشد... و در چشم انداز دراز مدت اصلاح طلبان ، چرا که آنها پایه مشاهدات خود را از غیر روحانی به رسمیت شناختن تقدم منافع عمومی و حفظ (حفاظت) از نظم و ثبات. concisely آن نوشته شده است -- اما جادار و درست است.

در سال دوم ، بحران در دوران بوریس Godunov (از 1602) ، نازک و postepenno تقسیم لیبرال جزیی از سیاست های او ، با عظمت و عناصر استبداد شروع به نظر می رسد به طور فزاینده ، به ویژه هنگامی که تهدید مستقیمی برای امنیت شخصی و قدرت وجود داشته است. در نهایت به حال بیان شده اصلاحات لیبرال ته مایه هرج و مرج آینده زمانه متوقف شد.

در چهار چوب گفتمان ما غیر ممکن است به چشم پوشی ، و چهره ای تاریخی زنده به عنوان غلط دیمیتری I. رقم ، به عنوان ستوان Kije ، احاطه شده توسط انواع conjectures که یک شخصیت اساطیری و یا تاریخی و ادبی. در دیمیتری غلط من ، تا خارج از سنت های دولت اهل مسکو آورده خواهد شد و از تاج و تخت خود را در مورد ظاهر میشود ، نیکل Kostomarov نوشته است : "او با صدای روسی از آزادی صحبت کرد... همه که مجبور به روسی را بیاموزید با مفاهیم جدید ، آنها را به زندگی های مختلف اشاره کرد." در طول پادشاهی خود را ، که 331 روز به طول انجامید ، دیمیتری دروغین اصلاح طلب را به من ثابت شده باشد ثابت قدم تر از لیبرال فکر نسبت به سلف خود (به عنوان مثال ، بوریس Godunov) ، او شد "شگفت زده و برندگی boyars نشاط ذهن در امور دولت است. proshlets پادشاه غالباً : taunts را فراموش کرده ام آنها را با او توهین ، rebuked جهل ، teasing حمد غریبه و اصرار داشت که روس ها باید دانشجویان خود را به سرزمینهای خارجی دیدن ، دیده بان ، تحصیل و کسب نام از مردم است. "

در نظر گرفتن فرضیه از مطالعه ما ، که بر طبق آن از دو مدل از مدرنیزاسیون -- فرامین و لیبرال -- روسیه ، بنا به سنت غالب ، تمرکز بر روی مدل های امپریالیستی ، ما توجه داشته باشید که در آثار مورخان روسی ، کم و بیش آگاهانه جدا ایدئولوژی امپریالیستی ، دوره اصلاحات لیبرال و طرفداران آنها مانند اجزاء بیگانه آشکار نگاه کنید ، هرج و مرج و سردرگمی. در بیان شدید خود را از این ایدئولوژی است با توجه به دوره های مدرن لیبرال های محلی به عنوان مظاهر شر در جهان. بنابراین نسخه رسمی آغاز قرن XVII. برگزاری است که خود منصوب دیمیتری است جز راهب defrocked ، دزد و ادم مست هر دو تا Grishka ، تبلیغاتی تلفظ بتن کرد. حوادث معاصران متعلق به این نسخه از

بسیاری جهات ، از جمله کاملاً تردید است ، اما همه ما ، به لطف الکساندر پوشکین ، به یاد داشته باشید این است که تصویر از Falsdmity I.

توجه داشته باشید که تغییر مکان از آزادی به یک دولت استبدادی و پرخاشگر در ادامه پیروی از سیاست انزوا امپریالیستی است که در کلیسای جامع در یدلایمخیرات 1613 در آن سال رخ داده است در دست است از دست رفته فرصت تاریخی برای فرستادن بردار از روسیه به سوی اروپا ، به عنوان مثال ، به حال جزء بزرگی از طرح اصلاحات لیبرال میخائیل Saltykov . هر unrealized برای این نوع از روسیه جدا شده از اروپا ، تخمگذار شالوده ای برای جمع شدن بیشتر در زمینه های مختلف از زندگی ، جمع شدن ، که بعد از آن تا به حال برای غلبه بر دردناکی و بنابراین بطور عزیز.

شناخت خاک آماده ، در دسترس بودن عینی و ذهنی شرایط لازم برای اصلاحات پیتر است ، معمولاً در ذهن اصلاحات مداوم در نیمه دوم سلطنت الکسی Mikhailovich است که تا حد زیادی واقعی داشته باشند. در دوره قبل از پیتر بزرگ استخراج معدن قابل توجه بود ، معرفی قفسه "رژیم بیگانه" ، در رتبه نظامی اروپا ، عناصر لباس به سبک اروپایی و بسیاری دیگر : "این احساس نیاز را در مسکو در هنر اروپا و راحتی ، و بعد از آن در آموزش و پرورش علم است. شروع به مامور خارجی و تفنگ آلمانی ، به پایان رسید و باله آلمانی و دستور زبان لاتین".

در چهار چوب منافع ما از گفتمان در دوران سوفیا ، زمانی که وی predmodernizatsii منظم و بعد از آن تقریباً فراموش کردن کلمه عبور لیبرال تلاش ساخته شده است می باشد. بدون رفتن به شرح مفصلی از اساس واقعی از وقایع ، ما توجه داشته باشید که بسیاری از آنچه تحت الکسی Mikhailovich انجام شده بود ، و سپس توسط جانشینان بلافاصله خود را توسعه داده بود ، توسط مدرنیزاسیون شاهی پیتر I. ناپود ما بیشتر علاقه دارند به در نیست که چگونه و چه هستند دقیقاً precursors پیتر من پیش بینی اصلاحات او ، و از این جهت اصلاحات.

هنوز مخفی نگرش انتقادی خود را نسبت به دستورات Athanasius Ordin ، staromoskovskim -  
VN Romanov ، Morozov ، boyars مراقب ، Rtishchev ، Nashchekina کمتر شناخته شده خود را معاصران ، Matveev ، و بعدها به روسی واسیلی Golitsyn غربی را به روسیه منتقل شده در اروپا. توصیف شخصیت و وسعت برنامه های اصلاحات واسیلی Golitsyn ، سفیر نویل لهستانی ، که در مسکو در سال 1689 وارد شدند ، نوشت :  
"اگر من می خواستم برای نوشتن که من در مورد همه این شاهزاده یاد گرفته بودم ، هرگز به پایان رسید ، آن را به کفایت می گویند که او می خواست برای افزایش جمعیت کویر ، به غنی سازی فقیر ، مردم را به savages نوبه خود ، به cowards مردان شجاع ، سرزمین huts زباله و در اتاق های سنگی.

آن را در طول این دوره بود ، همراه با تقویت و موقعیت ژئوپولیتیک ، نتیجه گیری صلح با لهستان و بازگشت از کیف ، پروژه های لیبرال از اصلاحات دهقانی توسعه داده شد. بر اساس این طرح ، کشاورزان دریافت وراثت زمین و عوارض نوسازی مالیات سالانه به شاهی پیتر من ، محدود در مقابل بودند ، آورده به شکلی افراطی در اسارت ، به اصلاحات لیبرال طرح زندگی عمومی نشده اند توسعه یافته ، VV Golitsyn تبدیل شده بود نه یک دیپلم پیتر I. حتی هنگامی که سوفی اصطلاح محلی لغو شد و دادگاه در قرون وسطی ستمگری -- جنایتکاران متوقف کردن به ریز ریز کردن دستها ، پاها و انگشتان ، در برابر پس زمینه شیوه های روزمره تحقیق و اعدام ، خلاصه ، مشخصه Petrine دوره از تاریخ ما بود ، در خیلی انسانی. هنگامی که تئودور شروع به توسعه می شود پروژه برای اسلاوی - یونانی لاتین فرهنگستان ، ارائه شده است که ایده های لیبرال vsesoslovnogo آموزش و پرورش ، و صوفیه ، و ناتالیا Naryshkin - مادر پیتر در واقع ، از زمان سرنگونی حکومت از سوفیا و تا زمان مرگش در سال 1694 ، باید در نظر گرفته نمادی از رکود ، جهل و محافظه کاری.

بر اساس شرایط داخلی کشور ، جنبش *kontreformatorskoe* ، که پس از سرنگونی از سوفیا ، با درجه بالایی از احتمال می تواند خود را به دیگری را نفی می *predmodernizatsionnyh* تحولات منجر شود. با این حال ، در چهار چوب از محیط زیست تغییر در درجه اول خارجی اروپا روسیه را به مقابله با چالش های جدیدی از رویارویی نوپای وابسته به جغرافیای سیاسی اروپا قرار گرفت. حمایت شده توسط اهل سنت سیاست های *izolyatsionistkuyu* برای رسیدن به این آن ، عملاً غیر ممکن بود.

حقیقت این است که از آن زمان ، حداقل ، با سده XVIII ، به لحاظ تاریخی غیر این کشور ، جهان غرب ، از جمله روسیه ، روبرو هستند چالش تمدن غربی ، مدرن ، دادن پاسخ بیشتر یا کمتر ، موفق به شتاب چشمگیر اجتماعی و پویایی فرهنگی. مردم غیر قطعات غربی از جهان و با تبدیل مجبور شدند ، تغییر مانع سازگاری به نظر می رسد در چارچوب تمدن غرب را به دنیای جدید و اجتماعی خود ، سنت های فرهنگی. قسمت های مختلف غیر جهان غرب است کاملاً دردناک رفتن را از طریق فرایند مدرنیزاسیون ، اما تحت شرایط ، کامل ، تولید مثل از معتبر اجتماعی و سنت های فرهنگی را در بخش های زیر را از پویایی تاریخی و *sociocultural* از دست دادن هر دو واقعی و اسمی استقلال ملی ، یعنی می شود وابستگی استعماری در کشور بیشتر توسعه یافته و یا گروهی از تجدد است. فوکویاما F. خواستار تغییرات اجباری طبیعت و مدرنیزاسیون ، که کمتر کشورهای توسعه یافته ، "مدرنیزاسیون دفاعی". مدرنیزاسیون است عمدتاً به صورت واکنش انطباقی از روسیه را به چالش اجتماعی و نظام فرهنگی از تمدن غرب. "روسیه" نوسازی "، که در آغاز سده XVIII -- ابتدا نمونه ای از تطبیق "عقب مانده" به انقلاب ، کشور های غربی و مدرن.

در چهار چوب از در پشت عقب مانده روسیه و غرب بطور کلی که در ذهن نظامی خود را فنی و اقتصادی ، جنبه های فنی ، تا آن را در این تغییرات نوسازی منطقه می باشد محل در وهله اول انجام گرفته است. میل به اصلاحات در زمینه های فنی نظامی توسط ناتوانی از رقابت های نظامی با اروپا باعث شد. در مرحله نوسازی از امپراتوری روسیه به فن آوری های اروپا وام گرفته ، دانش کاربردی در عرصه صنعت ، علوم ، امور نظامی ، و نیز بعضی از عناصر از زندگی و سبک زندگی : "انقلاب علمی را به روسیه پس از جنگ آمدند ، و علوم طبیعی را برای سالهای زیادی در درجه اول در نظر گرفته پشتیبانی برای امور نظامی ".

علاوه بر این ، دولت روسیه در مورد نیاز به "کلاس خدمات ، کاملاً آماده به تحمل رقابت با اروپا. برای رسیدن به این هدف ، و به دیدار با پیچیده تر اجتماعی آموزش و پرورش مشکلات متنوع تر است. کتاب درسی با توپخانه و پیاده نظام یادداشت گروهان اضافه برخی از فرهنگ رایج است.

توجه داشته باشید که پیشرفت های سریع تکنولوژیکی است که محل را در عصر اصلاحات پیتر گرفت ، با تغییرات متناظر در ساختار سیاسی و زندگی اجتماعی نشده بود حمایت می شد ، آن را روی پایه های لرزان بنا شده است. در دوره های بعدی تاریخی از قدرت های امپریالیستی در هزینه های محدود کردن و لتاژ از نیروهای مردمی می تواند ایجاد رقابت علیه همتایان غربی ارتش و صنایع نظامی است ، اما این موفقیت همواره محلی ، آن را با هیچ سطحی از توسعه صنایع غیر نظامی مطابقت نداشته باشد ، تا آن را در دوران اتحاد جماهیر شوروی از تاریخ ما بود ، و نه سطح توسعه جامعه ، همانگونه که در پیش بود اتحاد جماهیر شوروی روسیه است.

اصلاحات پیتر من به نمایندگی از مدرنیزاسیون عنوان مثال مدل های امپریالیستی ، ابتدا شکل را در قالب یکی از کامل ترین زمان ، فرار از اجزاء آگاهانه لیبرال ، "استبداد و بردگی تحت پیتر ابزار مدرن. اما برخی از نتایج این اصلاحات ، صرف نظر از نیت از اصلاح طلبان ، آورده و به جامعه روسیه و لیبرال ، *edisistemny* علیه عناصر سیستم های امپریالیستی. تحت پیتر عظمت امپراتوری همچنان هدف اصلی ، و جامعه تنها به معنی برای اجرای آن است. در این

مختصات نظام ، دولت -- مهمترین ، ارزش غالب ، مظهر حاکم در شخص خود و قدرت ایده های عمومی خوب ، ایستاده در موضوع rungs پایین نردبان اجتماعی ، مقدار کمی به دولت را نمایندگی نمی کند.

فرمول موفقیت بسیج امپریالیستی ، هنگامی که از آن این است که در برقرار ارتباط میان انسان و قدرت ، بی اهمیتی از زندگی بشر ، به طور ضمنی مسکو از مدل ایالتی languished ، تحت پیتر من گنجانده ترین انواع پر سر و صدا. بنابراین ، Plekhanov ، شرح دوره اصلاحات پیتر است ، به حق مشاهده شده : "Evropeizuya روسیه ، پیتر ، در اینجا آورده و به افراط و ویژگی است که سیستم خود را ، که converges با استبداد شرقی... ساخت ، مشخص شده توسط رجحان از این ویژگی ، به طور مستقیم به دموکراسی مخالف : آن همه ، جز یکی ، در حالی که در دموکراسی ، همه آزاد ، حداقل ، حق قانونی «devalsne».

در یک زمان ، نه بدون دلیل به این باور است که مرزهای اروپا خلاصه مرزهای گسترش قانون ماگدبورگ. اروپا در قرون وسطی سنن حقوقی با توسعه فرهنگ شهری ، ترکیب در تقابل با روسیه ، که در شهرستان بودند گرفته بود ، اما هیچ تکامل یافته و جامعه شهری ، وجود دارد به خصوص ، حق ماگدبورگ. در روسیه بود زیر ساخت های جامعه شهری توسعه یافته نیست و همچنین ، با شروع با آزادی از اصلاحات در روستایی از 1861 ، و تقریباً تا پایان قرن گذشته ، "نه توسط افراد ، گروه ها و لایه های اجتماعی را ، و تمام شهر و بسیاری از روستا به حاشیه رانده شده اند ، فعال -- دولت انتقالی. حتی در یک نقطه کاملاً آماری از روسیه تبدیل شده است که عمدتاً شهری کشور ، تنها به 60 سال هفتم از قرن XX.

اما اجازه دهید ما را به بررسی برخی از نتایج اصلاحات و مدرنیزاسیون از امپراطور و حاکم مطلق روسیه پیتر I. بازگشت لایه باریک از تحصیل بار شهری روشنفکران بعد از Petrine ، با همه نفوذ خود را در مورد نگرش بخشی از جامعه تحصیل خود می تواند تبدیل به یک نیروی اجتماعی است که می تواند اجتماعی پایه های فرهنگی جامعه دگرگون. روحانیت ارتدوکس بزرگ ، بیش از حد ، می تواند نقش نیروهای اجتماعی که قادر به تحقق بخشیدن به منافع تاریخی از جامعه ، نه دولت بازی کند. منافع و قدرت را برای او شده است که از منافع جامعه ، و برای اکثریت قریب به اتفاق افراد از امپراطوری از ارزشهای غربی ادامه داد که به چیزی خارجی ، این شرکت را حفظ بسیاری از راه کهنه از زندگی ، باورها و ارزش های سنتی.

در نتیجه مدرنیزاسیون شاهی پیتر من از فاصله زمانی بین دولت و جامعه وجود داشته است پرورش یافته است ، چون تا به جامعه دستخوش تحولات رادیکال به طور مساوی نیست. اما قدرت دارد و عمدتاً در سطح خارجی تغییر کند ، با توجه به AA Kiesewetter ، "از پوسته بیرونی از اصطلاحات جدید در دفتر شما را در قدیمی به دنبال روس اهل مسکو ، با خیال راحت عبور از آستانه قرن XVIII جای راحتی قرار گرفته است و در سنت پترزبورگ تحت امپراطوری جدید" است. جامعه روسیه بود داخلی نیست و به من پیتر متحده ، اما بعد از فاز امپریالیستی از مدرنیزاسیون Petrine تمدن تقسیمات در درون جامعه روسیه به شدت افزایش یافته ، که به خودی خود ابراز بعد در چهار چوب مردم از واقعیت واقعی تاریخی از دوره ها و چالش های جدید است. در این dualistic تصویر خود را در زمینه های قدرت جهان را به پروژه ideokraticeskogo عود ثابت محکوم به فنا است ، چرا که تنها میل به چنین هدف بزرگ متافیزیکی توجیه کهنه مطلقه خود را در تکوین آن وضعیت های امپریالیستی.

تمایل به پیاده سازی پروژه okraticheskogoide بعدی قابل قبول است و بی تفاوتی از مقامات مسئول در رابطه با ابعاد از جمله اجتماعی و غیر قانونی ، moralism ، ساده و حتی عقل سلیم. محروم از مولفه قوی لیبرال ، عمدتاً جامعه سنت گرای روسیه باقی مانده است تقریباً فقیرانه وضعیت پیشنهاد را قبول می کند قدرت و یک مدل از درون تقسیم تمدن. Tolstoi الکسی در سال 1918 ، نوشت : در مورد نتایج اصلاحات پیتر : "اما آنچه اتفاق افتاد چیزی شبیه پیتر افتخار

نیست ، روسیه شامل نمی شد ، هوشمند و قوی ، جشن قدرتهای بزرگ. تر و تمیز و موهای او ، خونین و وحشت و ناامیدی دیوانه ، یک خانواده جدیدی در فرم ظاهر رنجور و نابرابر -- raboyu. و صرفنظر از اینکه چگونه thundered menacingly اسلحه روسی ، اتفاق افتاده است که قبل از برده دار و تحقیر جهان یک کشور بزرگ بود ، از بسط به Vistula دیوار چینی.

تلاش برای محدود کردن استبداد در بعد از دوره Petrine می توانند برای تقویت واقعی تمایلات لیبرال نیست گرفته شود ، بلکه روند streamlining روابط قدرت در درون نظام. جانشینان فوری پیتر من ، به طور سنتی با مخالفت های کوچک دولتی ، به سختی تشخیص در سایه اصلاح طلب بزرگ ، حذف تعصب ترین در ایالت متمایز از دوره های قبلی مدرنیزاسیون امپریالیستی درگیر ، همراه با یک سلسله مبارزات نظامی موفقیت آمیز ، منجر به نظامی از کشور ارائه داده است ، داشتن خسته از منابع آن است.

بدین ترتیب ، در دوران پیتر من «نظامی اعزامی خود را به طور مستمر جذب می شود 80 -- 85 درصد درآمد در روسیه ، و یک بار (در 1705) درمان در 96٪ بود. عنصر demilitarization از مزیت های تاریخی از جانشینان به پادشاه اصلاح طلب و محدود ، از مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ادامه دارد به دست آوردن قدرت و خود بخود بهبود می باشد. معلوم شده است که اصلاح طلب "بزرگ" است تا پایان فرصت های بسیج ارائه شده توسط سیستم فئودالی امپراطوری استفاده نمی شود ، و زمانی که آنا Ioanovna در یدلایمخیرات 1736 حکم صادر شده ، می دهد که سازندگان workmen آزاد "را به ایندگان را برای همیشه". مدل امپریال حتی از صاحبان کارخانه خود را برده می سازد ، شدیداً به آنها را به طور مشروط داده شده را برای تولید در اختیار داشتن سرویس دین سالاری (به شخص از همان قدرت های امپریالیستی) متصل شده. به یاد داشته باشید کارگردانان شوروی در مفهوم تحت اللفظی از سر مسئول اجرای برنامه ریزی امور خارجه کمیسیون ، بانکداران و یا مدرن و صاحبان "کارخانهها ، روزنامه ها ، steamships ، مستقیماً توسط مقامات منصوب کرد. به این معنا که از مقامات ، برخی از دولت oligarchic و اقلیت حاکم "وجود داشت".

مرد بی تناسب و در این معنا ، ضد اروپا مدل اجتماعی است در حال حاضر تنها در اوایل - دوره inePetr ، در زمان و موقعیت مسلط در طرز فکر تقریباً از تمام افشار جامعه است. و ظهور از حقوق معینی در اصالت خانوادگی روسیه توسط فرمان "اصالت آزادی" آیا طبیعت از نخبگان حاکم فئودالی را تغییر ندهید. چه مترقی در اروپا XII بود -- قرن سیزدهم ، برای روسیه در قرن XVIII به عنوان چنین است دیگر نمی تواند. اطمینان از مصونیت نسبی شرکت های بزرگ نخبگان فئودالی ، که تنها حاشیه تصاحب فرصت تاریخی برای samotransformatsii در نوسازی لیبرال ، شده است وجود دارد متفاوت است ، نه اروپا عواقب. نخبگان روسیه عمدتاً به دلیل ماهیت خود را در درون خود فئودالی و تابع ، به جای تلاش برای نفوذ پذیری بیشتری از لایه های اجتماعی خود را تبدیل شد ، soprotivlyalyayas انحطاط بورژوازی و استخدام از پایین موقعیت آمده از گروه های اجتماعی.

های شناخته شده جامعه شناس آمریکایی ریچارد Lashmanov ، کتاب که "سرمایه داران خود در برابر" دریافت بالاترین جایزه از انجمن جامعه شناسی آمریکا ، نشان می دهد که چگونه فساد او از نخبگان بورژوا فئودالی در اروپا ، لرد خود را نسل پس از نسل مبارزه با جوامع محلی خود بودند ، به علت مشکلات تمرکز سیاسی ، نا آرامی های روستایی و بالاتر از همه ، گسترش روابط پولی. این فرآیند انطباق با محیط متغیر خارجی ، سیاست ، روابط اجتماعی ، اقتصاد است در بعضی از نقطه به این واقعیت منجر شد که "به حساب می آیند ، barons اسقف و... تبدیل به کارآفرینان عنوان و... تغییر کل محیط زیست اجتماعی است." در روسیه ، هیچ چیزی مثل این در هر مقیاس قابل توجهی اتفاق می افتد ندارد.

پس از یک قرن ، از زمان وقایع ، حتی در شوروی سابق در سال دوره اواخر شرح داده ، در آنجا بودند تصمیم unspoken ، که شامل حداقل تضمین های دادرسی خاصی از تمامیت شخصی بعد از استالین نخبگان کمونیست همچنان در

سنت‌های فئودالی مصونیت شرکت های بزرگ. این تصمیم ، گرفته شده پس از سلطنت خونین از رژیم استالین بود ، خوش نیت ، اما از بین بردن از سطح معینی از parthoznomenklatury از قدرت قانونگذاری بوده است تلفظ شخصیت فئودالی. آیا ما به سطح اروپا از انتشار از مصونیت قانونی که نه تنها به حاکم مطلق نزدیک تر است ، بلکه همچنین نزدیک به clans فئودالی خود را؟ این سوال است عمداً نمی‌شوند ، چرا که رویکرد است ، نه ، به اروپا ، XII قرن سیزدهم. که نزدیکی های داخلی روسیه با اروپا قرون میانه در اوایل ، و تقابل با سرمایه داری عصر جدید اروپا اشاره کرد اروپایی ها خودشان : "اروپا است عصر پیتر من نسبت به یدلایمخیرات 1200 متفاوت بود. در اروپا ، روسیه بود در داخل بسته ، با اروپا به عنوان یک بعد زمان -- روحی مخالف.

بیشتر فن آوری های پیشرفته ، و بنابراین سطح بالاتری برخوردار از روزانه راحتی جسمی اروپا قرن شانزدهم - XVIII روسی تحصیل کرده جامعه در آن زمان توسط انواع وسوسه خود جلب کرد. تجسم وسوسه برای تبدیل شدن به ساعت‌های اروپا ، تلسکوپ ، سلاح مورد استفاده روزانه ، آثار دنیوی نگر (سکولار ، نقاشی شده توسط استادان خارجی ، موجود در زندگی روزمره بخشی از پویا ترین و تحصیل کرده و نخبگان روسی. رد الگوهای inokfessionalnoe از نفوذ اجتماعی در ساختار سیاسی جامعه اروپا است. اما لانه گزینی از عناصر تمدن اروپا در آنرا از آنها را مولد تمام -- فرایند بیهوده و بی اثر.

شکست واقعی از نماینده کمیته در سلطنت کاترین دوم با اشاره به مرزهای تعریف اصلاحات ممکن است ، نشان می دهد که عکس العمل ذهنیت را نفی می vsesoslovnogo از تحولات احتمالی اجتماعی و نظام فرهنگی در روح لیبرال شد. در حال اجرا و بازبینی توسط کاترین دوم اصلاحات از جهت گیری های لیبرال از شورش Pugachev برای مدت زمان طولانی برای پایان دادن به دوره absolutism روشنفکر ، که اغلب متناسب با نام آن متوقف شد. "انقلاب فرانسه ، سرانجام او را در وحشت منجر شد ، و او از سر زمان قبلی. مقامات بازگشت به سخت گیری و سرکوب. E. Pugachev شورش مظهر هرج و مرج ، بی معنی و بی رحم (توسط پوشکین) شورش روسی ، توسط تعریف شده است بدون در هر برنامه سازنده آن عمل است. غلامرضا Derzhavin پس از مرگ کاترین دوم نوشت که "... در سال های اخیر ، با شاهزاده رزمناو ، مست را با افتخار از پیروزی های وی ، آن را در مورد هر چیز دیگری است و در مورد اطاعت از قدرت یا اقتدار سلطنتی کشورهای پادشاهی جدید یک بار هرگز او را در نظر داشتند. بدن فیزیکی واقع در امپراتوری همواره در حال رشد ، گسترش مرزها نیاز به بسیج ، ساده و سریع ، ایده آل نظامی فرماندهی و کنترل ، وحدت فرماندهی ارتش و با مزایای اجرای سفارشات. کاترین دوم اعتقاد داشت که "دولت تصور قدرت استبدادی طولانی در قوانین فردی که .onym

چنین وسوسه امپراتوری بزرگ را به گسترش نا محدود از فضای زندگی ، هنگامی که جنبش به بیرون جایگزین در داخل حرکت ، هل اصلاحات فوری به داخلی و بیش از زندگی بالغ ، جلوگیری از حل و فصل کامل از استان مرکزی از روسیه است. این واقعیت مهم دیگری توضیح می دهد که تا حد زیادی به نفع انتخاب دوره انحطاط و / یا مدل های امپریالیستی از تجدد و طرد از مدل لیبرال شد.

ارضی توسعه گسترده‌ای که در شمول امور خارجه مناطق Rossiyskogo در سطوح مختلف توسعه ، متعلق به فرهنگ ها و تمدن های مختلف است از میراث چپ مدرن و استثنایی ناهماهنگ روسیه منطقه ای در اقتصاد ، به عنوان جامعه ، سنت های فرهنگی است. گوناگونی اجتماعی روسیه - حوزه‌ی فرهنگی ، در وهله اول به دلیل ترتیب به اندازه کافی جمع و جور در خاک های مختلف فرم تمدن ، قومی ، فرهنگی ، و مذهبی است. در سال نوزدهم -- اوایل قرن XX در دولت روسیه "به حال کوچکترین شانس برای حل سوال های ملی نیست. را دربر می گیرد تمام مسیر تکاملی از نظام به

عنوان لیبرال ، دموکراتیک ، مترقی جایگزین است ، که یک راه حل ممکن است به مشکلات دیگر ، آیا این سوال را حل نمی ملی و در نتیجه منجر به فروپاشی امپراتوری " .

دقیقا این تمدن بعد از عدم تجانس کمک به شکست سیاست های سوسیالیستی نسخه تنظیم پیگیری توسط اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری میخائیل گورباچف است ، و موجب فشار قوی vnutrennee در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه است. این استرس ممکن است بیشتر یا کمتر ، همانطور که در تجلی سیاسی -- قانونی و غیر خشونت آمیز بزندان ، و خشونت آمیز -- فرم های نامشروع. توجه داشته باشید که با گذشت زمان نیاز به حفظ بدن فیزیکی به طور فزاینده امپراتوری اثربخشی ، عمق و رادیکالیسم از مدرنیزاسیون از تحولات در هر دو مدل های امپریالیستی و لیبرالی محدود شده است.

بازگشت به گذشته تاریخی ما ، ادامه خواهد داشت به بررسی مهمترین مراحل در گفتمان ما را از تاریخ روسیه ☒ است. پس از یک دوره کوتاه و جنجالی از سلطنت من پل از صحنه های تاریخی به نظر می رسد روسیه دوباره پادشاه جوان ، به عهده گرفت که تعدادی از اجتماعی و تحولات فرهنگی در بیانیه های اروپایی ، لیبرال روح. در عصر اسکندر در اوایل از من کاملا محتمل انجام اصلاحات لیبرال این کشور ، پیش نویس از آن بودند در نزدیک به یک دایره از روشنفکران جوان امپراتور بحث شده است. اما این اصلاحات در اکثریت مطلق است تجسم عملی نداشتن باقی ماند تنها در مرحله ای از بحث ها و پروژه ها. مشاهدات من از اسکندر به تدریج از محافظه کاری نسبت به لیبرالیسم ، که توسط پشتکار از مهم ترین و در عین حال کاملا کهنه برای عناصر زمان و اجتماعی روسیه ، سنت های فرهنگی همراه بود تحول زیادی یافته است.

جنگ با ناپلئون بناپارت ، ارتش روسیه از سفر به خارج از کشور تلاش های بیشتر از آرمان های لیبرال جامعه ، به ویژه در میان شرکت کنندگان مستقیم در وقایع ، جوان و تحصیل افسران سپاه پاسداران : "افسران روسی را دیده اند از نزدیک به دستور کارهایی که در آن آزادی و حق برخورداری از حمایت مناسب را دریافت و با تلخ احساس با این واقعیت است که آنها را در بازگشت از سفر خارج از کشور در مقایسه با در بر داشت. آنها منشأ تمایل غیر قابل مقاومت به hreestablis اصل مشابه در کشور خودش. افسران ، گذشته جنگ های ناپلئون ، تبدیل شد و شرکت کنندگان در اغلب فعال در جنبش Decembrist ، قهرمانان و قربانیان از تاریخ : "آنها در شعبه بیشتر غیر عادی از بین المللی بودند ، مکتب هنری رومانتیک چپ ، که از قبل قربانی خود را (Riego) ، و اسامی برندگان آن (بولیوار ، Ypsilanti). Decembrists سامی شکست خوردند ، اما تخریب هم نمیشوند. در دسامبر سال 1825 ، به اصلاحات لیبرال شکست خورده شروع کردن به موقع ، به طرز چشمگیری تغییر مسیر توسعه روسیه است. انقلاب اسلامی ، که به حال شانس به پایین رفتن در تاریخ به عنوان بزرگ روسی ، انقلاب ، آیا اتفاق نمی افتد.

اروپا رفت و از طریق تحولات بورژوائی ، فنودالی روسیه حفظ بنیادهای امپریالیستی و اجتماعی نظام فرهنگی. ما باور داریم که فروپاشی تمدن است که در روسیه پس از انقلاب اکتبر سال 1917 رخ داد ، برای این بود تا حد زیادی سیاست حفظ نظم و عقب ماندگی های قدیمی پرداخت. بله ، در داخل این ذخیره عظیم تحت نام امپراتوری روسیه یک فرهنگ زیاد بود ، گل باغ گیلان و آن را گرم و نرم شد تا فنجان چای در تراسهای از manors. اما قیمت آن متوقف شود "لحظه مناسب ، قیمت مهار پویایی تاریخی و sociocultural در آتش apocalyptic از جنگ داخلی و سرکوب سیاسی دهه در خود احساس نه تنها به فرزندان مستقیم از مدافعان و سپس امپراتوری فنودالی ، بلکه به دهها میلیون نفر از مردم اتحاد جماهیر شوروی تمام کلاس "اجتماعی و درجات " .

سی و سلطنت امپراتور نیکلاس من آمد پایین به بازرسی نگهداری و توانایی دیباگ مکانیزم کهنه از امپراتوری. نیکلاس من نبوده و آیا منافع نه تنها برای احترام به وام گرفتن قانونی و سیاست از اروپا ، بلکه در borrowings از فن



آوری ، نمی بیند که تا به اخلاص در نظر گرفته پینتر I. نیکلاس فکر آزادی serfs ، تشکیل نه (!) کمیته های مخفی بودند که برای تهیه طرح در این موضوع است. اما عدم تمایل به رنجاندن اصالت غلبه ، امپراطور معتقد بود که مالکیت زمین های اشرافی باید حفظ شود. به عنوان یک نتیجه ، "تصمیم گرفت تا کاری انجام ندادن و یا تقریباً هیچ چیز. بیشتر قابل اطمینان و کامل تر از اتریش و یا پروس ، بردگی روسی در سال 1812 تضمین پیروزی. بحران ناشی از جنگ کریمه ، و پنجاه سال تا دیر نشده... این پارگی کشنده روسیه به موفق به فائق آید.

با وجود کامل بودن انرژی حیاتی و اداری فعالیت امپراتور نداشت ، تمایل برای مدرنیزه یا امپریالیستی ، و یا حتی بیشتر را در اشکال لیبرال شد. استثناً تنها با برخی از پروژه های فنی. به عنوان مثال ، یک کمیسیون به رهبری سیاستمدار برجسته لیبرال عصر -- Speransky -- تدوین ، سازمان یافته و بسیار بحث برانگیز فراوان مجموعه ای از قوانین روسی ، با شروع با debnikSu به بدلائمیخیرات 1830 در 45 جلد صادر شده است. رکود در زمینه های مختلف ، اعم از اجتماعی و با پایان دادن به سازمان ها و تسلیحات از ارتش و نیروی دریایی است ، از پیش تعیین شده از شکست روسیه در جنگ کریمه. امپراتور عاشق دریانوردی ناوگان مطبوع و کشتی بخار به عنوان زرهی منظم مد اروپایی تحت درمان سریع گذرا ، شماره کاملاً ناکافی از راه آهن و بزرگراه ها وجود داشته است. ضعف امپراتوری در زمینه نظامی ، بالاترین حوزه های فعالیت بشر در امپراتوری ، راه را برای اصلاحات باز کرد.

در آن زمان ، برای حفظ "ثبات سیاسی" بود را به امپراتوری تحقیر آمیز برای پرداخت فنودالی ، قدرت نظامی در اکثر tsenivshy طور کلی ، و همچنین قابلیت های نظامی به ویژه شکست در جنگ کریمه. اما این شکست به شروع فقط در تاریخ کل دوره از روسیه به نوسازی مداوم و موفق لیبرال منجر شده است. روشن است که تبدیل به ضعف نظامی روسیه خواستار اصلاحات رادیکال کرده است ، و همچنین نیم قرن قبل از زمان پتر من ، اما این بار اصلاحات عمیق رفت ، عطف نظام اجتماعی ، گشودن ، و لو نه به عنوان گسترده ، دستیابی به سرمایه داری در مرحله توسعه است.

باید به خاطر ضعف نظامی است که از دولت است ، همیشه تنها یک نتیجه از "زمان از دست رفته" در اجتماعی ، زمینه های سیاسی و اقتصادی است. سردرگمی مهم ترین روسیه کهنه که در آن زمان سازمان فنودالی به طور کلی اقتصاد و از بردگی به ویژه دهقانان بود. مقامات مسئول متوجه شدند که "قدیم خاضع خاشع serfs ، گاهی ممکن است شگفت انگیز به فراموشی ، فید را با هر نسل ، با وجود این واقعیت است که شدت و قساوت را در تجدید نظر شخصی خود را به به سرعت بیشتر آنها را ملایم تر. "مردم شروع به خراب کردن بد ،" -- که ما از شنیدن متصلا لب از زمین داران قدیمی و ویکیدها ". اصلاحات از الکساندر دوم را که در جهت منافع عمومی انجام شد ، و نه تنها نهاد قدرتمند ، در حالی که با حفظ ویژگی های ژئوپلیتیک با عظمت و با شکوه. بدلائمیخیرات 1861 فوریه 19 اعلام کرد "بزرگ اصلاحات" ، لغو بردگی : "ما از گذشته در کشور بزرگ اروپا ، که دور از این موسسه منتقل شدند. اما از ملوک الطوائفی ، ما نخواهد رفت. جامعه بود خالص باقی مانده فنودالیسم ، و سپس بومی ، بیش از حد ، استدلال کرد که این یک زندگی خاص روسی ، روح روسی ، ایده ملی "

ما لیست اصلاح الکساندر دوم دستور زیر را در بر اساس سال : 1864 -- اصلاحات در آموزش و پرورش عمومی ، از جمله تصویب قانون جدید ، شامل مفاد دانشگاه در استقلال دانشگاه ؛ 1864 -- اصلاحات Zemstvo ، ارتقای خود محلی دولت -- در سال 1864 اصلاحات قضایی ؛ 1865 -- برخی از محدودیت های سانسور و اصلاح مطبوعات ؛ بدلائمیخیرات 1870 -- اصلاحات شهری ، پیریزی پایههای دولت شهری ؛ 1874 -- اصلاحات در ارتش ، به خدمت معرفی همگانی است. اصلاحات لیبرال الکساندر دوم از مهمترین در تاریخچه خود ، تلاش برای ارتقاء به مدل های لیبرال ، زمانی که اصلاح ، نه تنها تکنولوژی بلکه در نهادهای اجتماعی قرار گرفتند.

در سال الکساندر اصلاحات دوم ، معنوی و زندگی عقلانی روسیه تا کنون نزدیک به اروپا بود. این مهم برای اصلاحات در کشور اجرا می شود باید بسیار پیشتر گفته شد ، بحرانی را به تاخیر اواسط قرن نوزدهم در مورد دو قرن بود ، بلکه با چنین پتانسیل خلاق بودن دیر است ، آنها متعهد شدند ، به اندازه کافی برای تمام دوران قبل از انقلاب اکتبر 1917 . متأسفانه ، اصلاحات "بزرگ" ، آن را به عنوان معاصران نامیده شد ، می تواند به این کشور در مسیر توسعه برای نوع اروپا قرار ندارد ، استفاده از مدل لیبرال و مدرنیزاسیون در دوران امپراتور اسکندر دوم ، به پایان رسید با مرگ غم انگیز او بود. در پیام ارسال شده اصلاحات در روسیه مراحل تبدیل و تغییر شکل - که در جهات مختلف تکامل ، این عنصر کهنه از زندگی مردم در برابر روند نوسازی : "در یک طرف ، یک فرآیند محدود به ساختمان فرهنگ وجود داشت ، در حال رشد بیش از سودمند گرایی در حد متوسط در توسعه ، گذار به اشکال پیشرفته تر از کار و زندگی اجتماعی است. اما در همان زمان دیگری بود ، کاملاً متضاد ، یعنی بازگشت به ارزشها از تخریب dogosudarstvennym امور خارجه ، تخریب قدرت ، هر چیزی را که فراتر از روابط عاطفی. این دو فرآیند هستند دو به دو ناسازگار ، vzaimorazrushali ، یکدیگر ."

ما می دانیم که از سقوط امپراطوری توسعه سنج در مرحله توسعه تاریخی آیا موفق نیست. این برای توسعه روسیه فاجعه بار است به این واقعیت بود هر دو هدف به علت و عوامل ذهنی. شروع میکنم با دومی. لازم به ارائه "شیاطین" ، arsonists و بمب افکن ، با عمق نفوذ Dostoyevsky روانی به تصویر کشیده در رمان eponymous. به عنوان یک نتیجه ، تلاش تعدادی از آنها موفق به معنای واقعی کلمه شکار الکساندر دوم ، درست قبل از امضای قانون اساسی بورژوائی آخرین : "بارش برف در روز روشن مارس 1 ، 1881... در سن پترزبورگ ، بور زن جوان با یک فرد یاغی در انتظار بانک از کانال ، همراه با ظهور اسکورت قزاق با سورتمه حمل کردن ، به سرعت دستمال دست تکان دادند. کسل کننده تپ تپ از انفجار ، سورتمه لغو ، و برف در نزدیکی دیواره کانال باقی مانده از دروغ گفتن مرد با graying موی سر در جلو گوشها ، پاها و بدن که پایین تر را خرد کن پاره شده بود... بنابراین حزب مردم را به قتل تزار الکساندر دوم .» صرف نظر از نیت ذهنی از انقلابیون "آزادی خلق" دوباره حرکت از جهت توسعه کشور در راه توسعه بورژوائی اروپا ، بار دیگر انتخاب به نفع حفظ فئودالی - امپریالیستی به دلایل روسیه برای سیستم فرهنگی و تمدن صورت گرفته.

نوآوری و تله inokulturnyh در اصل ، به معنای واقعی کلمه کشور را به سال فاز لیبرال اسکندر از مدرنیزاسیون از تحولات فرو ، به نام سیستم حساس به تنش های فرهنگی و تمدن ، اجتماعی randomization فضای فرهنگی منجر به آغاز شکل گیری بورژوازی لیبرال جایگزین disistemy. به طور طبیعی ، این فرآیند باعث مقاومت نیز را با نظام فئودالی امپراطوری که به نفعی معرفی لیبرال از آن دوره Alexandrine منجر شده است.

فئودالی ، و از بسیاری جهات هنوز dofeodalnaya روسیه ترسیده بود تغییرات رادیکال در مورد آورده های اجرای پروژه نوسازی لیبرال در نیمه دوم قرن نوزدهم. فراخوان نسبت به دهقانان دولت تلاش ترسو را دوباره سازمان دادن به دولت از زندگی روستایی ، آن را بیشتر رایگان ، هنگامی که برای اولین بار نظام اداری تا حدودی بازسازی شد و برای آنها مراقبت می کنند "را به آنها آزاد باشند." بعد از آن او را وارد کنید سعی در بهبود کشاورزی می شوند. و دهقانان باقی مانده منفعل ، بی تفاوت و گاه به شورش.

مشابه ، اما در مقیاس بزرگتر و دوباره در دوران اصلاحات روستایی بزرگ 1861 ، هنگامی که شورشهای دهقانی ، نه تنها در برابر فقدان اصلاحات رادیکال ، بلکه در برابر خود ساخته شد به کارگردانی شدند. که متعاقب دریافت اعتبار به عنوان یک لیبرال فکر ساتسور الکساندر Nikitenko در ورودی دفتر خاطرات ، مورخ یدلایمخیرات 1857 دسامبر ، متذکر شد که : "مردم از عواقب فرمان رهایی از ترس می شود -- نا آرامی در میان دهقانان. بسیاری از جرأت نشده اند تا در تابستان به روستا بود. از نقطه نظر ما ، مهم ماهیت ناآرامی های مردمی که نمی تواند منطق ارائه سابقه مردم

مارکسیست 'جنبش آزادیبخش است مطابقت نداشته باشد ، اما ویژگی های مربوط به ذهنیت سنتی است. بنابراین ، پس از روسیه کاترین دوم ملکه ادعا کرد که "انقلاب در روسیه منجر به افزایش قدرت ، و نه برای تضعیف آن و آنها که خارج شکستن هنگامی که مردم از هرج و مرج واهمه دارند ، و نه وقتی او را از استبداد رنج می برد بود".

زمان الکساندر سوم پایین رفت و در تاریخ می شود به عنوان ضد اصلاحات ، پس از گذشت یک خلق و خوی عمومی غالب در آن زمان ، Kavelin در سال 1888 ، نوشت : "پس از خلق و خوی خوب است ، درخشان امیدوار و فعالیت های در حال تب ، permeated دوران اصلاحات ، آمد سال پر از ناامیدی و تلخ ، و نه بدون دلیل : نور امید برآورده نمی شد ، تاریخ پیروزی اصلاحات را متوقف کرده است ، تا حدی حمایت دور. رنگین کمان تبدیل شده به حالت سایه دار ، کنایه دار ، که رسیده است به برخی از ناامیدی و عصبانیت شدید. در دوران سلطنت الکساندر سوم در قدرت های امپریالیستی به اندازه کافی قوی ضد اقدامات تروریستی ، برقراری نظم و podmorazhivanie "روسیه است ، اما ریشه ارتقاء به ایدئولوژی امپریالیستی eschatological ، به عنوان خواسته های مسئله مرحله بعدی نوسازی ، آن را به شکست انجامید. کشور بار دیگر با نیاز به اصلاحات مدرن رادیکال مواجه با توجه به شتاب فزاینده ای از پویایی فرهنگی ، تاریخی و اجتماعی و مدرنیته تمدن اروپا.

فراخوان سرنوشت دشوار تنها جدید - مؤسسات اصلاحات در دوران الکساندر سوم. بنابراین ، همیشه به  محدودیت های قدرت و صلاحیت محدود خطاب مسائل خود محلی دولت ، در روده ها و دستگاه دولت را با نظم و قاعده رشک اور به وجود آمد برنامه ای برای انتقال توابع ساختارهای اساسی خود را مدیریت اداری. زمان واکنش از الکساندر سوم بود و کسل کننده ، ضعیف شخصیت با لهجه ، امپراتور ، مانند پسر و جانشین او ، نیکلاس دوم ، سعی در حفظ عناصر مهم اجتماعی روسیه ، سنت های فرهنگی ، از جمله به تغییر آن به وام گرفتن از بسیاری از کشورهای اروپایی.

چالش این است که ایجاد کار کارآمد ، قابل دوام همزیستی بین فئودالی - امپریالیستی و نظام سرمایه داری لیبرال بود ، در این مرحله از توسعه تاریخی کشور فقط دشوار اما غیر ممکن نیست. M. وبر ، با اشاره به روسیه در آغاز قرن بیستم ، تا به درستی توجه کرده است که "کشور ، حتی برخی از 100 سال پیش ، یادآور آن اغلب در مؤسسات سنت ملی از سلطنت دیوکلسین مستحکمتر میکند ، می تواند به یک فرمول برای اصلاح طلبی که می توانست محلی را پیدا کند ، تاریخی "ریشه ای و نیز می تواند قابل دوام بود".

انطباق احتمالی سیستم تخلیه monarchical است نزدیک بودند ، سال پیش از انقلاب اولین روسی ، و دوم ، آزمون سرنوشت ادامه برای امپراتوری -- جنگ جهانی اول. نه در دوران الکساندر سوم ، نیکلاس دوم و نه قسمت عمده فشار مشکلات تاریخی کشور را حل نمی شوند ، انجماد آن ، رانده عمیق ، که تنها افزایش پتانسیل مخرب از آینده خود. در طول زمان ، مشکلات حل نشده به حد بدتر ، تشدید سیاست های بی کفایت لایه ، متکبر برای شکست در گسترش زورمندان و در هر پاسخ مثبت به چالش های زمان خواهد داد. تلاش برای جستجوی پاسخ های ما تقریباً در پیش نیست ، گذشته Petrine بسیار پر هزینه هم املاک بالاتر و پایین روسیه. B. Weidle ، با اشاره به فروپاشی بعد از اصلاحات ، تا حدی مدرن روسیه ، اشاره کرد که "وقتی ملاقات با اشخاص جدید از روسیه شکست در میراث قدیمی روسیه ، توسط پیتر و جانشینان او بر تاج و تخت ، و یا در تخت تبدیل نیست ، او در جغرافیای تخصص را شکست زندگی مردم ، آن را برنده تمام سرریز شدن خود به خودی همان سرزمین روسیه".

تعهد محافظه کاری تاریخ و زمان آخرین امپراتور نیکلاس دوم ، تمایل به فعالیت در درون اجتماعی تعریف شده روسیه ، سنت های فرهنگی ، نه تنها در دولت قدرتمند ، بلکه در زندگی روزمره ، عدم درک درست از اروپا به سرعت در حال تغییر دادن جهان را به فاجعه Romanov از امپراتوری ، که پیش در آمد به جنگ جهانی اول منجر شد. ضد تندرو ترین دولت و ضد امپریالیستی فکر بخشی از جامعه روسیه معتقد بود که امپراتوری "استبدادی با تمام دژخیم خود ، پوگروم

، بی مزه لوکس Galunov ، گرسنگی ، بردگی سیبری انقلاب ، lingering بی قانونی بود هیچ شانس برای زنده ماندن جنگ".

همانطور که می دانیم ، امپراطوری از Romanovs می تواند از جنگ برای زنده ماندن نیست ، بلکه سقوط آن را یک فاجعه بود از امپراطوری نیست ، آن را تحت تاثیر قرار همه از کلاس روسیه ، آن را برای اولین بار در قرن بیستم و شکست وحشتناک ترین تمدن در روسیه بود. در اول روسی ، انقلاب ، کشور رفتند خود را به دیگری انتخاب تاریخی ، که شامل تصویب یا اروپا و توسعه ، بر این اساس ، با استفاده از مدل نوسازی لیبرال ، یا تداوم فنودالی خط شاهی توسعه ، بیشتر و بیشتر مشکل با پویا در طول زمان. روسیه را به تمایل نوع دوم بود ، امپراتور و بسیاری از بوروکراسی بودند حاضر به دنبال نصیرالدین IevLeont اعلام کن : "ما باور داریم که ما را شجاعت به این باور که روسیه هنوز می تواند گام بغیر از کانال غربی... ما هنوز هم در قدرت اسکورت روسی معتقدند ، و طراوت از ذهن روسی.

در سطح ذهنی ، وضعیت تشدید ضعف های آشکار از نیروهای لیبرال در انقلاب و سال های اول بعد از. به حق اشاره کرد که مسکو و سنت پترزبورگ به ویژه در آستانه انقلاب بود "مطلقا شهرستانها در غرب ، ما نباید فراموش کنیم که علاوه بر ساکنان مسکو ، سنت پترزبورگ و برخی از دیگر شهرستانها بزرگ ، از بسیاری جهات قابل مقایسه با اروپا ، بقیه مردم روسیه زندگی می کردند در دوره های مختلف تاریخی ، داشتن ذهنیت مربوطه.

روستاهای که blanketed همراه با بارش برف در زمستان به طوری که بین آنها وجود ندارد پیام بود به سختی می تواند باشد که جامعه در معنای واقعی کلمه ، در اینجا قیاس کاملا واضح تاریخی را به ظهور فنودالیسم اروپایی مشاهده میشود. "متولد سال بسیار نادر است جامعه بافته شده ، که در تجارت به معنای کم و اندک پولی بود ، فنودالیسم اروپا به شدت نگران تغییر زمانی که از سلول های انسانی به شبکه دشوار است ، اما گردش کالا و سکه شدید تبدیل شده است" -- این فرایند فشردگی از "انسان" روابط ، تجارت ارتباط با ما ، روابط را تقویت پولی انجام نمی مدیریت فرم بالغ در Tsarist برای رسیدن به روسیه ، به حال هیچ وقت به ریشه ای تغییر محیط روستایی.

با سال 1917 ، امپراتوری tsarist به anachronism تاریخی است که از آن برای پرداخت میل به "مسدود کردن روسیه" و نفی اصلاحات لیبرال شد. تحولات نوین در روح لیبرال منجر به موقت (فعلی) سیستم بی نظم اجتماعی و فضای فرهنگی ، از جمله تحولات آنها بسیار دشوار برای مدیریت ، اما آنها را زمینه را برای آینده در نهایت می تواند مسیر توسعه بورژوائی اروپا شود. میل به ایستایی به عنوان ، در واقع ، و تحکیم پایه های امپریالیستی را از طریق دلایل استفاده از مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، اجازه می دهد تا شما را به نگه داشتن فعلی ، ثبات فعلی ، اما به خاطر مشکلات واقعی در زمینه های مختلف را نمی توان حل و یا برخورد با ineffectively ، برای دستیابی به ثبات امروز به پرداخت می شود انفجار اجتماعی فردا را ، جنگ ضایعات و در شکل افراطی آن ، این سیاست ، منجر به catastrophes تمدن.

ما باور داریم که فاجعه تاریخی بیش از قرن گذشته که در روسیه به دلیل بیش از حد طولانی و مداوم تمایل به حفظ تاریخی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی هویت رخ داده است. سرعت و اجتماعی و پویایی فرهنگی در درون تمدن غرب خواستار واکنش سریع به طور مساوی. مدت زمان طولانی دولت روسیه و جامعه سعی داشتند برای یافتن پاسخ به دستور العمل های سنت ، در گذشته ، استفاده از ماشین آلات قدیمی ، تکنیک ، و نهادهای اجتماعی است. نتیجه این است که در اروپا بیش از قرن بالغ ، روسیه بود که باید انجام شود به سرعت ، در یک دوره تاریخی ناچیز از پنج تا پانزده سال : "وقتی دولت به جای به مردم توسط بهبود تدریجی ، حرکت و توقف تمام همه را سرکوب آزادی ، آن را به ناچار منجر به نیاز به تغییرات شدید. ما در زمانی باید برای زمان از دست رفته ". موفقیت در سال کبیسه بزرگ به جلو -- یک پدیده

بسیار stochasticity ، بهتر است که برای مدرنیزاسیون به شکل یک فرآیند باز تکاملی ، زمانی که تغییرات رخ می دهد دائما انجام دهید.

زمانی که تصویری از جهان نابود شده است ، از مشخصه های سنتی حامل آگاهی ، روند هتک حرمت از ارزشهای معمول و با سلسله مراتب ، آغاز می شود نارضایتی عمومی ، ناآرامیها ، در شکل افراطی آن ، این فرآیند ترجمه را به شورش روسی. بنابراین ، در Petrograd در سال 1917 آغاز شده تظاهرات توده ای ، که بزرگ شد در انقلاب فوریه. در سال 1917-1921 سال Bolsheviks قادر به استفاده از موجی از شورش های مردمی ، از زمانی که دکنترین eschatological از این دو زمینه مشترک توسط شناسایی و Bolsheviks پیروزی در جنگ های داخلی در بر داشت ، و بیش از هفتاد و مدت سال از قدرت اتحاد شوروی در اتحاد جماهیر شوروی سابق.

در آینده ، فاز بلشویکی و مدرنیزاسیون امپریالیستی حل مشکلات تاریخی است که از دیرباز در اروپا به حل و فصل شده است ، این تاخیر انتقادی ، از پیش تعیین شده بود ، و بنابراین تعداد زیادی از تلفات shockingly ، برای اولین بار در قرن XX تمدن تفکیک روسیه است. انقلاب بلشویکی از این تصمیم فوق العاده مشکلات سیستمیک سیستمیک از امپراتوری ، مظهر طراوت Leontyev مورد نظر نه تنها از هوش روسی ، اما در هوش و دیگر مردم امپراتوری. ناکافی و در مجموع ، بر این اساس ، غیر رقابتی که در قرن بیستم ideokraticeskaya قرون وسطی سلطنت ideocracy مارکسیستی ارتودوکس ، که توانست بدهد دیگر ، در روح زمان را برای توجیه ادعای از پیاده سازی پروژه های الهی جهانی جایگزین شده بود. این reinforcements دائم انجام مطالعات جامع و آخرین خشونت تقریبا در تمام قرن گذشته ، اتحاد جماهیر شوروی سابق بود قادر به احیای امپراطوری در زمان ریشه های جدید بسیار موثر و بلند مدت به دلایل ایدئولوژیک : "از سه امپراتوری بزرگ چند ملیتی است که در اروپا در جنگ جهانی اول -- اثریش مجار ، عثمانی و وجود روسیه -- فقط دومی شدند تا زنده بمانند ، حداقل در کشور تا سال 1991... اول مارکسیست لنینیست رژیم تبدیل شده است رژیم های امپریالیستی روسیه ، وارث امپراطوری tsarist. محل حاکم مطلق روسیه برنده شد دبیر کل CPSU ، به جای خدا تحمل مردم ، در زمان طبقه کارگر ، که در جدول جدید از کلاس اولویت - hegemon .eologemeId "ارتودوکس ، حکومت استبدادی ، ملیت" را در فرم صحیح به جدید / ثلاثی قدیمی ، از طریق همه ، حزب گرایی آمد تا محل ارتودوکس ، قدرت CPSU در محل استبداد.

تداوم برخی بین روسیه و پروژه های امپریالیستی اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد و در تعیین سرنوشت بد منبع اصلی جهان است. او در غرب باقی مانده است ، اما لهجه جدید ظاهر شد ، بنابراین ، بورژوازی جهان اختصاص داده شده است نقش خود را (در جهان چه بد) ، معتبر ترین بیان. قدیمی ، روسیه به عنوان ideologem جهان امپریالیستی ترکیب پیروی از سیاست انزوا و پرخاشگری ، در سال جدید ، به دلایل لنینیست استالین دوباره. پیروی از سیاست انزوا اسلامی و برای وضعیت محاصره -- اتحاد جماهیر شوروی سابق ، به عنوان مثال ، در یکی از سخنرانی های منتشر نشده Kalinin در نوامبر 1934 ، گفت : "آن ، رفقا ، خود را در بینی به قتل ، proletarians از اتحاد جماهیر شوروی در قلعه محاصره می شوند و بر طبق این و رژیم از اتحاد جماهیر شوروی باید رژیم غلام را تامین کند. آمادگی ثابت به گسترش خارجی نیاز به گسترش به اروپا و سپس در همه جا از کارمندان دولت موجه بود ، رها شده توسط ارتش سرخ از استثمار انسان توسط انسان ، برای هموار کردن راه برای استقرار جهانی جمهوری اتحاد جماهیر شوروی.

با توجه به مدارک و خاطرات دوران از شرکت کنندگان از رویدادهای انقلابی آن سالها ، ما می دانیم چگونه قوی شور و شوق انقلابی ترین قسمت سیاسی از هموطنان ما از اخرت شناسی از پیروزی نهایی انقلاب جهانی بود ، نفس حتی از سوی برخی از افراد تحصیل کرده ، اجازه دهید ما به یاد داشته باشید حداقل یک مثال کتاب درسی لوناچارسکی که کمیسر خلق برای آموزش و پرورش در دولت اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد. انقلاب بلشویکی سال 1917 ساخته شده می

توان نه تنها به تجدید و احیاء امپراتوری ، بلکه به علت موج عظیم انرژی passionary ، هموار و به طور همزمان arhaizovavshey آگاهی عمومی.

جدید ideocracy لنینیست دوره استالین را در تاریخ ما مردم در اشکال بسیار تمیزتر اساطیری بود ، پایان تاریخ ، ساخت و ساز از جامعه کمونیستی ، برای آینده در خارج از زندگی انسان نه تنها به تعویق افتاد ، و آن را به راحت تر polemicly ، لنین گفت کمونیسم "است قدرت شوروی به همراه برق از کل کشور ، و آخرین بار ، ظاهرا ، رهبر کمونیست اتحاد جماهیر شوروی سابق ، صادقانه در پیروزی های آینده کمونیسم ، خروشچف ، در آغاز یدلایمخیرات 1962 اعتقاد داشتند ، تصویب این برنامه جدید از CPSU ، اعلام کرد که "نسل کنونی مردم اتحاد جماهیر شوروی خواهد شد زندگی تحت کمونیسم " ، echoing پایان نامه نهایی قطعنامه کنگره XXII CPSU. که در پایان تاریخ بشر است ، رسیدن به رویای مردم ، امروز استقرار نظم اجتماعی است که در آن هر فرد ، جامعه دریافت با توجه به توانایی های او ، دادن او را به نیازهای خود ، نسخه eschatological از ساخت و ساز از بهشت زمینی بر اساس ، انگلستان جشن هزار ساله از خدا ، به رهبری حزب کمونیست.

جای تعجب نیست ، برای بیشتر از دوره شوروی در تاریخ ما ، ما می بینیم سنبله خلقی eschatological از پشت سر هم تاریخ و زمان آخرین قدرتمند بود تصویب برنامه حزب جدید تحریک شده : "برنامه جدید از CPSU وعده داده است برای ساختن کمونیسم ، یک کار است که ، در واقع ، در حال حاضر تکمیل شده توسط مناجات از کلمات مقدس : "نسل کنونی مردم اتحاد جماهیر شوروی را تحت کمونیسم زندگی می کنند". آرمانشهر ساختمان -- تجسم خیال پرستی ، چرا که تمام آنچه شما نیاز دارید -- وجود هدف و ایمان است. " لازم به ذکر است که خلق و خوی eschatological ، با ایده از پیروزی انقلاب پرولتری در مقیاس جهانی الهام گرفته ، و پس از ساخت و ساز به طور مساوی جهانی از کمونیسم ، رادیکالیسم در آنها نه تنها برابر ، بلکه گاهی اوقات برتر به شکل سنتی از اخرت شناسی قرون وسطی مسیحی.

پیروزی بلشویکی و استقرار قدرت شوروی در روسیه / شوروی حاکی از پیروزی برای پویا ترین و مدرن در آن لحظه در تاریخ غرب نظریه های سیاسی و اقتصادی -- مارکسیسم. اما تا به مارکسیسم در روسیه با تخت عظیمی از زندگی کهنه ملی ، هزار فرهنگ در سال از دهقانان روسی ، مشخصه رو ، همانطور که توسط G. Skerst "... از نوع دهقانی روسی ، در حفظ آداب و رسوم و سنت های آنها چیزی از زمان بسیار قدیم است." او تقریباً بلافاصله با روسیه ، سنتی ، بی بند و بار در فهم خود را از آزادی مواجه شدند. یکی دیگر از روسی مهاجر مورخ NN Alekseev گفت که در ماه اکتبر سال 1917 ، پیروزی در روسیه "دموکراسی بدوی ، عشایری ، سیاسی غیر بلورین ، نیمه هرج و مرج طلب." اقتباس از اروپا مارکسیست به شرایط محیطی کاملاً اجتناب ناپذیر بود ، مارکسیسم در روسیه توانسته است به حفظ خاک در درجه اول از پوسته بیرونی خود ، محتوا از دست دادن vnutrennee ، و حتی در این ، سیراب پایین فرم ، تبدیل به شکل ایدئولوژیک به اصطلاح "سوسیالیسم واقعی". مدت کوتاهی پس از شکست انقلاب روسیه امپراتوری F. Stepun نوشت که "Bolshevism است ، نه تنها گناه را به روسیه خود او نیز گناه خود را به سوسیالیسم".


در نتیجه فعالیت ها در محیط کاملاً بیگانه ، تعداد انگشت شماری از کلاس - مارکسیستهای آگاه خیلی سریع بود ، با معیارهای تاریخی ، بلع ، هضم و جذب توده ها undereducated از زندگی روستایی و طبقه متوسط روسی شهرستانها. RSDLP (ب) نیازهای امپراطوری تطبیق داده شده و بازسازی در فاز بعدی مدرنیزاسیون امپریال. چه کسی آمد به جای این kagorte انقلابی جدید "مارکسیست ، " دیالکتیک هگل از تدریس نیست" ، است که توسط بار از اروپا فلسفی ، اقتصادی ، سنت های سیاسی نمی burdened ، و فرهنگ در محموله عمومی.

این عملی ، situational ، دوباره بازسازی دولت در عمل به انحطاط سریع مارکسیسم و بازسازی امپراتوری منجر شده است. فروپاشی فرهنگی و تمدن رخ داد که در روسیه این دوره ، او به سطحی از زندگی را از اعماق حافظه ایده

عدالت ، در درک روح برابری ، کهنه مانند برابری و رفاه مادی آورده ، درست همه چیز و همه تحت الگوی خاصی به طور متوسط. این تساوی بدون طبقات اجتماعی ، نفی صدمه به مردم ، که پس از اصلاحات Slavophiles الکساندر دوم گفت : زمانی که افراد فاسد شدن "شهوت مواد ، بانکهها ، امتیازاتی است ، سهام ، سود سهام ، به صورتی که ، از آن اتخاذ روش های بورژوائی مدیریت ، منجر به جدایی فیزیکی ، تهدید به شکل جمعی قوم زندگی است.

Bolsheviks سعی در عمل تحقق بخشیدن به خود را مارکسیست ، غرب ایده های رادیکال است به همان اندازه در روند پیاده سازی میکنند. بنابراین ، تغییرناپذیر مجموعه ای از شعارهای انقلابی سوسیالیستی ، از جمله تقاضا برای الغای مالکیت خصوصی ، خانواده ، حکومت ، کلیسا را ببینید بعد از یک مدت کوتاه از هرج و مرج و کشتار در به طور کامل اطلاعات موجود در فرم اصلی برنامه ریزی unrecognizable قطعی شده است. کلیسای رسمی وارد یک دوره آزار و اذیت ، معابد در بسته ، روحانیت هستند سرکوب گسترده ، که منجر به حاشیه راندن تدریجی خود را از خصوصی ، محلی ، در برخی از دوره های تاریخ اتحاد جماهیر شوروی ، حتی چیزی به حاشیه ، anachronistic. اما این به این معنا نیست پیروزی از الحاد و عقلانیت کلاسیک ، از آنجا جایگزین می آید خروجی های جدید شبه فرقه های مذهبی ، که در posited "آموزش ، تنها نهاد" -- بر پایه مارکسیسم لنینیسم بود. مارکسیسم لنینیسم و در نسخه آن تا به جای استالین اتحاد جماهیر شوروی مرد فلسفه ، علم و مذهب وجود دارد.

خانواده ، که در سال 1920 cracked بود که اتحاد جماهیر شوروی هنوز آگاهانه مارکسیست بودند (همانطور که در این زمینه ندارد الکساندر کولونتای و ارمند ، اگر به یاد داشته باشید نه) ، و مارکسیسم خود را از طریق یک دوره تولد دوباره هنوز ، گذشت در پی استالین

نوسازی امپریالیستی استالین به طور عمده در مدل پیتر انجام شده ، ما می بینیم همان سطح بسیار بالایی از  absolutism ، که هر دستور العمل مستقیم و یا نیمه پنهان میل به رئیس قانونی و غیر قابل مذاکره ، و تنها پیاده سازی. در این مرحله جدیدی از توسعه تاریخی است تکثیر مطالب powerlessness بسیج مرکزی تمرکز منابع در مناطق انتخاب شده ، وام گرفتن از تکنولوژی غربی است ، زمانی که صدها کارخانه در مجموعه کامل خریده بودند و تجهیزات بیشتر توسط ماشین های فردی و مکانیسم اکتسابی است. بنابراین ، تمام پروژه های ساختمانی بزرگ و پنج پیش از جنگ سال برای خارجی تجهیزات ساخته شده طرح های کار کرده است ، اما واردات از فن آوری های پیشرفته غربی شده توسط شدید فن آوری های مربوط به فیلتر کردن عناصر inokulturnyh همراه بود.

استالین و بعد از استالین "تفتیش عقاید فرهنگی" بسیار خشن از علف هرز "اطلاعات خارجی ، محدودیت های ویژه ای از اطلاعات را از خارج از کشور قرار می گیرند ، دولتی ، سوسیالیستی با اطلاعات بسیار محدود مربوط به حوزه های علمی و فنی ، به روشنی ثابت شده است که با اهداف فاز امپریالیستی و مدرنیزاسیون. درآمد و مورد چون واقعا کنجکاو ، "یکی از ولسوالی ، سانسور Voroshilovsk (در حال حاضر Alchevsk) ارائه شده از موزه های محلی برداشت ، بیچاره از ارسطو ، و در منطقه مسکو توسط" مورد منع پخش برنامه های رادیویی از آثار شوبرت ، در زمینهای مشخص شده است که نویسنده بود نامعلوم raylitu ، اما می توان آن را Trotskyite ".

با شکوه استالین نوسازی قابل توجه است این واقعیت است که این تاریخ و زمان آخرین نسبتا موفق از نوسازی درون نظام امپریالیستی انجام شده است. موفق نشوید در مفهوم اهداف استراتژیک نهایی امپراتوری -- آنها در اصل تحقق پذیر نیست -- اما در شرایط حل مشکلات تاکتیکی از لحظه ای جریان تاریخی است. از این وظایف بودند که موفق به مقابله با غرب در رقابت های سیاسی نظامی ، تبدیل شد که بعد از جهانی دوم ، جنگ ، جهان ژئوپولیتیک در مقیاس.

در نیمه دوم قرن گذشته این وضعیت تغییر ریشه ای. در سطح بعدی این است که توسعه فن آوری مکانیکی به علت قرض گرفتن ساده نیست و انتقال به زمین روسیه بدون هیچ تغییری اساسی در کل سیستم اجتماعی است. اما نظام های

امپریالیستی می تواند به تغییر خاصی محدود می شود که فراتر از صدمه به حفظ سیستم مدیریت کیفیت آن است. از کجا در امتداد مرز دروغ تحولات داخلی ، سیستم تعیین کننده پوستر یوری ، bumping به هنگامی که سعی خود را در روح نسبتا لیبرال اصلاح آن به منظور ارتقاء فعالیت های مدنی در Novocherkassk کار در سال 1962 ، و سپس به نا آرامی و نارضایتی در بخشی از روشنفکران ، محدودیت های خارجی به جلو توسط کشورهای بلوک سوسیالیستی قرار داده : مجارستان در سال 1956 و چکسلواکی در سال 1968.

حتی در شهر نسبتا لیبرال تبدیل مدرنیزاسیون ثابت با خواص سیستم فئودالی امپراطوری ناسازگار باشد. در واقع ، تمام رهبران شوروی پس از مرگ استالین ایستاد قبل از تحقق و یا انتخاب بین ناخودآگاه تبدیل به یک مدل لیبرال نوسازی و یکپارچه سازی متعاقب آن را به تمدن مدرن و یا ادامه لجاجت در اجرای پروژه ideokraticeskogo ، ادامه لجاجت در حفظ افکار و eschatological و دیگر عناصر مهم فئودالیسم ساختمان و امپراتوری. مدت زمان خروشچف به عنوان دو رو و متناقض ، به عنوان سنگ قبر او نامعلوم E.. از یک طرف ، افشای جنایات استالین ، از سوی دیگر -- به عنوان نماد شرم آور فرقه ای از شخصیت خود را "" ، انتشار میلیون ها تن از زندانیان سیاسی و سرکوب انقلاب 1956 مجارستان ، آشفته ، تا حد زیادی راه حل های در زمینه های مختلف از زندگی improvised ، به ویژه در اقتصاد . با این وجود ، در دوران خروشچف در کشور ، وجود داشت مجزا عناصر متعلق به مدل لیبرال و مدرنیزاسیون ، اگر چه متنوع ، چند فرآیند در هم تنیده هستند بودند ، در یکدیگر در بسیاری از زمینه ها ایجاد یک تصویر کاملا بی نظم تحمیل.

به طور کلی می توان گفت که تحت خروشچف ، و حتی کمتر با لئونید برژنف و کنستانتین چرننکو ، مدل لیبرال و مدرنیزاسیون به کار برده شد نه ، به عنوان ، در واقع ، و مدل های امپریالیستی ، صحبت کردن تسلط بر روسیه مدرن است. بله ، به برخی از نوآوری وجود دارد ، در تلاش برای بهبود آنچه قبلا وجود داشته باشد ، برای مثال ، ساختار وزارتخانه ها و ادارات. اما به طور کلی ، به احتمال زیاد ، ندانسته بود ، به عنوان قرن انتخاب شده قدیمی سیاست ، تنها بعد "پخ" tsarist روسیه ، اتحاد جماهیر شوروی سابق و در حال حاضر. این سیاست نشان داد که بیهوده و بی اثر حتی در قرن نوزدهم ، به ویژه از او حتی نمی توانست با هر موثر در نیمه دوم قرن بیستم را ببینید. با این وجود ، در دوران اتحاد جماهیر شوروی شده اند حل و فصل برخی از مسائل مهم پیش روی روسیه / شوروی سابق برگزار شد ، صنعتی شدن ، شهرنشینی ، انتقال جمعیتی رخ داده است ، شده است وجود دارد پیشرفت چشمگیری در دستیابی به سواد آموزی همگانی در پزشکی ، اجتماعی در حوزه های عمومی. اما قیمت این موفقیت شده است فوق العاده بالا ، رسیدن به اساسا دارای دو جنبه و در نتیجه ناپایدار ، بدست آمده را از طریق بسیج ، خروش همه نیروهای حیاتی از جامعه ، که تا حد زیادی تعیین scrapping تمدن از بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی.

هر جامعه است در یکی از سه ایالت : توسعه ، رکود و انحطاط. رکود در اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد در اطراف نوبت 1960 -- 1970 ies - 1970 از قرن بیستم. تسلط بر میدان Samotlor خواهد شد برای برخی از بی کفایتی دیگر سیستم را برای اتحاد جماهیر شوروی دو دهه را جبران کند اجازه می دهد. علاوه بر "سیاست hivaniyapodmoraz" و بهبود smoldering لوازم آرایشی و بهداشتی از عناصر منحصر به فرد آشکار و تمایل بالقوه برای از سر گیری از مدرن امپریالیستی ، با رکود از اتحاد جماهیر شوروی در پشت ترین کشورهای توسعه یافته غربی در حال رشد قوی تر بود. و اینجا ، در صورت فلکی از رهبران حزب و دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق ، تا حدودی دور شکل یوری آندروپوف ، که در همه احتمال ، به برگزاری مرحله بعدی مدرنیزه امپریالیستی سرازیر شد است ، اما برای این زمان نمی بود ، به عنوان دبیر کل کمیته مرکزی CPSU ، او حدود یک سال به سر برد.

توجه داشته باشید که در دوره رکود (رکود) ، اتحاد جماهیر شوروی نگهداری به جبر از مطالب از دست داده است ، اما حفظ فرم مناسب. به این ترتیب ، "کنستانتین چرننکو ضعیف قدیمی ، که در پست جادویی پس از مرگ



آندروپوف's انتخاب شد ، دارای قدرت عالی کشور در دست خود ، به دلیل پوشیده شدن اقتدار مزین (ما را از انسان می گویند.. "به طور کلی می توان سیاست را دنبال که توسط رهبری اتحاد جماهیر شوروی در طول دهه های گذشته از وجود خود را مشخص ، به استثنای سال به میخائیل گورباچف نسبتا محافظه کار ، با هدف حفظ وضع موجود. اساسا متفاوت از آن دوره انحطاط در دوران میخائیل گورباچف ، آخرین ساخته شده تلاش برای احیای سیستم ، آن را به برخی از قابلیت انعطاف و رقابت را به ما بدهد و سپس تاریخی دشمن -- مدرنیته ، تمدن غربی است.

از آن موقع گذشته و عمدتا improvised تلاش برای استفاده از مدل لیبرال و مدرنیزاسیون و در نتیجه وجود تاریخی از سیستم شوروی به گسترش بود. با این حال ، وقتی که عناصر را به حوزه اجتماعی و زندگی فرهنگی از مدل نوسازی لیبرال از معرفی شروع به در سیستم جایگزین فرم ، وضعیت خارج از کنترل از initiators از perestroika شدم. از آنجا که هر دو به دلایل عینی و ذهنی فاسد رژیم اتحاد جماهیر شوروی crumbled همراه با اصلاح طلب خود ، تغییرات رادیکال بودند اجتناب ناپذیر است. به یاد داشته باشید کلمات نبوی از NA Berdyaev : "امپراتوری روسیه در حال مرگ است. و فقط تمام امپراتوریهای که ایجاد خواهد شد می میرند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تا حد بیشتری هدف عوامل بوده است ، عوامل ذهنی بیشتر نقش حمایت. امپراتوری خواهد کرد آخرین برای همیشه ، سقوط اتحاد جماهیر شوروی بود تا حد زیادی طولانی قبل از حوادث ماه اوت از پیش تعیین شده ، دسامبر 1991 ، وقتی که همه تنزل قیمت پول بیشتر رادیکال حفاری کشور از ایدئولوژی کمونیستی بود.

تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی بسیار مهم است ، حداقل دو شرایط. مدل لیبرال و امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، عقاید آنها را به ظهور ، با پدیده های مرتبط با interwoven ، حتی در اختلافات غربی ها و Slavophiles در 30 -- 40 سال از قرن نوزدهم ، در حال حاضر تبدیل شد ، تقریبا کاملا خالی از هر گونه mediations ایدئولوژیک ، که این بند بند آن را انتخاب بیشتری از گزینه های مختلف توسعه استراتژیک روسیه است.

در طراحی و توسعه تاریخی اجتماعی نظام فرهنگی بستگی دارد ، نه تنها بر خواص ذاتی خود را در چهار چوب تاریخی است در فرآیند نوسازی ثابت ، سیستم خود را ارائه شرایط جدید است. شکست اتحاد جماهیر شوروی در جنگ سرد مشخص شده پایان رویارویی جهانی از سیستم های مختلف اجتماعی ، به طور کلی در مقیاس تاریخی از رقابت های جهانی به معنای پایان از مدل های تمدن لیبرال و امپریال. شتاب مهیج و پویایی فرهنگی ، تاریخی و اجتماعی در دنیای مدرن است که عدم اطمینان را افزایش می دهد افزایش تنوع ممکن در جهان به عنوان یک کل و فردی فرهنگی و تمدن خود را نشان میدهد. اما امروز از قدرت اجتماعی و فرهنگی و تاریخی دگرگونی کافی نیست به طور کامل به راندن روسیه از پیمانانه های سنتی امپراتوری ، پیش از "" بازسازی "معکوس شده اند فقط به دلیل آنها فقط این ترتیب دادن مجدد از یوزپلنگ بود ، شکست دادن آن نیست."

پس از روسیه ، نسل شناس نیکلای Resovskii - Vladimirovich Timofeev استدلال کرد که اگر غلامی در روسیه را به مدت بیش از بیست سال وجود داشته باشد ، ما می تواند در مورد نوع جدیدی از مردم صحبت کنید. این پرورش "" کار را با شدت بسیار بیشتری و پایان نتیجه بهتر ، مقامات ادامه دادند ، در دوره اتحاد جماهیر شوروی از ما تاریخچه ما : "در سال 1861 در کشور ما به بردگی را لغو کرد. چند دهه تلاش برای ساختن یک جامعه متمدن... در سال 1917 ، دوباره به بردگی بازگشته است. و آن را تا حد زیادی همه چیز را توضیح می دهد که در حال حاضر اتفاق می افتد. " همه این حق را به تشکیل داخلی آزاد ، شخصیتی فعال ، قادر به گرفتن تصمیمات آگاهانه و تحمل مسئولیت کامل برای آنها جایی ندارد. جامعه نگهداری و موقعیت غالب سنتی ، منفعل و غیر فعال) نوع شخصیت ، رفتار و تصمیم گیری است که به طور عمده توسط سیستم کنترل خارجی توسط مقامات تعیین می شود.

در طول مدت زمان طولانی تاریخی وجود دارد وجود یک نوع از انتخاب های منفی ، discarding همه چیز را که نمی تواند با خط کلی از دوران خم. به عنوان مثال از این قضیه کافی است به خاطر قطع عضو جراحی عظیم لنینیست دوره استالین ، که منجر به ناپدید شدن املاک کل ، از جمله پایه های امپراتوری و کهنه در همه مظاهر خود -- زندگی روستایی روسیه. اتحاد جماهیر شوروی دوره -- دوره مبارزه علیه پیامبران ، مردان از آهن و فولاد (ناخن ها از این افراد ساخته شده است ناخن ها قوی تر در جهان مورد استفاده قرار نیست ) ، عقب نشینی کم کم از زندگی rigoristov اخلاقی از اشراف ، روحانیون ، افسران ، و کلاسهای دیگر. در مرحله بعد از تشنج در محل زندگی از ایدئالیسم در زمان کمونیستی ، "سوخته شده توسط خورشید" انقلاب رومانیتیک. در گذشته ، "قرنطینه" از وجود آن دوره ، نظام است از زندگی نیست پاک است ، اما جدا شده ، در شیشه ای به دنبال سرمایه داری و اردوگاه های کار در خارج از کشور از متقاضیان جدیدی را برای نقش پیامبران ترجمه شده است.

یکی از نتیجه این دگرگونی از هفتاد و تسلط رابطه را در جامعه از دوران کلبی ، نوع اجتماعی ، بدون ایمان تثبیت شده ، بدون شاه (به یاد داشته باشید کاملا تردید در مورد آخرین دبیر کل) ، شخص قادر به نه تنها با روح زمان است ، اما تقریباً به پیش بینی ظهور جدید دیگری بود / ایدئولوژی های قدیمی. در حوزه sociocultural از پیروزی در اواخر جامعه شوروی از بدبینی و ناباوری ، لبخند خسته و تحمل مختلف ، خروج از messianic ، فداکاری ، از تلاش برای از نو خلق صالح در روی زمین ، زندگی مناسب در خارج از تاریخ بوده ایم. روح در اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی کوتاهترین و در عین حال به طور کامل در شعر ، برودسکی بدلائیمخیرات 1972 بیان شده : "اگر شما در امپراتوری سقوط کرد متولد می شود / زندگی بهتر در استان توسط دریا. / و به دور از سزار ، و از کولاک شدید. / تملق گرفتن نیازی نیست که احساس عصبی ، عجله. / شما می گویم که همه فرمانداران -- دزد؟ / اما dearer دزد به من از خون طفل شیرخوار ". گورباچف در سال ها و سال نسبتاً لیبرال یلتسین بود زمان به فرم توده ای انتقادی از مردم آزاد نداشته است.

اجتماعی و inculturation از اکثریت روس ها در حال حاضر از محل زندگی ، در دوره اتحاد جماهیر شوروی ، که باعث مشکلات جدی در تطبیق با شتاب بعد از تاریخ اتحاد جماهیر شوروی و اجتماعی و پویایی فرهنگی ، انجام گرفت. فراخوان ملاحظه از جامعه شناس فرانسوی Bourdieu است که معمولاً افراد "بی تناسب اهمیت دادن به تجربه اولیه". اثر تجلی ساکن است ، با مشخصات طولانی شدن رفتار کلیشه از مردم در تلاش برای استفاده از رفتار انطباقی ، نشان داد که اثر خود را در گذشته ، اما اثر خود را در شرایط جدید جامعه را از دست داد.

در همان زمان در طول سال های اصلاحات بازار تشکیل نسل اول از روس ها ، اصل مطلب که جامعه از آزادی نسبی در محل انجام گرفته است. این نسل عمدتاً در شمول روسیه در جامعه جهانی در حال ظهور ، محیط زیست و سازمانی و به میزان کمتر ارزش genealogically سیستم نظارتی است که باز میگردد به تمدن مدرن غربی متمرکز شده است. با توجه به VTsIOM ، نسل 18 -- 23 ساله با تمرکز بر پروژه فردگرا زندگی -- جامعه موفقیت (64٪) ، در تقابل با تمرکز سنتی در جامعه ، عدالت اجتماعی و برابری (36٪).

با توجه به R. Inglehart تحقیقات سازه های ارزش کشور را تجربه خشونت در قرن XX فرآیندهای مدرنیزاسیون ، ارزش ها 18 -- 24 ساله می شود غالب در جامعه پس از 15 -- 18 سال است. R. Inglehart تجزیه و تحلیل تغییر در نظام ارزشی در پس از جنگ آلمان ، اسپانیا ، کره جنوبی و ژاپن است. چگونه با این تجربه می تواند به روسیه در تحولات اجتماعی و فرهنگی را نیز شامل خواهد شد -- یک سوال باز است. پروژه نوسازی لیبرال ندارد قوی فرهنگی و تمدن ، و برخی از محققان معتقدند که سن طبیعی آب و هوایی و خاک ، بلکه مدرنیزاسیون در امپراتوری پسا صنعتی را ندارد چشم اندازهای مهم تاریخی بوده است.

مدرن در روسیه ، جامعه حکومت ایدئولوژیک پیشنهاد در ارتباط با گذشته "شکوه" است ، در دلالتگی برای روزهایی که "ما از عصر مبتنی بر بزرگ". چنین worldview اساسا متفاوت از تمدن ریشه در عناصر مدرن است. به عنوان مثال ، هنری فورد گفته است که "ما می خواهیم که در حال حاضر زندگی می کنند ، و تنها تاریخ است که حداقل چیزی به معنای -- این است که ما انجام می دهند در حال حاضر". حس که همه چیز بزرگ را در گذشته نشان می دهد که خستگی از اخرت شناسی سنتی ، به ما میدهد که برخی ، اگرچه از خوشبینی در حد متوسط در مورد حالات ممکن را برای روسیه پویایی تاریخی و uralsociocult.

## فصل 2. کالبدشناسی سنتگرایی روسیه

### I. سنتی ذهن : اعتقاد به توحید عقاید ذهنی و فرهنگی

از آنجایی که نیمه دوم قرن XX مفهوم اعتقاد به توحید عقاید است به طور فزاینده تقاضا در این مطالعه از اشکال تاریخی ذهنیت و دولت از فرهنگ. با این حال ، کار با این مفهوم توسط ویژگی های خاص از گفتارهای علمی معتقد به فلسفه عقلانی ، به خصوص analytism ، یعنی آن مختل شده است میل به تمایز و تمایز روشنی از پدیده های با تعریف مرز روشنی بین آنها. است عدم تطابق با روش شی و از دانش ، به خاطر فرار ، نامشخص است و dundifferentiate ماهیت اشیاء وابسته به همتایی وجود دارد.

آگاهی Rationalistic باید با اشیاء طبیعت ژنتیکی است که به اشکال روانی قبل از معامله ، بر اساس شکل گرفته است که اروپا rationalistic علمی و آگاهی. در زمان مشابه ، ما از نظر positivists در مورد استفاده از دستگاه منطقی علم معتقد به فلسفه عقلانی به عنوان یک ابزار جهانی است که به اندازه کافی می تواند به پدیده های مختلف سفارش بکار گرفته شود نمی دهیم. مشکل این است که دستگاه تحلیلی را برای مطالعه اجسام وابسته به همتایی در تمامیت ارگانیک خود را حداقل ناکارآمد. ما همواره می تواند ویژگی های خاصی از آگاهی سنتی ، توصیف ، اما ما نمی تواند در روند تحلیلی ، آن را بازتولید به عنوان یک کل و زندگی آلی ، بلکه فراتر از انطباق با اصول عقلانی قرار گرفته است ، هر چند ، و سعی کنید به دادن حداکثر سه تصویر بعدی از این پدیده.

پس بیابید آغاز خواهد شد. روسیه -- "کشور سخت : نه انقلاب و نه واکنش به پایان انجام نمی دهد. روسی زندگی -- وحدت از واکنش و انقلاب است. تعریف اتحاد سیستم - شکل عنصر ، هسته اصلی این سیستم مدیریت سایت -- مقامات روسی ، این است که آیا آن استبداد و کمونیسم. بیابید پیدا کردن دلایل برای تعیین وضعیت تعیین شده.

روسیه سیستم sociocultural است در مجاورت مناطق بحرانی و یا شاخه را در خود دارد ، هجوم همه یقین و عدم اطمینان از انتخاب تاریخی به ویژه : "تجسم نمادی از دائمی" unsteadiness ، "ابهام معنایی" است شاید معروف روسی ، در نهایت امیدواریم که به معنی یک مجموعه از شرایط طبیعی که در آن تمام مشکلات خواهد شد تا در صورتی که توسط خودشان حل خواهد شد ، بدون هیچ گونه تلاش های ذهنی انسان ". میل دائمی برای فیزیکی نه انجام می دهند ، اشکال از پدیده های وابسته به علائم مرض در تصاویر چیست Emel ، ایوان سیاه قصه های عامیانه روسی ، bylina از ایلینا از Murom ، دروغ گفتن در اجاق برای سی سال و سه سال ، اگر نه نومیدانه تلاش برای جلوگیری از انتخاب آگاهانه شخصی. در نهایت ، این تلاش از رهایی از سرنوشت فردی و اجتماعی است. حفاظت از این فرصت برای زندگی در

منطقه از شاخه ، و در مجاورت فوری ، علاوه بر این ، حفظ ایمان به معجزه ، به صورت اختیاری ، نسب میان علت و معلول ناپیوسته است ولی هنوز نیز یک عنصر قابل ملاحظه در بسیاری از آگاهی جمعی بت پرست.

این تمایل ذاتی برای جلوگیری از بعضی ، ولو در "نهایی" سرنوشت جی گوته به خوبی بیان شده اورتگا ی Gasset است : "زندگی -- آن را اجتناب ناپذیر است باید به تصمیم به نوشتن خود را به طور کامل به سرنوشت استثنایی ، قبول کردن آن ، به عبارت دیگر ، آن را به قابل حل و . صرف نظر از خواسته ما ، ما موظف به پیاده سازی "شخصیت" ما ، حرفه ما ، برنامه زندگی ما ، "entelechy" ما با نام" ... (گوته میخواهد رزرو حق دور از همیشه. "در سرنوشت تاریخی روسیه در حال حاضر نیز ، eksplitsiryas در اعداد بزرگ در تظاهرات بیرونی این آغاز دو جنبه ، تمایل به حفظ این حق را نه انجام می دهند ، برای جلوگیری از اطمینان از انتخاب. چندگانه ، بی ثباتی سیستم sociocultural روسیه در همه حوزه های بروز شده است اجتماعی و معنوی زندگی است. از اینرو ، خروجی ، در نتیجه عملی این است که "نه اینجا و نه وجود دارد ، و آسمان چه می داند ، که در آن چیزی است که تا فراخ ، V. Chernomyrdin گفت : " ما می خواستیم بهترین است ، و همیشه به عنوان تبدیل شده است.

فیلسوف روسی Fä Stepun تساوی تشابه بین شیوه مدیریت و نوع تفکر ، با اشاره به رگه روسیه آغاز زندگی ، همان گونه که در زندگی مردم عادی و روشنفکران در اعتراض به شکل بالا و افتراق تجلی. به طور خاص فلسفه روسی مذهبی غفلت همان است ، همانطور که در مدیریت زمین روسی. عدم وجود ماشین آلات کشاورزی و روش های سازگار با نفی عادات usovershenstvemyh پی در پی اندیشه.

اشکال روابط اجتماعی و شیوه زندگی در لایه ، مخلوط و هر جوانه را از طریق دیگر ، تشکیل یک زندگی تعاونی غریب و عجیب و متناقض. تابع اصلی آگاهی سنتی سازگاری انسان به زندگی در یک وضعیت متناقض است از مخلوط کردن روابط اجتماعی و ترتیبات زندگی. انطباق با حداقل تعدادی از تناقضات که از طریق تقسیم آنها را به osoznovaemye بدست آمده ، انجام می شود که باید در هر راه را برای واکنش نشان می دهند ، و neosoznovaemye و بنابراین به عنوان یک غیر وجود دارد.

توجه داشته باشید که حقیقت در طبیعت متناقض است ، اما انواع مختلف آگاهی فرهنگی درک ، تجربه و تفسیر تناقضات در راه خود او. ما فراخوان Bruhl فکر لوی که مشخصه انسان اولیه به عنوان تفکر "skogoprelogiche" ، که به ویژه ، در قوانین منطق رسمی و غیر رسمی عملا نمی تواند تناقض وجود داشت. بنابراین ، برای آگاهی نظارتی کهنه از تجربیات منحصر به فرد تناقض فقط در درجه حداقل امکان پذیر است ، مردم زندگی می کنند رفتار خود را متناسب با سنت ، شامل مجموعه ای از رفتار هنجاری. تضاد خود بخود تنظیم آنها ، کاهش آنها را به مسبوق به سابقه خاص ، بعد از آن قدوس : "زندگی مردم باستان در جهان از حقایق مطلق ، او پاسخ های دقیق و قطعی برای پرسش های اساسی : چه جهان ، کشور خود ، مردم ، چه اتفاقی می افتد بود با او بعد از مرگ ، و غیره...".

آگاهی کهنه با حذف نیاز به جستجو برای حل و فصل تناقضات ، و در نتیجه ارتباط خود را با جهان هماهنگ ترین : "در حالی که انسان بخشی جدایی ناپذیر از جهان است ، هنوز درک نشده نه ظرفیت و نه از عواقب اعمال فرد بود ، او را به ترس از او باشد. اما ، تبدیل شدن به یک فرد ، او هنوز به تنهایی با دنیا ، خیره کننده و وحشتناک.

در قرون وسطی فیلتر ذهنی ، تابع آن است که تبعیض نژادی (جدایی) از تناقضات ، skips (می تواند درک) به شماره بزرگتر از آنها. مردم بسیار از قرون وسطی هنوز حفظ askriptivny نوع از آگاهی ، بنابراین بسیاری از تناقضات آنها واقعا نمی دانند. اما بخشی از تناقض ها ، عمدتا در حوزه مذهبی ، انسان قرون وسطی هم اکنون کاملا به وضوح می فهمد. این نه تنها آنها را در معرض به انعکاس بیشتر یا کمتر آگاهانه است ، بلکه تغییرات بر اساس نتایج رفتار خود را به

صورت عملی است. اجازه بدهید با ما در این چهار چوب فراخوان ، گستره و تنوع heretical جنبش های مذهبی ، و فرآیندهای بسیار از اصلاحات از کلیسای کاتولیک.

برای قرون وسطی - نمایش نوع جهان از موضوع را بر اساس مقوله های متافیزیکی مخالف cosmological از خوب و بد : "ما همه جا را ببینید دکتورین به نفع دو اصل : خوب مسیح confronts چه بد ، شیطان ، نماینده جهان معنوی است مسیح ، شیطان یکی از ماده است متعلق به روح ما ، دیگری -- بدن ما است. و بر تمام جهان با این پدیده ، طبیعت که در ابتدا است جهان از شر وجود دارد ، و شیطان ، پادشاه تاریکی ، در پی را از طریق وسوسه خود را به ما نابد خواهد ساخت. " این مقابله ، نبرد نیروهای نور و تاریکی می توانند در ذهن خود را به مقیاس جهانی ، بازی های رشد را در زمان خود تقریباً از خلقت و prodozhayas تا روز قیامت. تناقض هایی که در داخل مرزهای این مخالفان دوگانه نمی افتد ، و یا به عنوان توجه به ارزش درک شده نیست و یا به سادگی انجام نمی اطلاع هستند ، در آگاهی از موضوع ثابت نیست : "سیاه و سفید ، هیچ میانه -- که واقعیت را برای مردم قرون وسطی بود."

نوع قرون وسطی تمایل به تناقض در نظر آگاهی به عنوان چیزی خارجی به انسان است ، و بر این اساس راه حل رفع این تناقضات. بنابراین ، یک راه حل و فصل آنها می توان از دگرگونی خشونت آمیز اجتماعی / چهار چوب مذهبی است. به عنوان مثال می توان به شورش دهقانی متعدد و جنگ های مذهبی از دوران اصلاحات به یاد. اما بر خلاف نوع کهنه قرون وسطی از آگاهی فردی است و تطبیق را به حالت روانی شخصی انتخاب و استفاده از استراتژی های آگاهانه رفتاری.

تغییرات افراطی در مدل از حل و فصل تناقض رخ می دهد در حال حاضر در چارچوب مدرنیته ، تمدن لیبرال شد. موضوع فرهنگ لیبرال متوجه تناقض به عنوان صفت سنگ دل بودن ، اجازه می دهد آنها را در درجه اول در داخل ، یعنی بلبرینگ های طبیعت منحصر به فرد فعالیت های خلاق ، او آن را به تجربه شخصاً ، و به شدت پاسخ می دهد فردی ، از آن زمان ، توسط یک صحبت W. ، "اکثر ما مجبور به جستجوی راه حل تضاد زندگی نامه سیستمیک ".

موضوع فرهنگ لیبرال خرس از بار مسئولیت خود را به عنوان "بودن یک فرد بطور قانونی بدین معنی است که غیر ممکن است که برای خود سرنوشت خود را تیره بخت کسی را مقصر اما خود را ، که باعث صدمات خود را باید تنها در بطالت و تنبلی خود را به دنبال خود ، که خلاص شدن از تمام مشکلات تماس جدی تر به (خود) تلاش ها دارد. " در جهت آگاهی از نوع فرهنگی بود و به بردار خیر از تکامل تاریخی است ، و این نوع از آگاهی به شدت در یورو لیبرال گسترش اقیانوس اطلس مدرنیته تمدن. در طی روند تاریخی تمامی انسان در حال تکامل را از ایدئولوژی گرایی و فردگرایی به خودمختاری بیشتر از آگاهی ، حرکت ، در نهایت ، به این امور است که در آن "آزادی ما باید از آرام دنبال لذت پیروزی و استقلال خصوصی تشکیل میدهند."

توجه داشته باشید که در ذهنیت سنتی ، ترکیبی از نوع کهنه و قرون وسطایی ، که توضیح می دهد که وابسته به همتایی ذاتی است. به طور کلی ، سنتگرایی نوع antithesis به گسترش در اروپا زمان جدید مبتنی بر است پویا و لیبرالیسم شخصی : "به عنوان یک ارزش اساسی از جوامع مدرن است ، فردگرایی در شرایط اقتصادی و سیاسی ، به شکل " لیبرالیسم ". و survivability ذهنیت tratsionalistskoy است تا حد زیادی به توانایی آن در آزادسازی مردم از ضرورت انتخاب شخصی ، تمایل به نمایندگی تیم او ، رهبر کاریزماتیک ، به دلیل اقتدار مذهبی. به عنوان مثال می توان به کتاب درسی افسانه مفتش عقاید بزرگ از رمان "Dostoevsky's" به یاد Karamazov برادران ".

اما با وجود همه شناخته شده در تاریخ هر دو بخش خصوصی و تلاش جمعی به سرانجام خلاص شدن از شر ضرورت انتخاب -- خلاص شدن از شر او غیر ممکن است ، اما به عنوان یک تسکین دهنده راه حل ممکن است آن را به نوبت یک نفر دیگر ، شرایط محیط زیست به طور کلی. در تلاش برای خلاص شدن از شر نیاز به انتخاب دائمی ، مردم

subconsciously برای روز کهنه ، زمانی که مرحله تکامل اساطیری آغاز می شود با آگاهی از این حقیقت (دولت است که تماماً توسط ضمیر ناخودآگاه متعلق به "نوستالژی".

مشهور روسیه AA Pelipenko culturologist بر این باور است که وجود دارد و همراه با یک فرد در طول زندگی اش از آن حافظه ژنتیکی هماهنگ دولت نظر مییابد. آن را ایجاد توهم است که مردم فقط می تواند قابل اجرا نمی خارج از فضای فرهنگ dualizovannogo ، بلکه به رایگان در این مورد از ضرورت بسیار از انتخاب فردی است.

فرهنگ حاکم بر جهت گیری اهل سنت ، از جمله روسیه ، نظم ، ولو در درجات مختلف ، اعتقاد به سرنوشت اجتماعی و صبر ، به عنوان دولت تعیین شده توسط امور اجتماعی و سنت های فرهنگی مجاز است. فرم گسل مجتمع genealogically بازگشت به اصل "اول از ایمان مسیحی ، به ویژه در رابطه با خود را به بد و گناه... مسیحیان در این دوره که آنها sinners ، که گناه ، اصل و شخصی ، موجود در زندگی فرد ، همراه با شروع خوب است ، اما امروز -- بیش از هر زمان تا کنون ، که مسیحیت خود را آغاز کرد با صلیب عیسی مسیح... ". در این مجموعه خاص از گسل نه تنها برای دارندگان سنتی آگاهی ذاتی است. بنابراین ، hkovskyDS Merez گفته است که "من می دانم از کجا من می روم ، می توانید از یکی می باشد... ترک های زیرزمینی "" ، برای غلبه بر تنهایی -- وظیفه این است که... " ، یعنی است در مورد غلبه بر عایق از جامعه ، فردگرایی ، بیان شده ، نیاز به جنبش دسته جمعی فرم ها نسبت به مسیحیت.

تکمیل شده توسط گناه اصلی و گناه شخصی ، که متشکل در نفی انسان را از استانداردهای متعارف رفتاری تعریف شده باید : "خدا چه کسی است گناهکار نیست ، پادشاه مجرم شناخته نمی شده است؟". این امور در هیچ اقدامی کوچک نوبه خود به ماهیت متناقض از قانون را ، تا آن را به تصویب رسید عمل به جرم آن و نقض معمول ، برای زمان ، و سپس قدرت ، سازگار با منافع دیگر لحظه ای فعلی ، می تواند از هر سوال در سراسر گستره "از قانون است."

توجه داشته باشید که از ویژگی های روانشناسی اجتماعی از جامعه اهل سنت موضوع است و اساساً سیستم های مختلف از اولویت نسبت به موضوع مدرنیته جامعه است. بنابراین ، از عکس آهنگسازی جهان است از طریق نمایندگان از توابع مرتب سازی و ابتکارات در سطح بالاتر از این موسسات اجتماعی صورت گرفته است. این مشکل این است که از چنین اولویت بالا ، که به تضعیف اثر منفی و همراه با ظلم و ستم تصمیم خود مغرور و محرومیت. سنتگرایان ، احساس عضویت پایدار خود را از اجتماعی و فرهنگی فضا ، جایی که همه چیز بر طبق سنت تکثیر و به دلیل مرسوم ، قادر به تحمل تظاهر وحشتناک از ظلم و ستم قدرتمند. بنابراین ، H. م. Karamzin مثال از سلطنت ایوان چهارم ، هنگامی که "جان نمی مدتها قبل از آن دستور داد برای یک اشتباه کوچک از یکی از افراد سرشناس impaled ، که این ناشی از بدبختی زندگی می کردند به مدت چند روز در عذاب وحشتناک صحبت با همسر خود ، کودکان ، و دائماً تکرار : "خدا ! رحمت بر شاه! "به عبارت دیگر ، روس ها برای چه معروف خارجی آنها را rebuked شد : کور ، صمیمیت کامل به اراده پادشاه در اکثر بی پروا از انحرافات خود را از دولت و قوانین انسانی است."

اما وقتی که می آید وضعیت عدم اطمینان ، و به این تصویر از جهان را بزور داخل شدن disistemnye ، عناصر قدرت مرموز و روند خود را از هتک حرمت وجود دارد. از دست دادن قدرت وضعیت sacral ناگزیر به بحران اجتماعی درجات مختلفی از رادیکالیسم ، در تجلی اشکال از نا آرامی های مدنی ، شورش ، انقلاب ، شورش های خارجی ، فکری نارضایتی ، رفتن را به مردم ختم میشود. فقط در تخطی از تداوم sociocultural از شخص شروع به واکنش ، حداقل به صورت انعکاس در شرایط سخت زندگی مادی ، جبران کمبود مواد معنا ، انتقال انرژی حیاتی خود را از حوزه زندگی روزمره خود را با دنبال لذت پیروزی و نگرانی را به برتر از انسان های مختلف ، پروژه های eschatological ، خدمات ایده امپراطوری حزب. bursts مشابه انعکاس ، عبور در زمان های به عمل رادیکال ، ما به طور غیر مستقیم می تواند در روسیه و تاریخ جهان نمود. به عنوان مثال ، د توکویل الکسیس است که ملوک الطوائفی "را در خود ، نخست با

الهام هرگز چنین فرانسوی به نفرت ، به عنوان روز قبل از ناپدید شدن او ذکر شده باشد. کوچکترین تظاهرات دلخواهی از لویی شانزدهم ایجاد نارضایتی بیش از استبداد مطلق لویی چهاردهم. کوتاه مدت حبس مدت ، که در پاریس به Beaumarchais قرار گرفت باعث هیاهو بیش از یدلایمخیرات 1685 dragonnady. اما در حالی که تصویری از جهان سازگار با مفهوم حقوق البته به علت از چیزها ، او است قادر به تحمل سقوط سهم خود را به ظلم و ستم ، ظلم و ستم و محرومیت.

در جامعه سنتی ، الگوهای فرهنگی ، بیشتر ترجمه شده و از فرهنگی خاص در جامعه مدرن ، اگر چه دومی است که اغلب در نظر گرفته شده به ارزش های عمومی و اصول اهل سنت صرفا به عنوان یک پدیده منحصر به فرد از فرهنگ خود. در گستره وسیعی از زمین ، از هند تا شیلی ، و از روسیه به ایران اجتماعی گسترده مشابه اسطوره های تاریخی در مورد نقش خاص messianic ، ارتفاع و معنوی هر یک از حفظ اساس اهل سنت از زندگی مردم بیش از سرباز مزدور غرب را از طریق تعهد از ارزشهای معنوی واقعی. نمونه هایی در حمایت از پایان نامه های ما بسیار متعدد. اول ، می تواند در حدود یک تعریف کلاسیک از NA Berdyaev نتیجه توصیف رهبران کمونیست انقلاب در روسیه ، که در ادامه پروژه خود را messianic : "و آگاهی از کسانی که به مرحله اجرا بین الملل سوم ، همچنین در خود وجدان خود messianic یافت نشد. آنها خود ، درک به عنوان حامل نور از شرق است که باید در تعلیم دادن اقامت در بورژوازی " مردمان تیره و تار غرب است. چنین سرنوشت آگاهی روسی messianic است.

بدون کمتر شایع این نگرش و در خارج از روسیه ، چنین تعاریف مختلف به اندازه کافی در کشورهای جهان سوم رایج است. Omitting بسیاری از بیانیه های رادیکال ، را تنها به اندازه کافی مدرن و موقعیت از استاد علوم سیاسی Z. سردار. در مقاله او را "فراتر از توسعه : چشم انداز اسلامی" ، او اشاره کرد که "ایده های توسعه در مفهوم غربی است کاملا به غیر غیر قابل قبول و اروپایی فرهنگ ها ، و در آینده خواهد بود در نتیجه تسلط یکی از تمدن غرب ، با درک خود را از آزادی ، تمدن... در میان غیر تمدن اروپایی (چین ، هند و غیره) نقش اسلام این است که تمدن اسلامی نشان داده است مزایای ارزش های ما...".

هنگامی که ما از صفات ملی در جستجو برای آنچه unites ورژن های مختلف ذهن اهل سنت در عمیق ترین سطح انتزاعی ، می بینیم که جامعه اهل سنت unites خاصی است ، غیر عقلانی رابطه عرفانی به ایده های پیچیده در ارتباط با مفهوم وحدت ، یگانگی ، کلیت ، تقسیم بودن درونی و انحلال به طور کلی خصوصی. به عبارت دیگر ، نگرش ویژه ای به همه چیز می رود که بازگشت به دوره باستان از زندگی بشر : "نمایش اولیه از زندگی مصنوعی به جای تحلیلی است. زندگی را به کلاس ها و subclasses نشده تقسیم شدند. مثل حس تمام احساس مستمر ، برای جلوگیری از هر گونه تمایز ناگهانی و روشن است. مرزهای میان رشته های مختلف -- موانع غیر قابل عبور نیست : آنها مبهم و ناپایدار است. "

در لباس های مختلف ، خواسته شرایط تاریخی و سیاسی غالب اشکال ایدئولوژیک ، وحدت فرمول اساطیری وابسته به همتایی تصادفی سازماندهی فضای sociocultural ، ارزشهای پایدار می دهد. آن را در بسیاری جهات از آن مسدود شده است اختصاص مجزا و خود مختار اجتماعی به خود فرد کافی است. وحدت Mytheme وابسته به همتایی غزل به ریشه بنیادهای کهنه و سنتی ترین آگاهی است : "بیشتر افراد unascertained ، قوی تر" من "است را بر روی بینی گروه و همچنین تعامل قوی بین اعضای گروه خود را".

این اساطیر می رود بازگشت به مرحله ماقبل تاریخ وجود انسان ، هنگامی که جامعه بشر توسط interchangeability به اندازه کافی کامل و عملکرد نقش های اجتماعی و اشتقاق کوچک درونی مشخصه : "عضو از نوع اولیه ممکن است احساس هویت خود را با کلمات" من -- بله ما در بیان "و او هم چنان خود را در مورد احساس نه به عنوان" یک فرد "که از گروه خود جدا شده است." با این وجود ، خاطراتی از این وحدت ماقبل تاریخی در طی یک دوره

زمانی طولانی باقی مانده در جهان مسلمان و ارتدوکس: "مومن Sonsensus غیرشخصی را محکوم و" من "را به عنوان یک گناه است، اما به همان اندازه است بنابراین -- واقعا روسی -- مفهوم حقیقت به عنوان یک توافق نامه به منظور ناشناس .

با توجه به فرایندهای تاریخی و sociocultural در غرب اروپا و در روسیه، Herzen اشاره کرد که "جهان غرب از دست داده تا به محیط اجتماعی خود، پنجه و nesobstvenniki به فداکاری توسعه اقلیت اما توسعه و اشراف شهری بود بزرگ و ثروتمند روسی... مردم آورده بودند به عنوان کمی به توسعه جدی غرب قادر آخرین سه قرن ها، به عنوان جنگ های صلیبی، به عنوان اختلافات کلامی و مدرسه ای به عنوان قانون رومی و ملوک الطوائفی germanskomu. همانطور که تاریخ نشان داده است قرن، گذشته، نه تنها در روسیه بلکه در چارچوب حافظه لایه تمدن لیبرال از اتحاد کهنه می تواند واقعیت، ایجاد برنامه عمل.

مثال کلاسیک از خود ctualizationa تاریخ باستان از رایش سوم است. به یاد داشته باشید صرف خیلی از کلمه "فاشیسم" در درمان B. موسولینی: "این (فاشیسم) به دنبال زندگی بشر تبدیل فرم نبود، و محتویات آن، خود انسان، شخصیت، ایمان است. و به آن پایان، از آن نیاز به نظم و انضباط و اقتدار، که می تواند به روح از مردان نفوذ و ویرایش آن را آزادانه. به همین دلیل است که نماد آن او است victors میله -- نشانه ای از وحدت، قدرت و عدالت است." اضطراب از CG یونگ، احساس تمدن خارجی، "متوسط" و peacefulness از مردم غرب جوش ماگما از ضمیر ناخودآگاه اسکرپت‌های سرکوب کهنه، همچنان معتبر است. به عنوان بخشی از تمدن، شخصیت مدرنیته، انسانی با رفتار منطقی خود را در اقلیت است: "ما قادر به پل شکاف میان اقلیت که رسیده اند این اهداف و تلاش برای زندگی نیست با توجه به آنها، و اکثریت، ذهنیت که دور در عصر حجر مانده بود، در توتم پرستی، پرستش معبودان، فنودالیسم.

در ذهن وابسته به همتایی اصل وحدت، نسخه و در روسیه به اصل catholicity و وحدت، آن را با اصل سلسله مراتب است، که سنگ بنای دوم سنتگرایی سازگار است. لازم به ذکر است که در سلسله مراتب فرهنگ خود ماندگار است، چرا که "فرهنگ است فعالیت برای ایجاد اختلاف: طبقه بندی، تبعیض نژادی، و برگزاری مرزها و در نتیجه تقسیم مردم را به دسته ها، شباهت ترکیب داخلی و خارجی تفاوت های مشترک". اما در جوامع سنتی، اصل سلسله مراتب نه تنها با بالا موهبت است، اما وضعیت خانوادگی مقدس است، و تنها در یک جامعه لیبرال پشتیبانی sacral وضعیت سلسله مراتبی از دست داده است. توجه داشته باشید که ساخت و ساز از سلسله مراتب است ساز اصلی برای پیاده سازی وساطت عمومی فرهنگی، اتصال قطبهای جهان خراب: بالا و پایین، خالق و خلق، معدن و دریافت شده، و غیره. روابط سلسله مراتبی هستند نه تنها در سنت ثابت است، بلکه در خدمت پایه ارزش این سنتها.

در بیزناس ارتدوکس - مرد فرهنگی منطقه جاذبه های احساس را به عنوان زمینی و آسمانی صلح، حفظ در این مفهوم، برخی از تداوم را در رابطه با قرون وسطی. قطب کیهانشناختی همچنان در اطراف او جمع آوری زمینه معنایی فرهنگ، ساختن آن سخت و محدود کردن منطقه نفوذ خود را در وسط آن است. در مختصات فرهنگی و تمدن از همه ای است که در منطقه خاورمیانه از فرهنگ -- متزلزل، ناپایدار، neoformleno: "چگونه در روح چشم انداز روسیه و چشم انداز تم ها اشکال زنده روح روسی است که به دقت با یک موضوع بی نظم الهی متصل می شود. این غیر بلورین آن است، neontologichnost منطقه وسط یک ویژگی از همه روسیه، سیستم فرهنگی و تمدن است.

بنابراین، با توجه به A. Akhiezer، در تاریخ روسیه پیش بینی می تواند به طور مداوم سازش ناپذیری از دنیای محلی روستایی، و دولت متمرکز. آن را "چرخش مناقشه بین دولت، جامعه بزرگ و جهان سنتی است. از یک طرف، جهان در روستایی زندگی می کنند نمی توانند در خارج از دولت است. از طرف دیگر -- دولت به عنوان مخالف این پدیده به لحاظ تاریخی دارای اهمیت به فضای سنتی، تبدیل و تجزیه می شود."



این تقابل یکی از مختصات از عبارات خصوصی روسیه به نظام فرهنگی و تمدن است. عطف به تجزیه و تحلیل از این امکانات، ما معنی نگرش ما اغلب چنان تحت تاثیر قرار مورخان روسیه، فلاسفه و نویسندگان در مورد نفوذ در شکل گیری روسیه، فتح تاتار فرهنگی و تمدن از مغول -، و امپراتوری روم شرقی (بیزانتیوم).

بله، Muscovy بیش از مغول در زمان روش تاتار در مقابل مجازات بیرحمانه کنترل و نگرش شهروندی، وقتی که حتی شخصیت های برجسته دولت ارشد شروع به تماس خود را از بردگان تاریخ و زمان آخرین تزار. و در نیمه اول سال نوزدهم، قرن XX، نه تنها روسیه، بلکه روشنفکران اروپا معتقد بود که عقب ماندگی و آسیایی، مشاهده شده در روسیه، نتیجه منحصر به فرد از مغول - یوغ تاتار بودند. احکام صادره از این نوع در دسترس است: "برای قرنهای محتوای اصلی توسعه کشور، روند Europeanization بود، فائق آمدن بر عواقب بزرگترین فاجعه تاریخی بود که برای شرق اروپا، تاتار - حمله مغولان. در حس historiographical آن تاکید دشوار روسیه به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از تمدن مسیحی متحد شد."

این استدلال تا حد زیادی درست است، اما قطعی نیست. این موقعیت بوده است و هنوز کاملاً راحت و روانی و راحت برای هر دو مورخان روسی، و برای روشنفکران به طور کلی، چرا که اجازه می دهد تا از جامعه یک مسئولیت تاریخی را حذف، به خارج از آن قرار دادم. اما تمایلات استبدادی حتی قبل از اینکه شروع به Tartars، که، با این حال، معمول بود سپس در تمام اروپا، نه تنها برای شمال غرب روسیه، و پس از پایان اسارت از این روند نه تنها نمی رفت، اما تقویت شود. امروز، مدرن ترین مورخان متمایل به این باور هستند که تهاجم مغول، با تمام تأثیر عمیق خود را در تاریخ روسیه است، بعید است که تاثیر قابل توجهی به ماهیت و سنت های مردم روسیه است.

علاوه بر وارد آوردن زندگی می کند قابل مشاهده را از طریق قرن قدمت اجزای سازنده آسیایی مغول تاتار تسلط ما را کمتر جدی است و تاثیر امپراتوری روم شد. معروف ترین تجربه درک از امپراتوری روم شرقی روس در ایمان مسیحی، همراه با کنون کلیسا، معماری (ساختمان کلیساهای)، روش های صاحب فن آوری بربری. علاوه بر این، شده است وجود دارد وابسته به جغرافیای سیاسی و تداوم بین رم و سوم.

در این تداوم، ما دوست داریم که به جزئیات بیشتری باقی بماند. پس از سقوط در زیر ضربات ترکان از قسطنطنیه در Muscovy، و بعد از آن در امپراتوری روسیه اشغال محل مهم ایده بازسازی، بازسازی امپراتوری روم شرقی، در مرکز پایتخت دولت روسیه -- مسکو. در حال حاضر "آلکسی Mikhailovich به دنبال در اصل به احیای امپراتوری روم شرقی، در مسکو به عنوان یک سلطنت جهانی متمرکز است، قدرت در متحد کردن تمام پست ارتودوکس. تزار روسیه در حال حاضر نه تنها باید گرفتن محل امپراتور روم، اما به آنها تبدیل شده...".

این سنت نشده است قطع و بعد از آن به یاد نا امیدی در جامعه روسی است که در آن، در طول جنگ شرق با امپراتوری عثمانی در سال 1877 حاکم بود -- بدلیامخیرات 1878 سال از ارتش دریافت سفارشات به قسطنطنیه توفان: "سپس جامعه روسی نمی تواند فقط الکساندر دوم، دوم، چرا او heeded این تهدیدات (انگلستان و اتریش می باشد. او از نامردی و عدم شخصیت متهم بود. محکوم کردند، و فرمانده دوک بزرگ است، که بسیاری اعتقاد دارند به جرات به منظور سرپیچی و در معرض خطر خود را وارد کنید به قسطنطنیه قرار بود". تم از قسطنطنیه، تنگه، عمل بالا بردن صلیب بیش از خیابان سوفیا صدا در جنگ جهانی اول، تبدیل شدن به نوعی توجیه ایدئولوژیک.

هنگامی که ما از قطعات واقعی میراث بیزانس صحبت می کنید، آن را بالاتر از همه لازم است را فراهم ادراک از امپراتوری بیزانس، ارتودوکس خود را همراه با مدل های امپریالیستی ideokraticeskoy، تاریخی توسعه در ethno مختلف - خاک فرهنگی، از شمال شرقی روسیه، بعد ovyMusc، روسیه و امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی. در این سیستم از ارزشهای امپراتوری روم شرقی بزرگتر شد. بنابراین، Odon Deylsky، فرانسوی chronicler جنگ

صلیبی دوم ، نوشت : توصیف سنت بیزانسی سیاسی ، که "آنها عموماً مورد قبول این دیدگاه که هیچ کس می تواند از متهم به نقض عهد ، اگر او خود را به خاطر اجازه امپراتوری مقدس". به عنوان بخشی از منافع اولویت از امپراطوری بر هر منافع دیگری نفوذ بیزانس با بیشترین اعتبار پری و مشاهده شد.

هنگامی که دوباره به یاد داشته باشید Leontyev : "بیزانتیوم در دولت استبداد به معنای... در جهان اخلاقی می دانیم... که Byzantinism ، مانند مسیحیت به طور عام ، با رد هر گونه امیدی برای رفاه جهانی از مردمان ، که او را به antithesis ایده پان بشریت قویترین در مفهوم vseravenstva جهان ، زمین vsesvobody vsesovershenstva زمینی و vsedovolstva. ما باور داریم که در تحول مسیحیت در دامنه شرقی آن ، به ویژه در دوره بیزانس در تاریخ آن ، دکتترین امپراطوری مذهبی بود در داخل نزدیک به ارتودوکس. فراخوان ادعای صربستان و بلغارستان را در موقعیت های امپریالیستی خود ، تعدادی از دلایل تاریخی ، باقی مانده unrealized : سنت های تاریخی و مذهبی است در سمت قسطنطنیه شده است ، و بعد از سقوط او ، و پس از یک دوره طولانی سلطه ی ترکی ، به دست آوردن موقعیت های امپریالیستی همه ربط از دست داده بود.

توجه داشته باشید برخی از مختصات دولت روم شرقی ، نفوذ داشته اند بعد از آن ایالتی روسیه. به این ترتیب ، نیکلاس بیزانس ریش سفید قوم ، عارف در نامه ای به پادشاه بلغاری به نام شمعون به او ظالم و یاغی ، گفت که میل به استقلال بلغارستان ناقص اصل متحده ارتدکس امپراتوری به عنوان آیکون از پادشاهی خدا. بلغارها ، تا زمانی که آنها به دنبال تقسیم امپراتوری ، مستحق مجازات است. در اینجا ، به وضوح احساس مورد توجه قرار priori از امور خارجه به عنوان یک جایگزین غیر و خود کفائی منبع هماهنگی جهان است ، در این معنا ، ادامه سنت امپراتوری روم.

در اشکال متنوع ترین امپراتوری خصوصی خود را به عنوان یک ایده و به عنوان واقعیت بسیار مهم در زندگی روزمره ما و در حوزه ایدئولوژی در یک دوره طولانی تاریخی ، از جمله خود و در دهه قدرت شوروی. در زمان مشابه ، فرهنگی و تمدن سیستم همیشه به خود نمی تواند یکسان باشد ، این تغییرات ، تندرو ترین در بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی. ما باور داریم که امروز رسیده شدت فرآیندهای پویایی تاریخی و sociocultural آیا امکان تولید مثل کامل و صحیح از سنت ، پیشنهاد نمی هنگامی که "همه چیز را به یک مربع" ، و تمام که شد ، چه خواهد بود. اما مگر آن که ایده امپراتوری امپریالیستی و ایدئولوژی ، پس چگونه می تواند او وجود دارد ، در بدن فیزیکی خود را تجسم و جغرافیایی؟ در این شماره ما در بخش آخر کتاب با ما بازگشت ، با توجه به بعد پروسه اتحاد جماهیر شوروی و مدرنیزاسیون.

به منظور درک بهتر چهار چوب است که در آن محل تبدیل ، مدرنیزاسیون ، ما دوست داریم که به نوبه خود به سنت گرایی خاص از روسیه ، به مختصات از روسیه وابسته به همتایی آگاهی فرهنگی است.

جنبه مهم این مسئله موضوع غالب در مناطق مختلف اروپا و در دوره های مختلف تاریخی از ارتباط بین مسیحیت و الحاد است. در محدودیت های جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی است که در زمان باستان ، "پان (نوعی رامی بزرگ مرده است" ، باور به خدایان کافر قدیمی گم شده است ، روند Christianization عمدتاً طبیعی بود. پیامبران و مرتاضان حمل کلام خدا است که تحت آزار و اذیت و عذاب ، پرداخت نمی کافر شمشیر و خشونت است ، اما کلمه. بنابراین یکی از شهیدان مسیحی ، "A. Kaprus زنده سوخته در زمان مارکوس Aurelius ، لبخند زد و پاسخ سوال : "من را دیده اند ، بر عظمت پروردگار و من خوشحالم".

در خارج که قبلاً تحت اشغال امپراتوری روم ، مسیحیت در درجه اول نه از موعظه های زیر را از پیامبران و زهد شخصی و neophytes منتشر شود ، اما از بالا ، زمانی که در دسترس شاهزادگان وحشیانه و تقریبی آنها ، و این درمان اغلب از طریق نیروی نظامی رخ داده است. زندگی Nrodnaya عمدتاً در طی قرن ها کافر باقی ماند ، با وجود این واقعیت است که بت قدیمی از پایین دست روستایی پناهگاه و جایگزینی آنها با نمادهای ایمان مسیحی ، و تعطیلات بزرگ

مسیحی مقرر در روز از جشنواره های کافر. به عنوان یک نتیجه ، در آگاهی عامه پسند به وجود آمد interweaving عجیب و غریب از ایده های مسیحی و غیر مسیحی. در حالی که تناقض از مسیحی کافر مشاهدات کاملا روشن از نظر منطق صوری ، منطق تفکر وابسته به همتایی آنها نتوانستند درک نمی کنند.

مسیحیت دارای ریشه های اروپایی خود را کشتش فرهنگ کهن. حفظ ارتباط با میراث دوران باستان ، انسان اولیه مسیحیت در توزیع جغرافیایی آن تقریبا به طور کامل در درون مرزهای غربی امپراتوری روم ، یعنی گسترش مرزهای دنیای مسیحیت ، تقریبا با مرز Romanization همزمان. بعد آنها را وحشی اروپایی ، هنگامی که افراد جوان ، آلمانی ها و لاتینها در حال ظهور ، در حوزه کاری خود را به معنی قدیمی surpassing هوش مطرح شد و -- در صورت مناسب -- را درک در یک حکومت دینی باور نکردنی از مواد منفجره... آنها pirovaliretsi که بی نهایت گسترش یافته بودند بیش از سطح آنها از محتوای آن را. و به عنوان این افراد را در درون زنده هستند ، آن است greedily جذب می شود ، پر شده با آب میوه های جدید ، جوانی از سر گرفتن و هنوز هم باقی مانده های باستانی " .

همانطور که برای اسلاوی الحاد ، از آن است ، همانطور که نشان داده شده ، به ویژه ، E. Ivakhnenko نه با زمان Christianization خود را از چرخه ذاتی تاریخی منتقل شود. ناتمامیت از چرخه کافر در شرق اروپا به گسترش مسیحیت در فضای به رهبری فعال و مناسب رشد و ترقی در جهان غیر مسیحی : "در شرق اروپا وجود دارد Christianization اجباری بالا بود ، اما این قوم دین مسیحیت بود که در طی قرن ها تبدیل به بعد ، وقتی که خارج از دیوارهای صومعه شهرستان آمد ، از تحت قیمومت و سرپرستی مستقیم قدرت و رفت و به مردم " . مسیحیت در روسیه هنوز در حال مبارزه طولانی با روح الحاد را برای مردم ، و محبوب توده سفارشات رهبانی ، و متمرکز در حل مشکلات عملی در روسیه بود و نه بوجود می آیند.

اسلاوها پاکانیسم شرقی در زمان Christianization جمعی خود را هنوز وارد مرحله زوال و فروپاشی ، انرژی worldview کافر همچنان به عنوان منبع فرآیند در خدمت تمدن. اما الحاد -- آن است ، میان چیزهای دیگر ، مولفه انرژی از زندگی مردم... برای تخریب ، سرکوب الحاد در مرحله فعال زندگی معنوی و روحانی او ممکن است فقط در صورتی آن را به نابودی و یا جذب توسط مردم است. " در غیر خستگی به ظرفیت های داخلی ارائه الحاد باستان ، به ویژه ، در سطح قابل توجهی از مقاومت مردمی به تبدیل اجباری و به دین مسیحیت. بنابراین ، Milosz Czeslaw در کتاب خود "غرب منطقه شرق" ، با اشاره به گسترش مسیحیت در لیتوانی ، گفت : "حماسه گسترش مسیحیت بود عمدتا حماسی را از اتهام قتل ، خشونت و راهزنی ، صلیب سیاه و سفید برای مدت طولانی نماد سیاه بختی ، بدتر از طاعون باقی ماند" .

نتیجه مسیحی با مولفه های غیر مسیحی در ذهن قوم سنتی بیان شده بود تا به طبیعت نامتقارن ، از عناصر بت پرست به مراتب عناصر برتر معرفی شده توسط مسیحیت. تصویری متفاوت از آگاهی از موضع دوگانه دینی بیان شده شکستگی های عمیق درونی آگاهی فرهنگی به طور کلی. "در این نوع از مردم روسیه همواره با آن روبرو دو عنصر -- بدوی ، الحاد طبیعی ، ناگهانی از زمین های بی پایان روسی و ارتدکس ، از بیزانتیوم دریافت کرده اید ، زهد ، و آرمان به فراتر از جهان است. برای مردم روسی هستند به همان اندازه مشخصه و طبیعی Dionysism ، و زهد مسیحی.

برای اسلاوها شرقی ، انتقال از الحاد به دین مسیحیت بود در زمان یکسان ، انتقال از جامعه قبیله ای و شکل اولیه از ایالتی به ایالت بیشتر توسعه اشکال. در این راستا ، باید به خاطر این فرایند است که مطلق نیست ، غیررسمی تنها در تغییر ابعاد این نتیجه رسیدند ، تغییر در اشکال سلطه بین گذشته و حال : "شکل گیری تمدن است تغییر" تاریخی "در اوایل شکل تنظیم نیست ، بلکه از طریق روبنا" " معنوی های جدید و ساختارهای اجتماعی و اطاعت از "قبل از" گزینه ها. "قبیله ای" ساختار و هنجارهای فرهنگی و نگرش ذاتی ادامه به برخی رشته وجود دارد ، در حالی که همواره حفظ تولید مجدد "باقی مانده" با ایجاد یک رابطه جدید ، پوشش بدن قابل توجهی از فرهنگ جامعه ، به ویژه در جای دور افتاده "" و

حاشیه. در شرق اروپا وجود دارد inginterweav نوآورانه در آن زمان نهادهای فنودالی و روابط با عناصر سنت کافر و ماهیت بافتن ، و بعد از آن ، و interpenetration بنابراین در رابطه با هر یک از دیگر عناصر و نهادهای مختلف به طرق مختلفی تعریف شده از ویژگی های توسعه متعاقب آن از روسیه به نظام فرهنگی و تمدن.

داخلی تداوم الحاد را برای قرن ها ادامه دارد تا در سایه هنجارهای فرهنگی و سنت های مسیحیت رشد کند. این پروسه در روسیه تا قبل از قرن XX وقفه. بدین ترتیب ، در سال 1926 تحت رهبری فرهنگستان علوم روسیه محقق EF Karski باورهای سنتی و بت پرست شیوه های جادویی در برخی از مناطق روستایی از منطقه نیژنی نووگورود این نظر سنجی. حاصل این سفر زمینه EF کارا ارائه در نشست بخش علوم انسانی آکادمی ، تحویل تحت عنوان "پرسش از جادوگران روسی" در مجموعه موزه مردم شناسی و مردمنگاری در سال 1928 منتشر شده ساخته شده است.

به قول یکی از شرکت کننده ها این مطالعه زمینه ، N. Nikitin است : "در تابستان سال 1926 مورد مطالعه قرار من عمر Novoslobodskaya منطقه Lukoyanovskaya شهرستان از استان نیژنی نووگورود ، و من در قدرت چه عالی بود سر در گم جادو وجود دارد. حافظه از جادوگران قدرتمند ، یک نگاه که به قتل زاغ در پرواز ، و جادوگران ، گرگ پیچیده در قطار جشن عروسی ، می فرستد طاعون در گاو ، هنوز هم زندگی می کند در داستان ها مردم نه تنها در افراد مسن ، اما گاهی جوان است. آنها می گویند که در حال حاضر تبدیل شده است کمتر جادوگران قدرتمند ، اما در سال 90 از قرن گذشته بودند sorcerers ، شهرت او در سراسر resounded محله ". باید تاکید کرد که شواهد چنین منفرد نیست ، هستند در مفهوم جغرافیایی و یا بر اساس سال ، در این موضوع وجود دارد تعداد نشریات منحصر به فرد نیست. در حفاظت از ادم بی دین را در سلسله شناسی آنها ، ارائه شواهد و فریزر J. : "در برخی از مناطق جنوبی و غربی روسیه به عنوان وسیله ای که سبب بارش باران ، شنا کردن استفاده می شود. برخی اوقات بعد از خدمت کلیسا ، parishioners بودند ریختن را مستقیماً به robes کشیش را بر روی زمین و آن را با آب سیراب... وقتی که نیاز به بارش باران در منطقه کورسک احساس می شد ، یک عابر زن توسط - grabbed مزاحم و او را به رودخانه پرت کردند ، و یا از سر تا پا آب doused."

زنده ماندن در عمق مردم به ارزش های کافر آگاهی نه تنها در مراسم مذهبی و شیوه های جادویی ، حتی بیشتر قابل توجهی بیان شده هستند ، آنها تحت تأثیر قرار زندگی روزمره و در سطح ذهنیت. آن را به آنها است ، dogosudarstvennomu از جامعه به عنوان یک یادآوری از دولت ایده آل خود را ، تاریخ ، اسطوره و خارج از حدود ، بی وطن دهقانی ، اراده ، درک به عنوان حق دولت خود را برای ساخت و خودشان را ، و همچنین حق برخورداری از مرخصی "نیست ، گفت : هیچ چیز و هیچ نظم". توجه داشته باشید که این مهاجرت دسته جمعی از طرف دولت به طور فزاینده ای حرکت از لبه مرکز دولت بسیاری از توسعه ارضی امپراتوری روسیه بود.

کافر بر اساس سلسله شناسی خود را ، منقوش ذهنیت قوم خود را در شخصیت امور خارجه روسیه را ترک کردند. در چارچوب روسیه سیستم فرهنگی و تمدن ، دولت تلفظ می شود از ویژگی های موضع دوگانه ، که هر دو منبع از نظم کیهانی ، و جهان را از شر. چه می تواند بالاتر و قوی تر از آن ، با فرض وجود دارد که شر است؟ دولت تجسم اجتماعی مطلق ، که نه تنها خود را تسکین می دهد در تضاد فرهنگی است ، بلکه آنها را در dwells. علاوه بر این ، ویژگی های بیان شده در بالا اثر ذهنیت سنتی ، از جمله نفرت طبیعی آن تعریف شده توسط دولت از روابط و قوانین و مقررات ، از آن خود می باشد در طول تاریخ روسیه است که از بعضی جهات ، هرگز nedoosuschestvlennym پروژه ، ساخت ، اما ساخت و ساز uncreatedness اجتماعی است.

بنابراین ، با وجود دگرگونی از مدرنیسم از سه قرن گذشته ، جامعه روسیه در بسیاری از زمینه ها سنتی باقی می ماند. سنت گرایی در حال حاضر از شتاب اجتماعی و پویایی فرهنگی ، شکستن تمدن ، که خود را ابراز و در تلاش برای ترمیم و تقویت اصولی ، خودبخود از بروز روش های سنتی بقای فرد به روز شده است.

با توجه به دیدگاههای فلسفی از Scheler .M ، ارزش های منطقه از جامعه ، تا به منظور رتبه است ، سلسله مراتب ارزش ها وجود دارد ، ارزش ها را به بالا و پایین تقسیم می شوند ، ارزش و همکاری انجام شده توسط خودشان وجود ندارد ، بدون در نظر گرفتن سفارش مرتبه : "... جهت رتبه بندی از ارزشهای مطلق ثابت ، در حالی که قواعد ترجیح در تاریخ اساسا فرار. نظام ارزشی جامعه رتبه روسیه ، انواع مختلفی از فعالیت های انسانی با ارزش های بالاتر و پایین تر در ارتباط هستند ، توسط رتبه درجه مشروعیت. بیشتر قابل توجه است فکری به رسمیت شناخته شده ، فعالیت معنوی برای یک مدت طولانی است در اشکال مذهبی بیان شده. در گذار به فرهنگ عمدتا دنیوی نگر (سکولار ، این مقدار به شکل سکولار و فعالیت فکری ، به ویژه در ادبیات ، که همچنان به بازتولید این ارزیابی ، رتبه بندی کلیشه منتقل می شود. فعالیت اقتصادی در شکل سرمایه داری آن باقی مانده است در سطوح پایین تر از این نردبان از مشروعیت.

در آگاهی جمعی است و امروز هنوز شک و تردید در مورد صحت رستگاری فردی ، dostizhitelnost ، هنوز به طور کامل متداول ، تحت اجتماعی مجاز نمی باشد ، سنت های فرهنگی. از بی اعتمادی بزرگ ، حقوقی ، سرما ، depersonifitsirovannomu مدرن در جهان خود را ابراز دوست نداشتن از رسیدگی ، به طور کلی برای رسمی (قانونی) راه برای حل مشکلات.

برای بسیاری از جامعه روسیه همچنان به درک سنتی از اندازه لازم و غیر ضروری را از کار و مصرف ، از وسعت نیازهای طبیعی بشر است. پس آن را در نیمه دوم قرن نوزدهم ، هنگامی که پادشاه معنی دار برای کار خود را دریافت نکرده است "کشاورز را با اعتقاد راسخ ، که نیازهای مادی و معنوی باید رفت و حداقل این بود : " نان را به روح پول از nuzhu snoshu لباس "" که با راضی است کوچک ، یکی از خدا را فراموش کرده است. این نمایندگی و عمل روزمره و نه در سطح انبوه تکثیر امروز.

در جامعه سنتی ، افراد مشغول به کار به نیازهای اولیه محدود است ، نشان داده نمی بعنوان یک قاعده ، تمایل به تولید و مصرف بیش از حداقل استاندارد لازم ؛ نیازهای توسعه پایدار ، استفاده در زندگی روزمره های مختلف ، از جمله نوآوری های تکنولوژیک ، می تواند در ادامه به عنوان یک تصور مشخصه پاتولوژی فقط یک دایره تنگ و از اشراف زادگان. طبیعت از نگاه دهقانی "در کار به عنوان تنها منبع تنها از اموال ، به رسمیت شناختن حقوق متعلق به زمین ejido ، تقدم منافع جامعه و به رسمیت شناختن مالکیت مشترک زناشویی". فرمت از این باورهای سنتی مانع جلو راهیجاد اصلاحات سرمایه داری تنها اتحاد جماهیر شوروی دوره ، در حالی که در همان زمان حفظ تعادل زیست محیطی.

فوق مشکلات فوق تا حدی مشخص شده است و کشورهای اروپای غربی. کشورهای اروپای غربی را در زمان خود دیدگاه های مشابه ، به عنوان ، بیان شده در خاص ، در دکترین کلیسای کاتولیک در قرون وسطی بعدا تلاش نمایيد. ثروت به عنوان هدیه الهی ، که باید بیشترین تعداد ممکن از مردم ، اقوام مورد استفاده قرار گیرد دیده می شد ، کارمندان ، و نه به فقیر. ثروت است ، محکوم نیست ، بلکه پشتیبانی نمی جستجو برای رسیدن به تقویت آن : "اقتصادی ایده آل ، تاسیس در دوران Theodulf کارولنژی از Orléans ، قابل توجه برای تمام قرون وسطی باقی ماند. به نظر او ، باید به یاد فیلم "آن درگیر negotsiyami و تجارت ، است که آنها نمی باید آرزو برای منافع دنیوی بیش از زندگی ابدی...".

جامعه قرون وسطی در اروپا جدی انتزاعی ، depersonifitsirovannym ، نحوه فعالیت های اقتصادی سرمایه داری ، به ویژه در زمینه های سرمایه گذاری : "با اقتباس از scholastics ادعای ارسطو که" افزایش پول ندارد تا پول نمی دهد ، و برای زمان طولانی ، هر گونه معامله اعتبار ، منافع تحمل کردن در برابر این اصول عقاید آمد . کلیسای

کاتولیک در جهت حفظ اهمیت تابعه از فعالیت های اقتصادی ، نگهداری آن را در چهار چوب های محلی ارزش های بالاتری از رستگاری ، sternly ربا به عنوان مظهر غیر مولد ، انگلی زندگی اقتصادی محکوم کرد. ذخیره کردن مردم برای مقابله با صدور پول در منافع ، به عنوان سرزنش ecclesiastical ، کشیش اعمال مشابه به اعدام محکوم ، از کلیسا بین دو خزان شد : "مجموعه سازی نشان می دهد که کلیسا ، در نفرت و وحشت از وفادار ، ربا خوار ، پایین توسط Mošnov ، وزن او را که منجر به جهنم". تحریم های آن کمک کرد کلیسای کاتولیک را در تداوم روح از ارزشهای مسیحی و هنجارهای قرون وسطی ، پیش از جامعه سرمایه داری.

مردم کشورهای اروپایی ، از زمانی که در مسیر طولانی تاریخی و فرهنگی ، بیا به جای اصلاحات ، جنگهای مذهبی ، انقلاب بورژوائی ، استقرار روابط سرمایه داری در اقتصاد ، rooting دمکراسی سیاسی ، مادیت فرهنگ و جامعه است. مرد اروپایی است نگرش تحمل بیشتری به تظاهرات از وضعیت اجتماعی ، نابرابری ثروت ، به ویژه در نیمه دوم قرن گذشته تا به تبدیل آن برندگی خود را از دست داده گریه pointedly ، تحت الشعاع قرار نابرابری نقطه ی عطف بود ، نان و از سیرک شروع شد ، هرچند تا حدودی در اشکال مختلف موجود هستند غنی و فقیر. این ناشی از رشد افراطی از دانش علمی و فن آوری است ، معجزه های تولید ، دویست ، سیرصد کارگری رشد بهره وری در طول قرن گذشته است. "معجزه تولید منجر به معجزه مصرف... همه چیز در دسترس است ، همه شما می توانید تمام شما می توانید غذا خوردن را خریداری کنید. همیشه وجود داشته است که در آن جامعه خواهد بود وجود دارد معجزه "؟

ما می دانیم که در تاریخ کشورهای اروپایی انجام شده سن نقش مهمی - Romanization قدیمی ، مستقیم یا غیر مستقیم alters ذهنیت کافر است

لازم به ذکر است که قربانیان جنگ های مذهبی که همراه با فرآیند اصلاحات ، بسیار بزرگ بودند ، و مخدوش که توسط این پروسه نه تنها الحاد بود ، اما در بعضی از اندازه گیری و غرب مسیحیت. اصلاحات ارزشمند به جا مانده در این مقدمه حس دنیا پرستی از معاصران اجتماعی بود فرهنگی کره در اروپا : "... او (لوتر می خواست برای نجات دین ، و آغاز انحطاط آن است. او در برنامه ریزی اصلاح کلیسا ، مادیت تبدیل شده و خود را با مذهب لوتر است را به زندگی خصوصی retreated. شاید این است بیشتر آگاه است. اما این واقعیت که این عقب نشینی آغاز نتیجه دین از قلب انسان بود ، او را پیش بینی نیست و نمی خواست.

کلیسای روسی همواره ، و پس از یونانی (کرهای) کلیسای ارتدوکس در کلیسای جامع در فلورانس در سال 1439 اتحاد با کلیسای کاتولیک روم و از سقوط قسطنطنیه در سال 1453 به ویژه ، احساس خود را قیم از ایمان است. این باور در رسیدن به رستگاری و پادشاهی خدا در آخرت انجام شد ، کلام ارتدوکس با کمی پیشرفت دنیوی گرفتار ، نه legitimiziruya ایده پیشرفت در جهان است که با اشاره و نه به توسعه معنوی و روحانی ، دینی. و اصلاحات در جهان ارتدوکس ، علیرغم وجود تمایلات خاص ، بعید بود. ایوان Solonevich ، با توجه به تولید مثل مداوم از سنت و رد و نوآوری در Muscovy به عنوان یک پدیده طبیعی و مثبت ، مشاهده شده است که "پادشاه خود را در نظر ملت و کلیسا ، کلیسای خود را در نظر ملت و دولت ، ملت خود را به عنوان دین از دولت در نظر گرفته. پادشاه نه تنها می تواند -- و فکر -- ارتدکسی است تغییر کند ، زیرا او نمی تواند فکر کند ، به عنوان مثال ، زبان را تغییر دهند. ملت فکر نیست که دیگری را به چیزی تغییر دهید و یا استبداد و یا راست دینی -- هر دو شامل آلی بخشی از شخصیت ملت است. پادشاه به dogmas تابع مذهب بود ، اما subordinated به بندگان او.

در زمان مشابه ، روند نسبت به اصلاح دینی عمدتا در فرم از الحاد مذهبی ، که با شدت بیشتری خود را به عنوان ابراز فاصله از مناطق مرکزی ایالت مسکو بروز شد : "برای توده ها ، بلکه انتقال به آن را از زمان به تقوا کاملا کافر

تشریفات ، سپس پیشرفته تمرین های خود خسته شده اید به طور کامل قرار گرفتند. تنها در آینده تحت تاثیر قرار شد به غرب حومه (نووگورود و مناطق Pskov).

به عنوان یک نتیجه ، به طور مداوم تلاش برای به حداقل رساندن تغییرات اساسی و هر دو در مراسم ارتودوکس بود اغلب سازگار و معتبر که ممکن است ، بازتولید اصلی (رسولان) ، مسیحی : حفاظت از حقیقت کلیسا بوده است در درجه اول وظیفه شرق ارتدکس...".

اعتقاد به توحید عقاید سنتی روسیه از آگاهی نه تنها توسط گنجاندن مکانیکی از عناصر فرهنگی و تمدن جامعه مسیحی در جهان کافر نگهداری می شد. این اعتقاد به توحید عقاید مشخصه از مدل مسکو فرهنگی و تمدن جهان از روسیه است ، که محلی اجتماعی و نظام فرهنگی بود. و این سیستم می توانید به قسمتی از تأثیرات خارجی و borrowings نه کاهش یافته است ، چه در بیزانتیوم ، اروپا و یا تاتار - مغولها. است قادر به جذب بیشتر تحت تاثیر قرار متنوع خارجی و نوآوری و به خودی خود تکثیر ، قرن پس از قرن ضمن حفظ خصوصیات اولیه آن است. در طول زمان ، تغییر تنها در محیط خارجی آن ، دولت میانجیگری معانی ارزشها ، از شخصیت های مناسب و در حد دیگر ، ضد قهرمانان از تجسم شر در جهان است ، اما وضع اولیه بارها و بارها به تمدد اعصاب.

در این سیستم ، هر کدام از قطبهای دیگر نیاز به قهرمان ضد قهرمان مورد نیاز است ، "raznozaryazhennye" قطب انجام عمل حیاتی ، به عنوان منبع داخلی برای انرژی به او. بنابراین ، به عنوان مثال ، "هیتلر و استالین در گروهی demonized از نفرت ، که به آنها انرژی بخشید و توجیه اقدامات خود هستند". در نتیجه به جذب قطب مخالف اجتماعی غالب - سیستم فرهنگی است استرس قابل توجهی را تجربه درونی ، حفظ ، با این حال ، ثبات و قابلیت تکثیر. اعتقاد به توحید عقاید سنتی روسیه از آگاهی به عنوان حوزه سازمان نهادی از جامعه پیش بینی شده است ، بنابراین تأثیرگذاری بر فرآیندهای مدرنیزاسیون.

بنابراین ، جامعه شناس معروف روسیه یوری Levada گفت که "یکی از ویژگی های مدرنیزاسیون تعویق افتاد و جنجال برانگیز روسیه -- ضعیف تمایز ساختارهای اجتماعی ، وابستگی مستمر از سیاست و اقتصاد شخصیت امور خارجه ، زندگی خصوصی از عمومی ، و غیره. این توضیحات به این امر ، "امروز" عصر مدرنیزاسیون ، نشان می دهد حفظ مظهر تلفیق کننده عقاید مختلف از جبر در ذهن روس ها ، و در سازمان نهادی از جامعه است. وضعیت شروع به تغییر در گذشته ، در اواخر و بعد از اتحاد جماهیر شوروی سال است.

موضع دوگانه بیانی شده از فرهنگ روسیه hampers اعدام یکی از مهم ترین وظایف خود را ، که "این است که اطمینان حاصل شود مشروعیت نظام های سیاسی و اقتصادی جامعه است. نگرش منفی در بالاترین سطح از فرهنگ با توجه به مالکیت خصوصی و تعقیب "sverhmernomu" غنی سازی ، حق قانونی ، تضاد بین حقیقت افراد خود ، مفاهیم ، قوانین عرفی ، کم شدن اهمیت فرد ، جامعه و اولویت های ملی ، که در آن سرنوشت فرد به عنوان بخشی از کل تصور شکل گرفته است ( که در تمام جهان ، Babi و پسرش). آیا می توان با توجه به موارد فوق ، به اجازه اجرای قطعات diametrically مخالف unpalatable از مخالفان دوگانه؟

چگونه به طور موثر می تواند این subsystems (تابع) سطح عمل ، هنگامی که ارزش بالاتر در سطح ضمنی مسدود کردن کارایی و عملکرد subsystems؟ پاسخ به این پرسش ها از اهمیت زیادی برای تعیین چشم انداز برای فرایند مدرنیزاسیون در اجتماعی روسیه - حوزه فرهنگی. تا این مسائل هستند و نه تلفظ ماهیت کلامی ، به عبارت دیگر ، به درستی مشاهده علامت "دل سگ" بولگاکف پروفیسور فاینال فانتزی تغییر شکل ، "در نشسته بود نه خراب کردن توالی ، و در رأس آنها باشد!".

اجتماعی روسیه - محیط زیست فرهنگی امروز است مقاوم در برابر شکل گیری و عملکرد subsystems در حوزه قانون ، اقتصاد ، حقوق بشر است. روزنامه نگاران شوروی ، در پاسخ به اتهامات مطرح شده است که اتحاد جماهیر شوروی نداشت ، حقوق اساسی مدنی ، و گفت که ما آزادی بیان و تجمع را نداشته باشند ، و زندگی سیاسی به مفهوم غربی است ، اما در حال حاضر ارائه شده اساسی "فیزیولوژیکی" حقوق بشر است. حق تکثیر عمر خود را با تلاش بسیار ناچیز شخصی : کار برای همه ، حتی پایین تر پرداخت شده ، مربوط ، با این حال ، در سطح بدست آمده از بهره وری (حق برخورداری از حداقل لازم برای حفظ زندگی لحیم) ، نگرانی های عمومی را برای تربیت کودکان ، که شامل سیستمی از کمک هزینه ، منافع ، یتیم خانه ها (آموزش مرد حال حاضر اتحاد جماهیر شوروی). اعتقاد به توحید عقاید روسیه ، با بی ثباتی آن ، ابهام از معانی محافظت جامعه از سقوط ، اما در عین حال مانع توسعه آن ، اجاره تغییرات سیستمیک معرفی شده توسط مدرن لیبرال شد.

سیستم ما در شرایط بسیار دشوار به پیاده سازی نیز توسعه یافته از طرز عمل و رویه و غیر قانونی و قانونی بودن ، روند عمدتاً توسط موافقت نامه در سطح روابط mezhsubektnykh ، که در آن هستند و تبدیل ، sifted و خارج ، به تقسیم بندی قوانین ضروری و غیر ضروری ، کار خراب است و جایگزین و ایجاد دولت : "قانون که در وب سایت : لغزش زنبور عسل و مگس bogged پایین. از اینرو ، در راه های بسیاری ، و حفظ موقعیت به اندازه کافی بالا از قوانین عرفی ، نه تنها در زندگی روزمره مردم ، بلکه در روند : "قانون عرفی به عنوان مبنای حقوقی از دادگاه منطقه" ، از بی اعتمادی های بزرگ تصویب شد ، قانونی ، سرما ، depersonifitsirovannomu دنیای مدرن ، دوست نداشتن به رسمی (قانونی) راه برای حل مشکلات.

خب این همه ، در میان بسیاری از NGChernyshevsky گفت : "مفهوم اصلی ما از سرسخت ترین سنت ما -- که ما همه آنها هم ساخت ایده دلخواهی. فرم های قانونی ، و تلاش شخصی را برای ما به نظر می رسد بی زور ، و حتی مضحک ، ما در حال انتظار برای همه است ، ما تنها می خواهیم همه چیز توسط قدرت تصور کردن ، تصمیم به گزینه علامت نخورده آگاهانه کمک می کند ، در تمایل و توانایی خود به خودی دیگران ما امیدواریم که نه ما نمی خواهیم که برای انجام کسب و کار با استفاده از این روش استفاده مینماییم. این یکی از نمونه های خاصی از نوع اجتماعی و روابط فرهنگی ، که ، هنگامی که با درجات مختلفی از شفافیت بند بند هستند ، زندگی سنتی روسیه است. و در حالی که نظام در سطح در مورد رفتار روانی نگهداری می شود ، هر گونه نوآوری های لیبرال و یا به سادگی رد کرد ، یا هر دو ، به عنوان مثال ، نهاد انتخابات دموکراتیک ، تنها با حفظ فرم های خارجی به کشور از ارتباط از سیستم تبدیل می شوند. این در مورد نوآوری نمی آورد در مورد مدرنیزاسیون امپریالیستی ، که همیشه در ابتدا به این سیستم مرتبط است.

## دوم. مناسب و موجود در آگاهی سنتی روسی

اظهار مخالف مناسب و او را پایگاهی برای آگاهی سنتی روسی است که در آن "سازمان antinomic از جهان و به عنوان یک تضاد بین مواد و ایده آل ، ماده و روح و روان ، انسان و تصور می شود که داده شده است." این تضاد نمی باشد همیشه به روشنی تأکید است ، اما آن را در سراسر فضای سنتی ساختار فرهنگی است. تجزیه و تحلیل این اظهار مخالف ، افشای آن را به سطح خودآگاه می تواند لایه های عمیقی از آگاهی های سنتی درک ، به درک طبیعت ، از جمله دشمنی آلی خود را به ارزشهای لیبرال شد. بازتاب در مورد این اظهار مخالف نیز کمک می کند تا به درک دلایل رد ادامه اشکال لیبرال و مدرنیزاسیون. الگو باید / انسان برای آگاهی سنتی رسانه ها در فرم های طبیعی و بی



چون و چرا ، اهل سنت تفکر وجود داشته باشد بیشتر اساطیری نسبت به مفهومی ، در شرایط خاص از معانی واحد ، به جای یکی از دسته بندی مفهومی از جهانی ، یعنی تجربه این پدیده ، به جای تعبیر ذات آن است.

برای اهل سنت ، از جمله روسیه ، معمولاً از سوی خاص از تفکر فردی و جمعی ، با مسئولیت محدود ، یا حتی عدم امکان راه اندازی را با انتزاعی ، از جمله پول مشخص به عنوان یک رسانه برای سرمایه گذاری ، انواع اوراق بهادار ، معاملات سهام ، یعنی عملیات ، منفصل ، پریشان خیال از خاص ، فردی و منحصر به فرد عبارت از دنیای مادی. این واقعیت تا حد زیادی مانع از شکل لیبرال مدرن ، و نه تنها در حوزه زندگی اقتصادی است.

مشخصه روسیه به رد انتزاع ذهنی ارگانیک است منحصر به فرد نیست. در جامعه سنتی اروپا ، در برابر مردم و مسائل برنامه ریزی ، استفاده از انتزاعی ریاضی به اقتصاد و جامعه است. در حوزه‌ی متعالی ایده های مشترک از چیزهایی هستند کاملاً تکمیل نمونه الهی انسان. اجداد این کاملاً انتزاعی بودند ، اما با تعریف بسیار نادر است ، منحصر به فرد. در فرهنگ و جامعه مدرنیته اعداد و نمادها ، تعدد ریاضی جایگزین materiality جهان سنتی ، که در آن چیزی و تولید آن به وضوح قابل مشاهده بود ، ملموس ، بتن می باشد.

انسان در مظاهر مختلف خود را ، به عنوان برخی از اهل بخش از منطقه ، یکی از اعضای کارگاه مهارت ، کالاهای مصرفی و خدمات نیز بیشتر فردی است ، اما نه چندان آسان که در دوره های بعدی ، بر حسب قانون اعداد بزرگ ، دستیابی به مشخصه های رسمی ، ارزش مقاله. زمان حال تغییر و تحول جدید زندگی می کند ، معانی ، ارزشها ، از بین بردن یکپارچگی وجود سنتی ، گرما از روابط انسانی ، افتراق است به طور فزاینده جایگزین وابسته به همتایی : "آن چه را که مورد استفاده قرار باشد به چشم ملموس و دست ، او به انتزاعی تبدیل شده است. بازارچه تبدیل شده است بورس اوراق بهادار ، باشگاه ، روزنامه ، رستوران ، میخانه ، سالن برای جلسات. بود که قبل از رنگ ، شکل ، صورت ، صدا -- شکل ، علامت ، حرف و سمبل شد. این پروسه بای پاس و روسیه نیست ، اما در هوشیاری ادامه یابد سنتی علاقه وافر به یک واحد معنایی خاص.

در میان Iturologistscu روسی سهم ویژه ای به جنبه های گوناگون توسعه از ارزش پژوهش از اظهار مخالف باید / که او را برای فضای سنتی روسی به این صورت معرفی و ساخته شده مکان بسته گرافیکی Yakovenko. به طور کلی ، به رسمیت شناختن آن به عنوان یک مفهوم ، ما در برخی از جنبه های مشکل تمرکز ، درمان آنها را در چهار چوب گفتمان ما است.

علت چیست؟ "ایده آل (باید) به عنوان درک قلمرو اولیه sinkrezisa مطلق است ، که بالاترین کمال باشد. در سطح آگاهی توده تصویر آرمانی و زندگی قبیله ای -- Belovodie یا کمونیسم است. در سطح پژوهش های کلامی -- وحدت conciliar از همه پرستانان در ابدیت ، است که در ذات است ، هیچ چیزی مانند انعکاس کلامی بر روی تصویر از ابدی و فنا ناپذیر uncreatedness و رارو Roda ، اجرا می شود که از گذشته به آینده و مجلل به اندازه جهان. بنابراین شدید محرومیت از تاریخ ، از مطالب هدف از تاریخچه -- قطعه قطعه ثابت sinkrezisa sociocultural. تاریخچه جنبش های پایدار به عنوان درک است دور ، دورتر از ایده آل. در این راستا آن است که فساد معامله است ، و تنها چشم انداز حمل eschatological با آن امیدواریم که از رستگاری.

این تعریف شامل مکان بسته گرافیکی Yakovenko نیاز به توضیح. اول ، توجه داشته باشید که ما از نقطه نظر ما ، باید نه به عنوان ایده آل همان ، اگر چه آن را به مفهوم شبیه است. ایده آل ، بدون توجه به درجه ای از انتزاع و عدم امکان ، برخی از خرس های عنصر عقلانیت ، همان می تواند در مورد هنجار گفت : باشد. در ایده آل می توان استدلال می کنند ، وی می تواند جایگزین ، یعنی نامزد کردن ایده آل به طور فزاینده شامل عناصر است که می تواند درک و ارزیابی به عنوان کم و بیش مستقل ، یعنی ایده آل ممکن است به روشهای تحلیلی بشود. که مناسب نمی باشد ، که بیشتر یکپارچه و

تقسیم ، در نزدیک شدن به این معنا به مفهوم باستانی در جدایی ناپذیری است که semanteme توابع ، ثبت و maghemite. با توجه به تضعیف رد ذاتی مدل حکومت از زندگی اجتماعی از افرادی که دارای آگاهی و کهنه postarhaicheskim ، که ، با این حال ، آیا Muscovy ذخیره کند و بعد از آن امپراطوری Rossiyskuyu از تکرار از .statism - تظاهرات ضد خودبخودی -

اجازه بدهید با ما در این چهار چوب فراخوان ، شورشهای دهقانی متعددی را که در احساسات غالب مردم از مدل gosudarstvennicheskoy نفی نظم اجتماعی منعکس شده بود : "دهقانان بود بسیار مایل به خلاص شدن از شر بردگی ، چگونگی خلاص شدن از شر حکومت ، که آیا این نماینده صاحب خانه ، پلیس و یا فرماندهان نظامی در صورتی که برای پیدا کردن کلمات ، آنها می گویند که آنها یک داستان نیاز نیست ، اما به اندازه کافی برای زندگی روستایی ، و آنها خواسته شود تا راه خود را ادامه دهید از زندگی برای همه هستی. زبان به عنوان یک میانجی کلیدی برای آگاهی سنتی ، به دلیل انجام بدین وسیله نوع تابع بدرمان روانی ، کمک به درک بیشتر ملایم از درون تضاد.

توجه داشته باشید که اجزاء رنگی در ادراک تن eschatological از جهان نه تنها در حال حاضر مذهبی یا شبه مذهبی ، بلکه در روسیه در آگاهی عمومی هستند. در فرآیند توسعه تاریخی ما رخ می دهد در راه خاص خود را کاملا منطقی تعدادی از حس ، که شامل یک آرمانشهر دهقانی ، Belovodie ، کریم روسیه ، کمونیسم و تصاویر دیگر از عصر طلایی. سام عصر طلایی به عنوان diskursovsobut klid مناسب. Utopias هستند حس جامع آخرتشناسی چند داده نشده است ، ما فقط چند نقطه عطفی مدینه فاضله از یک عدد از توهمات eschatological روسیه. مورخ از کلیسای روسی Áv Kartashov ، که در یک زمان وزیر دولت موقت از اقرار ، گفته است که "روشن و جداسازی پاکیزه از بت پرست قدیمی مؤمنان است مسبوق به سابقه کهن تنها در اسرائیل است. مردم روسیه شاهد در مسیحیت -- وحی از آمدن نجات دهنده در زمین و استقرار قدرت کلیسا را از دینداری به جای گناهکاری ، جهان چه بد ، یکی دیگر ، کاملا مقدس ".

و امروز ، در بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی ، در ذهن مردم باقی می ماند اظهار مخالف مهم است ، که بازتولید در مرحله جدیدی از الگوهای توسعه اجتماعی Manichean ذهن ، با جداسازی واضح و روشن از نور و تاریکی ، خوب و بد ، شخص بطرف خارج پاسخ به سوال "چه کسی مقصر است؟". یافتن پاسخ به این سوال که چرا من شخصا بدتر می کردم به عنوان یک نتیجه از خارج تحمیل اصلاحات ، تئوری های رایج از توطئه های بین المللی است. در هر صورت ، من به سرزنش نیست ، نه ما ، ما خوب است ، چیزهایی که به اشتباه ، دیگران را سرزنش ، دیگران از موهبت داشتن توانایی های عرفانی از زور ، در هولناک تباهی و قدرت آن است. نقش این نیروها در پویایی تاریخی و sociocultural می تواند دشمنان مردم اجرا ، CPSU ، "zhidomasonry ، بیگانگان ، آمریکایی ها و بعد از آن آقای Chubais و گولهای ، نمایندگان اقلیت های مختلف قومی ، اقتصادی ، اجتماعی مردم موفق که به طور کلی ، با این حال ، اما احساسات منفی را نفی و حسادت ، میل شود ، در مناسبت است ، تبدیل شده به عنوان ثروتمند و قدرتمند به عنوان هستند.

بسیار آسان ، دستور العمل برای حل مسائل واقعی اجتماعی و فرهنگی لازم برای نبود کردن دیگری ، یا فوق العاده ، داخلی یا خارجی "دشمن" است. پیروز شدن بر "دشمن" را وارد کنید و پادشاهی "خدا" ، جایی که هیچ مشکل و تناقض وجود دارد ، اما صلح و یکپارچگی کشور همساز از فرد وجود دارد.

ایده آل برای انبوه بیهوش است برای رسیدن به استاتیک ، "سترون" وضعیت جهان خارج از زمان تاریخی ، که در آن جهان رسیده است در پایان تاریخ ، توسعه ، به عنوان چنین. را نشان می دهد. جان Meyendorff : "یکی از ویژگی های فرهنگ روسی... این توانایی ، تمایل به زندگی و هر چند به طور همزمان در دو جهان ، یک نوع از دوتایی در رابطه با تاریخ ، نمایش Manichean که در این جهان است از بین رفتنی ، اما رگ و ریشه دل وجود دارد ، از کجا می آید نور می باشد که در آن حقیقت وجود دارد : آنها آزاد هستند ، به طور مستقل از تاریخی روند... مانویگری ، دویی در رابطه با

سابقه ارتودوکس رشد stratifying در ... ". جایگزین آخرشناسی historicist یکی از ویژگی های مشخصه از آگاهی های فرهنگی ، غرق در باید پارادایم شده است.

بدون تعجب ، فئودور را از طریق Dostoevsky قهرمان رمان Versilov نوجوان ابراز علاقه و اشتیاق میل به apocalyptic روز گذشته ، از تاریخ پایان : عصر طلایی -- رویای است اغلب غیر محتمل از همه ، آنچه بود ، اما برای مردم داد که زندگی خود را تمام و تمام خود را نیروهای ، که برای مردن و کشتن پیامبران ، که بدون آن افراد نمی خواهم که زندگی می کنند و می توانند حتی مرگ! ".

به عنوان بخشی از تصور اساطیری از جهان تصویری از عصر طلایی دستخوش تغییرات اساسی. اگر او را به اسطورهای اشاره کهنه گذشته ، بیش از زمان ، اجداد ، هوشیاری "از هنر نو را منع ایده رگرسیون neoposredovannom بازگشت به منبع اولیه افسانه ای. افق برای بیداری از فرم های گذشته افسانه ای تنها در آینده... ". عصر طلایی شروع به فکر کردن در مورد نه تنها برای غلبه بر چگونگی سقوط و دور از طبیعت ، بلکه به عنوان برداشتن از سابقه اجتماعی ، با تمام درگیری های آن ، تضاد و تناقض. درست تفاوت بین گذشته و آینده باید بهشت را در آغوش بهشت گم شده و پیدا شد : عصر طلایی کهنه در دیدار عصر طلایی از داستان آخر آن زمان ، در پایان دیدار شروع میشود : می آید بار messianic وجود دارد : "صلح در سند چشم انداز از پیامبران -- این یکی از جنبه های Messianic زمان ، هنگامی که مردم غلبه بر جدایی است که آن را جدا از نژاد انسان و طبیعت ، که واقعا قرار است در صلح خود با کسانی که از آنها جدا شده بود... نگاه پیامبران ، messianic زمان -- می شود این است که آن را در قالب هماهنگی و همسازی میان مردم درک ، بین زن و مرد ، بین انسان و طبیعت " .

رویای اجرای پادشاهی خدا در زمین ، دستیابی به سعادت کامل و ماندگار شده است نه تنها برتر است ، بلکه مخالف به نوسازی لیبرال ، خود را با عقلانیت ، سکولار ها ، مراحل و دموکراتیک ، به الگوی بسیار بهبود تدریجی در جهان مخالف است ، نوسازی فرآیندهای unfolding در ابعاد افقی از جهان ، به او که . فیلسوف مشهور روسی مذهبی بولگاکف ، شرح از اعضای دوما از مجلس دوم ، گفت : بسیار مهمی را در چهار چوب گفتمان ما را از شرایط محیط است : "من به وضوح دیدم که چگونه ، در واقع ، به دور از سیاست ، یعنی ، نثر روزمره تعمیرات و روغنکاری مکانیزم دولت ، این افراد را از هم جدا هستند. این روانشناسی از سیاستمداران ، از روی احتیاط و postepenovtsev واقعگرایی نه ، نه ، این تجلیل از مردم بی تاب در انتظار اجرای پادشاهی خدا در زمین ، جدید اورشلیم ، و ، علاوه بر این ، تقریبا به فردا نمی باشد. من نمی تواند کمک به یاد Anabaptists ، و بسیاری از دیگر فرقه های کمونیستی از قرون وسطی ، کتاب مکاشفات یوحنا و hiliasty ، در انتظار شروع جشن هزار ساله در اوایل پادشاهی مسیح و راه را برای او را با شمشیر ، یک قیام مردمی پاک ، تجربه کمونیستی ، جنگ دهقانان ، به یاد جان از Leyden و همراهان او را از پیامبران خود را در Münster " .

مدرنیزاسیون دقیقا توسط بهبود تدریجی و مداوم ، سودمندگر و عملگرا مشخصه. این ویژگی را اجتماعی محیط زیست فرهنگی مدرنیته ، آن است ، ابتکاری نو در تشکر از کمک به بخش بزرگی از زندگی پویایی اقتصادی است. موفقیت در کسب و کار ، نه تنها نیاز به ایجاد کالا و خدمات جدید ، بلکه به بازارهای جدید ، عوامل اقتصادی اجازه می دهد برای به دست آوردن بیشترین سود است ، به طور منظم تجدید ساختار اقتصاد وجود دارد ، سرمایه به سمت جایی که ممکن است برای رسیدن به بیشترین بازده ممکن است. مدت زمان ایجاد و استفاده از نوآوری بخشی حیاتی جامعه است. زنجیره ای معمول از "نوآوری - کلیشه" شده است تحت بزرگترین تغییرات در منطقه stereotyping ، که از دست می دهد "خوشفکری آن" و یقین به عنوان هنجار. برعکس ، در مورد مدرنیته اواخر ناهماهنگ از کلیشه ، از طول عمر نسبتا کم است. عدم تجانس ابراز خود در شرایطی که سبک یکنواخت ، یعنی در polistilistichnosti ، محل و کلیشه.

گسترش مرزهای رفتار کلیشه را تسهیل گسترش و نوآوری. با نوآوری های جدید اطلاعات سیستم ما می شود در دسترس (معروف) از مردم ، نه تنها در این کشور ، بلکه در مناطق مختلف جهان ، جایی که آن را ایجاد توانایی های لازم فنی مجموعه. مشاهده ما به سرعت در حال تکه تکه شدن فزاینده ای از فضای فرهنگی و گسترش مواد منفجره از نوآوری منجر به همزیستی و simulacra از چیزهایی که با مشکلات خود را دارا است ، در نظر گرفتن که با این حال ، خارج از محدوده ی گفتمان ماست.

فرآیندهای مدرنیسم را به افزایش تعداد و نوآوری که نه تنها کمک به این تغییر شکل از جهان موجود است ، بلکه در خدمت یک عملکرد مهم : آثار مکشوفه ، ابتکاری نو در معانی و اثرات ممکن است رابطه انسان با جهان در میان واقع شدن ، پر شدن فضای بیگانگی بین آنها را در یک روش اساسی. بنابراین ، چه موقعیت باید به تجلی معنویت ، از philistinism ، بورژوازی را مشاهده کنید باشد ، از نظر خود سازمان فرهنگ لیبرال بخشی از فرایند هماهنگسازی و ادغام جهان در فضای فرهنگی بشر است.

دوره این ویژگی که از مردی بزرگ اتحاد جماهیر شوروی ، و حتی در اکثر سرکوبگر ، ایدئولوژیک از تاریخ معاصر ما را به دنبال خود در سراسر اختصاصی مانع خاصی در برابر emanations فراگیر ایجاد درست. به عنوان مثال ما باید موضوع صادرات کالاهای فرهنگی از آلمان به اتحاد جماهیر شوروی سابق از قلمرو بحث در پایان جنگ جهانی دوم است. برای مردم اتحاد جماهیر شوروی سابق ، فرم این فرایند خود به خودی بود از آشنایی با فرهنگ اروپایی ، شکستن پرده آهن ، aestheticization از زندگی روزمره. خارج از تصویر آورده ، مجموعه های ناهار خوری ، مبلمان ، خانمان ها ، کتاب پر از خالی (سادگی) زندگی پرولتاریا ، حداقل تا حدی کافی برای برآورده ولع مصرف برای "بورژوا" های کوچک" رفاه ، پر کردن خلاء اموال ، جهان هدف ، تر میکند بادوام ، سخت ، "بورژوا" ی.

تمایل شهروندان شوروی را به تثبیت در جهان است که او را لال ، جلوگیری کردند ، حتی در سطح حداقل حفظ و بازتولید زندگی خود را در فرم های زیستی و اجتماعی و فرهنگی است. در emanations خالص از اشکال مناسب می تواند فقط برای یک مدت زمان محدود زندگی می کنند ، شما می توانید سال جنگ کمونیسم ، مدنی و میهنی بزرگ جنگ ، به برخی از حد به یاد داشته باشید ، لنینیسم و دوره استالین تاریخی ما را به طور کلی ، اما بدون امتیازات به جهان او که نمی تواند در هر وجود دراز مدت و جهان مناسب است. در مجموع ، می توان استدلال کرد که صلح باید انگل در جهان است که او را تسخیر انرژی برای تولید مثل بیولوژیکی و sociocultural از زندگی انسان به طور کلی مورد نیاز است.

باید ساخت / می شود از طریق subdiskursy خصوصی از مهم ترین آنها را در میان است تجلی قدرت خدا ، نظم ، حقیقت ، که "untranslatable" حقیقت "است که به طور همزمان به معنای" حقیقت "و" اخلاقی و قانون طبیعی "می باشد. این به نوبه خود subdiskursy شکسته تا حتی بیش از خصوصی ، پر سر و صدا neontologichnyu ، اما لازم برای وجود ماده مناسب است.

مکان بسته گرافیکی Yakovenko گفت که آگاهی "، که در آن ایده باید زنده ، از بخش تفکیک ناپذیر از جهان است در دو سطح. normativity سطح sacral ، و یا مورد نیاز ، به عنوان تنها صادق است ، واقعیت های آسمانی و انسان بد اخلاق ، به عنوان درک نادرست ، پر نشده باشد ، به یک معنا ، تجربی. در داخل این تصویر از جهان را باید به عنوان ابدی ، خداوند درک می شود ، داده ماهیت وجود است که موجود در گذشته مقدس بوده و خواهند بود در آینده eschatological. باید طبیعت را مقدس و هستی شناختی و درک می شود که به محض زوال ، کاهش می یابد و باید نسخه ناقص. موقعیت جغرافیایی در جهان است که بی حرمتی کردن و عاری از هستی شناسی بوده و دارای ماهیت خاص خود ، و در نتیجه ، قوانین خاص خود را ، که در آن مجموعه درخواست ها ، تمایل دارد تا در حداکثر امکان داده samovoploscheniy شرایط تاریخی است.

به عنوان مثال در نظر بگیرید این پدیده به شورشها، که اعضای آن ها در اقدامات خود را با آرزوی هدایت بودند به خالص بودن و بازیابی مناسب استفاده کنید. از آنجا که در اواخر 50 -- 60 ies اوایل قرن XX در موجی از نا آرامی های اتحاد جماهیر شوروی، دعوا عظیم، گروه اذیت شدن، نشان دهنده روند رو به رشد را از کافی. در واقع، وضعیت مشابهی در روسیه رخ داده است و پس از الغای بردگی، ناشی از سقوط، دگرگونی اجتماعی معمول - اشکال فرهنگی، کاهش کلی فرهنگ سرکوبگرانه و جامعه است. مقاله در سال 1905، سنجش از هرج و مرج رو به رشد در زندگی sociocultural، احساس پشت Merezhkovsky، آینده آینده حمات، A. سفید نوشت: "نوع جدید است، گنجانده است که هرج و مرج، افزایش یافته است از اعماق -- نوع گوشت وجود دارد. Menacingly رشد شبح حمله مغولان.

نیم قرن پس از اقدامات گسترده ولگرد آیا چنین foreboding وحشتناک ایجاد نمی کنند، آنها در خود را به عنوان عناصر طبیعی عنوان شده است، کمی آگاهانه اعتراض به شرایط زندگی ماده خارجی، وجود دارد، و واکنش به فرایند تمایز اموال، نابرابری درآمد، امکان مقایسه بسیار بودند و وضعیت مالی به دیگران! کاربران اعمال عظیم را مجبور به توجیه اقدامات خود را به عنوان شکلی از "حمایت از آرمان های کمونیستی، به عنوان تلاش برای بازگشت به قدرت اتحاد جماهیر شوروی به شکل اولیه خود را از اتحاد جماهیر شوروی خیال پرستی. باید پذیرفت که کاهش در خوش گذرانی بود در احساس، شکست ایدئولوژی بلشویکی، نشانه ای از دست دادن نفوذ در جامعه اصلی آرمانگرایی ایده آل است: مردم کمتر و کمتر قادر به بیرون رفتن از جانب خود هستند."

با شروع سال 1970 شدت شورشها بوده است، بطور قابل توجهی کاهش یافته است که نشان دهنده غیر مستقیم از دست دادن دهقانان و کارگران، با هجوم روز گذشته از دهقانان، از اعتقاد به این که برابری را درک آرمان های عدالت اجتماعی توسط قدرت دولتی جدا عالی، درک این واقعیت است که دولت از وزارت رفتگان مناسب است. گریزنده از مرکز حقیقت، اخیرا مداوم zealots مناسب، تصاویر آنقدر با عشق شرح inVM Shuksh، به تدریج به شهرستان (توده) فرهنگ، بیشتر و بیشتر متصل شده به روشنی جدا کردن حوزه عمومی، اجتماعی و خصوصی، محلی است. زندگی در منطقه اول شامل شرکت در حزب، Komsomol، تجارت جلسات صنفی، subbotniks، اشکال دیگر از آثار عمومی، از اعدام یک نقش خاص اجتماعی، تعمیر و نگهداری از قواعد مرسوم بازی ها.

در زمینه فضای خصوصی، شما می توانید استراحت، نوشیدن ودکا و فلسفی در آشپزخانه، به محکوم کردن مقامات، disbosom. از شورش های عمومی به حوزهی خصوصی زندگی، در عین حفظ illogicality آن، روشن (دودویی حذف شد) در بخش خود و دیگران، سیاه و سفید، خوب و بد. به یک قطب روشن و خوب است، unifying آنها کار همکارانش، مردان، یعنی به عنوان یک قانون، افرادی که شخصا شناختن یکدیگر. به خلاف، قطب های تیره و تاریک جهان هستند جهان "پس پرده" (به یاد داشته باشید تئوری توطئه متعدد و سیستم ماشینی مخفی علیه روسیه / شوروی سابق در سال عمومی و مردم روسیه در خاص)، امپریالیست، "مالک bespectacled خصوصی، منطقه ای و بعد از آن و یا مقامات مسکو، یعنی مختلف، عجیب، دور از فهم، به دلیل این که ممکن است و نیروهای شر مجسم. در حوزهی خصوصی ناخودآگاه جمعی توسط همان مجموعه ای از یاد عبارت بیان شده است: "ما در اینجا کار سخت است، اما آنها در آنجا با چرب برو دیوانه"، "من مبارزه کرد"، و بدون توجه به مشارکت واقعی در هر اقدام نظامی. این خدمات عبارتند از اسکلت و عناصر ارتباطات غیر شفاهی: پیراهن پاره شده خود را در قفسه سینه، pounding مشت خود را بر روی میز، ظروف حلقه، یک مرد می پرسد برای صلح، دیگر فرد: من موجودی کاملا قابل توجهی به دیگران، برای صلح، گفت: "من مانند لرزش یا راست، زیر سوال، وابسته به مراسم مذهبی بیان عبارت: "آیا من به شما احترام بگذارند؟".

برگشتن دوباره به این مهم در نظر گرفتن تا در چهار چوب از اظهار مخالف گفتمان ما باید می شود. این تعریف دستگاه مختصات از با ارزش ها و مفاهیم است که در ایدئولوژی سنت گرایی در سراسر جهان تلقی شده است. ساختارهای

واقعیت در مفاهیم و مدل های ساخته شده است ، باید / می شود. آیتم هایی که به مانند یک مدل ، درک نیست ، ثابت نیست معنای سنتی ، متناسب نیست که در یک رده از حوادث قرار داده است. بنابراین ما آن را در گذشته نه چندان دور اتحاد شوروی شد. از آن ما است ، در اینجا در پست سازمانی ، یک مزرعه و یک منطقه جدا چنین افراط و outrages ، اما دلیلی برای تعمیم افترا آمیز در سایر نقاط کشور پهناور آن وارد شده صحیح نیست ، در خیلی بیشتری سازگار با مناسب استفاده کنید. به منظور اطمینان حاصل شود که درست از راه دور ، دروغ گفتن در خارج از حوزه تجربه روزمره شخصی جهان ، شهروندان شوروی لازم نیست که هر کجا بروید ، کافی بود ، برای خواندن موضوع بعدی از پروادا ، گوش دادن به سخنران مدعو در جامعه "دانش" ، و به خصوص به دوره گوش دانشگاه مارکسیسم لنینیسم.

برای توده انسان شوروی سابق ، که زندگی در فضای اجتماعی و سنت های فرهنگی ، واقعیت ، رفتن فراتر مناسب / او است ، به رسمیت شناختن است به کوتاهی ممکن است. تبعیض نژادی دائم (جدایی خالص از ناخالص) در چهار چوب از واقعیت های تاریخی عبارتند از : حقایق است که جا را به یک سیستم توسط این اظهار مخالف باید مختصات داده شده / او را که متعارف ، حقایق را به انجام این طرح ، متناسب نیست ، نادیده گرفته و یا به عنوان درمان بی اهمیت ، ناچیز.

با توجه به این نسبت به تجربه تاریخی "تاریخ در راه sakralizuetsya خاص ، تبدیل تاریخ سوسیالیستی مقدس با اسطوره و افسانه ها ، نوع استقبال شعری از Scriptures". ساخته شده به گونه ای "مقدس سوسیالیستی تاریخ ، مانند هر دیگر در Muscovy ، روسیه / شوروی سابق ، و بعد از آن در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه دریافت می کند نه یک بار و برای همه داده ها ، فرم منجمد ، آن را در حرکت ثابت است ، موضوع را به تجدید نظر ، تجدید نظر ، موضوع را به وارونگی rethink نقش و جایگاه شخصیت های تاریخی و حوادث.

مظهر بینش از جهان را از طریق مهمترین منشور از مفهوم باید / می شود نگرش به تاریخ و ویژگی های حافظه تاریخی است. در آن علل ریشه بنابراین عجیب ، در نگاه اول ، یک پدیده است که شامل نه تنها unpredictability آینده روسیه است ، بلکه تاریخچه آن است. تاریخچه در آن ویژگی گسسته و حقیقی بود ، با قوانین ماندگار و منطق آن ممکن است به اندازه کافی خوب نیست ، و بنابراین می افتد خارج از تصویر سنتی از جهان است. بنابراین ، با توجه به مختصات ادراک از زمان به دهقانان در بعد از دوره اصلاحات ذاتی است ، روسیه ، بوریس مورخ Mironov اشاره کرد که "کشاورز درک حرکت زمان را در یک دایره ، ادواری و بر این اساس نمایندگی است که همه جهان خود را تکرار ، اما تغییر نیست. انحراف از طبیعی ، یعنی ، تکراری ، از چیزهایی فکر او چیزی خارق العاده ، کار ارواح بد ، ناشی از سیستم ماشینی از witches و بنابراین به طور موقت و زودگذر : "obotretsyia, Obomnetyia" -- که همه ساله به "

به علت ، که یکی از روش خود ، به نظر می رسد که هیچ چیزی برای منافع محدود می شود ، با درک منطقی از تغییر ناپذیری اجتماعی تاریخی - زمان فرهنگی ، ناسازگار است. برای زمان مناسب است و هیچ تغییر ناپذیری وجود دارد ، و کسی که از کشف معنای سنتی ، معتقد است که در هر لحظه شما می توانید زمان توقف و تاریخی را دوباره و دوباره شروع کن -- از صفر. و اگر هیچ محدودیتی تاریخی وجود دارد ، اگر نه کاملاً یک ارتباط سببی قوی -- پس چرا بازی نمی اطراف با الگوهای متفاوتی از سازمان های اجتماعی ، یا حداقل یک بار / فوق العاده فقط از توزیع مجدد اموال کنید؟

ارتباط تفاوت جهان هستی و هدف از پرسر و صدا emanations خود را به ناچار باید تضاد اجتماعی و فرهنگی ایجاد کند. این تعامل بین دو دنیای genealogically ترسیم insensitivity از فرهنگ سنتی به جهان عقلانی ، از اینرو تمایل انسان به ایدئولوژی روسیه (اساطیری) تفسیر از واقعیت است. با توجه nadrealno ، ایم واقعیت و آن را نه تنها با همبستگی حقیقی بودن ، با او به مکاتبه نیست و با کمک از تایید نشده : "آگاهی ، که در آن ایده باید زنده شود ، از تقسیم

جهان جدا نشدنی است را به دو سطح مقدس و یا هنجاری مناسب به عنوان واقعیت ، تنها نهاد و انسان بد اخلاق ، به عنوان درک نادرست ، بازار بزرگ معیوب.

اما این ظاهری بسیار قوی - voluntaristic پرحادثه هرج و مرج است هنوز هم وجود دارد برخی از قوانین حاکم بر روند اصلاح مستمر و اساطیری با subdiskursami کلید های مرتبط مناسب. بنابراین تکنیک های اساسی به شرح زیر است.

1. Ousting از حافظه ، تاریخ ، زندگی در واقعیت های کلی است که بیشتر یا کمتر انجام نمی شوند مناسب است. در سطح کاربردی ، این تا حد زیادی تسهیل عمل از رنگ سیاه شواهد در مورد آن حقایق از منابع نوشته شده است ، از تواریخ از لیست ها و پایان دادن به ما با اشتیاق مداوم کتابهای درسی برای بازنویسی تاریخ تفسیر با تجدید نظر ، و در زمان های محتوا معنا ، شخصیت های تاریخی ، تغییر در نشانه ای از برآوردهای دولتی و عمومی ارقام. به عنوان مثال در حال حاضر کلاسیک است و رنگ سیاه و پرتره اشاره به دشمنان مردم در کتابهای درسی شوروی و دائره المعارف ها از دوران استالین ، izyatie در کتابخانه های اتحاد جماهیر شوروی آثار تبعید و یا در غیر این صورت نویسندگان به بی اعتباری دولت کاهش یافته است. در طول دوره اتحاد جماهیر شوروی ، فقط "نمونه های داستان عوض شده است ، حداقل دو برابر : کلاس ها و تاریخ مبارزه ی طبقاتی توسط سابقه تولید و فن آوری جایگزین شده است ، و او ، به نوبه خود ، تاریخ بزرگ آن است." اما مکانیسم اصلی تبعیض نژادی از حقایق مربوط به خود را از انطباق / عدم تطابق باید از طبیعت و آثار داخلی در سطح ذهنیت ، که از یک نوع "سانسور درونی می شود".

2. تفسیر دو جنبه از واقعیت های زمانی که آنها به طور همزمان در دو نسخه مخالف درک. به عنوان مثال ، ollectivizationc شاهد ، در یک طرف ، به یاد و می تواند تمام وحشت خود را ارسال ، تا آن را در واقعیت بود. از سوی دیگر ، وی معتقد است که همه چیز اتفاق افتاده است که به شرح فرایند collectivization در رمان ، Sholokhov 'ویرجین خاک روبرقی مشابه است. چگونه به توضیح این تناقض ، چه آن را به عرصه علم آسیب شناسی روانی ، جدا از آگاهی مربوط؟ با زمینه های پزشکی ، این پدیده بی ربط است ، چون تحت منطق خاص از روابط باید / او را که تمام می شود توضیح داده و فهم. با استفاده از این برداشت از وقایع تاریخی overlapped تصویری از آنچه در واقع اتفاق افتاده است و آنچه باید تحت شده است از لحاظ ایدئولوژیک رنگی و اسطوره مشروع است.

3. ضبط انتخابی از خواص و ویژگی های واقعیت های تاریخی و بر اساس انطباق آنها باید از ، تبعیض نژادی ، یعنی خود را دفتر پاک (مناسب) از ناخالص (مربوط نیست). اما یک نیمه حقیقت بدترین نوع دروغ است که ، با توجه به کانت ، وحشتناک حل شده در آن یک دانه حقیقت ، که "باقی می ماند آن را نقض جدی وظیفه نسبت به خود شخص ، و تخلف غیر قابل توجیه است زیرا ما را لمس چهره انسان کرامت nips و ریشه های بسیار راه ما را از تفکر....

در نتیجه همیشه گنگ ضد تاریخی پخش ، خوی بچگانه آگاهی تاریخی روسیه است. در این چهار چوب ، داستان نشانی از تداوم این مفهوم را میرسانند نه ، از آمدن به قدرت حاکم جدیدی از حمل به طور بالقوه با آن فرصت ارتقاء داده شده و فضا و زندگی است. گذشته اخیر است ، عبور از او را به قدرت برخی از نتیجه گیری های عملی ، استفاده از آنها در فاز جدید می تواند جامعه از اشکالات جدید و تست نجات دهد. در همان زمان در برابر آزار و اذیت را ببینید حاکم سابق حامل ذهن سنتی بخشی فعال و حمایت است ، ما دوست مورد آزار و اذیت و منکوب شده : "رهبر ، که در صندلی خود را از دست داده ، به دست آورد همه قابل تصور و غیر قابل تصور از ویژگی های ایده آل (ما را از انسان می گویند. او می خواهم همراهی در بدبختی ، خوب بود و دقیقاً چون دیگر نمی توان بود. از بازگشت از زندان تحت AP عفو بین الملل آمده به محل سابق خود را از محل کار ، مرتب در دفتر رئیس هرزگی ، به حال مبارزه با ماموران پلیس ، آنها را فاشیست های تلفنی ، خزندگان ، خائن ، و در عین حال آنها را متهم کرد که "استالین مسموم شدند.

ورود حاکم جدید ، اما در دهه گذشته و منتخب مجلس قانونگذاری جدید ، اغلب توسط امیدوار گسترده غیر منطقی برای تغییر معجزه اسا همراه (تکمیلی) جهان یا حداقل برای بهبود وضعیت خود را بلافاصله بعد از خود مالی. از این همبستگی به انتظارات اغراق آمیز با گروههای اجتماعی هدف - واقعیت های فرهنگی و تا حد زیادی به آگاهی های سنتی غیر قابل دسترس.

ه عنوان یکی از قابل رویت ترین تصویر سازی این امر را میتوان ضعف و قلت احزاب سیاسی از قدرت در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه شود. وضعیت را ، تا بین دولت و جامعه abyss است ، اما ماهیت monologichno ارتباطات ، درک شده است نه تنها به عنوان چیزی طبیعی ، معمول ، بلکه به عنوان یک ادای احترام. روسیه در این رابطه به تنهایی نمی باشد. از راه دور بسیار بزرگ در رابطه بین انسان و مقامات وجود دارد در مکزیک و هند ، کشورهای دیگر ، قرار دارد که معمولا در خارج از اروپا است. فاصله حداقل در افراد وجود دارد و مقامات در آلمان و بریتانیا ، یعنی در کشورهای متعلق به تمدن مدرنیته لیبرال شد. پارامتر های دقیق مشخصی را برای فرهنگ های مختلف ، توجه انسان شناس هلندی Hofstede .G.

وضعیت در قدرت دیگر اختلاف میان روسیه و غرب اروپا به عنوان قرون وسطی ، قدرت عالی در اروپا محدود بود ، به وسیله قانون ، نقض جدی است که بازیگران قدرتمند می تواند vassals وادار کردن به خلاص شدن از شر او را به عنوان وسیله مشروع و نامشروع است. رفتن حکومت مطلقه بیش از ویژگی های خاصی را جایی ندارد یا به قدرت خود را تقویت ، و نه حفاظت از اندازه - سرزمین به عنوان یک بنده می تواند ارباب دیگری پیدا کنید خودتان بروید زیر شروع خود را با اموال خود را کنترل شده. در حالت افراطی ، رعیت می تواند در یک دوره به اندازه کافی طولانی مخفی شده و اگر لازم باشد ، و در دفاع از قلعه اجدادی. بدین ترتیب ، مشترک در بخش هایی از غرب اروپا ، و به حال برخی از ویژگی های معمول سیستم sociocultural حفظ ثبات داخلی ، محدود کردن تظاهرات مخرب ظلم و ستم قدرتمند.

اما وضعیت cosmological دولت روسیه به آن طول می کشد فراتر از اخلاق و قانون ، نهاد آن را بر آنان : "یکی از نور خورشید در آسمان ، و تزار روسی بر روی زمین. در تاریخ روسیه ما شاهد توسعه و توجه از جانب امپراتوری روم (بیزانتیوم) حکومت مطلقه ایده ها ، هنگامی که موضوع دولت ، در حالی که منبع اقدام از بالا به پایین سلسله مراتب روابط قدرت ، میشود موقعیت بسیار زیاد است.

این اندیشه به ذات الهی و قدرت سلطنتی می رود بازگشت به پادشاهی کهن. برای مثال ، در مصر باستان در دوران سلسله چهارم پادشاهی است که توسط پسر Ra خدا واصل دیده می شد : "شاه O ، در حالی که خوش ظاهر ، و فرزند پدر او بود ، هم پسر خدا دید." اسحاق Massa باور بودند که روسیه "در نظر خدای عالی خود را از شاه. خارجی نظر به طور کامل از هم جدا و Muscovites ، به ویژه با اشاره به اقتدار رهبران کلیسا و نویسندگان از اواخر سال پانزدهم -- در اوایل قرن شانزدهم ، جوزف Volokolamsk ، نوشت که "کینگ ، از طبیعت خود ، مثل هر انسان ، اما در موقعیت و قدرت خود را مانند خداوند متعال . قوی بالاتر از همه و همه ، مقامات روسیه ممکن است سیاست voluntaristic ، هنگامی که رفتار هر موضوع از قواعد اقدام دولت : "حق با خدا و برای تزار شد.

به عنوان مثال ، به عنوان می تواند در پس - سوسیالیسم واقعی در هیئت مدیره خود را برای انطباق با قانون اقدامات اتحاد جماهیر شوروی (تصمیم گیری) ، استالین ، خروشچف ، لئونید برژنف بررسی می شود؟ این سوال priori ماهیت کلامی است ، زیرا "سلطنتی در نظر گرفته نخواهد شد." اعلانی ، بی کفایتی از قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی ، در محدوده قانون اساسی استالین از سال 1936 ، در نظر گرفته شده است کاملا شکل گرفته به وضوح بخشی از جامعه شوروی ، یکی از الزامات مهم دیگری نیز در 60 - ies از قرن XX ، جنبش مخالف بود : رصد قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی.



این برد یک سوال مشروع را ، تا ممکن است به ترکیب ، برای رشد با هم در یک خط مشی قانونی در همان درمان بعد از دوره اتحاد جماهیر شوروی به هنجارهای حقوق قانونی ، به طور عمده skalkirovannym با سیستم های قانونی غرب اروپا و شمال امریکا ، و به لحاظ تاریخی ریشه دار سنت از ظلم و ستم مغرور؟ در داخل این پازل "ساختارهای قانونی" کاملا اجتناب ناپذیر است ، نه تنها vnutrennyayaya رقابت ، بلکه جنگ از مرگ ، از علاقه طبیعی برای دستیابی به بیشتری هم جنسی درونی. جهت ، بیشتر و فراگیر تر ، امروز را ، تا به عنوان قدیمی دنیا روسیه : "حقیقت این است که مال شما ، کمی انسان و صعود چیز در کیف!"

در حوزه اخلاق ، و همچنین در قانون ، میان شرق و غرب اروپا ، تفاوت قوی وجود دارد. اصول اخلاقی در غرب هستند regulatives mediatsionnym مستقل ، چرا که "تمام قوانین از اخلاقیات در چارچوب بنیادین توحیدی (فرم مسیحیت جهانشمول...." اصول اخلاقی از شرق قاره اروپا است در ادامه دریافت مایعات و نسبی.

از آنجا که قدرت است مظهر اول مناسب ، اندازه گیری آن را تعیین انطباق به او را در حوزه اخلاق. به عنوان بخشی از نظام اخلاقی و اخلاقی است که همه مربوط به مناسب ، به یاد زمان نه چندان دور ، زمانی که تصمیم گیری و اعمال قدرت انقلابی به تناسب تصمیم می گیرید که بعدا تشخیص مصلحت نظام "از لحظه ای". همان طور که در neartikulirovannyh ، اما به رسمیت شناخته شده کنوانسیون های قدرت روسیه است به هیچ وجه ارزش کمتری نسبت به الهی ، حوزه های مذهبی و در واقع نمی تواند یک منبع استاندارد های مطلق اخلاقی : "همه از قدرت مستقل از خدا بله". به راحتی و نه با اخلاق ، هنجارهای متفاوت با توجه به گفتارهای باید ، که در آن عنوان پول نقد از گفتمان دفاع و مقامات.

با توجه به گنجاندن آن در حوزه از همه چیز Aspiration و شرم ندارد و دور از قطبهای متضاد خوب و بد ، خود را به عنوان manifesting عطش "برای شخصیت بالاتر -- که هر دو خدای شیطان... و آن را در واقعیت این است که کهن جهان افرین بود. او در اصل ، او به تنهایی است ، فراتر از همه تناقضات ، او نشانی از نه روز و نه شب را نمی دانند ، و نه خوب و نه بد. او شده است -- هیچ چیز ، و او -- همه چیز. ما می توانیم آن را نمی دانند ، چرا که ما می دانیم چیزی تنها در تضاد... ". باید نگاه و ریشه های شجره نامه ها یکی از مهم ترین ویژگی های دولت روسیه -- موضع دوگانگی آن است.

در فرهنگ منطقه متوسط که در آن نشانی از توسعه نیست که بطور طبیعی ، و قطب cosmological از خوب و بد به هم نزدیک ، مقامات می تواند منطقه متوسط زندگی نمی کنند ، اتصال سیستم از درون. این کار ممکن است ترکیبی از دو قطب داشته باشد و هر دو ، مانند حلقه زدن به صورت فشرده از خارج از سیستم. برخی از آنالوگ یک دولت از امور مشابه در اوایل قرون وسطی ، زمانی که دیده می شود ، با توجه به نتیجه گیری از ژرژ Duby ، پادشاه فرانسه "به این بخش جداگانه ای از سه تلقی نمی بخشی طرح : برای او در نظم dwells ، یعنی از سه رقم را تشکیل می دهند که دادگاه جامعه" .

این قابلیت در بالا واقع شده است ، و نه در جامعه ، دارای دو جنبه مشخص و توانایی مقامات روسیه به هر دو منبع سود ، و شر. و از یک طرف ، برای هر دو اتحاد جماهیر شوروی و پیش از دوره اتحاد جماهیر شوروی از تاریخ ما ، ما را تجدید نظر مداوم را به مقامات به دنبال عدالت ، به عنوان مدعی موسسه ، به جای دادخواهی در مشخصه کلی یک جامعه ساخته شده بر روی yredistributivno (توزیع مجدد) از سوی دیگر -- ما را ببینید و همزمان "بیاعتمادی اساسی از مقامات را به عنوان منبع احتمالی" خوب است ". بنابراین ، همه کسانی که تلاش می کنند که "مردم را زندگی می کنند ، نمی تواند همچنان در رأس دولت بوده است. ایول ، در نتیجه قدرت ، به سرعت با آنها را رسیدگی کند.

بد مرتکب شده از سوی مقامات ، هستی شناختی نیست بد است ، کمیسیون خود را با بهره بالاتر است باید املا ، به عقلانی کردن نه تنها غیرممکن است ، اما عاصی ، و آن "خدا به آنها قدرت می دهد pohochet". آگاهی سنتی همواره

توجیه تفاوت مقامات مختلف شرایط تاریخی، نیاز به مبارزه با معضل جهانی از دشمنان مردم، یک پنجم ستون. بسیاری از اقدامات مجرمانه از مقامات مسئول بودن به عنوان "ناهنجاری، که برای هماهنگی بیشتر لازم است، به طوری که کسانی که این هماهنگی شنوند، نمی فهمند آنها را به عنوان dissonances بررسی می کند.

دولت neontologichny تفاوت، بد هستی شناختی خرس های جهان است که وجود دارد، نه sanitized طبیعت Properly عاصی از انسان. بر اساس این neosznovaemoy "و گناهکاری" را از ذهن رسانه های سنتی به رشد می کند مجموعه ای کاملاً ملموس از انفعال، عجز، بدون تعیین مقامات، این مرد نه تنها آسان بوده است، اما نیاز به مدیریت و سرپرستی مقامات: "من دوست دارم رئیس پلیس، که در جریان یک آتش سوزی و خودم را به پشت گردن رفت، بنابراین من با دست های چین دار ماند. بدون خشونت را نمی توان"، -- گفت: کنستانتین Leontiev. و در مورد اصلاحات لیبرال در حکومت الکساندر دوم: «آیا نمی reshimsya پدر بزرگ (امپراتور) بخواهید ما، او برای ادامه تهدید ما؟».

موضع دوگانه علامت در رحمت بندگان تصویری از موضوع دولت، به عنوان تلفیقی از دو به دو وابسته به همتایی اصول متناقض به شرط Adequacy باید است. بدین ترتیب، که در این عکس اساطیری از لنین تاکید برتر از انسان، برتر به نبوغ اندازه گیری های زمینی و در عین حال -- سادگی، انسانیت و قابلیت دسترسی در ایبن عشاء ربانی. مشابه، هر چند کمی راه متفاوت بود، با استالین. او همچنین در هر دو ماندگار و متعالی بود، با ترکیبی از زخم زبان با سادگی بیان اولیه رمز و راز گره خورده است: "چه کسی whistles، که myauchit که whimpers، / او به تنهایی babachit و pokes. در ترکیب با ویژگی های دیگری از تصویر و سبک رفتار بیان ویژگی ایجاد رایحه از رمز و راز، حضور نامرئی و از شخص غیر قابل توصیف به معنای مخفی مقدس است که فقط کمی برای نیم باز باز نمودهای پوسته نامناسب لفظی. این حسی عملیات تولید Properly انتظارات عمومی می دهد مزیت قاطع contender بعدی در مبارزه برای قدرت.

جلوه های قدرت و بی کفایتی از اراده گرایی است تا حد زیادی به انزوا از موضوع قدرت از زندگی واقعی به علت، اما این مقامات incongruities در افراد invertatsii درک شده به عنوان مظهر عقل و دانش و عظمت او. گفت: خب در مورد درک از سنتگرایان از اقدامات دولت های مختلف "خواننده" از محافظه کاری خاص و Leontiev روسیه: "در قانون اساسی امپراتوری ما، اساساً برای روح ملت ما را قانونی و به خوبی همه چیز را که emanates از اقتدار دید. اسارت این قانون را به طور قانونی بود و آن را جدایی خوبی از افراد در کلاس (یا "حالت") بود، همه خوب در زمان خود بود -- و قدیمی، دادگاه ها بسته است، و تنبیه بدنی. از نظر قانونی و هم ناپدید کردن این همه، پس نه بر مزیت های زیاد است، اما به خاطر قدرت عالی را خوشحال بود... ما فکر می کنیم و بنابراین به باور این روسی، که نمی داند چگونه به آنها فکر کند، حتی اگر او صادق ترین و مفیدترین به ذهن در امور خود را از مردم...". اما همه داستان باید برای این تسهیلات را پرداخت، و قوانین هستند که "را به عنوان شفت، و برای پرتاب در اقتصاد، سیاست، و برای آن سیری مکیف قدرت ممکن است عدم وجود محدودیت های جدی داخلی، کنترل و توازن، نه تنها به قدرت های امپریالیستی ولی این مفهوم را میرسانند و این کشور به عنوان یک کل بود به پرداخت یک فاجعه تمدن از 1917.

تابع Mediativnaya دولت subdiskursom ضروری است به علت، permeating جهان است، واقعیت زندگی روزانه ما. این subdiskurs با توجه به شرایط روسیه monologichen در منطق درونی آن را از صفحه اصلی ایجاد سلسله مراتب قدرت (عمودی) در تمام حوزه های جامعه شده است، زیرا از طریق این emanations است باید به گوشه ها بیشتر از راه دور از زمین نشت کردن، روزمره جهان در حال هایلاپت.

توابع Mediativnaya دولت در جهان از او که بتن را از طریق نهادهای اجتماعی تجلی است ، نگرش ها و سنت. به دنبال یکی از نهادهای کلیدی در اینجا hierarchically مقامات نهاد سازمان یافته است که به طور منظم است و تجربی ، تأیید می‌باشد. بنابراین ، محقق T. Zaslavskaya می دهد شخصیت های زیر را در تعدادی از بوروکرات ها در اتحاد جماهیر شوروی و در سال بعد از اتحاد جماهیر شوروی روسیه : "با توجه به اطلاعات زیر را در سال 1999 در سمپوزیوم استناد" روسیه کجا؟ "در اتحاد جماهیر شوروی قبل از 700perestroika هزار بندگان مدنی فعال بوده است ، اما در حال حاضر روسیه -- 1200 خود را thousand. در سه و نیم برابر بیشتر در هر میلیون جمعیت مدیریت !"

چرا روسیه ، کشوری است بزرگ ، چرا بوروکراسی است تا در اندازه بزرگ و نقش چنین نقش مهمی را در جامعه؟ کنترل های خارجی برای جبران کمبود های داخلی فرم های فرهنگی ، حقوقی ، اقتصادی ، کنترل سیاسی و مشارکت در پروژه های فردی زندگی خود ، و در امور جامعه است. تولید ، بلکه برای پخش و توزیع مجدد ، تا تصمیم بگیرند که سؤال که ممکن است در صورت فردی ، در نحوه مذاکرات شخصی ، دست کم ، به موجب قانون به صراحت درمان نشود. اما نه خودکامی مهم است ، شماری از مقامات است توسط تمام همان شماره از توابع است که توسط دولت تحمل کرده مشخص شده ، میل ذاتی خود را برای کلیت.

وقتی که گرا های لیبرال جامعه روسیه در اوایل 90 - ies از قرن XX ، صحبت از نیاز به حداقل رساندن نقش دولت ، برای کاهش نقش خود را به فرمول "دولت -- نگرهان شب" ، به معنای آن را فقط در یک چیز -- t'Don مانع ما نیست برای زندگی ، کار ، خودمان را به نحوی مراقبت از خودم. سازمان ماندنی از جهان زنده را از شما نمی تواند صبر کنید ، به طوری که حداقل تداخل را ندارد. شما می توانید تنها در یک مفید باشد -- در انجام وظایف پلیس ، یعنی برای ساختن دولت oRossiyskog توسط قیاس با غرب ، که "... به دلیل رونق است یک مرد با یک تفنگ وجود دارد نگرهانی بیش از منافع و حقوق به دلار ایستاد ، پوند استرلینگ ، نشان" . اما جامعه از قدرت حتی در چنین نیست حداقل دریافت کرده اید ، به نظر می رسد که دولت می تواند سفارش ابتدایی در خیابان ها ، پشتیبانی تنها کنترل جامعه ، رسانه ها ، محیط کسب و کار به عنوان یک کل.

این تبدیل کرد که در روسیه به منظور محدود کردن جرم و جنایت خیابانی ، باید یک رژیم استبدادی ، حداقل نصب و حذف بیش از سقف سازه های کسب و کار بذله گو ، لازم است به ملی کسب و کار خود (و یا حداقل بزرگ) و ایجاد توتالیتر / حالت kvazitotalitarny. بارک الله ، آقایان! پس بعبارتی میتوان گفت که حکومت در روسیه می تواند بزرگ و جامع (برادر بزرگ شما در حال مشاهده) ، یا نه ، است که قادر به کنار آمدن با مقدار های کوچک را خودسرانه از سمت چپ در توابع است. این معضل وحشتناک مواجه توسط جامعه و احتمالاً قبل از اینکه بخشی از روشنفکری ترین نهاد جمعی از قدرت.

در حال حاضر نظر توضیحات مختصر مربوط به بی خردی ، درست کردن طلسم از قدرت روسیه. خردگرایی است ، نه ، عضویت افقی ، جهان خاکی ، این است. و از استدلال خردگرا در مورد قدرت ، ماهیت آن و اعمال اهل سنت نگه می دارد نه تنها ترس ، بلکه منع بیشتر عمیق تر و معنی دار فرهنگی ، به عنوان انطباق با اصول عقلانی منجر به تخریب غیر منطقی از مقامات مسئول. مقامات در مناسب نیست باید درک است ، اما تجربه ، توسط قیاس با مکانیسم عملکرد آگاهی دینی است که منطقی نیست و به طور مستقیم تجربه اتحاد با عمل افضل از تجربه دینی.

بسیار در قدرت و ویژگی های طبیعت rosiyskoy ساختمان دولتی به دلیل آونگ ، ماهیت وارونگی از فرآیندهای پویا در تاریخ و sotsiokulture. توجه داشته باشید که دامنه خاصی در فرآیندهای پویایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ، ماندگار شده است به طور کلی ، می شود ، نشان داده شده از جمله ، در بیشتر کشورهای توسعه یافته از نو ، این سوال از وسعت counterrotating ، وجود یا عدم وجود معانی مشترک ، موضع دوگانهی افراطی برخی از سمت ها ، معنایی

فضای عمومی است برای گفتگو. برای کشورهای مدرنیته کلاسیک غربی، این نوساناتی هستند یعنی از مجموعه ای از نوآوری، گنجاندن برخی از آنها را در فضای متعارف اجتماعی و سنت های فرهنگی. مرحله بعدی توسعه باقی مانده نسبتاً بالا درجه از تداوم و با یک برنامه قبلی، تصحیح تحولات خصوصی هستند و آثار مکشوفه.

در روسیه همه چیز متفاوت است. در چارچوب اجتماعی روسیه - سیستم های فرهنگی خود را وحشتناک نمی نوسان است، اما در محدوده ی دامنه آن، در شرایطی که حداقل ارتباط لازم را بین قطبهای A. یادداشت Bezanson که "برای زمین روسیه، حداقل از IsdmityFa تغییر ناپذیر و موفق به طور منظم هر دو تن دیگر از عناصر. با یک شامل دولت از آزادی نسبی، هنگامی که جامعه با استفاده از پتانسیل ابتکار عمل خصوصی است و تلاش های شهروندان enterprising آن ثروت انباشته، مهارت، دانش و سایر منابع ارزشمند است. یکی دیگر از ابتدا مخالف سر سخت اول است. این فرم به تظاهرات خود -- دولت با تمایلات توتالیتر، مشخص شده. تغییر epochs انجام شده بیشتر یا کمتر، به طور برجسته، اما آن را اجتناب ناپذیر است. در فاز دوم پیروزی بوروکراسی ارزشها هستند. تجربه در مرحله قبل از منبع بودن priatedexpro، ملی، ogosudarstvlyaetsya.

در پایان دوره خروجی تاریخی پتانسیل قابل توجه برای بی ثباتی بین انباشته عمیق و صعودی را از طریق آن به علت قوم حقیقت وابسته به همتایی.

جالب توجه حرکت آونگ در منطقه حس رایج است. در اینجا وسایل مرز خود را از نزدیک قطب مخالف دودویی او می آید... اینجا نزدیک به خروج از منطقه حس مشترک، جامعه است درک این واقعیت است که نخبگان است رفتن به دیگری مرتکب اشتباه تاریخی برای برخی از زمان، برخی از اپوزیسیون جدید، که به نابودی است و یا مهاجرت به قطعه بعدی از حرکت آونگ. درب ورودی از منطقه از عقل سلیم و یا نوسانات باز به تدریج خودش را آشکار، و ما شد سوزان گرما یا سرما آرمانشهر بعدی...

مدرنیزاسیون، به خصوص در شکل لیبرال آن، نشانی از دیدار با مناسب نیست، زیرا فرض بر این نفس کامل - تحقق شخصیت در سطح افقی وجود ندارد. موفقیت فرایند مدرنیزاسیون و نه به وضوح با سرعت به طور متوسط در هر سطح درآمد سرانه در ارتباط است که می تواند ترویج و یا بلوک از خود فرد، تحقق در اینجا و در حال حاضر، در سطح افقی وجود ندارد. ایجاد فرصت های معنی دار برای انبوه zhizneosuschestvleniya مواد در چیزها، و به تکمیل نوسازی علامت گذاری می پرطرفدار ناخود آگاه جمعی "پایان تاریخ" است، اما طنز خود را در فرم های سکولار به جای مذهبی است. مبارزه با فقر در چهار چوب تشکیل لایه ای عظیم از کالاهای مصرفی موفق، خدمات، محصولات فرهنگی، مهم است.

بنابراین، مصرف کنندگان موفقیت هرچه بیشتر در روسیه، کمتر حیاتی باقی خواهد ماند، فضای معنایی و نه تنها برای مردم زیرزمینی، ارتفاع کوه و اعماق روح، بلکه همچنین برای سرمایه داری پیش از انسان به طور کلی. Zhizneosuschestvleniyu در هواپیما از مواد مکمل بودن را به تصویری از جهان، کاهش به سوپر مارکت، تا به جایی که خیلی رسمی (پولی) معادل آن، به شکل مکمل مرد در اواخر ویژگی های زندگی مدرن فضای باز.

برخی جایگزین شده است وجود دارد، implying انتخاب شخصی در میان تحقق سطح افقی از وجود و تعالی از پتانسیل های unrealized، بین احتمال زمین، نفس افقی - تحقق و اهمیت شخصی برای آگاهی جمعی دیگر، سناریوها زندگی escapist. انسان خود از تودهها در سطح افقی وجود جایگزین دیگر، از جمله محور عمودی را مخالف اصول اجتماعی و استراتژی های زندگی، منطقه مرزی. اگر نه، گزینه های جبرانی zhiznestroitelstva به پیش به عنوان یک نوع درک نفس را در منطقه معاون زندگی مادی دنیوی آمد.

پایاده سازی پروژه zhizneustroitel'nogo افقی که در واقع ، نیاز به مدرنیزه منجر به سفارش ، اجتماعی kosmologizatsii روسیه و فرهنگی فضا. فرایند مدرنیزاسیون از شخصیت های درگیر ، داشتن انضباط نفس ، تمایل به اطاعت از فرهنگ متوسط ، توانایی برای کنترل فعالیت های حیاتی آنها ، مقایسه آنها را با مفاهیم متعارف از هنجار و پاتولوژی ، برای انجام پروژه های برنامه ریزی شده است حیاتی. چنین کسی می تواند بدون عمل کردن "ایستادن در پشت رئیس پلیس. زندگی بشر در جامعه مدرنیته در اواخر به نظر می رسد به عنوان chreda اقدام dostizhitel'nyh طرحی برای اجرا ، ایجاد ، انجام می دهند ، حتی اگر اغلب فقط در صورت مصرف انبوه.

در صورت عدم وجود فرصت های حقیقی خود تحقق در جهان می شود ، یعنی هواییما از مواد وجود ، unrealized قدرت شخصیت در این زمینه باید در محدوده ی ناسیونالیسم جبرانی ، تعالیم messianic ، بنیادگرایی مذهبی ، سکولار و مذهبی و ایدئولوژیهای ارسال خواهد شد. اولویت عمودی ابعاد زندگی و تمام مشتقات embodying اندازه گیری این عناصر ، از جمله در رابطه با داخلی religio سنت های فلسفی ، بیشتر به وضوح در بیان ایده های پیچیده signified تحت عنوان "ایده روسی".

در سال بعد از اتحاد جماهیر شوروی روسیه ، این مجموعه ای از ایده تا نمادین ، معانی نمادین ، نگرش نسبت به آن تقسیم جامعه را به هواداران و مخالفان از داشتن جزء پروژه های مهم در حالت عمودی. در عین حال با ابعاد عمودی از ساختارهای ایدئولوژیک هستند به اندازه کافی در فرآیند resocialization از توده مردم در مناطق مرزی زندگی موثر است. پروژه های قطعی سطح zhiznneouschestvleniya شخصی از منابع مواد اولیه از جامعه حکومت ، موثر ترین در برابر توده ها در انسان است. این قانون دارای استثنائات ، و برخی از خصوصی ، یک فرد ممکن است کاملا در هر دو بعد افقی و عمودی فعال می شود.

با توجه به Gellner E. ، "جامعه مدنی می تواند به دوچرخه گرفتار شده باشند : این قفل از دست می دهد وقتی که با سرعت زمانی که اقتصاد ضعیف دیگر نمی تواند اطمینان از بهبود مستمر رفاه اکثریت اعضای آن است. بسیاری از آن آماده است تا به رها کردن اصول بزرگ ، قربانی به خاطر توهم بودن بسیار واقعی آزادی است. " مدرن بعد از موج اتحاد جماهیر شوروی به ارمغان آورد و پیروزی وجود ، محل ، بردار مسلط توسعه اجتماعی و فرهنگی را از خاص به طور کلی ، polistilistichnosti و نسبیت ارزش تعیین می شود. چه استفاده های عمومی می شود ، در حالی که باید در این زمینه ، حوزه منافع دولت ، آن را تبدیل خصوصی. گسترش فوق العاده ای است و وجود دارد خصوصی ، در حالی که باریک شدن گستره ، در معرض کنترل عمومی است.

در تاریخ آمده ، انسان است باید مجانی باشد -- آن است برای همین گرسنگی مناسب ، گرسنگی برای مفتش عقاید بزرگ ، که می گوید : من می دانم چگونه. "این فقط روسی است. نه زیاد "ایده" چگونه فیزیولوژی -- احساس آزادی چیزی به عنوان بی دین ، -- برده داری ، به عنوان پذیرش... در آزادی -- sinners در اسارت -- پرستاران. بردگان پرستاران. مقدس روسیه -- زمین مقدس از بردگان. تبادل آزادی ، استقلال ، محل -- برای اقتدارگرایی و catholicity ، نسبتا صحبت کردن ، جشنواره آجو در مراسم رژه نظامی و در صفوف منظم وابسته به نور مشعل ، دادن حس کهنه از وحدت : من تنها نیست ، بسیاری از ما ، ما مردم است. در چهار چوب تاریخی کلی و مدرنیزاسیون در روسیه است که به دقت با فرایند به چالش کشیدن ارتباط مناسب و تصویب از موقعیت هستی شناختی می شود.

**سوم. فئودالی / امپراطوری به عنوان شکلی از خود اجتماعی سازمان از روسیه ، سیستم**

## فرهنگی و تمدن

سیستم فرهنگی و تمدن تا به آستانه بحرانی برخی از تغییرات داخلی در خروجی را برای آن ceases به خودش باشد، از دست داده است زمانی که هویت داخلی، خود را هویت. فرآیند تولید مثل خود از عناصر مهم در نظام فرهنگی و تمدن رخ می دهد در درون اجتماعی خاص فرهنگی و سنت، است که "نه زیاد مخالف تغییر، چگونه بسیاری از اشکال چهار چوب از ویژگی های زمانی و مکانی است که در رابطه با تغییر شکل معنی دار می شود." با این وجود، کاملاً نظر گسترده، که بر طبق آن اجتماعی و سیستمیک برگزار - فرم فرهنگی به همان اندازه نیز می تواند در جهات مختلف توسعه یافته، است که اجتماعی روسیه - سیستم فرهنگی می تواند خود سرانه در سوئد، مدل های چینی، کره ای و دیگر modeled باشد، صرف نظر از پایه های فرهنگی خود و خصوصیات تمدن. voluntarist در این رویکرد به دلایل خود را در ترکیب غریب و عجیب از ایدئولوژی ترقی خواه در مارکسیست لنینیست نسخه استوار است هیچ محدودیت خواهد انسان را قبول نمی کند، و سحر و جادو، ارتودوکس - کافر ایمان و اعتقاد به معجزه، از unsteadiness و حس عدم اطمینان از علت اثر روابط و مناسبات

Fe rmand Braudel در کتاب خود "جهان مدیترانه و دریای مدیترانه، در دوران فیلیپ دوم" اشاره است که تمدن "است اساساً تحت درمان با فضا، سازماندهی شده توسط مردم و سابقه. به همین دلیل است که مرزهای فرهنگی، فضای فرهنگی وجود دارد، تا به عمر طولانی: همه سردرگمی از جهان بی زور. "سیستم فرهنگی و تمدن نمی تواند در جهت توسعه به طور تصادفی انتخاب شدند، آنرا می پذیرد فقط آن دسته از نوآوری ها که منجر به رشد ماندگار خود، و رد هر چیزی را که آن را در تضاد: "چرا، چه نوع از حملات به گونه ای است که علم به ما داده نشده است؟ و گیج و سردر گم است: قانون، کاری که شما می خواهید، اما چیزی که نمی خواهد در مغازه اگر شما بروید بر خلاف روحیه ملی است. "است و حتی در علوم وجود ندارد، و در رد و درجه بالایی از نوآوری تبدیل inokulturnyh، که به دلایلی کار را به لحاظ تاریخی شکل گرفته بر اساس اجتماعی و نظام فرهنگی متناسب نیست.

پپیجیدگی مفرط در اجرای پروژه های نوسازی لیبرال در خاک روسیه تشکیل شده دقیقاً در تضاد غم انگیز میان آنچه که باید انجام دهد، و که منجر به اجتماعی و نظام فرهنگی. بنابراین، ایگور Gaidar، در مصاحبه ای با "Izvestiya"، یادآوری آغاز بعد از اصلاحات در اتحاد جماهیر شوروی، و گفت که "ما دیگر فکر می کنم درباره آنچه نسبت به آنچه می تواند با میراث تاریخی و اجتماعی انجام می شود انجام دهد." با این حال، می تواند سیستم کل جریان نوآوری inokulturnyh، که به تدریج به عناصر disistemnyh سازمان در سیستم جایگزین، که در نهایت ممکن است جایگزین سیستم که در آن یک بار آن را منشأ منجر رد نیست. در زمان مشابه، جامعه شناس معروف لهستانی P. Sztompka معتقد است که "اکثر تغییرات" درون "و یا خنثی در رابطه با کل سیستم و یا، در اغلب موارد، به تولید مثل خود مشارکت کنید، اما نه به تحول.

اگر ما به نوبه خود برای یافتن بهترین تعریف است که از تمدن روسیه، در دیدار صفات اساسی خود را از سیستم، پس این تعریف، به نظر ما، فئودالی / امپراطوری kvazifeodalnaya است. توجه داشته باشید که ملوک الطوائفی / kvazifeodalizm در درک ما این است که تقلیل پذیر نیست همین نام توسط ساختار اجتماعی و اقتصادی، به عنوان است که معمولاً در کتاب های درسی مارکسیستی نوشته شده است. فئودالیسم / kvazifeodalizm است نه تنها مفهوم اقتصادی، بلکه همچنین یک سیستم خاصی از روابط اجتماعی و شیوه زندگی ناشی از ساختار خاصی از ذهنیت، که، به نوبه خود، تعیین کننده تصویر متناظر آن در جهان و در مقیاس ارزشها. کلمه مایکل Voslensky: "مشکل ما این است که زمان شکل گیری سرمایه داری در حال حاضر خود را خسته، و نه از جامعه فئودالی به طور کامل نیست تا به شکایت کننده)

کلیه تلاش‌ها برای طولانی‌بودن وجود دارد. و او چنان کند، صحبت کردن در شکلی از توتالیتراریسم، که "استبداد شرقی" زمان ما: واقعی سوسیالیسم، سوسیالیسم ملی، فاشیسم، طبقه politbyurokratii دیکتاتوری -- نام گذاری. این واکنش در حال نزع است ساختارهای فئودالی، به نمایندگی از گذشته‌های تیره و تاریک مردم. به عنوان بخشی از گفتار، ما عمدتاً در روسیه علاقمند، نسخه‌های بسیار خاصی فئودالیسم / kvazifeodalizma.

قضیه اصلی ما این است که به شرح زیر است: امپراتوری kvazifeodalnaya هستند بالاترین شکل خود ذاتی سازمان جامعه به عنوان اجتماعی روسیه - سیستم فرهنگی.

ضروری است از سرد امپریالیستی dooms این سیستم را به تعامل با تمدن دومی که باعث روند تناوب از ارتقا امپریال لیبرال و معمولاً توسط دوره "انحطاط جدا". به رغم تکرار در طول تاریخ محافظه کار، عکس العمل‌های امپریالیستی، تجدد لیبرال را به طور منظم به عناصر سیستم، disistemnye در رابطه با اساسی خود را به دلایل فئودالی - امپریال. این عناصر disistemnye به تدریج به یک سیستم جایگزین سازماندهی می‌کند. آیا این، هنوز هم خیلی ضعیف سیستم جایگزین، با وجود بیش از یک دهه از پیام ارسال شده اتحاد جماهیر شوروی اصلاحات، جایگزین سیستم قدیمی که در آینده قابل پیش بینی -- یک سوال که هیچ جوابی.

احتمال این تغییر بخشی از کشور ما است که امروزه تقریباً apocalyptic forebodings، در این زمینه، صحبت کردن در مورد احتمال از دست دادن معنویت کاملاً معروف ما در مخالفت با رفاه مادی و بر اساس هر کدام از -- یا. در این راستا، من می‌خواهم کلمات را تشویق Sorokina پبئیریم گفته است: "جایگزینی یکی از اشکال‌های اساسی فرهنگ خود را به دیگری نشانی از مرگ به جامعه و فرهنگ آن، که به دگرگونی در معرض سرب هستند نیست.

هسته ذهنی سنتی فرهنگی و تمدن است سیستم راه از اسطوره، که مجموعه ای از اسطوره‌های مرتبط به هسته. بنابراین، ما به نقش و جایگاه اسطوره امپریالیستی به عنوان sistemobrazuyushego در برابر امپراطوری kvazifeodalnoy. که یکی از کارکردهای اصلی این اسطوره است که اطمینان حاصل شود که تأثیر به ماوراء تاریخی، و در نتیجه در فرایند تاریخی موجب شده است با الزامات به دلیل تنظیم کرده است. و تا زمانی که زنده آگاهی اساطیری قرون وسطی، و فرم مناسب از راه فرهنگی و تمدن از تطبیق با تغییر محیط داخلی و خارجی. توجه داشته باشید که اسطوره بسیار اساسی از ستون فقرات از اسطوره‌های امپریالیستی در زمانی (زمان باقی می‌ماند مربوطه) پخش شد، با گذشت زمان احتمال دارد میانجیگری در تغییر معانی آنها.

در نظر بگیرید مهمترین اسطوره، که به در سیستم فئودالی / kvazifeodalnoy اسطوره امپریالیستی. بنابراین اسطوره به عنوان مهم ترین باید تخصیص داده شده mythologeme مقدس روسیه است. لازم به ذکر است که مفهوم مقدس روسیه است بسیار جغرافیایی و تاریخی، به عنوان نزدیک در ارائه مطالب به eidos افلاطونی، مفهوم که وجود دارد صرف نظر از امکان یا امتناع تحقق تجربی خود، همیشه به خودش برابر است، نه کامل و قابل تقسیم. در میان اساطیر روسی eschatological آرمانگرایی مقدس را اشغال و موقعیت روسیه مرکزی، به گفته او که "خجسته مقدس روسیه، برای انجام هر چیزی که نیاز ندارد، نه حق و نه ثروت و خارجی برای سفارش زیادی از آن نمی‌باشد از این دنیا -- این آموزش داده شده است Slavophiles قدیمی".

آگاهی اسطوره ای در روسیه، مبارزه در خارج از مقیاس وابسته به جغرافیای سیاسی، با هدف در مقیاس جهانی، توسط مختلف متناسب با زمان وساطت، ایده برتری، در ابتدا در برتری اخلاقی بر اساس، و سپس به مناطق دیگر زندگی گسترش قانونی غالب. در epochs های مختلف تاریخی از جمله "یونیورسال" مقیاس در دستیابی به حوزه قدرت و افراد آن است. بدین ترتیب، "معذرت از استالین به دست آورد، نه تنها صدا امپراتور، بلکه فضا، او با سابقه مخلوط، با چیزی بیرون از محیط زمین، فضای بیرونی. و مارکسیسم در روسیه فقط تلاش برای گذار از worldview یزدان گرایانه

به فضا بود. مناسب مقدس در دست روسیه می تواند و باید بقیه جهان ، صرفه جویی در این موقعیت تاریخی و به تغییر sociocultural چهار چوب از مجتمع messianic مقاوم هستند. علاوه بر این ، امروز ، امروز ، پیدا کردن راه برای صرفه جویی در جهان ، روسیه متوقف نشده است. او همچنان ادامه دارد. "

در طول زمان ، اسطوره‌های مقدس روسیه به تدریج بخشی از مهم ترین گفتمان ما در اساطیر از دولت های امپریالیستی خواهد بود. به عنوان یک متافیزیکی ناب اساطیری "مردم خدا تحمل" ، است که ، با این حال ، وجوه مشترک زیادی با افراد خاص زندگی در یک منطقه خاص ، دولت های امپریالیستی می ایستند. توجه داشته باشید که ما منافع اولویت مطلق برای هر دو فرد و جامعه به عنوان یک کل. امپریال امور خارجه ادامه می دهد به این سنت احترام از آمدن ایالت های جهان باستان : "پیش از این کلی را تنها شهروند دولت کاملا در مانده شد و... بی زور دولت به مانند یک خدا در زمین ، شخص جداگانه برده به این جهان خدا بود."

به عنوان بخشی از افسانه ها از دولت های امپریالیستی و زور است که می تواند انسان را در بهشت eschatological منجر شده است ، برای رسیدن به پایان تاریخ و جشن هزار ساله پادشاهی خدا در زمین. دولت شاهنشاهی مظهر ideocracy مناسب ، که نه تنها به معنای از اجرا ، بلکه برای پروژه های الهی ، به بهشت بر روی زمین باید در اصل از حکومت امپراتوری روسیه ، نه تنها برگزار می شود ، بلکه به خود او ، به همه قاره ها توسعه یافته است و ادغام تمام بشر سرده.

به طور طبیعی ، تحت دولت تعیین شده از امور ، این تصور خیلی از دولت یک مفهوم اساطیری است. Mytheme دولت های امپریالیستی به ویژه تاکید شده است در تجلی بدیهی است که دولت باید قوی و قدرتمند ، بیشتر نزدیک به مناسب. بنابراین نیاز به تقویت و تقویت آن توسط هر معنی می دهد و بدون در نظر گرفتن هزینه پروژه سنگر بندی های منظم.

تناسب قیمت ها ، با توجه به coincidences غم انگیز و تقاطع ها در طول تاریخ از قرن XX ، تحریک ، و پرسش می آفریند ، نه تنها در روسیه بلکه در آلمان است. بنابراین ، بعد از جهانی دوم جنگ ، پایان نامه Hegelians حق تجدید نظر برای خوب به آنچه که گفته است یک دولت قوی ، و بهبودی قابل توجهی از قدرت. این نمایش به تصویب رسید که بر طبق آن "دولت (محدود به عملکرد اقتصاد سرمایه داری) و در هر مورد محافظت وجود فرد حرفه ای خصوصی است ، تنها در جامعه صنعتی ، تا آن را به علت تقسیم کار است ، اما در هیچ موردی نشانی از آن در بالا افزایش نیست ، آیا این اخلاقی نیست دیکته از ورزش .

ما از تاریخ میدانیم که دولت روسیه قوی برای کنترل بیشتر بر حوزه های گوناگون زندگی در داخل کشور مستعد است ، پیاده سازی دیکته از اخلاق را در رابطه با جامعه و انقباض خود را در منطقه از نفوذ (تجمع) در مناطق که در ادوار مختلف تاریخی بخشی از کل امپریالیستی شدند. ابزار مهمی برای اجرای این پروژه های داخلی و خارجی نظامی کردن جامعه می باشد و مشتق از آن -- پرخاشگرانه و توسعه طلبانه در سیاست خارجی. و آن را در مورد توسعه به عنوان هدف و نظامی به عنوان وسیله ای نیست ، بلکه به اعلام (و سعی کنید به پیاده سازی) از جمله اهداف وابسته به جغرافیای سیاسی ، که می تواند به عنوان ابزاری برای توجیه کل رژیم خدمت می کنند.

نه تنها خودمان ، بلکه در تاریخ جهان نشان می دهد که یک دولت قوی ، عمدتاً در totalitarism آن و گزینه های اقتدارگرا ، آن را به نفع مشروط است ، در اینجا چه podiskusirovat است ، با بحث های مشابه انجام گرفته در آشپزخانه خانه دنج در اتحاد جماهیر شوروی / روسیه در 60 -- 80 ies - قرن XX و در دادگاه نورنبرگ در سال 1946 در آلمان است. توجه داشته باشید که در کشورهای لیبرال ، دولت ضعیف است نیست ، آن را انجام عملکردهای دیگری در راه های مختلف مربوط به جامعه ، چرا که آن را به دنبال مجسم مطلق اجتماعی است.



در حال به پیش بینی فضای تاریخ ، اساطیر مقدس روسیه را از طریق مجموعه ای از subordinates از اساطیر تاریخی ، ساخته شده از موقعیت برنده نازل شده است. ما در میان آنها تمایز قائل نشود.

بنابراین. Muscovy تنها جانشین قانونی Kievan روس است. دیگر در قلمرو روسی ، بر اساس نقش خود را قبل از درست ، تنها حاشیه ، کیف نقطه اول است ، در مسکو بعد. واقعیت است که این اساطیر با واقعیت تاریخی سازگار نیست -- واضح است. بود با خط دیگر جانشینی وجود دارد ، مرسوم به عنوان اجتماعی دموکراتیک مراجعه فرهنگی سنت ، در حال اجرا را از Kievan روس را از طریق yDuch از نووگورود و Pskov. اما چیز اصلی در آن سرزمین های روسی ، توسعه یافته که تحت اقتدار دوک نشین لیتوانی ، که در آن شهرستان به تصویب رسید قانون ماگدبورگ و روابط بین دولت مرکزی و مردم بودند در قالب قرارداد اداره می شد.

اساطیر بعدی از این سری. مقدس روسیه (covyMus ، امپراتوری روسیه ، اتحاد جماهیر شوروی سابق) توسط دشمنان خارجی ، که در epochs تاریخی مختلف دشمنان در داخل مجاور احاطه شده است. فقط در قرن گذشته را به دشمنان داخلی absented احزاب چپ ، از جمله RSDLP (ب) ، و سپس ، پس از سال 1917 ، سفید ، speculators ، laksku ، مردان NEP ، تکنسین ها ، نویسندگان ، افسران قرمز ، روحانیت ، نمایندگان جنبشهای مخالف گوناگون و انحرافات در WCP (ب) ، و این لیست به طور نامحدود می تواند آن را ادامه دهد و هنوز هم ناقص خواهد بود.

در دوره اتحاد جماهیر شوروی در اواخر ، او عضو شده در گروه های مدافع حقوق بشر و مخالفان به طور کلی. در 90 سال از مفاهیم XX قرن دشمنان داخلی "متنوع" بسته به همدردی سیاسی و antipathies از بخش های مختلف جامعه روسیه ، شاید برای اولین بار تعیین دوره های تاریخی ، دشمن را از بالا توسط قانون تعیین نشده بود. ده سال را بدون دشمن داخلی و تنها ایدئولوژی درست است تا غیر معمول ، اقتدارگرا و اجتماعی و فرهنگی ، سنت را تحت فشار پیروان خود را به جستجو برای هر دو. موضوع دیگری که در ترکیب خلاقیت خود را در حوزه فراتر از ایدئولوژی نشانی از برداشتهای عادی موضوع بدون زمان و سرشار از ارتودوکس ، استبداد بروید و ملیت نیست. در جستجوی تا دشمنان ، خوشبختانه ، به اتهام تروتسکیسم ، و به اتهام جاسوسی برای امپراتوری لاتین ، انجام آن را نیز اتفاق نمی افتد.

امروز ، تصمیم گرفت به منظور محدود کردن اتهامات عنوان شده علیه مالیاتی ، انسداد در اجاره نامه به احترام از همان سازمان های حقوق بشر و انسان دوستانه به عنوان وجوه با مشارکت خارجی ، و با مشارکت هنوز فراتر از کنترل از اقلیت حاکم. امید است به تکرار در تاریخ معاصر ما این است که نه زیاد تراژدی به عنوان "بار دوم به عنوان لودگی". مرحله بعدی مدرنیته امپراتوری روسیه / ترمیم می گیرد هنوز هم در محدوده ، و اگر شما می توانید از تنظیم کردن تقریبا همه ی داخلی "کنترل و توازن" علیه نظام در حال تحول ، محدودیت های بیرونی قوی تر خواهد شد ، در برابر آنها را تنها به دلیل بازی ژئوپولیتیک صبر تجزیه نیست ، ادای احترام (مالیات) است donachislit نیست.

اگر تاریخ واقعی دولت های امپریالیستی روسیه است و نه ذاتی ترکیب عجیبی از پیروی از سیاست انزوا و پرخاشگری ، در اسطوره آن را به عنوان حزب aggrieved است برای حقیقت می دانست. بنا به اسطوره ، گنجانده در قالب امپراتوری مقدس روسیه مجبور به تحمل توهین بلاعوض از کشورهای همسایه پر از توطئه و پرخاشگر بود ، اما او هرگز در حمله به هر کسی نمی کند. زمین های اطراف آن به پیوست تنها زمانی که آنها را به بازوی مسکو از درخواست و ارائه کمک های برادرانه ، هم مجبور ، باید باشد ، تنها در پاسخ به تماس از کسی که مردم تحت ستم ، و به انکار این درخواست را نمی توان صالح ، چرا که صدای مردم صدای خدا . در منطق اسطوره است نه تنها ممکن ، بلکه لازم را فراموش کرده ام که در مورد "مصنوعی است ، یک شیوه کاملا مکانیکی به مفید به عضو بدن است که با آنها نمی دهد."organically

اساطیر بعدی قرار است به تمام جهان اطراف و به ویژه تمدن غرب به عنوان جایگزین اصلی برای امپراتوری فنودالی، مجموعه ای از منفی، مضر و گاهی به کیفیت های انسانی روسیه. برداشت مشکوک و منفی امپراطوری جهان نوبه خود به طور مداوم vosproizvodiyascheyasya "وضعیت narodnaymezhd" ، که ، اتفاقا ، پشتیبانی می شود و آمار تاریخی است. در داستان های روسیه اغلب اتفاق افتاده است که دوره جنگ بیش از دور صلح (برای 36 سال پادشاهی او پیتر روسیه تنها یکی در این سال می دانستند صلح").

با توجه به دیگر اساطیر ، مقدس روسیه به قبل از اعتصاب emptive هستند بسیار به پرخاشگری ، چگونه برای جلوگیری از نیت تهاجمی از دشمن ، oblagodetelstvuya با ملت ها به عنوان جداگانه و انسانیت به عنوان یک کل است. شمول در امپراتوری روسیه و همسایگان دور و نزدیک خود را به عنوان "پیرو کلیسای ارتدکس Rossiyanin خوب این است که شهروند کاملی از جهان است ، و مقدس روسیه -- دولت اولین بار". به عنوان یک تصویر نسبتا طولانی از این تز که ما از این جزوه از نمونه های حال حاضر در روسیه پس از جنگ ژاپن از سال 1905 طراحی شده برای سربازان و افسران از ارتش : "بگذارید دشمنان استبداد بر این باورند که این جنگ -- هوی و هوس قدرت استبدادی. آگاهی از تاریخ ما را درک خواهد کرد که هیچ امتیاز انحصاری در Yalu وادار Ermak حرکت به سمت Timofeyevich Irtysh ، نه BEZOBRAZOV را از دهان Nevel Amur ، نه ظلم و ستم پادشاه موجب شده است تا از جنگ ارائه دهد. در یک حرکت تاریخی به شرق است ، این جنگ را نشان می دهد که روسیه در حال حاضر تنها وجود دارد ، برای اولین بار ملاقات کردند دشمن شجاع و نیرومند ، همانطور که در قرن ها قبل در جنبش خود را به غرب ، از جمله او در سوئدی لهستانی ها ، و ترک دیدار کرد. جنگ ، حل و شاید یک سری از جنگ ها : برای تست که آیا سرنوشت روسیه یا لهستان او را تبدیل به threateningly در سواحل اقیانوس آرام ، آن را به عنوان مخفف menacingly در سواحل دریای بالتیک ، Vistula و دریای سیاه".

Mytheme روسیه -- غرب است. غرب از این دستگاه مختصات است ، نه تنها دشمن ابدی ، اما antithesis اساسی روسیه ، از طریق شیشه به دنبال ، جایی که بسیار به ندرت دوباره. این بود که کودکان Boyar اولین خبر را به مطالعه در غرب اروپا ، پس از آن بود ، و اخیرا ، در طول دوران تاریخی ما را از اتحاد جماهیر شوروی ، زمانی که مهاجرت به غرب از هم میهنان ما باقی مانده در شهروندان اتحاد جماهیر شوروی سابق دیده شد تقریبا تا اگر طرف مردم ماه و یا عالم اموات استرالیا. بنابراین به otezzhayuschimi خداحافظی در فرودگاه Sheremetyevo به طور جدی ، و اعتقاد داشتند که -- برای همیشه : "از تعداد بی شماری از زنان قدرتمند حرمسرا شاه / تغییر تنها می تواند یکی دیگر حرمسرا ، من / تا به جای امپراتوری. این گام توسط املا بود / که در هر چهار طرف سوخته drifted -- / اگر چه معده در شرایط متقابل از کلاغها ، با پنج سال میباید. / دمیدن در یک لوله توخالی است که فقیر خود را ، / من از طریق صف Janissaries در سبز ، / تخم مرغ سرد scenting تیر بد خود را ترک ، / هنگام ورود به آب است. و اکنون ، با نمک ، طعم و مزه آب را در دهان خود ، / من عبور از خط ". این خط بین دو جهان ، روسیه / شوروی سابق و غرب ، تقریبا به همان اندازه ستوکس رودخانه و ناو هواپیمابر Aeroflot مطلق به نقش -- نوع جمعی کران است.

این شهر همچنین دارای اهمیت اساطیر مستقل است ، هیچکدام از افراد از امپراتوری متهم ، بدون استثنا ، مجموعه ای از ضد مشخصات غربی. در چهار چوب از اسطوره ها همه در مقابل ساخته شده است کاملا انتزاعی و روسیه به عنوان انتزاعی از انسان غربی ، پایان نامه ها و antitheses. بنابراین ، ما این مخالفت بنیادین دارد. اگر غرب از اواخر قرون میانه ، تغییر تدریجی به سیاست های زندگی فردی ، هنوز هم در جامعه وجود دارد که در بالاترین تجلی آن در کلیسای جامع رشد می کند : "جامعه شروع دوره مقدماتی ، تمام زمین از تاریخ روسیه ، گذشته ، حال و آینده... زندگی اجتماعی در این ماده را از او... شخصیت بر اساس نیست و می تواند بر روی آن بر اساس نمی شود ، اما او فکر می کند

که عمل عالی حقوق و آزادیهای فردی و آگاهی -- انکار نفس. اگر درک غرب از مالکیت خصوصی در سنت قانون روم ، در شرق -- را نفی می کند. همان می توانید درباره privatizme گفته شود ، antiprotsedurnosti ، تمایل به زندگی به وسیله قانون نوشته شده نیست ، اما به طور مستقیم تجربه شده توسط پرآودا (وجدان). از همان میزان می تواند به معنی نسبت داده ، و اقدامات حذف و میانه روی در تمام گونه های بشر ، تکمیل شده توسط میل صادقانه به فقر ادعایی و زهد. امروز این افسانه در های مختلف ، نه همیشه قابل توجهی شیوه های زندگی روزانه از روس ها ، distorting تاثیر بگذارد با این حال ، در حال حاضر جهان انسان روسیه به توده های مشخصه "است.

با توجه به دیگری و بسیار مهمی را در چهار چوب گفتن از اساطیر ما -- امپراطوری است تنها راه ممکن از حق و موجودیت اجتماعی و تاریخی است. کلمه "امپراطوری" لزوما بیان ، ما در حال مواظب است که اتحاد جماهیر شوروی تعیین شود تا از قدرت اتحاد جماهیر شوروی آن را غیر قابل قبول بود. اما حتی با واکه یا شرط ضمنی برای تابو به مفاهیم اولیه امپراتوری ، جوهره اسطوره نسبتا روشن باقی ماند ، از اسطوره های خصوصی نه تنها مکمل بلکه همچنین برای هر یک از دیگری در زنجیره وابسته به همتایی سنتی آگاهی را جبران کند. هر سیگنال "" explication از mythologems actualized در ذهن کل مجتمع ، توسط قیاس با مهره رفتار samozakruchivayuschayasya (او را شدیداً تکان بدهم کمی پیچیده است و مهره خودش ، که دور انداخته ، لیبرال ، ضد اجتماعی امپریالیستی - blotches فرهنگی).

این اسطوره را به اولیه بیشتر بخش خصوصی و توزیع در تمام زمینه های فضا زمان است که جامعه پاییز. آنها نه تنها به ایجاد یک تصویر نامناسب از تاریخ کشور ، اما همچنان آگاهی جمعی به نفوذ ، distorting تصویر واقعی از جهان و در آوردن ویژگی های اساطیری او را. ادامه داد ، ولو در درجات مختلف ، ارتباط از این اسطوره ها همچنان به نفوذ جهت پویایی و فرایندهای فرهنگی ، تاریخی و اجتماعی در روسیه است.

در حال مشاهده فرایند تاریخی شکل گیری فئودالی سنت ما ، دولت های امپریالیستی ، می تواند یکی از ثبات قابل توجهی خود و توانایی تولید مثل خود را در چهار چوب از تغییر شرایط تاریخی اشاره نمی کند. در این نشان از ثبات و متاستاز های متعدد آن در روز ، امروز ، تجلی ، به ویژه ، و در مطالعات متعدد جامعه شناختی ، موضوع نگرش است که روس ها به آزادی بود. آیا به طور کامل مربوط به سری های دیجیتال بازتولید نمی دهد تنها تعداد کمی مشخصه. در پاسخ به این سوال که ممکن است ، "دموکراسی کامل با تضمین ایمنی ضعیف از شخصی یا دولتی قوی با تضمین کامل امنیت شخصی ، به خصوص وضعیت انتخاب شده را فقط 0,5% ، 58.7% دومین ، فقط 4 -- 5 درصد از پاسخ دهندگان را ترجیح می دهد دیگر چنین نکردم آماده برای دادن ، با چیزی جایگزین شود آزادی خود را تحت هیچ شرایطی. اشاره کرد و نتیجه گیری از تحقیقات جامعه شناختی : "واضح است که ارزش های اساسی بنیادی نشده اند به طور کامل تخریب و نابودی رنج می برد تنها سطحی از اولویت های سیستم. ارزشهای اساسی مانند ققنوس ، تولد تازه یافته را از خاکستر.

عطف به علل شکل گیری ویژگی های فوق از تمدن روسیه ، ما توجه داشته باشید که "مبدا مردم همیشه تاثیر می گذارد. شرایطی که در آن متولد شده و ملت ها هستند که به عنوان تاثیر سازنده خود را در تمام توسعه های آینده خود را خدمت می کنند. شکل گیری تمدن روسیه در شمال شرقی مستقر بود روسیه ، منطقه را از لحاظ جغرافیایی منطقه که در خدمت Greco - جهان باستان روم از راه دور. فاصله جغرافیایی و زمان تاخیر قابل توجهی از زمان وجود متحد امپراتوری روم ساخته شده ، بسیار دشوار به نمونه وراثت فرهنگی دوران باستان است. بود درک بخشی از این نمونه ها از بیزانتیوم وجود دارد ، اما پس از تقسیم به مسیحیت غربی (کاتولیک) و شرقی (ارتدوکس) برای فیلتز serzny آمدن از نفوذ فرهنگی غرب لاتین به وجود آمد.

برای قرن ها ، با توجه به هدف (Mongolians) و ذهنی به دلایل ، Muscovy سیاست انزوا گرایی فرهنگی در توجه به غرب اروپا را دنبال کاتولیک بود : "تا حد زیادی مختصات شخصیت ملی روسیه با کلیسای ارتدکسی سنتی و خصومت خود را به مسائل خارجی ، به ویژه مسیحیان را به لاتین تشکیل شده اند که نفرت و وحشت داشتند. این سیاست همچنین به حفاظت گسترده ای از زندگی ، از جمله اقتصادی ، راهبردها ، نه در باطل ، در دوره بعد از تاریخ نوآوری ، از جمله فن آوری کمک کرده ، از اروپا آمد ، و نه آسیا و نه به طور مستقیم در داخل کشور بالغ شده‌اند.

این نوع از تمدن به وجود آمد در همسایگی با اروپا به عنوان antipode منحصر به فرد خود ، جایی که برای قرن ها وجود دارد فرآیند تولید مثل ، توسعه بود ، و افزایش کیفیت از تمدن های امپریالیستی روسیه و غیر otbrakovyvaniya - امپریال. همه محاکمات تاریخی تنها تقویت امپراتوری فنودالی ، ظهور کرد که از آنها حتی قوی تر و یکپارچه ، برای همیشه گسترش قلمرو اشغال کردند. بدین ترتیب ، "به مدت چهار صد سال در قلمرو روسیه افزایش یافت 36 بار. این واقعیت اساسی تاریخی روسی ، شناسایی ریشه ای خود را نه تنها در سبک مدیریت زمین های روسی ، بلکه در حس و سبک از هر روسی ، و انجام کار خلاق است. "

فنودالیسم کلاسیک ، بر اساس lennyh (قراردادی) روابطی که در اروپا وجود داشت ، و خیلی از راه دور است که در آن شباهت Muscovy وجود داشته است / روسیه امپراتوری ، که شکست خورده preodalet ، خلاص شدن از شر نهاد عمومی جرم برده داری ، در نهایت منجر به نتیجه به طور مستقیم مخالف. همانطور که توسط دیگری Danilevskiy N. ، روسیه "می باشد و در هر اروپایی خوب و یا بد اروپا ، چگونه می تواند او را به اروپا تعلق داشته باشند؟ هنوز فروتنی واقعی ، و نه غرور و افتخار واقعی اجازه نخواهد داد روسیه در نظر گرفته اروپا "، البته ، او در نظر اروپا به عنوان یک منطقه فرهنگی و تمدن.

در اوایل فنودالیسم در اروپا و روس Kievan نگاه تا حد زیادی مشابه است ، اما جابه جایی از مرکز ایالتی روسیه در ولادیمیر - Suzdal ، و پایتخت کشور ، برای اولین بار در ولادیمیر ، و سپس به مسکو ، اختلاف اساسی تبدیل شده اند به طور فزاینده ملموس. در نزدیکی محققان روسی ، از جمله سیستمعامل - Pavlov پر درخت ، "ثبت kvazifeodalizm ، جایی که بسیاری از پدیده های شبیه به همتایان اروپایی خود ، اما در ذات ، در تکوین و عواقب آنها را تا حد زیادی متفاوت است. به همین دلیل است که توسعه فنودالیسم روس خاص در قوانین کلاسیک نیست ، و مخالف تبدیل آن -- با دولت استبدادی خدمت وظیفه عمومی برای تمام گروه های جمعیت.

روسیه ، بر خلاف اروپا ، آیا توسعه یافته چند سطح سلسله مراتب ساختارهای اجتماعی نمی دانند ، اجتماعی و فضای فرهنگی روسیه ، Muscovy ، امپراتوری روسیه اختلاف ، با توجه به عنوان Akhiezer ، "درجه بالایی از بهم ریختگی." در اروپا ، روابط فنودالی عمدتاً dialogical شخصیت بودند ، به طوری که اصل "قانون روم ، که می خوانیم : " آنچه نگرانی ها همه باید تایید شود همه -- اسلامی را برای ماموریت " بود ، و نیاز به نمایندگی در حال حاضر در XII به رسمیت شناخته شده بود -- قرن سیزدهم. در روابط Muscovy فنودالی monologichnymi در درجه اول قرار گرفتند. در اروپا ، مرد با مسئولیت ، همچنین در صورت قانونی از قانون حفاظت شده بود : "بهره کشی فنودالی را در یک سیستم تعهدات متقابل میان مردم به اجرا در آمد ، که کمک به مقررات خود را با محدودیت های خاص.

نقض این حقوق ، اجتماع محدودیتهای بیشتری را به عنوان مظهر دلخواهی ، به جای پیروی از هنجار تلقی می شود ، به طوری که "شکست امیر از رعیت به تعهدات قراردادی خود را از نیاز به تطابق با آزاد خود را". حقوق پادشاه در طول زمان ، به اصل تحول سازمانی ، مدنی و سپس samostoyaniya شخصی. "Vassals برای حکومت مطلقه خود را تنها برای آن است که آنها را دریافت کتان موظف شدند. خرما از خدمات نظامی و پرداختی های اجباری پیش بینی شده اند و اگر ارباب می خواست بیشتر ، او هیچ چاره‌ای جز وارد قرارداد جدید با پروردگار فنودالی ، و وعده او را در

بازگشت به خواسته های امتیازاتی جدید است. برای عقد قرارداد چنین سازماندهی به تدریج و یا حتی جلسه کنگره ، تحت نام curiae ، یا پارلمان. این curiae و به تدریج از تولد قرون وسطی کار کردم.

در جامعه روسیه ، جایی که قدرت اصلی در توجیه مطلق وجود شد بیش از مقامات سرویس ، به عنوان حالت تعلیق مناسب ، هیچ چیز می خواهم که نمی توانستند توسعه و توسعه انجام نشده است. K. Cavelin ، توصیف ویژگیهای ساختار اجتماعی روسیه ، اشاره کرد که برخلاف دیگر کشورهای اروپا ، ما "اشراف بودند و به حال هیچوقت از پس هیچ اصالت خانوادگی بودند ، هستند و معنوی خواهد شد ، بازرگانان ، tradesmen ، صنعتگران ، دهقانان ، اما هرگز شده است و ، ظاهرا ، و نه خواهد شد روحانیون ، تجار ، بورژوازی کوچک ، زندگی روستایی در حس املاک و مستغلات. همه ما از نظر سطح ، به استثنای نه اشراف ، متوسط شغل ، خدمت وظیفه عمومی ، پیش نویس ، و یا خدمات است ، اما هرگز به حال آنها ارزش بدن اجتماعی ، ساختار اجتماعی ، با makings از پارچه های سیاسی و یا اجتماعی زندگی است.

"

در اروپا ، توسعه مدل فئودالی رسیده نتیجه منطقی آن ، در خدمت به عنوان یک زمین طبیعی برای ساخت و ساز مدرنیته تمدن بورژوائی. در کشور ما ملوک الطوائفی / kvazifeodalizm ، و همچنین از مراحل پیش راه قبیلہ ای و بورژوا مراحل بعدی ، همزیستی. اما به عنوان نسخه فئودالیسم روسیه / kvazifeodalizma است یک ابزار موثر برای ساخت و ساز و تولید مثل از نوع شاهی ایالتی ، او در زمان و موقعیت یک سیستم در جامعه چند فرهنگی روسیه. و از انقلاب بلشویکی در یدلایمخیرات 1917 اکتبر gozhda "در اشکال جدید ، کلمات جدید (کشور -- G.S) را فرو تر از فئودالیسم است که در زمان مأموریت در کنار روسیه از عقب ماندگی و ساختن صنعت پیشرو لبه و به همین ترتیب روش های فئودالی.

در طول تاریخ از قانون ، پیش بینی وجود دارد که تحت آن قدیمی و کهنه زندگی می کنند جوامع با توجه به سنت (سنت مقدس) ، عمدتا در ترتیبات فئودالی قوانین لیبرال شد. در حوزه قانون جامعه فئودالی زندگی در ترتیبات ، و جامعه ما هستند ، تقریبا هرگز در یک رسمی ، قانون نوشته شده است زندگی می کردند.

دهقانان روسیه زندگی می کردند برای قرن ها در آداب و رسوم ، عادات و رسوم ، قانون ، که در دوره مدرن لیبرال انجام شده توسط الکساندر دوم ، پایه ای برای کار به دادگاه شهرستان شد. جامعه روسیه به عنوان یک کل همچنان در توافق با افزودن عناصری از حقوق قانونی زندگی می کنند ، موثر فقط تا زمانی که آنها با منافع احزاب ابتلا به درگیری نیست. تمایل به زندگی در قوانین رسمی ، نشان داده شده توسط نمایندگان برخی از خرده فرهنگ شهری است که در جامعه درک نیست.

ملوک الطوائفی و فئودالی reproduces نوع اموال. این ملک خصوصی نیست ، همانطور که در یک جامعه لیبرال ، اگر چه در سطح نقل و عدم اجرای "قانونی" هنجارهای گفت که اغلب به آن است. مالکیت فئودالی -- آن را ناشی از روابط بین اموال موضوع و قدرت به موجب آن نهاد دریافت خواهد کرد ، حق مالکیت (تغذیه ، جمع آوری rents ، و غیره) در ازای خدمات است (یا ، در گزینه نرم -- وفاداری). از آنجا که نظام های امپریالیستی فئودالی مالکیت قدرت تعیین کننده مالکیت بر اموال و دارایی خود را ، با وجود تعداد pravoustanovleny ، عملا بی دفاع ، و سپس از مقام و موقعیت در این سلسله مراتب بسیار تر از صاحبان رسمی بالاتر است.

مالکین می دانند که کاملا ، و همانطور که در اواسط قرن نوزدهم NGChernyshevsky ، "فرزندان خود را ، معمولا در شتاب دادن به فعالیت تجاری در این سرویس. این روند به طور کلی از جامعه فئودالی ، فرآیند مشابهی ویژگی مشخص شد ، به عنوان مثال ترجیح داده و برای شهرستان ایتالیایی ایالات متحده ، جایی که ثروتمند ، و تجار به خرید ملک و منجر به یک زندگی عادی از حکومت اشرافی. این عمل به رکود عمیق رهبری ، حفاظت از عقب ماندگی ، این واقعیت

است که مرکز جهان بورژوائی انگلستان است و نه ایتالیایی شهرستان ایالت ، که به حال توسط این زمان بسیار غنی از سنت معامله شد.

بخش عمده ای از مالکیت و گسترش مستقیم قدرت ، نه تنها نمونه مجموع governmentalising تمام دوران عمر اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق است ، اما عمل از پیش قدرت انقلابی روسیه است. بنابراین ، در مرحله امپریالیستی از یک مرتبه مدرنیزاسیون Petrine governmentalizing املاک : "در یدلایمخیرات 1714. پیتر من اعمال محدودیت در مالکیت زمین : همه صید شد خصوصی در خزانه انتخاب شده و apiaries و زمین tnyebor ، و همچنین تمام میلز خصوصی هستند و اعلام رسمی در مورد این اساس ، هزینه های taxed (1704) ، که همه نیز توسط کارخانه های رسمی اعلام شده است و با اقساط احاطه شده است ، نظارت بر فعالیت های خود را به اجرا ساخت کالج ؛ حقوق مربوط به زیر خاک از زمین های منتقل شده به خزانه داری (1719) ، تمام جنگل ها در تور اروپا در روسیه بوده است اعلام کرد ذخایر عمومی (1723).

کنترل دولت بر اموال ادامه داد در آینده ، به خصوص فعال در جنگ جهانی اول. در سال 1915 ایجاد جلسه ویژه ای در دفاع ، سوخت ، حمل و نقل و مواد غذایی ، و کمیته های مختلف. آنها ، مجبور شدند عمل situational ، به خوبی در درون فرآیندهای قوانین کشوری از اقتصاد کشور warring ، اما در کشورهای دیگر ، این ساختار پس از جنگ ، منحل شد تجدید سازمان یافته ، قطع در دستور است ، و تنها در روسیه ، مقررات دولت تبدیل شده است پیروزی IsheviksBo overarching اهمیت است.

معاصران از وقایع به طور کامل درک دلایل این شرط این بود که "روسیه -- فقیرترین کشور است ، بیشتر نادان ، بیشتر negrazhdanstvennaya بنابراین فرایندهای تخلیه و فروپاشی شدند به سرعت ترین پیرانرژی. در هیچ کجای بنابراین ، دیگر نیازی به نیاز فوری برای تنظیم هدف آگاهانه از فرآیندهای اقتصادی است. Bolsheviks به قدرت رسید با خلاقیت به توسعه روش های استفاده شده توسط دولت ضربه tsarist در غیر اقتصاد ملی ، اقتصادی ، روش های خشونت آمیز بزنند ، آوردن این مولفه را مجبور به درجه ممکن از کمال.

آن را در جزئیات توسعه یافته است جنبه های اقتصادی فنودالی روسیه / kvazifeodalizma در OÉ Bessonova و سورگوم Kirdina طبیعت به روشنی نشان داد خیر اقتصاد روسیه. انتقال اقتصاد ، یک سیستم اقتصادی است که "... ویژگی های زیر می باشد : تمام اموال (زمین ، کالاهای سرمایه ای ، زیر ساخت) تا به ماهیت خدمات عمومی : قطعات فرد خود را به برخی از نهاد کسب و کار تحت شرایط و ضوابط استفاده از قواعد منتقل شده و نهادهای تحت کنترل دولت خاص. مبنای سازمان اقتصادی است کار خدماتی -- مشارکت در نیروی کار در سایت های اموال به خدمات عمومی و (یا) به انجام وظایف خاصی که در جهت منافع عمومی است. فراهم کردن شرایط مادی را به انجام وظایف خود تحت مالکیت عمومی سودمند است از طریق نهاد توزیعی انجام شده است. پیاده سازی و مشکلات تولید و ایجاد ثروت ، طول می کشد محل را از طریق مؤسسه تحویل. پیشنهادات و انتقادات سیگنالهای انعکاس عکس العمل از همه شرکت کنندگان از تولید مثل به مشکلات اجتماعی ، تصویب از طریق نهاد شکایت اداری. رانندگان در اقتصاد را برای هماهنگ کردن مکانیزم توزیع ، توزیع جریان راه اندازی شده است.

و آن این است که اطمینان حاصل شود که این مکانیزم کار در منطق توزیع اقتصاد فنودالی و نیازهای قدرت دولت قوی. تابع توزیع مجدد جمعی -- تابع آن است. روسیه با توزیع kvazifeodalizma اقتصاد غالب ، و تنها در بازار را انجام جبرانی ، عملکرد اضافی. kvazifeodalnoy مفهوم توزیع اقتصادی اجازه می دهد تا درک absurdities ظاهری ، افراط و تحریفات که در اقتصاد روسیه مشاهده شده است. آنها در شرایط اقتصاد بازار بنا شده ، اما در شرایط از اقتصاد

انصراف نمی. سورگوم Kirdina قطعی نشان می دهد که در جوامع مختلف تحت سلطه یا بازار و یا توزیعی (توزیع مجدد) اقتصاد ، و ما می توانیم آن را تغییر ندهید در مورد در اختیار آنها اعطا شده.

هنگامی که در روسیه ، معمولاً وجود یک دوره کوتاه از توسعه گسترده روابط بازار ، آن را فقط بدان معناست که روابط بازار در این مرحله لازم برای توسعه اقتصاد توزیعی ، پس از انتقال به سطح بالاتری از توسعه بعدی آن را که در آن اقتصاد بازار را ترک ، تنها اضافی ، نقش جبرانی. در روسیه ، دوران شوروی را ندارید توسعه کامل روابط بازار تکامل یافته و بورژوازی اروپا دوست ندارند تشکیل شده است : "حتی تاجر روسی از رژیم سابق ، که به سود از راه های ناپاک ، و میلیونر شده بود ، در نظر گرفتن آن گناه ، به کفاره دادن برای این گناه خم شد ، و رویای از لحظات مختلف زندگی به عنوان مثال ، سرگردان یا رهبانیت. بنابراین ، حتی این تاجر مواد بد برای شکل گیری بورژوازی از نوع اروپای غربی "بود.

در توزیع عملکرد اقتصاد و تولید صنعتی از دوران شوروی سابق ، که در آن افراد احساس بخشی از یک سازمان ، با تعریف ، امیل دورکیم ، در اساس از "همبستگی مکانیکی". پروژه های صنعتی به سوسیالیستی بازتولید عناصر نگرش جامعه سنتی ، با رد شخصیت خود را dostizhitelnoy مشخصه ، اقدامات خود را تضعیف اعتقاد به توحید عقاید سنتی ، جمعی Istvazhiznestroite اشکال.

حتی امروز محیط اجتماعی روسیه در برابر شکست نهایی کهنه در sinkrezisa سلسله شناسی خود را ، سرنوشت شخصی ، به طور فردی ، تفاوت در درآمد و به طور کلی شکاف درآمد توسط بخش ، به ویژه ، به پرداخت هزینه برای مهارت های حرفه ای ، ، فردگرا خارج از گروه ، از یک مدل موفقیت به طور کلی. محقق آلمانی P. Pfayler نظارت که در تضمینی چنین تجلی "به ارث برده از منشاء دینی و فکری بیژانس از شیوه universalist hierarchic است که در آن فرد در ساختار جمعی قرار دارد ؛ سازه های خودشان را بخشی از نظم کیهانی خداوند است."

نگرش سنتی به زیبا و آشکار در مالکیت جدید ، پست اتحاد جماهیر شوروی ، در مرحله توسعه تاریخی ، زمانی که در ابتدای خصوصی سازی از مردم فقط به عنوان بزرگترین صاحبان اموال دولتی منصوب کرد. این اولین برخورد دولت oligarchic ، و اقلیت حاکم خود اختصاص داد. به همین دلیل است که مقامات هنوز هم حس که مالک کاملاً واقعی نیست ، بنابراین ممکن است که به تقسیم اموال ، به مراجعه کنید چگونه درآمد در خانه صرف می شود و پس از پرداخت مالیات ها ، بیاورد می گویند ، آنها با هدف به خرید باشگاه فوتبال به زبان انگلیسی یا reinvested در تولید روغن. در چارچوب سنتی اجتماعی روسیه ، نظام فرهنگی باید به خدمت به عنوان یک طبقه ، کارآفرینان باید سهم ، با مالیات اضافی برای تامین بودجه برنامه های مختلف اجتماعی ، paternalists باشد در رابطه با کارمندان خود.

مالکیت فئودالی در روسیه است همیشه ، در اصل ، بیگانه ، که ، با صحبت Fustel د Coulanges ، سازگار با خصوصیات کلی از نظم فئودالی که در آن "زمین در اختیار داشتن چنین است ، مالک آن نمی باشد ، صرفاً سخن گفتن ، خود را مالک... استفاده از زمین مشروط است ، یعنی موضوع و یا عوارض و یا خدمات ، به طور خلاصه ، شناخته شده وظایف و شکست از این وظایف از دست دادن مستلزم در اختیار داشتن ". توجه داشته باشید که در شرایط مدرن روسیه در زیر زمین "" باید به درک تمام انواع اموال به طور کلی ، از شرکت نفتی غول را به ایستگاه آبجو به من بدهید. فراوانی از قوانین رسمی و مقررات که اعلام حمایت خاص قانونی علیه اموال نباید گمراه کننده است. روسیه در افراد بدون حقوق دولت قبل از مقامات دولتی شده بود ، صرف نظر از موفقیت در حوزه اقتصادی است. مقامات همیشه می تواند فاصله گرفتن از اموال مالک ، که ، بنابراین ، همیشه وجود دارد صاحب مشروط.

نمونه هایی از این به اندازه کافی است ، بنابراین هنوز در بود sovereigns از مسکو ، تنها نمونه ای از چگونه با تجارت انسان ادامه دهد ، سرمایه داران در حال ظهور روسیه ، Stroganoff. در اینجا آن چیزی است که نگرش پادشاه به

کسب و کارهای بزرگ از زمان سفر خود را در روسیه در نیمه دوم قرن شانزدهم، دکتر از قانون مدنی و کارشناسی ارشد الهیات از جان فلچر: "حسادت و خشم در ثروت در دست هر کسی شدند و به خصوص در دست دهقانان، به رهبری پادشاه به آنها را انتخاب کنید برای اولین بار در قطعات، گاهی 20000 روبل در یک بار، گاهی بیشتر، تا، در نهایت، حفظ تنها بخش بسیار کوچکی از ثروت موروثی خود را، در حالی که همه چیز را به دیگری منتقل خزانه سلطنتی. اسامی آنها بودند از: یعقوب، گرگوری و فرزندانش Semeon Aniki.

در حال حاضر. مهم است به خاطر داشته باشید که املاک -- این خوب متعلق به شخص نیست، و مشروعیت و پایداری گنجانده نگرش. در این مفهوم، کارآفرینان مدرن روسیه هستند صاحبان نیست، زیرا مالکیت خود مشروط است، صرف نظر از مجاورت کنونی situational یا neblizosti به قدرت هر گونه می تواند پاسخگو برای نقض قانون بحث برانگیز، به حداقل رساندن مالیات، و غیره، در هوا معلق در هوا دائما سوال برگزار شد -- افراد بعدی؟ اگر به این اهداف کار کاملا متناسب با قانون قدیمی، همیشه ممکن است برای تنظیم و / یا کمک هزینه عمل معطوف به گذشته، به صورتی که، به ارزیابی رویدادهای گذشته، شرایط را در مورد علاقه بعد از فرار از لحظه.

در روسیه، هر گونه ملک، به جز قدرت خود را، -- مشروط، موقت و situational، آن است دقیق به صحبت می کنند تا این خاصیت را با منافع مقامات در تضاد نیست.

بنابراین، سرقت، میهن ما بسیار ویژه است، تجلی دیروز نیست، نه در بعد از پدیده اتحاد جماهیر شوروی. کلمات شناخته شده از ایوان چهارم (وحشتناک)، تبدیل به انگلیسی، زرگر: "روسی (مطالب من همه دزدها!" پدیده مشروعیت دزدی روسیه سزاوار توجه هستند. به یاد بیاورید تعریف Èn Trubetskoy: "دزد ایده آل است در تماس بسیار نزدیک با رویای خاصی از مردم معمول است و کلیت طبیعی و اخلاقی، به نظر می رسد، داده شده توسط دو عامل اصلی است. عامل اول کهنه منشاء رابطه برابری به طبیعت و محیط زیست فرهنگی تمدن: تمدن بیگانگی محیط زیست -- جنگل همان جایی است که زیادی کل، و از چه کسی، چگونه همیشه به شما نگاه -- شکست کند، و بنابراین "مرز بین جرم و رفتار طبیعی است بسیار مبهم و بسیار معمول. حتی در این نامه دیده می شود. سعی کنید به زبان انگلیسی ترجمه کنید: " که دروغ گفتن را در اطراف گشاد. "به معنی دقیق این کلمات را به تفصیل شرح دادن به مدت طولانی در این نوع از turnovers phraseological در فرهنگ انگلیسی فکرنکردنی.

عامل دوم ضعف است، در صورت فقدان کامل نیست از مالکیت خصوصی. به عنوان مثال، اجازه بدهید ما بازگشت به صفحه یادداشت از زندگی توسط J. فلچر: "اگر هیچ است هر گونه ملک وجود دارد، سپس او سعی در پنهان کردن آن را، تا می تواند، گاهی اوقات دادن صومعه، گاهی دفن در زمین و در جنگل ها، معمولا به عنوان انجام شده با اشغال شده توسط دشمن... مردم، خجالت، و محروم از همه چیز که میشود به از دست دادن هر گونه تمایل به کار کند. " مرزهای مفهوم "خود" و "بیگانه" را در ذهن مردم هستند و به طور عمده تاری قرار دادی است. در این سیستم از ارزشهای اساسی از مختصات موقعیت هستی شناختی است از هر گونه ملک خود را بدون مرد. این اصل نیز در آگاهی توده حال حاضر: آسمان، زمین، هوا، آب، جنگل ها، نفت و گاز (به طور کلی مواد معدنی) -- این است الهی، عمومی.

به همین دلیل، آن چنان مغشوش و ناکارآمد از روسیه برگزار شد خصوصی سازی اموال دولتی، زمانی که بازیگران درگیر در این فرایند، هیچ تضمین که مالکیت خصوصی در روسیه -- در اینجا به ماندن وجود داشت، این مسئله بود که تعریف متعارف نیست و، به تبع آن، درجه لازم بود از مشروعیت به دست نمی روند. روند خصوصی سازی در روسیه، از مالکیت دولتی را به نه تنها به افزایش بهره وری اقتصادی در نظر گرفته شده بود، اما کمتر تمایل به تغییر قطعی نهایی نظام اجتماعی سیاسی است. بوروکراسی دولتی بود، آگاه نیست که انتقال املاک را در دست خصوصی، عمل



قابل برگشت ، غیر قابل فسخ به عنوان اصل به عنوان پایه ای برای عملکرد اقتصاد روسیه. بنابراین آغاز توزیع مجدد قدرت زیادی به اموال ، از این رو برای تحقیر موسسه بسیار اموال.

این طبیعی است که چنین روحی می تواند اساس رشد عمدتا گسترده ، استراتژی های زندگی انگلی. در روشن ترین شکل از زمینه ذهنی از آنها استفاده شده است ، در انتقال تجلی ، فاز بحران از تاریخ ما است. بدین ترتیب ، در اوایل 20 - ies از قرن XX PBStruve اولین ارزیابی ، نتایج اولیه ای از فعالیت های اقتصادی دولت کمونیست در روسیه : "کمونیسم است که وی در سه سال هزینه سرمایه داری زندگی می کردند و به ویژه ، نظامی ، اقتصاد سرمایه داری ، به بهای از چیزهای او سهام. در حال حاضر او این ذخایر خوردند -- از این رو تشدید شدید از وضعیت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی از روسیه است. این تشدید بحران انگل اقتصاد درنده (کج ما -- سورگوم) ، کشور را به واکنش طبیعی فرو اقتصادی است.

اما این استراتژی های زندگی بطور قابل توجهی بیش از دوره شوروی در تاریخ ما ، در دسترس ساخته شده در روسیه از بسط و توسعه استفاده از جمعی از بریده بریده و سوزش کشاورزی است که در مناطق خاصی از کشور تا قبل از قرن XVII ، زمانی که اقتصاد در کشاورزی و تضعیف ، که "به عنوان یک سیستم از ساخته شده است بر اساس غالب شد بر اساس کشاورزی شرایطی که مالکیت زمین و جنگل. پس از پرتاب قلاب شده... برای فروش می باشد یک بار دیگر تبدیل شدن به یک رسم. این استراتژی تمرکز گسترده انگلی است سازگار و تاریخی در صادرات مواد خام : در پانزدهم -- قرن نوزدهم صادر بوته شاهدانه ، چوب ، عسل ، پوشاک از پوست خردار ، و در سه ماهه سوم سال XX -- شروع قرن XXI -- نفت ، گاز ، سنگ معدن فلزی و همان جنگل. با صادرات کالایی را برای مدت اضافه تنها صادرات سلاح ، که در آغاز گفت : دوره ، روسیه خریداری می گردد.

از موارد فوق روشن است که ماهیت کالا صادرات اختراع ما این است که پر از توطئه از اتحاد جماهیر شوروی تنها نخبگان ، او نه تنها در تولید منابع طبیعی خود نیست ، اما کمتر از استراتژی کلی برای زندگی گسترده است ، کشوری که ، در واقع ، زندگی در rents منابع ، پول در فرم استراحت پرداخت از جهان است. این استراتژی است که هنوز به طور کامل خود را خسته ، جلوتر از مشارکت روسیه در فروش سهمیه برای آلاینده محیط زیست ، اساس ، تجاری ، بلکه با هدف فوق و روند محیط زیست ، پروتکل کیوتو گذاشته.

مقرر امور نوبه خود به پویایی غیر قابل پیش بینی تحرک اجتماعی ، جایی که مردم می توانند از پایین نردبان اجتماعی در لایه های بالایی خود را افزایش ، و می توانند ، در مقابل ، از بالا به پایین به پایین. فقط در طول قرن گذشته ، فرایندهای مشابه Oktyabrskogy یک مرتبه رخ داده است ، پس از انقلاب سال 1917 ، در اوج سرکوب استالین نیمه دوم 30 - ies و در پست اول - دهه اتحاد جماهیر شوروی. در زمان مشابه ، این دوره های شدید از پویایی تحرک اجتماعی هستند interspersed او را بسیار به آرامی ، تا اینکه تقریبا به پایان رسیده انسداد مرز از بین لایه های اجتماعی. آخرین و دفعه بعد مثلا کاهش رشد افراطی ممکن است به عنوان وضعیت اجتماعی و فرهنگی در کشور در دوران به اصطلاح "رکود برژنف" در خدمت. لازم به ذکر است که جامعه روسیه است سیستم پس به وضوح و همواره تجدید پذیر از قشر بندی های اجتماعی به عنوان جامعه غربی. مواد منفجره ، تنوع و آرونگی از نقش های اجتماعی و کمک به اموال دولت مایع.

مشکل مالکیت است که به دقت و مرتبط با مشکل آزادی است. در هر جامعه ، افراد تا حدی است که او مالک مستقل رایگان می باشد. تا آنجا که او از حق مالکیت محروم است ، تا او اموال متعلق به موسسهی برتر اجتماعی است. برده های باستانی از حق مالکیت محروم شد و او صاحبخانه است. غلام به حال سهم خود را از زمین و مزارع کوچک ، و به تبع آن ، بخش مربوط به آزادی ، کوچک ، اما با فرض در اختیار داشتن حقوق خاص. اما مفهوم نگرانی مسلم حقوق بشر

، و نه ، به اروپا ، ولی نه به روسیه ، چرا که شباهت کمی ما را به فنودالیسم از اروپا است. دهقانان روسیه زندانی در واحد نیست ، اما یکهو در اواخر قرن ، هنگامی که بسیاری از اروپا ، به استثنای لهستان و برخی از principalities ژرمنی ، آنها همواره آزاد بوده اند. شروع با پیتر من ، دهقانان را به سقوط دولت برده داری و برده عجیب در مورد حق از نظر قانونی قابل اجرا بر اموال و آزادی صحبت کنند.

انعکاس در انقلاب 1917 روسیه و ensuing عمران جنگ ، ریچارد لوله ها اشاره کرد که آزادی "بود تا رهایی از محدودیت در مردم از این حقیقت بسیار از زندگی خود را تحمیل کرده و با هم وابستگی متقابل بین آنها را درک. بنابراین قبل از همه کسانی که در آنها در هر مکان داده شده گنجانده شد منشاء دینی و فکری حکومت ، جامعه ، نظم ، نظم را ویران کرد. در مناطق شهری -- پلیس ، مدیران ، قضات ، کارخانجات -- مالک یا مدیر ، حضور بسیار یادآور آنچه شما نیاز دارید که کار این است که دریافت دستمزد... که در روستاها -- همسایه ، نزدیکترین شهر موطن ، به نماد نجابت ، یعنی قدرت و ثروت در همان زمان...".

ثبت نام کمتر مشروع ، قانونی و انتقالی نه به معنی غیر قانونی اموال ، کمتر به طور قانونی از حقوق فردی و شورش بی رحم و عاری از احساسات ، بزرگتر از هر گونه رد و همه سلسله مراتب ، از جمله فرهنگ. بنا به اظهار تنها PBStruve ، پس از پیروزی انقلاب یدلایمخیرات 1917 "از جمعیت کل ، همراه با حق برخورداری از مالکیت شخصی ، اساسا شوند و آزادی های اقتصادی و ریشه هستند قطع ترین آزادی شخصی. تجربه کمونیست روسی در وضعیت جدید reaffirms حقیقت جامعه شناختی و سیاسی ، بیان کرد که مالکیت و آزادی اقتصادی بنیاد و پالادیوم از آزادی های شخصی در تمام مظاهر آن ، حتی در ظریف ترین و راس. است که چرا با تمام imperfections و تناقض ها ، فرایندهای انجام گرفته در روسیه در آخرین دهه از قرن XX ، آنها را به حصول اموال بیشتر یا کمتر شد و لذا -- به آزادی بیشتر و یا کمتر بود.

اما صاحبان مشکل تر برای مدیریت ، دست کم در پارادایم سنتی امپریالیستی ، بنابراین دولت نمی کند و نمی تواند میل به پایان نهایی را به خصوصی سازی از 90 است ، هیچ علاقه ای به سرانجام قانونی مالک. بر این اساس ، می تواند وجود داشته باشد تمایل به حفظ سطح مناسبی از آزادیهای مدنی مالک. به عنوان یک نتیجه ، ذخیره و پخش همان وضع موجود قدیمی که به بردوسکی در یک شعر در سال 1972 نوشت : "شاید زمانی که شما در آستانه نگاه ، / شاخصی بیش از Tver ، در ولگا : / رشد افراد دیگر / در خدمت فقر باشد. / سریع ، بی اعتنا به خودم / چه سریع و چالاک در کار / در سرنوشت خصوصی خوردن / بی رحمی کل آزادی است. "

نه چندان طولانی در پیش ، در دوره اتحاد جماهیر شوروی تاریخی ما را از قدرت تحت شعار "قبل از صفحه اصلی در باره فکر کنید ، و سپس در مورد" گذاشته بر جامعه فنودالی ، در ذات ، جرم و در اینجا وظیفه ای در زمینه های پردازش و مخازن جمع آوری که بخشی از گندم ، که موفق به گردآوری ، به انجام خدمت نظامی در ارتش ، نگهبانان مرزی قطعات ، کار در بسازند stroyotryadah با استفاده از ساخت و ساز سنتی ، در اینجا و بدون اجبار اقتصادی برای کار ، فراخوانی را به پلیس ، ارسال 101 کیلومتری ، در محل نه چندان دور ، ایمان و اعتقاد به قدرت مطلق جمعی بر فردی (شما می توانید -- و نه تدریس ، انجام نمی خواهید -- قدرت). و این همه در سال های نسبتا لیبرال از رکود ، به چیزی از آن دوره قبل از تاریخ اتحاد جماهیر شوروی.

چه نوع ملوک الطوائفی ، چرا که چیزی از این پیمان (lennyh) روابط ذاتی در نوع کلاسیک فنودالیسم وجود دارد؟ اما تمام سیستم مصوت همان ، اما اغلب ضمنی موافقت نامه ها و فهم بین دولت و جامعه هنوز هم بود. را مطابق با قواعد شناخته شده بازی ، شما خاموش می شود هنگامی که لازم است -- شما را به سیستم توزیع سهمیه را خواهد این شانس برای خیلی دقیق است ، اما پرستاری و موقعیت فرمانده از دست مقامات را افزایش دهد. اما در پشت نمای سر در این

kvazifeodalizma اصل بسیار عمیق و اساسی از وضعیت برده داری مشاهده میشود. به خصوص آشکار در این رابطه که در دوره استالین ، هنگامی که مردم را از املاک فئودالی مزارع جمعی و مؤسسات در gulag به ساخت و ساز "پادشاه گرفته شد ، آن را otheosisap کار برده شد. به سوی پایان زندگی VV Shulgin اشاره کرد که "برندگان -- کشاورزان داد استالین نان گدا ، برده -- برده ، از سربازان هیتلر را شکست... برده داری ، دارای دو چهره : وحشتناک و خلاق. بردگان اهرام مصر را خلق کرده است و استفاده از پر اب و تاب از سیل رود نیل. بردگان کنترل شده توسط کشیش باهوش ، پدیده ای بیش از آن است که با توجه به ارزش شده است.

مطابق با این طبقه kvazifeodalizmu و اجتماعی جامعه بالغ استالین. در سلسله مراتب اجتماعی در سطح عمده امپریالیستی بود -- در این سطح ، متعلق به مردم میهن ، حزب و شخصا رفیق. استالین. تا به خود فئودالی در زیر سطح آن دیپارتمان ، و مرد متعلق به گروه ، به ترتیب ، و در سطح محلی -- کارخانه و یا مزرعه است. لازم به ذکر است که manipulations از آمدن مرد از رئیس های امپریالیستی از این مؤسسات در سطح اجتماعی ، به هیچ وجه محدود ، در حالی که رابطه فئودالی با اجساد پدر و مادر از سطح پایین تر را توسط مقامات بالاتر اداره می شود. در 90 سال ، به طور گسترده مشاهده آمل بعد از انسان شوروی از hierarchically توسط یک تیم ساخته شده و یا حداقل از پشت بام "شامل" (شما باید کسی باشد؟) ، را توضیح می دهد که چگونه یک دوره خاص در تاریخ ما ، تلاش "در دست است ،" با توجه به قدرت ، " آقای مشاهده حفاظت شخصی و امنیت مال ، در مقابل هر نوع خشونت ، دفاع "از افراد قدرتمند اجرا".

دلایل است که ما هنوز هم نمی تواند خارج شدن از kvazifeodalizma این دولت چه کسانی هستند؟ یکی از دلایل اصلی برای دگرگونی تدریجی خود را ، به چالش کشیدن و در این واقعیت نهفته است که از آن باقی مانده است کاملاً عملیاتی و موثر شکل سازمانی جامعه است. در این شرایط ، برای دولتی را به مجموعه خواص خود را در بالا انتقال مشکل و نه از فئودالی و سرکوبگر را به شکلهای عقلانی و انسانی از سازمان ها است. نشانی از جامعه به دلایل کهنه خود را ترک کند و حفظ بسیاری از اعتقاد به توحید عقاید سنتی ، به سادگی می توانید یک ایالت دیگر را نداشته باشند ، اما برای همین دلیل آن را غیر ممکن است بیشتر توسعه ماندگار از دولت است.

قرض گرفته لیبرال اشکال بد acclimatized و به طور موثر عمل در خاک روسیه است. آور ، rooting ، نوآوری disistemnyh در حوزه اجتماعی مطرح - فرآیندهای فرهنگی و مدرنیزاسیون ، به خصوص مراحل لیبرال آن ، بسیار سخت و محرومیت خود را مستقیم به هنگام ارسال یک فرصت تاریخی و راحت ، از جمله در دوران بعد از انتقال به لیبرال مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون. و "اگر مدت نوسان تنفس آزاد ، و سپس راه حلی برای این unshakable. اما در واقع می تواند خود را برای بازتولید طولانی نیست. پس از همه ، او همواره squanders هیچکدام از منابع ملی ، شدت اتلاف خود و تعیین مدت زمان وجود آن است. "

طبیعت Kvazifeodalnaya از قرون وسطی ، در ذات ، مقام عالی به عنوان یک جنبش رو به پایین از لینکهای سلسله مراتب اداری در تنوع و گوناگونی تجلی زندگی اجتماعی است ، تجلی در فرم های کشاورزی امرار معاش ، از جمله خدمات ما معروف داد و ستد کالا در ازای اجاره و تشنج ، به اشکال گوناگون در همسایگان ارزشهای صفحه اصلی -- زمین ، در تفسیرهای جاری از بخش های مختلف موضوع و استفاده اقتصادی از مالکیت به طور کلی. در این سیستم در مورد وجود سلسله مراتب از وضعیت ، خدمات اشتغال ، عرضه می کنند آیین ، سیستم خود را از تغذیه ، دادگاه هم بیعت کنند. سیستم مشابه روابط است تکثیر در سازمانها ، مقیاس شهرستانها ، مناطق ، استان ها ، جایی که به دنبال kvazifeodal مهمتر از همه به عنوان یک قاضی به خدا و رشد ، نشان از استقلال "، جنگجویی ، دلخواهی --... از ویژگی های معمولی barons فئودالی".

این نوع رشد برای دولت است ، راز ، و در زمان های روشنی برای کابوس رمز و راز از رهبران محلی ، و در زمان های خواب مردگان این به ارمغان می آورد را در ذهن شادمانی منطقه ای برنامه جهانی بیش از آن بوریس یلتسین ، مربوط به 90-es i در اوایل قرن گذشته از : "نگاهی به عنوان حاکمیت آنجا که می توانید ، حق حاکمیت ملی ، و بخشی دیگر presupposing امور است که در آن ، همانطور که در قرون وسطی فرانسه ، با توجه به Glassona ، "همه چیز را در تیول به او داده شد : زمین ، مالیات ، tolls ، عدالت و مجازات ، حقوق ، rents ، دفتر.

به عنوان بخشی از موضوع انتخاب شده ما را از مدرنیزاسیون از تحولات بسیار مهم است این سوال که چرا روسیه مدرن در تمام سطوح که به راحتی در زمان عمر اوباش "مفاهیم" است؟ از آنجا که این مفاهیم را منعکس varvarizovanny ، اما آلی را به ذهن مردم راه لیگامانها روابط قبیله ای و فئودالی. bandits قدرت در چیزی شبیه به حکومت ، توسط ولی بدون نیاز به وزارتخانه باید از آن به عنوان ممکن است به نظر می رسد ، به عنوان درک بیشتر "خود" است burdened می شود ، شامل دستخوش احساسات می شود ، به نظر میرسد راحت تر به توافق برسند.

رابرت Putnam آمریکایی در کتاب خود که دموکراسی کار کرده است با توجه به راه های مختلف توسعه در شمال و جنوب ایتالیا ، در مقایسه علل گسترش مافیا - جامعه در سازه های عمودی یا افقی تحت سلطه است : "در قرن نوزدهم ، جایی که در قرن XII تثبیت ساختار عمودی سلسله مراتبی است ، مافیایی وجود دارد ، به اصطلاح مردم فرهنگ مافیایی مستحکمتر میکند. در همان شمالی و مرکزی ایتالیا ، جایی که یک بار شهرستان - صمیمانه آنجا بودند ، به انجمن های اجتماعی ، اتحادیه های کارگری ، احزاب ، جوامع کمک های متقابل ، و غیره وجود دارد... مافیایی -- نه سرعت ، راهزنی است : نه آن را می فروشد اعتماد واسطه در فقدان دولت است. hierarchic حالت عمودی است که نشانی از روابط افقی نیست -- عمدتاً پنهان است ، دولت وجود ندارد. مافیا پر این وقفه ، مصرف بیش از اقتدار مشروع است. کفایت آن تاکید شده است بدیهی است که جامعه روسیه را به طور کامل توسط اتصالات عمودی و افقی تحت سلطه نبود ، تا زمانی که تولید مثل از وضع موجود در تنظیمات شبکه های حمل و نقل ، هنگامی که یک منطقه همسایه بسیار راحت تر است برای دریافت از طریق پایتخت این ایالت.

در روح فئودالی در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه دیده از خصوصی سازی خشونت ، انتقال قدرت به عملکردهای مشترک از دولت در سطح محلی ، به طوری که هر تاجر بزرگ خود را برای ایجاد سیستم امنیتی قوی و کارکنان آن توسط مردم را از وزارت کشور ، کا گ ب و سازمانهای امنیتی و سایر سازمان مجبور شد. دسترسی به نیروهای امنیتی خود امر لازم بود بزرگ و اغلب متوسط کسب و کار. در این فرآیند به روشنی ترسیم خط بارون فئودالی که "باید توانسته است با زور اسلحه ، یگان predvoditelstvuya از بندگان خود را ، برای محافظت از اموال خود را ، چرا که در غیر این صورت او نبود vassals بارون' در غیر این صورت نمی خواهد که به او خدمت می کنند ، و زمین را سرو و بنده خود را در این دوره از حکومت قوی از قانون در مخالفت با تبدیل به شکار آسان به همسایگان خود را barons جنگ است ، یا ارباب بود.

در زمان های قبل از آن آمدند تشکیل کل ارتش های خصوصی ، همانطور که در اوایل 90 - ies حفاظت از خدمات بانک بیشتر در مسکو شده بود ، پس متعدد حرفه ای و غیره ، که دولت تا به کارکنان خود را به توفان استفاده می شود شهرداری (ساختمان سابق CMEA) در حوادث اکتبر 1993. در سطوح متوسط و کسب و کار کوچک ظاهر چنین چیزی به عنوان یک تاجر معتبر ، یعنی کارآفرینان با کسب و کار خود را در درون مولفه نیروی ، گروهی از مردم که درگیر ماموریت های حساس ، به طور کلی متشکل از ورزشکاران سابق و / یا مردم را از جهان مجرمانه است. در اینجا ما دوباره ، "fallthrough" در قرون وسطی اروپایی با استفاده از فهم خود را از حقوق و آزادیهای فردی ، درک ، تا حدودی یادآور درک آزادی در پیام ارسال شده اتحاد جماهیر شوروی روسیه : "آزادی -- وضعیت تضمین شده است... این

می تواند فقط در یک حالت وابستگی ، متوجه شدم که در آن بیشترین احترام را برای او تضمین پایین ترین حقوق. انسان آزاد -- کسی که دارای یک حامی قدرتمند است. "

فئودالی / kvazifeodalny طبیعت از زمینه های مختلف از عمر اتحاد جماهیر شوروی رفته است نه خود خسته شده اید ، نه تنها در داخل کشور ، بلکه برای درک بیشتر ناظران خارجی ، که باید طبقه بندی شده ، و G. بل : "نکات در دولت tsarist در رابطه با کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی در قرن XX کافی است -- و آن ها برای من قانع کننده به نظر می رسد. برای اتحاد جماهیر شوروی به طور واضح یک دولت فئودالی است که در آن ظلم و ستم است از تحت علامت مختلف به اجرا درآمد... "و بیشتر در این باره با اشاره به تراز دلخواه برای سلسله مراتبی از همه چیز در اتحاد جماهیر شوروی ، صف ، صف ، اضافه می کند : " من می خواهم شما را به درک : اتحاد جماهیر شوروی -- کارکنان توسط دولت فئودالی.

تلاش در 90 سال از مقامات تلاش کرده اند که از کنترل تنگ بیش از حوزه های مختلف زندگی بشر ترک کرده است هیچ قدرتی در به انجام برخی از کارکردهای جامعه مدنی ، توسعه linkages افقی ، و تنها خود به خودی kvazifeodalizatsii - فضای شوروی. محدوده ی این روند موثر است -- نشان می دهد این حضور بر اساس روان جمعی برای asamorazvertyvaniy آن است. اما حتی این kvazifeodalnoe دولت را به طور خود به خودی که در جامعه روسیه جریان ، با تضعیف دولت از رسانه های امپریالیستی است ، پیشرفته تر ، نشان درجه بیشتری از آزادی شخصی ، از دروغ گفتن در مجاورت امپراتوری ، اصل برده داری دولتی.

### فصل 3. مدرنیزاسیون و اجتماعی و فرایندهای فرهنگی در روسیه از سال 1991.

#### I. اجتماعی و فرهنگی ، اوضاع در روسیه پس از سال 1991

وقایع سال 1991 و در روسیه و خارج از کشور برآورد شده ambiguously : بعضی از آنها را به معنای از انقلاب بزرگ اجتماعی را ، در حالی که دیگران در نظر آنها چیزی بیشتر از کودتای فهرست علایم و نشانههای ، با انتقال قدرت از یک قبیله بوروکراسی خود را به دیگری همراه است. به نفع نسخه دوم را نشان می دهد تداوم شخصی مستقیم از شوروی و بعد از نخبگان اتحاد جماهیر شوروی. به این ترتیب ، ضربه به سر. بخش از موسسه جامعه شناسی آفت O. یادداشت Kryshtanovskaya که "از نتایج تحقیقات مطالعه بخش از نخبگان موسسه جامعه شناسی ، فرهنگستان علوم ، بیش از 75 در صد سیاسی و 61 درصد از نخبگان کسب و کار -- آمد از nomenklatura قدیمی اتحاد جماهیر شوروی. نخبگان سیاسی جدید که عمدتاً از سابق حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و کارگران تشکیل یافته بود ، و نخبگان جدید اقتصادی ، از فعالان و رهبران Komsomol ، مدیران و رؤسای replenished کسب و کار است. "

این ارقام به طور غیر مستقیم نشان می دهد که انقلاب اجتماعی تا حد زیادی با تولید و حمایت ضمنی از بسیاری از arthoznomenklaturyp مستقیم انجام شد ، در رشته های زیادی از مو ، برای آن ، ماده ، و اکثریت قریب به اتفاق قربانیان کاملاً عمومی از دست رفته ایمان خود را به آرمان های کمونیستی. بنا به اظهار تنها از ولادیمیر Bukovsky ، قسمت عمده parthoznomenklatury وقایع یدلایمخیرات 1991 اوت "آیا انقلاب است ، نه رهایی از ظلم و ستم توتالیتار و قطعاً نمی فروپاشی آرمان ، بلکه فقط به سرعت در حال سرعت بخشیدن به حرفه خود با پریدن درست در چند مرحله از

سلسله مراتب قدیمی معنی نیست. آن را در سال 20 از قرن گذشته پیش بینی شده اتفاق افتاده است، LD تروتسکی را "تولد دوباره" parthoznomenklatury رخ داده است در مبادله بسیار منظم دسترسی به املاک: "تنها نیمی از امتیازات قیمت اگر شما می توانید آنها را در ارث برای فرزندان را ترک نمی کرد. اما شما از حق مالکیت تفکیک ناپذیر است. هنوز به اندازه کافی به مدیر اعتماد، شما باید سهامداران. پیروزی بوروکراسی در این زمینه انتقادی را که به معنای چرخش آن را در یک کلاس جدید با مالکیت". به همین دلیل است که حوادث سال 1991 را تبدیل به یک polubarhatnoy، جای تعجب برای روسیه، انقلاب اجتماعی خفیف.

فروپاشی نظام شوروی رسیده نقطه افراطی آن، در خارج از حدود اواخر صف بودند گفتگوها در حمایت از کمیته اضطراری، اما فراتر از آن است که مبتدل است. این نام وجود دارد، آنها از جا در رفته با چرب، و نه کسب و کار ما، به خوبی و خوبی است که دولت اضطراری کمیته سفارش باید بروید. این سروان پلیس پشت سر او است -- می باشد سفارش چپ مردم بی مراقب -- بدون نظم، پلیس باید بازگردانده شود. اما این بسیار ساده است و کافی نیست ایدئولوژی بود برای حفاظت از سیستم سوسیالیستی و اتحاد جماهیر شوروی سابق بودند، اگر گسترده نیست، اما حداقل هر عملکرد می دهد. سال 1991 اتحاد جماهیر شوروی سابق -- و نه شیلی در سال 1973، که در آن به مدت دو هفته نگه دفاع توسط شورشیان مدرسه از ماموران حکم، کاخ لا Moneda، سالوادور آلنده، در کلاه سوخته و با تفنگ احاطه شده، و هزاران تن از ناشناخته Chileans دفاع از آرمان، که معتقد بودند، به دفاع از پایان.

در اتحاد جماهیر شوروی سابق، در یک واحد نظامی و یا واحد منفرد از روبنا، که می تواند با ادای سوگند وفاداری به رسمی اتحاد جماهیر شوروی، افسر و یا حزب کارگر انطباق وجود نداشته باشد، به اجرا درآورده است غیررسمی در زمان مراسم ادای سوگند وفاداری به CPSU، وفاداری کارت عضویت با ستون های شسته و رفته از تمبر جوهر، بلبرینگ، شاهد زمان پرداخت مشارکتهای. مشارکتهای شده اند مدتها پیش و محدود بود، و به مرگ برای حق ادامه دهد هیچ کس به پرداخت می خواستیم. در یک ششم از زمین وجود داشت یکی از دبیر کمیته منطقه، کمیته منطقه ای، منطقه ای کمیته، کمیته حزب جمهوری خواه از CPSU، که می تواند باز امن، در زمان طولانی در خارج از پیش بینی این روز بسیار با تکیه بر مرتبه خود و سلاح، گرفتن نیست پرچم قرمز با یک گروه از علاقه مندان غیر متخصص را عوض نمی کنم دفاع در محیط. فرض کنید برای یک هفته، سه روز، شش ساعت، مهم نیست، اما این حقیقت تاریخی یک واقعیت تاریخی است -- که هیچ کس دیگر خواهد شد. علاقه مندان می شده یافت نشد، شاید، اولین دوره تاریخی به پایان رسید تا به اتفاق آرا -- بی سر و صدا. به پایان رسیده است، پس -- آمد به پایان، ته قنداق تفنگ و شلاق pereshibesh نیست.

pereshibit معضل سعی در ضربه زدن از دو سال، وقتی مشخص شد که غرب در بهشت هیچ زمینی، اقتصاد سرمایه داری نشانی از شیر و عسل با شیر و عسل را درگیر نیست، تا قبل از حضور آنان است سوسیالیسم واقعی پیش بینی نیست. در سال 1993 آن را بسیار وخیم بود -- مقاوم در برابر حفظ اساس "طرح ریزی" قدرت اتحاد جماهیر شوروی، در برابر شورای عالی روسیه است. همان کاخ سفید در Krasnopresnenskaya خاک ریزی و در ماه اوت سال 1991، و در ماه اکتبر سال 1993، تقریباً همان نمایندگان است، اما محتوا از وقایع و اساساً متفاوت است. در روز پس از یدلایمخیرات 1991 اوت هزاران Muscovites آمد، صرفاً به منظور حفاظت از نمایندگان و یا رئیس جمهور N. بوریس یلتسین به عنوان رهبران های منتخب دموکراتیک در روسیه و به خصوص در زمینه محافظت از آنها به عنوان افراد، هر چند برخی از آنها دارای درجه خاصی از گیرش. دفاع امیدواریم که شامل نه تنها در آینده بار مشاهده شده است روزانه به hypermarkets، قهوه بر روی تراس از کافه های اروپایی، خواندن کتاب، تماشای فیلم، خرید، است که، مصرف مصنوعات فرهنگی، که هم اکنون در اروپا مصرف می شود، خوانده شده، دیده بان و بپوشند. دفاع از همیشه امیدواریم

که دوباره در زندگی ام به حزب و جلسات Komsomol ، تظاهرات کارگران ، نمی آید هر شب در تلویزیون برای دیدن و صورت وزیر آینده به طور کلی در عرصه بود. اما این فقط یک ، کم اهمیت و سطح ، و در زمان مشابه ، بیشتر معتقد به فلسفه عقلانی ، دروغ گفتن از روی سطح انگیزه افرادی که به کاخ سفید در یدلایمخیرات 1991 اوت بود.

دیگر پنهان بود وجود دارد ، دشوار است صحبت ، تقریباً ژنتیکی انگیزه ، که در تب و تاب بودن و قدرت خود را به عنوان مقدار به اول برتر. بله ، حق و امکان بازدید روزانه به فروشگاه بزرگ -- باشد خیلی خوب است اما نه برای جان او ، این سطح از انگیزه نیست. مردم ایستاده در سمت دموکراتیک barricades ، انگیزه بود. درک آن امکان پذیر است ، اگر چه نه چندان منطقی است ، اگر در تمام عقلانی. فراخوان alicG .A : "و در کجا roamed Kaer منطقه / و برف به دنبال ریشه های فاسد شده ، / به این زمین ، بدون برای اولین بار ، شلوار podtyanuvshi نه خمیده زانو... / ثبت لوله همان ، همان ملودی آواز خواندن ، آواز خواندن در مورد Potma من ، / عضویت برادر من ، وجود دارد در پاییز یخ کردن. " فراخوان میلیون ها نفر شکنجه ، اعدام ، نه به دنیا آمد ، تصویب از طریق زندان و اردوگاه های کار اجباری ، بنابراین فقط "به مدت هفت سال (1934-1941) را مصادره 19 840 000 مردم است ، درباره 7 000 000 شات. از campers رفت و برگشت و توانبخشی ساخته شده از حدود 200 000 "، و " به مدت هفت سال (1929-1936) سال collectivization در روستای نزدیک به پنج میلیون خانواده ناپدید شده بود. "

به یاد داشته باشید "Kolyma داستان" Shalamov V . ، "آخرین نبرد او از عمده Pugachev ، که فرار از اردوگاه هنگامی که سرباز سابق با چند ehlineykamitr داد enkavedeshnikam آخرین نبرد خود را nastigshim. این کشور همه سال هفتاد و قدرت اتحاد جماهیر شوروی و سپس puffed شد ، همانطور که در استان Tambov سیبری و اوایل 20 است ، سپس به طور کامل از چشم ها ناپدید شد ، تا در 60 - 70 - ies قرن XX ، جنگ داخلی بود. حتی در 50 سال پیش آمدگی لبه بام از تحت huts دهقانی نشد trehlineyki طراحی 1886Mosin ، دهقانان که تا پایان عمر با صمیمانه امیدواریم که از همیشه تا برای شما استفاده می شود ، ذخیره شده بودند سران -- برای collectivization.

بدین ترتیب ، در سال 1957 ، یک شهروند تحت تعقیب قانونی قرار برای ضد پیامها اتحاد جماهیر شوروی ، در دادگاه گفت که "من نیاز به دفاع نیست. من بر علیه شما خواهد شد وقتی که خودم دفاع خواهم کرد که سلاح داشته باشند. این نامه ها را نوشته ام و خواهم نوشت. در حال حاضر تعداد زیادی از آنها. و ما باید برای مبارزه مشترک متحد شوند... " یدلایمخیرات 1991 اوت -- این آخرین نبرد عمده Pugachev ، مبارزه با تاریخ و زمان آخرین کسانی است که آیا زندگی نمی شد ، اما بسیار می خواست تا صبح زنده بماند. این ارزش زیادی است ، مخازن دستیاران در اینجا ضعیف است ، و باید چنین باشد حاضر به ساقه ، برش ، بکشند. " اما هیچ خواهد شد وجود دارد. خسته می شوند. این دوره به پایان رسید.

در سال 1993 ، در مقایسه با قدرت انگیزه منظم مدافعان کاخ سفید رفته بود. شما می توانید از دیوار ، بقیه از آنها بخشی از مجلس ، حمایت از اتحاد جماهیر شوروی سابق می تواند دفاع کند. ما می خواهیم در اتحاد جماهیر شوروی سابق بازگشت ، ما دوران شگفت انگیز بود. نمایی دلالتگی برای بهشت از دست رفته ، نابودی در رزرو ، شاد دوران کودکی ما ، دو سوسیسی و ودکا در three - twenty شصت و دو. اشتیاق نمایی برای از دست رفته مناسب است. به علت فوت ، و در نتیجه یا نه برای سپیده دم صبر ، و بنابراین چگونه می تواند شما را برای مرگ دشمن آرزو؟ برای داده -- این امکان وجود دارد ، برای سوسیسی در two - twenty -- نمی تواند. و او رفت و از روزنامه نگاران به معاون رئیس جمهور روسیه و عمومی Av Rutskoï : در این قسمت در دستگاه من ، روان است ، من را ساقه ، t'don عکسبرداری نیست... در نتیجه حوادث در اکتبر بوده است بسیاری از تلفات در میان اعضای آنها ، و همچنین شهود گاه به گاه ، که بسیار به خودی خود می تواند عمیق ترین تاسف و همدردی ایجاد نمی کند. بله ، این اتفاقات می تواند ، تحت شرایط خاصی که تبدیل به یک پیش

در آمد به جنگ داخلی ، ولی ، خوشبختانه ، در تاریخ به عنوان جنگ های محلی باقی مانده است. پس از گذشتن از چنگال از انتخاب تاریخی سال 1993 ، بخشوده این زمان از تاریخ روسیه است.

با توجه به حوادث سال 1991 و 1993 ، باید به یاد آنها که شرکت کرده بودند نه تا آن بسیاری از شهروندان ، اقلیت مطلق جمعیت اتحاد جماهیر شوروی سابق. اکثریت قریب به اتفاق جامعه تا به بی تفاوتی و ازه مفرد به این وقایع نشان داده ، و اعتقاد داشتند که آنها نتوانستند به زندگی روزمره مربوط نیست ، چشم انداز زندگی شخصی ، در آینده شخصی. این انفعال است در تاریخ روسیه تازه ای نیست ، به عنوان مورد در ماه اکتبر سال 1917 ، زمانی که آب پز Petrograd بود ، وجود داشت مبارزه در مسکو ، روسیه و بقیه همچنان به زندگی بیشتر یا کمتر ، زندگی عادی ، در آغاز از وقایع انقلاب ، به چند مایل به گرفتن مستقیم در بخشی از آنها در هر طرف. سیاسی اقلیت فعال از شهروندان روسیه خبر کشور با نسخه معمولی است دیدار با پذیرش در این زمان ظاهر فقط ، و در نتیجه تئوری واقعی علمی -- مارکسیسم لنینیسم.

انفعال از اکثریت مردم و اقلیت فعال هستند ، انتخاب و در هر دو مورد برای همه است ، هر دو در سال 1917 و در سال 1991 -- unites چیز مشترک است که این فرآیندها به ظاهر بسیار متفاوت است. تفاوت اصلی بین آنها نهفته است و عمدتاً در این واقعیت است که در سال 1917 مردم رفت و به دیدار با نسخه های جدید باید تلاش شود در طول زمان ، به در آغوش تمام جهان. در سال 1922 ، میخائیل Frunze ، نوشت که "البته خیلی از روند تاریخی انقلاب طبقه ی کارگر خواهد شد مجبور به حرکت به حمله ، که وضعیت مناسبی را برای این تشکیل شده بود ، به عنوان فاز اول حرکت به سوی جهانی گسترش قدرت اتحاد جماهیر شوروی و ساخت جهانی جمهوری اتحاد جماهیر شوروی باید به اروپا -- جذب "به عنوان مرز این جلو در روشن در نزدیکی تعریف در خارج از سرزمین اصلی از دنیای قدیم". در سال 1991 روند رو به عقب به علت مراقبت ، مراقبت در زندگی خصوصی محلی آمد ، با اولویت دنبال لذت پیروزی و ساده انسانی و مراقبت.

بیش از بدیلامخیرات 1991 اوت متعاقب آن پس از سیزده سال خیلی تغییر کرده است ، و تغییر فرهنگ و جامعه است. مشکلات و تاخیر انداختن اصلاحات دموکراتیک را که ما را دیده اند ، همه این سالها ، هرگز از یک تفاوت اساسی میان اواخر و بعد از واقعیت اتحاد جماهیر شوروی تغییر نیست. مهمترین تغییر در ذهنیت رادیکال تغییر مکان مردم ، به علت مرگ باید که برای قرن ها است در ستون فقرات آغاز روسیه tsivilizitsatsionnom فضای فرهنگی است.

برای اواخر دوران توسط بدبینی ، نفاق مشخص شد ، و باطل کل ، تقریباً حکایتی اشکال تمجید مقامات ، در personified دبیر کل بعدی. مقامات ، در این دوره خود را متعهد به انتقال و نه پیچیده از مزرعه به علت به او میدان است که از دست دادن در جاده حمله آخرین sacredness. در شرایط اقتصادی و مادی امپراتوری ، به طور فزاینده بر صادرات کالاهای اولیه متکی بود ، انتخاب یک مدل رشد مبتنی بر petrodollars. از لحاظ معنوی امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی یک دوره انحطاط شد در جبر مناسب نگه داشته است که هیچ dovlelo دیگر بیش از همه و همه ، اما هنوز هم یادآور درست از چیزهایی که اولویت priori ، اما در سطح محلی است که شناخته می شود ، عمومی ، علاوه بر. در سال 1991 ، به همراه ایدئولوژی اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید و باید. اما این پاییز بود سریع و آنی نیست و کاملاً نهایی نیست ، با ما بمانید subdiskursy بسیاری از او را.

نکته اصلی این است که در طول 90 سال از دست رفته به علت ماهیت جهانی آن ، که به طور جدی مخدوش اجتماعی و اوضاع فرهنگی در روسیه است. باقی ماند subdiskursy خود را ادراک از اقتدار منفصل باقی مانده ، دولت شکست خورده است (در بهترین حالت بود موفق نمی شود) برای تبدیل شدن به بیشتر یا کمتر تکامل یافته اجتماعی نهاد. عناصر باقی مانده باید به کاراکتر که عمدتاً ساکن می پوشند ، سعی مدرن به آن را دوباره زنده خود را در قلمرو امپراتوری سابق و vseproniknovenii ممکن است بسیار برای initiators از این فرآیند موفق ، اگر تنها به تقلید آن ، که priori نمی تواند موثر منجر شود. شما نمی توانید قرار داده و سعی کنید در کشور دیگری "علمی" تجربه ، که تا کنون به نظر می



رسد کاهش می یابد به عنوان اقتدارگرا پلیس سوسیالیست "علمی" آزمایش ، بازسازی را تحت رهبری لنین ، که "نمونه naukoveriya fanatics روسی بود به اجرا درآمد.

اجازه دهید ما را به تاریخ معاصر ما را برمی گرداند. در اواخر دوران اتحاد جماهیر شوروی را فراگرفته و به دلیل فرسایش عمیق درونی ، اصل وارونگی ، طرز فکر حاکم در روسیه ، و آن را کنترل کانال های طیف وسیعی devalued ، و خود را در رابطه با او را تجلی. در اواخر دوران باید به تدریج ، از دست دادن عمق و thoroughness از میانجی گری معنایی ، که در سال 1953-1917 او در خدمت ایدئولوژی کمونیست. در 60 سال هفتم از قرن بیستم در ذهن انسان از اصول اتحاد جماهیر شوروی از این ایدئولوژی است نه تنها از دست داده ضروری است ارزش است ، اما به تدریج متوقف می شود جدی گرفته شوند : "هیچ کس فریاد" تا اسب! / اشراف قطع ریشه. Pugach / نه شما و نه Stenka. / زمستان است ، گرفته شده با توجه به دوچرخه. / Dzhugashvili ذخیره شده در قلع می توانید. / تفنگ خاموش در قسمت جلو عرشه کشتی. / در سر من -- فقط پول. "

باید به تدریج از داخل به چند دلیل بعدی و چند بعدی تخریب آثار تمدن لیبرال غربی. در سال 60 - ies در اکثر جوان و تحصیل بخشی از جامعه ، جدید اساطیر قدیمی ، که گفت که در آسمان است ، اما در آسمان نیست ، اما در طرف دیگر پرده از آهن ، وجود دارد در غرب است. در طول زمان ، اسطوره شناسی رشد قوی تر ، با وجود توضیح رسمی را از ایدئولوژی های امپریالیستی ، با وجود تصاویری که اتحاد جماهیر شوروی نشان داد تلویزیون. در اینجا و در slums ، و اعتصاب ، و سطح بالایی از جرم و جنایت ، بیکاری ، عدم اعتماد به نفس در آینده است. تبلیغ در اتحاد جماهیر شوروی depicting غرب مثل آسمان نیست ، بلکه به عنوان تجسم زمینی دوزخ ، تقریباً دوازده از دایره بود. جامعه شدن بیشتر و بیشتر عادت به ترجمه تمام رنگی ایدئولوژیک نظرات مقامات دقیقاً مخالف. اگر ادعاهای تبلیغاتی که -- جهنم وجود ندارد ، لذا در آنجا -- در بهشت ، جایی که تاج ساخته شده است داستان -- جامعه مصرف کننده. در طول سال perestroika ، اساطیر پایه و اساس تمام نوآوری های ایدئولوژیک ذهنی آن زمان تبدیل شد : "فکر جدید" ، "ارزش های جهانشمول" ، اقتصاد بازار است.

امروز ، سربازان سابق جنبش دموکراتیک با اشتیاق از صدها هزار نفر از کسانی که رفتند به راهپیماییها و تظاهرات امروز برای رفتن صدها و یا حتی ده ها تن از آنها را. فراخوان کلمات Robespierre : "جمهوری از دست داده است ، دزدان دریایی خواهیم چشید. اما چیزی که تغییر کرده است که در دوره ، به علت فوت ، مردم نقل مکان کرد و دور از نمایش عمومی از فعالیت های سیاسی ، او به انسان او را ، پیروزی های خصوصی و غم بود ، بازگشت و به کسب درآمد جهان را به سفر ، زندگی برای خود و دوست خود را بزرگ. بخش دیگری از این افراد را به سادگی فراهم نمی شد تا به جامعه مدنی از نوع لیبرال را وارد کنید. آنها در تطابق کامل با قوانین اساطیری "منطق" انتظار می رود از سقوط امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی پیش به صورت خودکار بهشت می شوند. هنگامی که قادر به حل دشمن ، بلافاصله به بهشت آمده ، و شما می توانید با سری از دوستان در شهرستان "از طلا را وارد کنید" -- که توهم مشترک و بسیاری از لیبرال فکر روشنفکران. بسنده بودن آن به سرعت مشخص شد که باغ نه واقعا بود ، ولی به اندازه کافی وجود دارد رقابت دشوار است ، و نیست بهشت در غرب وجود دارد ، و آنچه شده است ، و نه به روسیه نمی تواند وارد شود -- سپس در آن شرایط را از اتحاد جماهیر شوروی / ضد ابراز اتحاد جماهیر شوروی فروریخت و به طور کامل به علت وساطت.

امروز همچنان وجود subdiskursoy ساکن اعطا شده است ، اما مولفه محوری خود ، یعنی ، ایده eschatological در نهایت فوت کرد ، که ما با صداقت بیشترین امیدواریم. ایدئولوژیک cliches -- دستیابی به پایان eschatological از تاریخ -- "آینده روشن" (کمونیسم) -- در زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کاملاً devalued شد.

اما طنز تاریخ مرگ باید دسته جمعی مرد شوروی محروم شده است ، نه تنها کاربر اصلی متافیزیکی ، بلکه در زندگی روزمره از سیستم متعارف از هماهنگی می کند.

در ذهن غالب عمومی این باور است که اتحاد جماهیر شوروی تحت حکومت کمونیستی می تواند سال بیشتر برای صدها سال زنده بمانند ، مردم اتحاد جماهیر شوروی ساخته شده برنامه ای برای آینده ، مؤمن را از آن کاملاً پایدار و قابل پیش بینی است. Mandelstam نادژدا در سال 1975 در پاسخ به ادعای مشهور A. Amalrik اشاره : "من شنیده ام به شما نوشت که رژیم نمی خواهد برای زنده ماندن تا 1984. تلخه! زنده خواهد ماند آن را هزار سال دیگر!". نمایندگی از مصونیت از نظم جهانی وابسته به جغرافیای سیاسی و اجتماعی از امروز در خدمت سفارش زندگی و مرتبط با آن را هدایت آینده ، پر محتوا و اندود شده تا زنجیره ای مداوم است. با مناسب انسان شوروی "آسان تر شد و چون زندگی او همیشه می داند چه طور به تقدم ماده مربوط و برش کت خود را به آزادی خواهد شد و آیه سفید به انتزاع ریاضی و مجسمه سازی انتزاعی ، به جنسیت و رنگ سقف ، وجدان و خیال واهی طعم سس. با وجود نگرش انتقادی و نه به ساختارهای رسمی (عقیدتی) ، اتحاد جماهیر شوروی گسترده مردم هنوز هم از آنها عصاره برخی از محتوای اثر مثبت ارائه دهنده بدرمان روانی و تقویت آن را در این دوره از زندگی روزمره ، بسیار از حقیقت وجود خود را ، به او rootedness خاص وجودی.

به طور طبیعی ، بیش از زمان وجود دارد باید به طور روز افزونی مشروط به یاد داشته باشید که چگونه در دوران اتحاد جماهیر شوروی در اواخر ، انواع قبلا به حاشیه رانده شده از جهان ، هنری عمل ، فعالیت های اقتصادی به تدریج به دست آورد موقعیت دارای دو جنبه. هنوز هم باقی مانده در خارج از سنت بزرگ دوران سبک بزرگ ، اغلب قطره خارج از حوزه قانونی ، آنها در عین حال بهانه ای دریافت خواهید کرد ، به رسمیت شناختن درون خرده فرهنگ خاص. به تدریج eroded سبک رنگ ، بزرگ سنت دوران شوروی سابق : "در ابتدا ، این دستیابی به موفقیت در جامعه تکان دهنده محتوای جدید را در رفتار ، افکار ، و غیره رخ می دهد در یک محیط محدود ، در گروه های جداگانه ای را که در رابطه با فرهنگ به عنوان یک ضد کل دریافت خواهید کرد. اگر جامعه سنتی را از طریق پافشاری جبر است و نه با تجربه وضعیت انتقال قدرت ، رفتار گونه افراد همچنان به عنوان منحرف مورد ارزیابی قرار گیرد.

حاشیه ای ، فردگرا ، خارج از محدوده هنجار ، به سبک نوآورانه و نگرش زندگی در دوره های بعدی تاریخ انجام می شود که توانایی های پنهان ، نشان داد توانایی برای رسیدن به وضعیت referent -- "دوباره زنده روح سرمایه داری روسی در روسیه است نه از سر کار وابسته به علم اخلاق پروتستان (که در روسیه نشده اند و احتمالا نخواهد داشت) ، اما از آگاهی هنری.

به 80 سال هفتم از قرن XX ، بطور قابل توجهی تغییر کرده است و ترکیب اجتماعی اتحاد جماهیر شوروی / روسیه در جامعه افزایش یافته است تعدادی از روشنفکران و شهروندان در نسل دوم و سوم. در روزهای پایانی امپراطوری شوروی و جامعه شهری ، soootvetstvenno ، فرهنگ شهری در مقیاس گسترده می تواند در شهرستانها با دانشگاه میلیونی است ، اما عمدتاً در مراکز بزرگ امپریالیستی -- مسکو و لنینگراد توسعه دهد. این واقعیت تا حد زیادی تسریع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ، از ایدئولوژی ، نظام و روشهای مدیریت در بیشتر بدوی و کمتر تحصیل کرده محیط زیست اجتماعی محاسبه شد. با طنز از تاریخ ، به عنوان تنها گسترده مردم اتحاد جماهیر شوروی تبدیل شد و در ادامه تحصیل متنوع توسعه در اسرع وقت آپارتمان او جدا کردم ، کتابخانه ها و رادیوهای خصوصی -- اتحاد جماهیر شوروی به نیازهای حیاتی خود را متوقف کرده بود.

از بین رفتن تمدن اتحاد جماهیر شوروی -- این زمان فروپاشی قدیمی و تولد نظم نوین ، که نشده است ساخت یافته ، برای به دست آوردن وضعیت هنجار. در بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی ، تنش میان قابلیت های انطباقی از نهادی ،

ارزش سیستم های نظارتی و دینامیک sociocultural از انفجار ، قدرت خلاق از هرج و مرج ، تولید معانی جدید ، ارزش ها و رفتارها. شتاب در فرایند مدرنیزاسیون جامعه با anomie مترقی اجتماعی با آن روبرو است ، "کاهش ارزش از هنجارهای اجتماعی و شرایط محاکمات ، معرفی فرد جدید گروه و اهداف و الزامات.

متعارف از دست داده ماهیت اجتماعی و فضای فرهنگی با intermingling غریب و عجیب بود پر از امکانات واقعی و خیالی ، پول آسان ، ناپایدار ، مایع نقش های اجتماعی (به عنوان مثال "بر روی یک کارآفرین" اجتماعی ، بانکدار ، دلال). پرسش از نقش ادعایی کفایت از بازیگر در بازی در هزینه های زندگی بیشتری به تصمیم گرفته شد. احساس عدم واقعیت ، بی ثباتی زندگی engendered اشتیاق زیادی برای زندگی "امروز" ، "فردا" تبدیل شده است طعم marginality ( "تنها لحظه ای بین گذشته و آینده ، آن است او به نام زندگی" وجود دارد). بود انشعاب از ارزش این سیستم اصولی ، وقتی که هیچ یک از عناصر آن را نمی توان ادعا اصولی جهانشمول وجود دارد. فرآیندهای tractiondecons از اتحاد جماهیر شوروی فضای سازمانی ، انتقال قدرت به نهادهای جدید ، هنجارها ، ارزش ها و زندگی عملی این است که بسیار دردناک است : "در جامعه های که نهادهای سقوط ، بلافاصله خود را اعلام کرد" پرخاشگری اتمی ، "فرض کنیم شخصیت" مبارزه از همه در برابر همه "".

با توجه به جامعه یکپارچه برای قرنها و روسیه داد و بعد از آن تجربه انسان متعلق به اتحاد جماهیر شوروی از کل اجتماعی است. مرگ باید تبدیل به جدی disintegrating عوامل اجتماعی و فرهنگی ، ناشی از شوک از بیگانگی وجودی ، که در روسیه در زمان طولانی قراردادده اند. این وضعیت طبیعی در پروسه قشر بندی داخلی و تکه تکه شدن جامعه از آن است که اغلب به عنوان چیزی منفی تصور ، باعث هرج و مرج بیشتر و تخریب. بخشی از هموطنان ما در حال تلاش برای دوباره رسیدن به وحدت از دست رفته توسط جذاب به قدیمی / chimeras جدید ایدئولوژیک ، نوع "simulacra" باید ، اما این تنها در آخرین اقدام خود rearguard.

دوره 1990 -- 1993 مدت زمان پیروزی انقلاب ، شتاب زمان رادیکال پویایی تاریخی و sociocultural شد. شده اند وجود دارد نوبت کاری عمده ای در سیستم ارزش هنجاری از جامعه روسیه است. دولت دیگر قادر به انجام نقش های سنتی خود را paternalistic : "از جمله دلایل اصلی برای تغییر مکان ، ناامیدی گسترده در پدرگرایی امکانات دولتی ، یک حس ناسازگاری و تناقض رخ داده بود به علت".

"آزادی می آید برهنه ، / ریختن در قلب گل ها. / و ما ، او را در راه رفتن با پا ، / صحبت در "تو" ... / اجازه maidens خواهد شد در پنجره میخوانند ، هوا / بین آهنگ ها از hikes باستان ، / O خورشید وفادار / مردم حاکمیت" -- در قرن XX در روسیه زندگی می کردند شرایط آزادی ، هرج و مرج تبدیل می شود ، در فاصله فوریه -- انقلاب اکتبر. دوم آمدن آزادی به طول انجامید به مدت بیش از ده سال ، با وجود رنسانس بدوی در سال های اخیر ، اجتماعی normativity فرهنگی. در سال 90 دولت هیچ گونه ادعای در اختیار داشتن و انحصار دانش نظارتی در مورد جهان و انسان. انسان به تنهایی با خود رها شده بود ، نگرانی های خصوصی خود ، چرخه سن ، خود حرفه ای - تحقق ، است که در ذات ، نوع مانع ناپدید جدا ، دفاع در برابر انحراف از واقعیت از زندگی existentiality. انحراف از ترس زندگی سریع شد مهاجرت و زندگی در اتحاد جماهیر شوروی ، عضویت در حزب کمونیست و جنبش ناراضی ، خواندن ، گروه سه گانه هنر لئونید برژنف و mizdatsa -- سری توانید ادامه دهید برای مدت طولانی. فعال و inactivated ، در یک وضعیت داده شده موضوع کاملاً خصوصی است ، به عنوان یک عمل است که هیچ دولتی و خصوصی ، اهمیت اجتماعی درک شده. چگونه فرصت های زیادی برای فرار از خود ، جمعی همدردی و شفقت ، دامنه و ژانرهای فراوانی ، به تقلید از درام ، به تصویب عملکرد اجتماعی چه است.

با ناپدید شدن اتحاد جماهیر شوروی نظم ، برای بیش از هفتاد سال بیان شده با توجه به دولت بود به اندازه کافی مشکل برای حفظ فرم های اساسی در نظم عمومی. روسیه وارد منطقه محدود از آزادی ، که در آن constructionde کنترل خارجی بیش از شخصیت است فقط منبع تا حدودی با افزایش داخلی خود را کنترل ، اجتماعی radicalized فرهنگی هرج و مرج ، تضعیف کلی از normativity ، کاهش ظرفیت سازه های دولت ، به همراه ضعف جامعه مدنی در حال ظهور جبران. اجتماعی و فضای فرهنگی در این کشور در این دوره بود permeated با چند ، impulses بی نظم است ، اما آن را در دوره انتقالی در فرهنگ و جامعه است ، به نام درجه حداکثر آزادی را برای نوآوری ، رقابت انتخاب ، مبارزه برای آینده ، همراه با امکان انتقال بعضی از عناصر خلاقانه در ماهیت قراردادی است. در سال نوآوری بیشتر stereotyping است ، که ترکیب این عنصر از تداوم و با توجه به اجتماعی و سنت های فرهنگی با عملکرد کاربردی در مرحله جدیدی از پویایی تاریخی و sociocultural.

در بعضی از پست رفیق ما ، تحولات شوروی حیرت ، روند به طور گسترده ای گسترش anomie اجتماعی ، اگر چه آن را به گونه ای است توسعه خواهد بود در ابتدا انتظار می رود. در بخشی از جامعه ، به عنوان بازنده در نتیجه تغییر در آخرین دوره ، از انباشته شدن هدایت انرژی های منفی قابل توجهی در برابر اتحاد جماهیر شوروی بعد از اصلاحات ، تصور به عنوان شکلی از توسعه که مخرب از بین میبرد مشروع در چارچوب اجتماعی و ملی ، سنت های فرهنگی از ارزش نظام هنجاری جامعه روسیه است.

در حال حاضر ، گفت : آن را که بیشتر مشهود بود ، چند کلمه در مورد پیشینه فکری مشترک. همیشه از تحولات مدرن پیتر من ، جامعه Europeanized جدید در روسیه ایجاد یک قدرت حکومت ، deriving از فرهنگ اروپایی و آموزش و پرورش در جامعه تنها آنچه که می تواند از آن برای اهداف خود خدمت می کنند. انجمن انتخابی منشاء ارزش های اروپایی ، است که برای قدرت خود را ، گرفته شده است ، و بنابراین "... یاد بگیرند یاد گرفته مقدار شدیداً در ذهن مردم را با قدرت نشان میدهد. این بند ناف وصل جامعه تحصیل کرده روسیه را با قدرت های امپریالیستی ، تضعیف تنها در نیمه دوم قرن نوزدهم است ، اما قبل از روشنفکران انقلابی پس از انقلاب بلشویکی سال 1917 تخریب بخشی ، بلکه بخشی در تبعید بود. بسیاری از روشنفکران جدید شوروی ، منشاء اجتماعی از دهقانان و کارگران ، معلوم شد که شدیداً به این قدرت امپریالیستی گره. برای او ، اتحاد جماهیر شوروی هیچ زندان دیگر و مردم از موفقیت دولت برای اولین بار در جهان از کارگران و دهقانان -- موفقیت آن است.

چگونه قوی این سنبله بود بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی از تاریخ ما ، دقیقاً زمانی که اکثر روشنفکران mourned اتحاد جماهیر شوروی از اواسط 90 نشان داده شده است به طور فزاینده ies -drifting به سمت پهلو و سمت چپ طیف سیاسی ما است. معلوم شده است که روشنفکران شوروی تمام عمر کار برای دولت های امپریالیستی. و در زمانی که این دولت است ، و نه پیشیمانی از آن معلوم شد که شرایط جدیدی را برای کشور "هر فرد موظف است به منظور بهبود توانایی خود را برای استخدام می شود و توسعه نمونه کار خود را از پروژه (طرح). اگر کسی ، به دلایلی قادر به انجام اینکار ، او به سرعت به حاشیه رانده شده و محروم از روابط اجتماعی ، حرکت در یک قشر خاص ، را کاهش می دهد که توانایی درک از طرح های جدید و پروژه ها. هنگامی که دولت های امپریالیستی اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت ، و سپس بعد از روشنفکران شوروی آغاز شد نه تنها به تضمین شده منبع وجود مادی ، بلکه از دست رفته احساس خود به ارزش ، متعلق به پروژه های ساختمانی بزرگ و دیگر دست آوردهای دوران.

معلوم شده است که به کسب درآمد ، شما باید موسسات تحقیقاتی kurilok ترک ، تابلوهای نقاشی از بخش ساخت و ساز ، ما باید عمومی تنها روشنفکری به چنین محصولات و مواد ، که آن را برای خرید پیشنهاد موافقت کردند. نمی باشد. این درام برای روشنفکران روسیه ، آیا شما نمی خواهید این همه کثافت و melteshni بهتر از فریاد به دولت : برای

سفارش دادن یک ایدئولوژی جدید ، ایده های ملی ، نوعی از نظم ، فقط به من فراغت ، فراغت ما را از اجبار به تحصیل درآمد ، به ما خوب ، ما نمی خواهد بدی در مورد بحث شما را در آشپزخانه ، و حتی بیشتر را در رسانه ها. و غیره -- طولانی حزب کمونیست و / یا نئو قدرت امپریالیستی است که به تنهایی می تواند prigolubit و محبت ، یک تکه نان بدهید و به حال نیمی از حس خود ارزش زندگی می کنند. بعد از گرسنگی روشنفکران شوروی برای جدید / قدیم "نظم" ، "" نظم "اغلب با عبارت" در هر قیمتی ترکیب ". بر این اساس ، این ترتیب ممکن است تنها "سخت" دست سفت و محکم ، گردن کش رهبر ارمان می آورد. اما در صورتی که این واقعا چیزی برای پرسیدن -- و شما می توانید آنچه آنها می خواهند ، و در حال حاضر به نظر می رسد را دریافت.

نه تنها بخشی از روشنفکران ، بلکه بخشی وسیع تری از روسیه دوگانگی جامعه باثبات وجود داشته است ، پیشنهاد انتخاب بین آزادی است که می تواند به هرج و مرج کاهش یافته است ، و امنیت ، به عنوان درک نظم اقتدارگرا. "پاسخ همواره و در همه جا است نتیجه اجتناب ناپذیر ظاهر در مرحله ای از عناصر افراطی قانون کلی تاریخی است. سوال این است : عکس العمل چیست و چگونه کار می کند؟ آیا آن را بازبایی فقط از آنچه مورد نیاز است ، بر اساس نیروهای سالم و در حد متوسط در جامعه ، و یا او ، به نوبه خود ، به جریان های افراطی و در نتیجه افزایش می دهد به تغییرات جدید می باشد؟ (تاکید اضافه شده -- سورگوم.

در اوایل 90 - ies بسیاری از کشور و در خارج از آن به نظر می رسد که در اینجا کمی بیشتر ، و روسیه تبدیل خواهد شد به یک دولت لیبرال اروپایی. این بود که جامعه مدنی و آماده بود برای دفاع از دولت ، شاید برای اولین بار در زندگی خود احساس قبل از تعهدات داخلی اش. بود که در ماه اوت سال 1991 ، پس از آن در ماه اکتبر سال 1993 ، هنگامی که آمد به شهروندان مسکو و شورای شهر آماده بودند برای دفاع از کاخ کرملین ، روسیه به دفاع از قدرت خود بود. این احساس شگفت انگیز است که قدرت خود را ، چندان دوام نیافت ، در مورد از مرداد سال 1991 تا پایان دوره اول ریاست جمهوری بوریس یتسین N.. سپس به برنامه ها در یوگسلاوی سابق ، سربازان چتر باز روسی شات در Priština مراقبت از وزیر امور خارجه A. Kozyrev وجود دارد.

مقامات روسی مجددا با امپریالیسم flirted ، نقاشی در تن های امپریالیستی ، شکاف باریک بین کسانی که معتقد بودند که قدرت و قدرت آن به تدریج خود را به abyss در آورد. اما قدرت صحبت کردن زبان ما ، کاملا نمی تواند ببخشد ، اما سعی کنید بفهمید حتی در ماه اوت 1998. دولتی که نمیخواهد به صحبت کردن به جامعه را در حالت گفتگو ، ترجیح می دهند که در زبان monologues رتبه‌دهی نشده است poluezpovom امپریالیسم روسی ، "تمیز" رسانه ها و راه اندازی خزنه ملی -- است تا به جامعه مدنی بیگانه و همچنین قدرت Martians ، قدم زدن در زمین در سه پایه مبارزه خود را به تصویر کشیده در رمان ولز جیوه 'مریخ تهاجم" ، به زبان های مختلف ، ارزش ها متفاوت است ، نگرش متفاوت به انسان. و امروز ، در مرحله ای از تاریخ در روسیه باقی مانده ، بر طبق دلیل ، نیروهای مخالف دو : آزادی نسل nepugannoe ، socialized در سال 90 آزاد نامه ، و روح از امپراطوری مرده -- بیش از مجری خود را کشیده -- قدرت.

و در اینجا توهمی در مورد حضور در صفوف کاملا بلند و باریک خود را از حقوق مشروط در ساخت شیشه و کراوات شیک را نداشته باشند ، علاوه بر داشتن یک عقل خوب و استاندارد حرفه ای است. هر گونه سیستم با مشخصات داخلی خود سازمان ، به کوشش برای رسیدن به یکنواختی آن در نهایت قطع شدن از خود بیگانه تمام ، به یاد داشته باشید ، با بعضی از لذت مخلص پس از دستگیری همکاران خود را evskyTukhach آج اخیر خود ، نوازنده ویولن ، که تا انس گرفته بود ، فرمانده ارتش سرخ. ق ، می داند که اگر حتی بود accordion ، سپس همه چیز را که ممکن است هزینه ، و با آن ، ، منگنز و کلی Tukhachevsky. اشاره به این نمایندگان در حیوانات ، سطوح فیزیولوژیکی از احساس ، که خود و بیگانه است ، و هیچ پناه ، هیچ فرار و یا محو کردن شما می توانید به زبان روسی قرار داده است ، به عنوان سفارشی در

دوره اتحاد جماهیر شوروی در لایه‌های بالاتر از قدرت شد ، آیا سه یا چهار -- پنج اشتباه در کلمات "شدید کشاورزی" -- آیا کمک نیست.

است منطق درونی نظام ، که بسیار دشوار است به عقب به زمانی که آنها می گویند "" توسط "بایت به دنبال" وجود دارد -- در همه جا ادامه دهد ، و به همین ترتیب تا پایان حروف الفبا. نمی شود "کمی باردار" ، بنابراین شما می‌توانید به اصول دموکراسی ، خود را در آن "مدیریت" ساخت ذخیره کند. منطق نظام فئودالی امپراطوری نیاز به قیام عیسی از مردگان مناسب و انتقال فاز از تمام بحث و گفتگو با جامعه به زبان خدمات ویژه و نیروهای ویژه ارتش. در چنین گذراندن یک زبان "گفتگو" با قدرت به جامعه عمداً به دلیل غیر نظامی قادر به یادگیری و تدریس و درمان کودکان و بزرگسالان برای ساخت خانه ها ، اداره کسب و کار ، نوشتن کتاب و مقاله از دست بدهد ، اما واضح است تا به مطالعه ندارند و نمی توانند حداقل به سپس "مقاومت در برابر spetsnaz دسامیر. برای جامعه ، گفتگو "" در چنین زمینه می باشد منجر به مرگ ، به عنوان آخرین چاره ، به معنی از جان گذشته ، اجازه زوارتنوتس فرودگاه به یاد داشته باشید ، ما را در ارمنستان ، ویلنیوس مرکز تلویزیون و بسیاری از نقاط دیگر از "گفتگو" از دولت و جامعه با میخائیل گورباچف. برای دولت این نوع گفتگو می توانند کاملاً قابل قبول به نظر می رسد ، در کنار نیروی خود را ، اما چگونه پایدار خواهد شد که در نتیجه یک سری از بحث های موفق این نوع از ساختار سیاسی ایجاد می شود -- سوال حداقل باز کنید.

اما بازگشت به گذشته نه چندان دور اتحاد جماهیر شوروی. اتحاد شوروی امپراتوری کلاسیک (دوره استالین) کشوری که در آن فئودالیسم / kvazifeodalizm توسعه داده شد ، به تدریج دستیابی به اشکال پیشرفته تر. در این مفهوم ، CPSU طلایه واقعی از جامعه شوروی بود ، به عنوان گنجاننده بالاترین شکل خود را فئودالی / kvazifeodalnoy خود سازمان ها است. تلاش در جهت ایجاد و حفظ کنترل بر همه حوزه های زندگی ، CPSU "perekovyvala" دوباره تحصیل آن را از قبل به ارث برده - حقوق سرمایه داری روسیه ، نوشتن آن را در سلسله مراتب فئودالی / kvazifeodalnogo بر اساس آن جامعه است. CPSU است دارای اعتبار اعضای آن و ساختار ، و سپس به تمام روابط جامعه و موسساتی که در حال حاضر در اروپا در قرون وسطی وجود داشته است پخش شده است. همه بیشتر توسعه یافته و چند سیستم از بیعت ، فرم کدهای درونی رفتار و اخلاق سازمانی ، حق تولد شد ، تکامل اشکال اجاره فئودالی ، تکامل به صورت هماهنگ از خاندان و اموال دولت ، و غیره. صفحه اصلی مشابه در این فرایند کاهش مترقی بود از سال 1953 نسبت به دولت برده داری ، پس از قرن ها ایستاده است که برای دولت های امپریالیستی.

مؤسسه سامی فئودالی ، که اغلب نیز جان سالم به در بخش انتقال 90 از قرن گذشته ، به ویژه ، اصلاح طلبان لیبرال ، که شد در یک زمان ، مقامات واقعا نمی تصمیم به لغو propiska ، تغییر نام آن موسسه برای ضبط و نگهداری عملاً همان سطح از محدودیت . اگر ما در نظر موسسه از ثبت نام به عنوان یک غیر رجعت تابعی به دوران شوروی سابق ، آن را نه تنها رسمی بلکه اساسی لغو شود ترجیح می دهند که ماده از زمان. اما این موسسه یکی از فرم های اصلی و کنترل جمعیت توسط مسئولین ، این کمک می کند تا برای حفظ نظم فئودالی.

فعال ترین راه ممکن propiska تنبیهی با استفاده از قدرت در دوران اتحاد جماهیر شوروی از تاریخ ما است. بخشی از این تمرین اخراج Muscovites در 101 کیلومتر - بودند ، و در ماه آوریل 1968 ، مدت کوتاهی پس از محاکمه Galanskov -Ginzburg ، CPSU کمیته مرکزی به پیشنهاد تغییرات در قانون اجازه اقامت برای اجازه به شوراهای شهرستان " ... بدون اعمال مجازات های اداری را به لغو ثبت نام از افراد درگیر ضد اجتماعی ، فعالیت ها ، اجازه می دهد تهمت ، تحریک ضد اجتماعی به فعالیتهای سیاسی عناصر مضر ، نسبت به رفتار provocatively مقامات ... حذف از افراد در این آیین نامه ساخته شده اشاره خواهد شد ظرف مدت 24 ساعت از لحظه ای از تصمیم برای لغو ثبت نام.

یکی دیگر از بسیار مهم است ، تداوم این روز به حفظ نهاد فنودالی از خدمت نظامی جهانی. از نظر مجمع تشخیص مصلحت نظامی ، حفاظت از این موسسه ، اما نه تنها غیر ضروری و مضر هستند. رقابت با نیروهای مسلح بسیار حرفه ای تجدد از کشورهای توسعه یافته چنین ارتش بسیار دشوار است. این واقعیت که در اختیار داشتن روش های مدرن از خود در جنگ و استفاده از سلاح های حرفه ای از سیستم های پیچیده نیاز به حرفه ای نیست کمتر از کار در بالای صنایع فناوری غیر نظامی. فرآیند های آموزشی با کیفیت از کارشناسان نظامی تنها باید به بازه زمانی قانونی از خدمت نظام زیر پا بگذارند. بدیهی است که در این صورت ، تصمیم گیری در دستیابی به اهداف کاملاً نظامی به شدت محیطی ، حس اصلی خدمت و وظیفه همگانی برای حفظ جامعه توده ای از جمعیت را از مرد کشور است ، "اصلاحات" از حقوق dogosudarstvennogo طبیعی است.

سرباز وظیفه در ارتش ، و در حالی که بر اساس قرارداد ، بیشتر به کمتر تحصیل کرده و اجتماعی موفق حساب کاربری ، افراد جوان ، به نمایندگی اندکی به کشور جدید بخش اقتصاد بازار از جمعیت تطبیق داده شده. سطح درآمد خانواده ، سلامت جسمی و روانی سربازان وظیفه برای خدمت نظام ، قابل توجهی پایین تر از همسالان خود که "در دنیا غیر نظامی به نام باقی ماند." برخی از آنها قادر به خواندن و نوشتن ، حتی نمی باید آموزش اولیه ، و ارتش در زندگی آنها -- اولین مؤسسه دولتی است که آنها را به صورت "بسیار نزدیک". با این حال ، برخی از استخدام را از طریق سیستم خود را به زندان ایالتی در معرض شده است. بومی های موفقیت هرچه بیشتر لایه های اجتماعی و دارای پتانسیل بسیار زیادی در حقوقی یا نه کاملاً قانونی فرار از خدمت سربازی.

ارتش امروز احتمالاً نهاد اجتماعی اصلی ، ساخته شده شخص "حقه بازی" را در سلسله مراتب فنودالی ، جایی که او ایجاد حالات رفتاری دو پایه : اول ، تابع ، سپس رئیس. شکل اجتماعی به بار می آید ارتش monstrously عبارات اغراق آمیز ، از جمله ایجاد توازن میان حقوق بین مرگ و زندگی ، روش های بی رحمانه از تطبیق با قوانین "بازی" سیستم. وقتی که 60 - ies قرن XX شروع روند طولانی باید از کاهش ارزش ، و با آن فرسایش تمدن اتحاد جماهیر شوروی ، ارتش آغاز شده است با هر یک از دهه های بعدی به طور فزاینده از سخت و تقریباً غیر قابل تحمل.

با تغییر قوانین "بازی" را در نظامی می تواند به کاهش ارزش ناشی از روند پیش بینی کرد. حتی در سال 50 از قرن گذشته ، هیچ چیز مانند قدری در ارتش تقریباً نداشت. علاوه بر این ، این پدیده است به دست آوردن نیروی بیشتر و بیشتر و به حوزه های پایان اتحاد جماهیر شوروی رشد -- شروع از بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی تاریخی ما را در شکل کاملاً جنایی ، دو نهاد اجتماعی -- ارتش و زندان -- حداکثر همگرایی. این موسسات اجتماعی و آموزنده ، هدف انطباق ، چرا که آنها هر دو در خدمت جامعه از حداقل ،socialized dogosudarstvennyh، ترین لایه های اجتماعی. به این ترتیب ، حاشیه مطلق ضد عناصر اجتماعی که به عنوان نماد اتحاد جماهیر شوروی را رد ، و اقتدار به طور کلی ، VK Kozlov در تعدادی از شرکت کنندگان در ضد سخنرانی های شوروی '50 -- 60 سال از قرن XX گفت : "اگر در خود گریه می کند ، و اظهارات وجود دارد "ایدئولوژی" ، ایدئولوژی در درجه اول در برابر دولت -- با همان شور آنها را رد کرده و اصول و ویژگی های هر دولت است. "

این وضعیت بالای این شکل از جامعه مبتنی بر فنودالیسم ، در ایالت امپراتوری شخصیت تاریخی از تمدن غرب ، این اشکال اجتماعی بسیار کم اهمیت تر و خارج را در راه های انسانی خیلی بیشتر انجام می شود. نقش اصلی را در فرایند اجتماعی کردن نظام آموزش و پرورش است ، تا به دوره های آموزشی با هزینه های عمومی از صدها هزار نفر از منتقدان هنر ، بدیهی است که می تواند در تخصص استفاده نمی شود ، اما حضور آنها در جامعه به شدت با کیفیت می آفریند انسان است. برگشتن دوباره به این واقعیت از زندگی مان ، ما باید یک نکته بسیار مهم : توجه داشته باشید در هنگام استخدام

اجباری سالانه از مردان جوان ، که برخی از آنها به عنوان یک نتیجه hazing ، جراحت ، و غیره ، جان به یاد می آورد هر دو مؤسسه از فداکاری کهنه بشر ، و عوارض فتودالی ، که جامعه می پردازد مقامات .

سقوط قدرت CPSU آیا سقوط نظم "فتودالی در همه جبهه" معنی نیست ، اما به معنای تخلیه منبع آن است . قاب سازه سازمان فتودالی در نیمه پنهان حفظ شده و جایگزین فرم های پنهان بود ، تخریب جزئی خود را با جامعه به عنوان ظهور هرج و مرج دیده می شد ، هرچند که هرج و مرج حال حاضر ، قابل مقایسه با تمدن در سال 1917 crack -- بدلایمخیرات 1921 سال در روسیه نداشت . روشنفکران ، شوکه شد اول از همه ، این واقعیت است که بازیگر اصلی فیلم از درام به نام "مرگ باید" یک روشنفکر لیبرال که ممکن است که در اواخر دوران انتظار تبدیل شده است نبود ، و تنها اتحاد جماهیر شوروی "خانه بدوش" -- خانه بدوش ، اجنبی .

در اوایل 90 - ies از قرن XX ، این خیلی زیبا از نوع اجتماعی احساس می خواهم یک استاد واقعی زندگی نمی باشد . مناسب است شاید به خاطر شرح Izgoyevs .A دولت از جامعه در دوران جنگ داخلی در روسیه ، جایی که ما می بینیم اتفاقی قابل توجه با بعد از دوره اتحاد جماهیر شوروی از ما تاریخچه ما : "هرگز در جامعه روابط اجتماعی بودند نه چندان ضعیف ، پس خراب بوده ، همانند دوران رسمی پادشاهی سوسیالیسم . انسان به انسان گرگ -- است شعار اساسی از آن روزهای هولناک " . تمایل برای کافر به عنوان هرج و مرج خواهد شد که با هیچ قانون نمی دار ، تا زمانی که توسط نظم فتودالی دار باید در نهایت spilled بیرون . با این حال ، بدترین سناریو ، از جمله جنگ های داخلی ، از فروپاشی خشونت آمیز روسیه ، در مقیاس بزرگ باندهای شورش -- برگزار شد نیست . هیچ کس به طور جدی دار "خانه بدوش" برای سال از قدرت اتحاد جماهیر شوروی به حال به اندازه کافی "متمدن" که به عنوان به نه را نابود بنیادی دارد وجود تمدن : او قادر به زندگی "در مفاهیم" .

فرم کارآمد ترین و قابل رویت خود اجتماعی سازمان اساسا فتودالی باقی مانده است ، روشن macrostructure از جامعه بزرگ امپریالیستی به گرد شدن ساختارهای قبیلہ ای محلی است . ما هنوز هم برای رسیدگی به امروز با نهادهای قدیمی و ناکارآمد امپریالیستی ، و همچنین ساختار اصلی حمایت از نظم اجتماعی در خدمت محلی جنایی وابسته به امور اداری - clans . ویژگیهای جدید در بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی از زندگی ما در این حقیقت نهفته است آن است که این خود سازماندهی ساختارهای مجبور به پر کردن شکاف شکل گرفته توسط سقوط امپراطوری اتحاد جماهیر شوروی . جامعه ما از دیرباز عادت به در قواعد غیر رسمی از سلوک در زبان مدرن روسی تعیین شده را به عنوان یک "مفهوم" زندگی می کنند ، بی هیچ تردیدی به پذیرفتن این طبیعی ، نیمه kvazifeodalizma هرج و مرج طلب .

با این حال ، علیرغم این واقعیت است که نمی رود همه چیز را به عنوان از 80 ، ما در نظر گرفته شود 90 - ies از قرن گذشته به عنوان دوره مدرنیزاسیون لیبرال دیده می شود . در طی این مدت کشور است به معنای واقعی کلمه فرو جریان لیبرال در نوآوری محتوای اصلی آن ، تقریبا برای اولین بار در تاریخ ما برداشته شده اند که تقریبا تمام محدودیت های سانسور در اشاعه اطلاعات ، به جز ، البته ، بخشی از آن مربوط به مسائل نظامی . نوآوری های Inokulturnye آزادانه با بازی در عناصر اجتماعی و ملی و فرهنگی و سنت ، تقریبا برای اولین بار در این منطقه حساس رقابت شد توسط انتخاب طبیعی حل ، انتخاب درجه بهره وری و رقابت .

در واقعیت زندگی روزانه ما مقدار زیادی تغییر کرده است ، اما جامعه شناسان ، دانشمندان سیاسی و اقتصاددانان هستند تا حدودی در اعلام دولت روسیه قانونی را با اقتصاد بازار و ویژگی های لازم یک جامعه لیبرال زودرس است . گذار از این بزرگا ، deconstruction در ادامه لادن مناسب ، نمی تواند دیدار با ده یا پانزده سال ، به یاد داشته باشید که در اروپا غربی برای این انتقال قدرت در زمان قرن ها . پست اتحاد جماهیر شوروی دوره ، و بنابراین موفق به وفق دادن



خود بسیار زیاد است ، تا زمانی که ما موفق به جلوگیری از بدترین سناریوهای ممکن برای آینده مان و این همه تا حد زیادی به مرحله نوسازی از دوران اتحاد جماهیر شوروی بوده است.

توجه داشته باشید ما در قسمت بسیار مهم است گفتمان ما در واقع : "دهه نود دورانی که نرخ کالا توسط صادر کنندگان و وارد کنندگان کالاهای مصرفی املا بود. در بخش جدیدی از نخبگان وجود دارد. دور از میکروفون خود را به اهداف و منافع او است نه از سر انگیزه ایدئولوژیک ، نه ، به ترویج رایگان داخلی و خارجی سیاست تجاری از اتحاد با غرب -- به عنوان یک شریک تجاری استراتژیک است. او روشن و دور از پاسیفیسم از ارتش و صنایع نظامی. به همان شکل به طور طبیعی ، او تشنه نیست ، و خلقت خود را از صنعت مدنی است. این صفحه تا به بخش قابل توجهی های نوآورانه ، ارائه شده توسط فن آوری های جدید ، هنجارها ، ارزش ها ساخت ، نهادها را در چارچوب اجتماعی ما - سیستم فرهنگی.

شماره در یک فرم یا دیگر ریشه گرفته ، و یا به سادگی گرفته شده توجه کنید پس از نوآوری مهم این بود که آن را اجازه می دهد تا در مورد شکل گیری نظام های لیبرال جایگزین صحبت می کنند ، به تجزیه و تحلیل توانایی آن (و یا ناتوانی) تحت شرایط مطلوب و در دسترس بودن زمان تاریخی و موقعیت غالب را ، برای تغییر نظام های امپریالیستی - فنودالی . اما سوال اصلی که در نتیجه اگر لیبرال و نوآوری از پانزده سال تجربه به تحولات کیفی در جامعه و یا توسط طرح وارونگی معمول از مدل امپریال جذب می شود و توسط دیگر مدرنیزاسیون امپراطوری جایگزین نمود ، اما بدون پاسخ.

وقتی که نزدیک شدن به اهل سنت مرسوم به عنوان "نظم" تبدیل به طبیعت صرفا تزئینی از نهادهای دموکراسی نمایندگی است که سیستم کنترل و توازن ، قدرت تر است به روشنی شروع به در دست یک نفر ، قبیله ای ، رهبری حزب تمرکز کنید. در این مرحله از قدرت ایدئولوژی نخبگان نیاز دارند ، که reconciles اکثریت جامعه را با وضعیت مواد موجود ، که اجازه می دهد تا بالا بردن منافع خود را در زمینه انرژی ، که به دلایل مختلف می تواند با مرد نمی شود برای خود استفاده می شود ، تحقق در سطح افقی از وجود مواد.

از لحاظ منطق صوری ، امروز دشوار است برای تعیین آنچه که اتفاق می افتد در این کشور ، مدرنیزاسیون یا نوسازی؟ اقامت در فهم های سنتی و مدرنیزاسیون ، برای پاسخ به این سؤال این است که تقریبا غیرممکن است. باز هم ، صحبت در مورد اسرار مشعر روسی ، حداقل ، counterproductive ، از آنجا که مشخص است ، با خصوصیات خاص خود را دارد و ذهنیت از دیگر مردم. ما باور داریم که از نقطه نظر مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، هر چه که رخ می دهد تا به برخی از منطق درونی. در سه یا چهار سال گذشته است به ظاهر بی نظم است ، اما در داخل آن یک فرآیند سازماندهی شده از تکنولوژی قرض گرفتن ، روابط ، قطعات تمدن لیبرال ، مدرنیته ، آن دسته از اجزا است که می تواند مورد استفاده قرار گیرد به بازسازی و تقویت نظام های امپریالیستی دلیل. به همین دلیل در سال 1917 بود ، زمانی که امپراتوری اجتماعی با مد روز غرب و سپس تجدید تئوری اقتصادی ، تطبیق داده شده توسط Bolsheviks را برای حل مشکلات خود هستند.

آیا شما خود را به دیگری انتظار ما از دوره مدرن ، هنگامی که امپراتوری عنصر غالب آن است ، اما لیبرال و تنها اضافی جبرانی ، یک محصول فرعی فاز امپریالیستی خود را؟ "بله" به معنای واقعی کلمه در هوا ، استدلال جدید در آن پشتیبانی شده است ، تقریبا هر روز می تواند از زمینه های مختلف از جامعه منجر شود. با این وجود ، ما بر این باوریم که از آمدن فاز بلند و غالب های امپریالیستی مدرن است به طور کامل صحیح نیست برای تعدادی از شرایط : "بوروکراسی بورژوازی است و شاید اولین بار در تاریخ ملی شدیدا ذوب شده و نفوذ به یکدیگر صحبت می کنند. صاحبان بزرگ نفوذ بی سابقه سیاسی به دست آورد ، اپراتورها و بزرگ -- پایتخت بی سابقه. این عامل برای صاف کردن تفاوت های بین مراحل و

سرعت چرخش آنها. فاز gosbyurokratii جشن ، که نویسنده می گوید ، به طور عمده محتوی یکسان به مرحله امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، رقیق در این مورد ، همجوشی بین کسب و کار و دولت ، blurring ایدئولوژی gosudarstvennicheskikh ، بنابراین تا حد زیادی ساقه و طبیعت دارای دو جنبه از فرایند مدرنیزاسیون معاصر است.

تغییرات رخ داده در سطح عمیق ، نشان می دهد که روسیه به فرصت تاریخی به دست آوردن جای ثابت به عنوان یک غیر امپریالیستی ملت دولت است. امپراتوری نخواهد کرد آخرین برای همیشه ، باید به هنگام تولد ، دوران کودکی ، نوجوانی ، بزرگسالی و در نهایت پیر سن ، dryahlenie ، feebleness و مرگ ، که دلیل اصلی سیستم souiokulturnoy حال تغییر و تحول. ما باور داریم که در مدت نزدیک و متوسط ، دامنه نوسان بین مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون و لیبرال خواهد شد ، کاهش از ایده منقرض eschatological ندارد از منابع داخلی خود تجدید. پروژه Ideokratichesky به پایان رسید ، تقریباً هیچ کس معتقد است که در امکان دستیابی به موفقیت در عرفان ، در آسمان و نه به قصد فدا کردن ارزش های ملموس زمینی به خاطر شعارها و s eschatologicalmegaproject.

در زمان مشابه ، اکثریت قریب به اتفاق شهروندان ما با استفاده از پیش سرمایه داری راهبرد تعدیل اقتصادی ، که در بهترین حالت تنها می تواند در حداقل شرایط لازم برای بقای زیستی فراهم خواهد کرد. صرفه جویی در برخی از انزوای سیاسی در سطح افقی وجود در شرایطی که افکار و تلفظ eschatological که به خوبی می تواند برای شکست و disappointments در این زندگی را جبران کند ، آن را تضعیف انگیزه است برای ادامه زندگی است. به عنوان مثال ، دانشمندان معتقدند که دلیلی برای عقب نشینی زود هنگام زندگی نهفته در فقدان چشم انداز توسعه قابل رویت فردی است. پوچی وجود منجر به ارزش بسیار پایین از زندگی و عدم تمایل ناخودآگاه به آن ادامه خواهد داد. " در یک مقاله نوشته شده توسط مواد از مطالعات جامعه شناختی در روسیه در سازمان ملل متحد برنامه توسعه در سال 2002 -- 2003 است ، اشاره کرد که "فقیرترین مناطق روسیه ، از جمله Pskov و مناطق Ivanovo ، و همچنین به عنوان استان خودمختار یهودی و جمهوری Tuva ، در رتبه بندی جهانی و در همه قابل مقایسه با ویتنام و برخی کشورهای آفریقایی است. به یک معنا ، تبدیل می خواهم یک دایره معیوب ، جایی که فقر واقعی مردم منطقه را تشویق به استفاده از بدوی قبل از استراتژی های سرمایه داری از بقا ، و گرایش ذهنی به استفاده از این راهبردها ، تشدید فقر و قلمرو بشر است.

اگر آرمان ها در روسیه است را به سادگی توسط منافع جایگزین ، همان طور که در ابتدا در غرب و سپس شرق اروپا ، سپس آن را نخواهد پایان اتفاق افتاده است ، و انتقال سیستمیک از کیفیت فرهنگی و تمدن. اما این دست "بخش منافع" در ذهنیت به اندازه کافی برای رسیدن به سطح خاصی deideologization ، اما نه در شکل گیری ساختار جامعه سیستمیک از نوع بورژوائی لیبرال شد. ما در وراثت تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ، از شکل گیری آن را به یک زمان تاریخی خیلی بیشتر از اینها بیش از پانزده سال از آخرین تاریخ ما. اجرای پروژه های خصوصی همچنان به بهره می گیرد به رغم تداوم در رژیم ساکن از الگوی فئودالی ideokraticheskoy. روند در اینجا می شوند کاملاً متفاوت ، مختلف نظر سنجی افکار عمومی را یک عکس بسیار مخلوط ، از جمله دال بر روند رو به رشد جایگزین آرمان منافع است. بنابراین ، در دوره بررسی های جامعه شناختی انجام شده در چارچوب طرح ابتکاری تومسک "به نظر می رسد که تخریب" از آگاهی های سنتی (و بنابراین باید از تخریب برگشت ناپذیر از طبیعت و ارزش های سنتی می شود در حال حاضر ، عمدتاً تنها در "مراسم" سطح ".

در سال بعد از اتحاد جماهیر شوروی دوره کشور است که تحت آزمون جهان است. فراموش کرده آن را به عنوان امری بسیج خاصیت ایدئولوژی از دولت و جامعه را به حمایت از تهدید های خارجی ، که در دوران اشغال اتحاد جماهیر شوروی می شود ، موضع غالب در سلسله مراتب ارزشها هستند. تست تست جهان deideologization ، با امتناع از پروژه های جهانی ، تغییر در جهت بردار از آگاهی عمومی از پروژه های Messianic و ایدئولوژی در جهت خصوصی

، حوزه های محلی وجود انسان بدتر. zaideologizirovanny پس از زندگی در اتحاد جماهیر شوروی سابق وضعیت غیرعادی است. دولت می آفریند سوال در چه زمینه را می توان در حداقل سطح حداقل ادغام جامعه در شرایط از آزادی نسبی ، خودمختاری شخصی ، عدم تجانس سطح بدست آمده از مقادیر ذخیره کنید ، هنجارها ، راهبردها زندگی است.

اقتصادی ، اجتماعی ، نخبگان سیاسی و فرهنگی کشور به عنوان یک راه حل ممکن به نظر یکپارچه طراحی ایدئولوژی های ملی ، در گزینه های مختلف خود را برای درمان ، به عنوان یک قاعده ، به نمونه های امپریالیستی است. شخصیتی ، ایدئولوژی بعد از سن امپریالیستی گذشته نگر است ، و در نتیجه تلفظ افسردگی و تقلیدی استفاده کنید. مذاکرات در مورد همه احیای "روسیه" و مذاکرات هیچ کس در مورد ساخت و ساز از روسیه جدید است. چگونه است رفتن به احیای روسیه ، مسکو ، روسیه ، Nikolaev ، Petrovsky ، اتحاد جماهیر شوروی؟ دکتر خانوادگی Fedotov گفت : در این رابطه است که "می توان روسیه در صومعه نگاه می کنید ، دیگر در گروه ترکان و مغولان از Genghis خان ، سوم در سن پترزبورگ Romanovs آخرین. از شعارهای ارزان و از نقطه تنگ و نمایش واهمه داشته باشید. روسیه و سپس ، و این ، و بسیاری دیگر.

علاوه بر این ، تاریخ واقعی چیزی برای دوباره زنده نشد ، تنها توانسته است بیشتر یا کمتر ، موفق و مدرن تنوع در همان موضوع ، شواهد و مدارک ثابت توسط تجربه تاریخی موجود است. فراخوان کلمات تئوریسین معروف انقلاب محافظه کار از کارل اشمیت : "آیا reRobespier نیست ، اما Metternich تاج سلطنتی را شکست. گاهی اوقات تنها خود کشی ، خودکشی. مرمت -- استفاده از روش خاص از تخریب و بازسازی تخریب شده توسط. چرا؟ از آنجا که آن را خود کشی است. بنابراین ، ترمیم ندارد! نه کلیسا و نه دولت و نه سلطنت و نه دموکراسی ، نه تخت و نه محراب ، اشکال نه از آزادی که در سمت چپ و یا بازنشسته و اشکال تعهدات و اقتدار. افسانه غالب میکند ، اما در رقابت با واقعیت نیست ، با توجه به "منطق" او بهبودی خود را بدست شما می توانید هر چیزی ، شما حتی می توانید برگردید به الحاد باستان روسیه ، معتقد است که آگاهی توده تمام این کاملا ممکن است. مانند بیزانسیوم ، روسیه در تلاش است به منظور جلب نیروی خود را از گذشته خود ، endlessly از بازگشت به خود را اساطیری و داستان بت و ایدئولوژی است ، اما "گل از ایدئولوژی روز قبل از دیروز است ، نشانه مطمئن از عذاب روز گذشته آغاز شد ایده های است. این توضیح می دهد که خود را هذیانی ، هذیانی طبیعت... تلاش برای آبروی همیشه تنها ایدئولوژی های خود را افشا نهایی مرگ قرار دارد. در حال حاضر ، روسیه ، امروز هر زمان تاریخی معنی دار برای تداوم سیاست عدم اطمینان نمی باشد و جلوگیری از انتخاب تاریخی خود ، تداوم جاذبه و دافعه دو جنبه از تمدن غرب ، تجدد است.

مرگ بر امپراتوری ، محدودیت های خود رسیده است تقریبا در همه حوزه های زندگی اجتماعی ، توسط deconstruction عظیم آگاهی های امپریالیستی نه همراه بوده است. گذار از امپراطوری به بعد از تشکیل امپراتوری روسیه ، از ایالتی ، همراه با نیاز به توسعه پایدار ، مستلزم جایگزینی استراتژی گسترده ای از حیات را در فشرده. گذر از سلطه از سیستم قدیمی به سیستم جایگزین از نوع لیبرال نیاز به تحول عمیق روسیه از جامعه ، طرز فکر ، و همانندی شاید کامل تر از این تجربه از یورو آتلانتیک مدرنیته تمدن.

پایه و اساس امپراطوری نمی تواند بزرگ خشونت در مقیاس نظامی ، به عنوان آن را نمی توان reconstituted و سکون حفظ ترس از مقامات. مرحوم باید به آموزه های ایدئولوژیک رستاخیز نیست ، بلکه غیر ممکن است برای برقراری نظم امپراتوری ، بر اساس آرمان های نایاب eschatological. تلاش از ترمیم های امپریالیستی بر اساس استفاده کامل از ساختار قدرت در فساد گسترده ، می تواند بسیار مؤثر است ، اگر چه باید اعتراف یکی که امروز ، یکی از کسانی که تفنگ ، انسان خیلی بیشتر از کسی که نمی کنند. در طی 90 - ies از نامرئی است ، اما اقدامات قاطع مقامات و هر دو

جامعه ، شعار قدیمی این بود : ما باید به شب ایستاده است ، اما برگزاری روز تاریخی در زمان فشرده شده را به بی نهایت طولانی مدت ارائه دهد .

برای چنین جهان بودند ، به طور طبیعی و به دلایل بسیار قوی برای آن هدف ، بنابراین اقتصاددان برجسته E. یاسین ، روسیه ، ارقام تورم پیشرو در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه : 1992 -- 2660 درصد در سال 1993 -- 930 ، 1994 ... -- 320. در سال 1995 -- 21 درصد. این تغییر مکان نوک تیز... 1997 نشان داده است تورم سالانه 11 درصد بود. اما در سال بعد ، در سال 1998 ، زمان به طور پیش فرض بیش از سه برابر رشد دلار ایالات متحده ، از بانک های عمده تجاری ، یک کهکشان مارپیچی تورمی جدید خرابه. دشوار است که آیا در ادامه می گویند در دوره اخیر وجود داشته است ، تاریخ روسیه در زمانی که افراد در چنین درجه برای اجتناب از فرمولاسیون بلند مدت زمانی که در آینده طرح های بسیار خواهد بود تا چند متغیره .

در طول تنها کل - دوران اتحاد جماهیر شوروی به باطل تصویری از امکان حفظ ثبات اجتماعی ، زندگی می کردند در اصل بود ، unattainable در دوران انتقال از یک اجتماعی ، سیستم اقتصادی و سیاسی خود را به دیگری. در حال حاضر در این دوره دیده شده ، پرهیز از گزینه مشخصی برای خرید و تاریخی پنجره های غربی ، و از روشن شدن راه از زندگی غربی به طور کلی و از دست دادن نیست دستاوردهای اجتماعی سوسیالیسم ، تا آنجا که ممکن است برای صاف کردن acuteness از فرایندهای مدرنیزاسیون. در دوره پس از سال 1991 ، آن بود ممکن برای دستیابی به پیشرفت های بیشتری نسبت به جذب و ترکیب غذا ارزش های لیبرال ، چون برخی از عناصر خود را به اشتراک گذاشته شده توسط نمایندگان اقلیت فعال سیاسی روسی از شهرستانها. اما irretrievably از دست داده بود ، محاکمه حزب کمونیست تبدیل شده و نه نشانی از نورنبرگ دوم ، یک خط در زیر گذشته توتالیتور شوروی خال خال با یک پا و دیگری در اینجا وجود دارد ، و در واقع ، چیزی برای بد نام کردن تاریخ بزرگ ما را به اجرا در آمد ، دوران شوروی سابق ، از پرواز یوری گاگارین ، کمونیسم ، که جوانان "جهان" است ، و سقوط کرد به دوره های مختلف جوانان دوران شوروی از اتحاد جماهیر شوروی به طور کلی انسان. تا حد زیادی به دلیل این شرایط روانی ، سیاسی و اصلاحات اقتصادی لیبرال از اوایل - 90 - ies اواسط قرن XX رنج می برد از نیمه دلی ، و برای رفتار مناسب فاقد اراده سیاسی است ، اما مهم ترین چیز بود ، اگر نه رد ، اما ، در هر مورد ، معادل غیر او مشارکت در اصلاحات بزرگ بخشی از جامعه است .

در شرق اروپا ، رهایی از کمونیسم را زودتر شروع شد ، در ادامه روند تدریجی آزادی های سیاسی تا حد زیادی همزمان با انتشار ملی است. اما عامل اصلی افتراق است طولانی ایستاده فئودالیسم داخلی منسوخ ، روند در کشورهای سوسیالیستی سابق شرق اروپا تا پایان سال 80 - ies قرن XX تقریباً به پایان رسید. وجود دارند ، با این حال ، ما را به شرایط شرق اروپا -- تغییر کلی ما در آگاهی. ضد کمونیست ، ضد اتحاد جماهیر شوروی از انقلاب در شرق اروپا بود که از محل در نوبت در زمان 80 -- 90 سال از قرن XX ، شناسایی شده اند که بموجب ان الگوی تقابل گرم بین قدیم و نظام جدید disistemoy غالب عمدتاً توسط rootedness در درجه اول جامعه تعیین می شود. به عبارت دیگر ، مواجهه شد همه بیشتر شدید و خونین ، بزرگتر بود این کشور به اصطلاح سوسیالیسم واقعی ، از جمله در رومانی و کمتر از آن بود signified به سوسیالیسم به عنوان جمهوری چک ، مجارستان ، لهستان ، -- مواجهه کمتر ، و چگونه در نتیجه ، "مخمل" تغییر قدرت .

در روسیه در سال 1991 با توجه خود را خسته ، ایدئولوژی کمونیست را از دست داده ، امکان هر گونه تأثیر معنی دار در زندگی واقعی. اما مخملی "" شخصیت انقلاب ما بود ، و نه ، از آسمان مانده اسمانی ، ما نداشت اتحادیه های صنفی "همبستگی" در لهستان یا پراگ (مسکو) از بهار ، همانطور که در چکسلواکی در سال 1968 ، زمانی که تنها 7 (هفت) مردم جمع شدند در مسکو میدان سرخ تا برای این عمل از اقدامات شجاعانه در اردوگاه و تبعید دریافت کرد. سپس

این Galich A خواندم: "شما می توانید به میدان بروید، به شما جرات ورود به منطقه در ساعت منصوب شده، و برای چندین دهه قبل از او را در یک چرخه از اشعار" در جمهوری چک، "در مورد مشابه، برای رستگاری از افتخار کشور، در سال 1940 -- متر، وقتی که چکسلواکی همان عبارت بودند از ستون ورمخت، ما در M. Tsvetaeva داده شده است: "... یک افسر. / از چوب و کمی -- سرزنده و شیوه -- / بر غول پیکر -- اما با رولور!.. کاهش // اخبار خوب، که / ذخیره / چک افتخار! / بنابراین کشور -- / پس انجام می شود نیست، / معنی -- جنگ / همه که یافت می شد! ".

هفت نفر به شدت کم هستند، انقلاب اجتماعی بود بیشتر یا کمتر رنج می برد نیست بخش وسیعی از جامعه شوروی، او دچار اقلیت مطلق او، فکری، نیروهای مادی که آیا مجبور به انجام تمام عیار اصلاحات لیبرال شد. تا حد زیادی به دلیل این که آنان تا فرار است، هنوز وجود دارد ترمیم و سوسه های امپریالیستی غیر ممکن، بدون ایجاد یک ایدئولوژی جدید eschatological. داستان unfolds را در خود ندارد، آن را می سازد کسانی که به اندازه کافی برای انجام تحولات خوب و کار آمد در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه را ندارند.

فراخوان کلمات قبلا آگاه از توماس مان، که بخواد آن را به سده جی گوته منعقد شده بود، در predrokovom برای آلمان در سال 1932: "اعتبار، که امروزه هنوز هم فراهم می کند تاریخ جمهوری بورژوائی، این واقعا یک کوتاه مدت وام مدت، بر اساس اعتقاد همچنان حفظ شده است که دموکراسی و واقعا می تواند در انجام این کار هر چند، اگر آنها تظاهر به اعتقاد، باعث می شود که دشمنان آن را به قدرت، یعنی rushing... حالت انتقال و اقتصاد در جهان جدید "است. در چهار چوب فعلی ما، این اعتبار نیاز به انتقال روسیه امیدواریم که به نوآوری، بعد از اقتصاد صنعتی، قادر به استقاده از منابع فکری هر دو سیستم آموزشی و جامعه ما به طور کلی.

ضعف و بی ثباتی از دستاوردهای لیبرال در سال 90 از قرن گذشته از طرح های بد قدرت ریشه نیست. بر خلاف انتظار، او در نفس شمارش شد سازمان از شهروندان در تمام حوزه های زندگی است. قدرت روسیه در اوایل 90 - ies انتظار می رود که برداشتن فشار از ایدئولوژی سوسیالیستی و محدودیت های تیز از کنترل و دخالت دولت در بخش های مختلف جامعه را به انفجار خود به خودی شخصیت منجر شود. مقامات، در واقع، تعداد شهروندان فعال در آموزش از شهرستانها به اندازه کافی بزرگ، شهرستانها عمدتا روسی از مسکو و سنت پترزبورگ.

## دوم سیستم. سناریوها و چشم اندازهها

با وجود ضعف پروژه لیبرال ریشه از خاک روسیه، هنوز تمایلات لیبرال در روسیه تشکیل مبنایی برای شکل گیری یک نظام جایگزین. آن را به عنوان رتبهدهی نشده است ضعیف است، اما هنوز هم به اندازه کافی پایدار موازنه به سنت غالب امپراتوری، صاف کردن شدت نئو تظاهرات با شکوه و اقتدارگرا از مرحله فعلی نوسازی / بازسازی.

فرآیندها، به روشنی در پست تجلی اتحاد جماهیر شوروی دوره، نشان از تضعیف نظام فئودالی و امپریالیستی تشکیل فعال جایگزین لیبرال شد. عامل اصلی کمک به این protsessu، مرگ باید، و در نتیجه، منشاء reorientation آگاهی مردم را با آرمان های منافع را در تغییر توازن داخلی بین فرامین و مولفه لیبرال از فرایند مدرنیزاسیون. در طول 90 سال از قرن XX، ما مشاهده شده تمایل به افزایش سهم مولفه لیبرال را با کاهش نسبی در نسبت به مولفه های امپریالیستی از فرایند مدرنیزاسیون. اما در این وضعیت، ما باید متوجه جزء امپراتوری هنوز حفظ موقعیت مسلط، تا حد زیادی در چند سال گذشته افزایش یافته است.

با این وجود ، مهم در طرح ریزی در سال 90 از قرن گذشته ، دست کم در نتیجهی روندی است که می تواند منجر disistemu لیبرال به توازن با امپریال سیستم فئودالی ، و به ویژه در شرایط مساعد تاریخی که ممکن است در دوره متوسط رخ میدهد ، آن را به یک سیستم غالب . ما اعتقاد راسخ نگه دارید که همه تلاش برای زنده خواهد شد و ایجاد رقابت بیشتر و کارآمد می تواند نظام فئودالی امپراطوری فقط به زمان قابل توجهی از throes اعدام او اجتناب ناپذیر می شود. بار دوم با موفقیت انجام شد پشتک زدن به تکرار انقلاب خونین بلشویکی ، پور قدیمی / جدید با محتوای امپریالیستی را در اشکال جدید -- و نه موفق خواهد شد. در این زمان -- دست ها کوتاه است که سیاست های امپریالیستی دارد ترمیم های جدی داخلی و محدودیت های جدی تر های خارجی. چارچوب این محدودیتها خارجی عمدتاً در حوزه های اقتصاد جهانی و مجموعه ژئوپلیتیک.

در حال حاضر از ویژگی های روابط عمومی های امپریالیستی از سیستم فئودالی و disistemy در حال ظهور لیبرال ادامه به بیان تحلیل خود را در روند اقتباس از همشهریان ما در شرایط جدیدی از زندگی در اتحاد جماهیر شوروی بعد از روسیه است. فوری ترین برای همه ما روند اقتباس در آن به دو شکل ساده است. اولین گروه از قبل سازگاری استراتژی های سرمایه داری محصول ارگانیک از نظام فئودالی با عظمت است.

این است که بعد از فرآیند مدرنیزاسیون اتحاد جماهیر شوروی در اقتصاد -- خود فرآیندهای سازمان ، بیان فعالیت های شخصی -- تصور می شد به ایجاد یک بازار رقابتی ، روسیه و بسیاری از اقتصاددانان غربی ، سیاستمداران فعلی تصور می کردند که کنترل عمومی و دولتی ، حذف خواهد شد تعداد قابل توجهی از موج ابتکار عمل خصوصی است و به علت سرمایه گذاری ، ایجاد بزرگ تعدادی از موسسات جدید سرمایه داری. بنابراین ، A. Aslund ، متخصص در شوروی کشورهای بلوک ، که به توصیه دولت های چندین کشور از کشورهای مستقل مشترک المنافع در 90 - ies قرن XX ، در آغاز از اصلاحات گفته است که "روسیه بوجود می آید ، از کسب و کار در حال حاضر میلیونها نفر در سال اول از بازار آزاد و قیمت های رایگان. عمل نشان داده است که این امیدوار است بیش از حد خوش بینانه بود ، چرا که پتانسیل های سرمایه داری از جامعه روسیه بوده است به شدت overestimated ، با مهم ترین قطعات با توجه به اسلاو خود.

در نتیجه در طول دوره اتحاد جماهیر شوروی شوروی و تا حدی قبل از تاریخی ما را از سیاست های عمومی به اجرا درآمد تشکیل مجتمع پایدار روانی عدم اعتماد بنفس در عمومی بود ، زنده ماندن و به ویژه اقتصادی ، زندگی را با چشم و ثابت در دولت بخشی از جمعیت روسیه و بالاتر از همه ، نمایندگان روشنفکران شوروی سابق . در پست در اوایل - اصلاحات در اتحاد جماهیر شوروی ، بسیاری از جامعه روسیه است که هنوز برای پشتیبانی اقتصادی از اولویت های دولت منتظر ، با توجه به پارامتر های مختلف قادر به انجام نقش نهاد مستقل اقتصادی است.

اشکال در تخمین می زند از A. Aslund و بسیاری از سیاستمداران و اقتصاددانان دیگر به این واقعیت ، مدت طولانی است شده است اقتصاددان روسی و حکیم الهی بولگاکف به علت بودند از : "مرد است ، البته ، نه دستگاه های اقتصادی ، در مجموعه حرکت های اقتصادی یک بهار از خود علاقه و اقدام را با بی شفقت bluntness و بی تردید دقت ، اما نوع خاص از روح با تمام پیچیدگی و تنوع انگیزه روانی. مذهب ، worldview غالب این نهاد تمبر خاص خود را بر روی انسان "اقتصادی". در روح انسانی ارتباط نزدیک بین دین و مذهب و فعالیت های اقتصادی. فراخوان تعجب از لئو تولستوی ، که گفت که : "من مدتهاست که زده شده توسط شگفت انگیز - تاسیس به ویژه در غرب اروپا ، این دیدگاه که کار است یک نوع از تقوا". به عنوان بخشی از این ارزش ها و هنجارهای tratsionalistskoy کار خیر نیست ، انسان باید به دنبال ثروت نیست ، زیرا -- به amass ثروت -- در جهنم می شود ، اما خدمت به عنوان یک پروژه ideokraticeskomu بزرگ خود را در اشکال مذهبی یا سکولار.

در خاطرات او ، به یاد می آورد Witte فضای نمونه در جامعه روسی تحصیل کرده در سال 70 از قرن نوزدهم ، زمانی که بیش از همه doyle "روح نفرت شناخته شده از افرادی که در موقعیت خود ، یا مواد رفاه از تعداد زیادی از مردم به طور متوسط صادر میشود... این است که خلق و خوی غالب در سراسر لایه روشنفکران لیبرال بوده است. این حالت پایدار است ، تولید مثل خود را کاملاً مرسوم در گروههای اجتماعی ملی ، سنت های فرهنگی. آن را در تاریخ کهن تر از حال حاضر روسیه است ، خارج از مبارزه دهقانان ، شورش قزاق Pugachev ، Razin ، شماره Bolotnikov عظیمی از اختلالات کوچکتر ، تجسم کامل آن در دهه های اول حکومت شوروی در اتحاد جماهیر شوروی سابق دریافت کرد. و امروز ، تنها در - دوران اتحاد جماهیر شوروی از تاریخ ما ، حاکم در جامعه انسان ، که کاملاً با نگرش منفی نسبت به بورژوازی مستقل و enterprising ، افراد موفق به طور کلی اجتماعی تبدیل شد.

در فرم هنر ، این رفتار چیز عجیب و غریب است ، اما چون در ادامه به شدت MABulgakov در "قلب ابراز سگ". cute سابق دو تخمه ای است که توسط یک مرد را از علمی ، اساساً غربی ، "urgiyogo" تبدیل شده (ایجاد شده توسط کارگر ، روش زندگی ، خواندن ترانه های انقلابی در کر ، نمایش یکنوع رقص ، و پیچیدگی های نظم جهانی را می گیرد دستور العمل ساده است : "آنچه وجود دارد برای ارائه... سپس نوشتن ، نوشتن... کنگره ، آلمانی ها به حال برخی از سر... تورم! گرفتن همه بله و تقسیم....

و چگونه در آن صورت به فوری ترین نیازهای اولیه و خوشحال بود؟ امید است که نان را در این بخش نظر می رسد ، نتایج دیگران ( "هیچ مردی" ) که اگر اموال خود و یا در مورد او (نان) و یا مراقبت از صالح از قدرت مناسب و یا velichistvo شانس خود را خوش شانس و معجزه در همه. این تمایلات ممکن است به صورت خلاصه بیان می شود را به واژه ها از داستان تخیلی "موجی از ترکه در اراده من. بنابراین عشق به طرحهای هر می مانند MMM ، از شگفتی های پل ، بازی دیگری برای پول ، انتظار نهفته از گرانگین از آسمان ، معجزه ، به راحتی قادر به از ، صدا از فعالیت های روزانه را در اقتصاد بازار یک بار در تمام زندگی به تغییر برای بهتر است. رفتار مشابه و دارای ماهیت surges تناوبی علاقه به فعالیتهای از رئیس جمهور ، دولت ، دوما : آنچه انجام می دهند در جهت بهبود زندگی مردم در زندگی ، یعنی من من برای خود ندارند ، اما آنها برای من هستند.

در طول بعد از اصلاحات در اتحاد جماهیر شوروی برای کسانی که شکستن رایگان از ردیف وسط ، تجلی به عنوان یک نوع یکسان روانی مورد تنفر واقع شدن ، در تنفر از به اصطلاح اقلیت حاکم ، مردم از نظر مالی موفقیت آمیز با استفاده از فرم های سرمایه داری اقتباس به یک سطح جدید از اجتماعی محیط زیست فرهنگی. برابر ، مستعد ابتلا به پدر سروری ، سطح بالایی از ذهنیت توزیع مجدد در جامعه روسیه در سال های اخیر تغییر است بنابراین نه به عنوان اجتماعی خارجی - مناظر فرهنگی زندگی انسان بسیار. این ابراز خود به عنوان یک زمینه کلی تعداد رویدادهای موجود ، و به ویژه ، حوادث مهم و تکان دهنده از مظهر کهنه.

به این ترتیب ، پاییز 2003 ، رئیس اتحادیه صنعتگران و مدیران ، طرح ریزی هوش مصنوعی Volsky بینایی خود را از روابط میان کسب و کار و دولت : "روابط با دولت برای حل از طریق مذاکره ، باز شده و مخفی می شود. و این مشکل بوجود می آیند نه دوباره کند ، "این بازی باید با توجه به قوانین انجام خواهد شد. و توضیح داد که : "قوانین -- عبارت است روسی مشخص است و به معنی گسترده تر از قانون است." آقای سام A. Wolski توافق کرده اند که کسب و کار پرداخت آزادی خود ، به عنوان مثال ، کمک به مبارزه با مقامات علیه فقر "و یا موافقت برای افزایش" برخی از مالیات های خاصی در صنعت پر منفعت ". ما باید از تائید می کنید که در قدرت امروز اصلاح طلب رسی است که هنوز نه در قانون ، همانطور که در کهنه قوم پراودا ، (وجدان) به عنوان روابط سرمایه داری و خیانت و از حقیقت خود

(وجدان) ، خروج از عدالت و آرمان برابری ، به عنوان درک معادله در فقر درک. برای معادله ثروت واضح است امکان پذیر نیست.

علاوه بر این ، فعالیت تجاری جدید روسیه را نفی قدرت روسیه در شخصی ، سطح احشایی است. او به یک دسته تمام کمبودها : کافی نیست که انسان در عینک و کراوات ، اما آنها اغلب غیر ریشه آریایی ، استطاعت آن را نشانی از امپراتوری را دوست ندارد ، ترجیح می دهند که ادغام روسیه را به جهانی / سازه های اروپا ، از جمله نظامی. در حال حاضر تغییر چندانی نکردند ، در طول جهانی اول جنگ ، مشهور روسی پروفیسور روانپزشک پی Kovalevsky منتشر شده کتاب "روانشناسی از کشور روسیه ، که در میان چیزهای دیگر ، آمده است : " در سال های اخیر ، و در اینجا در روسیه نامزد جدید صفحه اصلی اسیب رسان -- سرمایه... برای مقامات بانکی ، سود ، kulaks ، تئوین کنندگان از سندیکاهاهی هیچ ملتی ، هیچ کشوری ، هیچ دولت است. برای آنها -- تنها به سرمایه. برای سرمایه بدون افتخار ، بدون غرور و افتخار وجود دارد ، و نه خوبی از ملت است. سرمایه های بین المللی و جهانی است.

این به این سنت از سوء ظن مردم نسبت به مورد است ، اتصال آنها را به هر یک از برجسب ادامه می دهد ، امروز. که fists ، در هر حال ، باقی مانده ، همه آنها توسط ریشه ، تقریباً به نسل هفتم در سه سال حکومت اتحاد جماهیر شوروی به ارمغان آورد و سپس دولتمردان وطن پرست ، ظاهر شد و در سال بعد از عمر اتحاد جماهیر شوروی از کشاورزان بیش از حد کوچک و ضعیف است تا به منظور بالا بردن کشاورزی و به نئو قدرت های امپریالیستی که آنها را به عنوان انگل روستا kovzahreberni و rootless cosmopolitans در یک فرد «مینام.

اما اگر قدرت است در چنین عمق و سطح روانی بازرگانان روسی ، به خصوص بزرگ را قبول نمی کند و آن را برای خود دیگر است ، و استدلال به نفع توزیع مجدد اموال بسیار قوی از کسب و کار خصوصی از دولت است ، یا حداقل ارسال آن از اجتماعی / ذهنی و anthropologically از راه دور به تجار اجتماعی / ذهنی و anthropologically نزدیک است. همه با روشنی بیشتری تمایل به بررسی نوآوری های اقتصادی 90 - ies از قرن XX ، درست مانند فرم ها ، روش ها و فن آوری است که تبدیل موسسات قدیمی اقتصاد کشور را توزیع جدید ، مواد کافی و محیط تکنولوژیکی و نیازهای جامعه است. " برای ما آماده سازی فاز جدید در مقیاس بزرگ reallocation از منابع از انواع نسبتاً قوی و مستقل (جامعه کسب و کار) به بوروکراسی دولتی سقوط در درون مفهوم سلطه در کشور توزیع اقتصاد است.

در سال 90 از قرن گذشته در اقتصاد روسیه به استفاده از تجربه بی سابقه داد و ستد کالا ، شبکه بندی ، یعنی تجارت متقابل. توسعه فرم های طبیعی داد و ستد کالا به علت نه تنها situational واکنش به ارگانیزم های اقتصادی به منظور کاهش نسبی دولت و انقباض پولی است ، اما عملی ، بیان واقعی از ناخودآگاه جمعی ، حقیقت ، مردم ، به تقویت قابل مشاهده تجسم اقتصادی است.

جورج فاستر ، که به مطالعه فرهنگ به اصطلاح فقر ، اعلام کرد که برای افرادی که "زندگی در فقر بیشتر یا کمتر ، جهانشمول ، همه خوب ، همه چیزهای خوب در زندگی ، به نظر می رسد نوع منبع سیستم بسته ، مقدار آن برای این گروه ، محدود می شود. بر این اساس ، اگر کسی یکی از گروه دریافت می مزیت متمایز ، که در آن ناگزیر از هزینه دیگر از اعضای دسته جمعی می آید. " روسیه فنودالی قدرت های امپریالیستی در این کشور کشت شده در طی قرن ها فرهنگ فقر ، فقیر و به دلیل آشنا و راحت تر به مدیریت ، آنها شما را "دیوانه نمی آید از چربی ، که به نظر متفاوت از موضع قدرت و بعید است که او را حامی باشد. دوره اتحاد جماهیر شوروی ، با صف خود را ، سربازخانه برای کارگران و محکومین ، واگن برای حمل و نقل خاک دست نخورده ، تنها و استخدام دراماتیک آخرین قدم در این سفر طولانی شدند.

برای قرن ها ، این کشور انتخاب منفی شخصی به عنوان قدرتمند ترین و مستقل خارج ، در بهترین حالت ، افتادن به تبعید با تجربه ، کار و تقویت عقل خود را با قدرت های بیرون از محیط زمین است ، اما به عنوان یک قاعده ، از نظر



فیزیکی در کشور خود را ویران ، که منجر به ناچار منجر به زوال جامعه روسیه ، کاهش فرصت های زندگی خود ، و به depopulation مستقیم می باشد.

امروز ، از این انتخاب در حال حاضر رخ داده است ، ظاهر می شود ناشی از تاریخ طولانی از انتخاب های منفی ، زمانی که جامعه خارج است و یا عایق را رد کرد مردی که تا به سطح قابل توجهی در بالا از محیط زیست خود را افزایش یافته است. در ظهر ، عصر استالین از جمله هم ترازوی در سطح متوسط و پایین خود را به یک معنا تحت اللفظی ، حذف غم انگیز از مردم جامعه نسبتا بالا ، که در آن روسای برخی از ناراحتی های روانی می تواند تجربه کند. دوران parthozaktivah تعداد زیادی از مردم تحت سلطه از ارتفاع به طور متوسط ، به عنوان ایلیا Ehrenburg نوشت : در خاطرات خود ، "مردم است. سال است. زندگی ، وضع کرده است تنها در سال 60 از قرن گذشته تغییر کرده است.

اصلاحات لیبرال 90 سال از قرن XX استننا قابل توجه به این قاعده بود ، قوی بود فرصت رشد آزاد ، تاسیس یک کسب و کار ، برای رسیدن به نه تنها اقتصادی ، بلکه اجتماعی موفقیت همراه بود. "در اواسط 90 - ies وجود داشت در حدود 20 -- 23٪ با بعضی از تمایل به کاهش می یابد.

اما ضعف قابل توجهی بالاتر بود و از آنچه در آن است پس از چنین دوره طولانی انتخاب منفی شخصی تعجب آور نیست. پیش از سرمایه داری (طبیعی) به صورت خانواده بزرگ موجب افزایش تقاضا در پیام ارسال شده است ، دوره اتحاد جماهیر شوروی ، "دهقانان (و نه تنها کشاورزان را در توانایی استادانه برای زنده ماندن شرایط رویارویی و چالش های سرنوشت توسعه یافته این توانایی را در شرایط دشوار ، هنگامی که اقتصاد خانواده به نوبه خود مجبور است ارزشمند به جا مانده است را در خود دارد ، برای خروج از دایره را مرتبط با ساختارهای اجتماعی اقتصادی ، شبکه های افقی ، خود بخود تعاونی روابط با خانواده و همکار روستاییان این مهارت ها را به معنای واقعی کلمه را از صفر شروع امروز ، برخی از بیمه و خدمات سیستم های خانگی - ، هدف آنها -- جسمی و اجتماعی و بقای ایجاد شده به سرعت در حال ساخت "

بسیاری از پیش از جامعه سرمایه داری درخواست کرد تا از تکنولوژی زنده ماندن ، زمانی که در نام تضمین حفاظت از حداقل منابع مورد نیاز برای تولید مثل از ساده زیستی در زندگی بشر ، توسط بیشتر مخاطره آمیز ، رفتار نوآورانه را رد کرد. در پیام ارسال شده دوره اتحاد جماهیر شوروی به 70-80 درصد از هم میهنان ما ، که برای انطباق انتخاب مدل برای اصلاحات است که فراتر از حوزه اقتصاد بازار سرمایه داری ، به منظور محدود کردن مصرف با کاهش بسته بندی کالا و خدمات با مراجعه به شکل طبیعی خود رای.

مردم خاموش ، در اکثر موارد ، انتخاب منفعل ، "تحمل کردن" استراتژی های انطباق. در روسیه ، بر خلاف کشورهای مستقل مشترک المنافع ، نمی باشد کار مهاجرت گسترده ، به جز ادغام در جهان (غرب) در بازار بسیاری از کارگران ماهر است. مثال کلاسیک در این کار احترام به مهاجرت برنامه نویسان روسی گرفتن خوب طبیعی آموزش علوم از دانشمندان است ، مهندسان ، و غیره. در زمان مشابه ، فرآیندهای صنعتی - د ، تخریب سیستم مزرعه اشتراکی ، همراه با آزاد سازی توده های کارگران کمتر ماهر ، مهاجرت کرده به هر کار دیگری از کارگران صنعتی و کشاورزی منجر نشده است.

Posteriory ، بر اساس عمل به بعد از دهه اتحاد جماهیر شوروی ، می توان گفت که استفاده عملی در درون اجتماعی و سنتی ، الگوهای فرهنگی و رفتار ، هنجارها و ارزش ها در روسیه بهبود و بی اثر تبدیل خواهد شد.

روش های مؤثر در فعالیت های اقتصادی نشان می دهد که در ادامه بخشی از جامعه تحصیل کرده ، تا حد زیادی منطبق در مرزهای خود را با روسیه در حال ظهور طبقه متوسط. نتایج پژوهش های جامعه شناختی "از شیوه زندگی طبقه متوسط" توسط مجله "باتجربه" و توسط "زیرکون" ، نشان می دهد که طبقه متوسط روسیه ، بیش از نیمی از شهروندان

است تا با آموزش عالی ساخته شده است. سطح بالاتری از درآمد، اجتماعی، قدر و منزلت، موقعیت و مکان قدرت در مقایسه با کل کشور، ناشی از شرایط حرفه ای بالاتر است، تقاضای خود را در بازار کار. "سطح آموزشی از کارآفرینان (به عنوان مثال، در سال 2001 کارفرمایان بزرگ بود این هم بالاتر: 96.9٪ دبیرستان، 13.4٪ -- بیش از یک دانشگاه به پایان رسید. بیشترین درجه دوم این است حقوقی یا اقتصادی است".

استفاده از استراتژی های انطباق مؤثر است، شامل، بیش از همه، ادغام در اقتصاد سرمایه داری را، تا در مورد سازگاری سنتی، تعریف تنظیمات ارزش فردی است. "ارزش اساسی و بنیادین از روسی به طور متوسط از آزادی است، خواهد شد، انرژی و تادیب نفس. بیان بالاتر از این ارزش ها، و نزدیک به بالای هرم اجتماعی است. مقادیر متنوع، کسانی که از آن آنها است، فاصله اخلاق، اخلاق از مدل های سابق شوروی و متعلق به تیم".

در زندگی روزمره به تدریج ارزشهای جدید را وارد کنید، اهداف، تصویب شیوه های زندگی و رفتارهای جدید. حقوق برای وابستگی به روسیه را همواره مهم در ارزیابی های خارجی، شخصیت ekstroobraza یعنی، عدم تمایل به ایستادن بیرون از جرم کل، در سخنان مانند بیان شده است: "من می خواهم به همه. از من، هیچ چیزی بستگی دارد" آموزش و پرورش و غیره امارگر، بسته به احساسات جامعه، مقامات شروع به فرایند اجتماعی کردن اولیه و شخصیت inculturation، کل او را از ادامه زندگی آینده است. در پایان قرن بیستم در روسیه که در یک تغییر در عملکرد اجتماعی و tionincultura مشخص شد فرد مدل را برای موفقیت همراه بود. در پست اول - دهه اتحاد جماهیر شوروی، تعداد فزاینده ای از روس ها با استفاده از مکانیزم های جدید اجتماعی و مشروعیت فرهنگی موفقیت، شده است وجود دارد انتقال از یادگیری غالب در جامعه، ارزش ها انجمن یا اجتماع کمونیستی به ارزش های فردگرایی.

حدود 20 درصد از روس ها را انتخاب استراتژی عمل فعال، یعنی افتتاح کسب و کار خود را، در زمان یک دوره بازپروری حرفه ای، دارای مهارت خود را در آن مناطق استفاده می شود و روسیه از کشورهای جهان که در آنها بیشتر در طلب کنند. با توجه به پارادایم لیبرال، شخصیت خاص خود را دارد، متفاوت از منافع گروه ها و منافع است. فعال را از طریق فرد قادر است مستقل به کار خود برای دفاع از منافع آن به طور مؤثر ترین.

آنتونی گیدنز معتقد است که مردم را به سطح زیر کشت در معرض خطر خم شدن، می تواند مورد بازی ها در شرایط غیر قابل پیش بینی است که توسط دیگران به عنوان یک کلیشه درک درک، آیا تفسیر خلاق نیاز ندارند. نوآوری های در حال ظهور، گسترش مرزهای زندگی اجتماعی به عمل قابل قبول است. فقدان جبر و تفویض الهی، عامل اتفاقی از شانس "ارائه می دهد" وضعیت زندگی می کند دارای دو جنبه آن را، که قادر به حل نتیجه عمل خلاق است. در این چهار چوب، کشت خطر ابتلا به رابطه با ارزشهای اجتماعی آگاهی از سبک هنر نو. این استراتژی از خود شخصیت اعتماد، اطلاعات خود، امکان انتخاب زندگی منطقی، چرا که: "در روز riskiness ما مسئله انتخاب نیست، سرنوشت بسیار است.

امروز متعلق به طبقه متوسط در درجه اول با استفاده از مثبت (بورژوائی مشخص)، راهبردهای انطباقی زندگی، به میزان حداکثر واقعیت بعد از عمر اتحاد جماهیر شوروی. این مدل های مثبت استفاده می شود و عمدتاً اقتباس از نمایندگان طبقه متوسط روسیه.

با وجود نسبت به طبقه متوسط جامعه روسیه نسبتاً کوچک به طور کلی، و حمایت اجتماعی از تحولات مدرن لیبرال از بعد از دوران اتحاد جماهیر شوروی بود مرزهای خود را با هم منطبق نیست -- گسترده تر شده است. در سال 1996 -- 2000 سال (به جز چند ماه بعد از یدلایمخیرات 1998 اوت بحران) در میان روس ها polled توسط جامعه شناسان تعداد زیادی از مردم که در آن احساس لازم را برای ادامه اصلاحات بازار، بیشتر از تعداد علاقمند به آنها متوقف شود. این افراد را تشکیل می اکثریت نسبی در مدرن روسیه است. حدود یک سوم از جمعیت بزرگسال در واقع برای

نوسازی صحبت می کنند. طبیعی است که تعدادی از محققان به دنبال کمتر از خوش باوری طبیعت، موثر و در دسترس بودن اصلاحات اجتماعی makrosubeta روسی. بنابراین، Ti Zaslavskaya یادداشت که "... در کشور makrosubekt اجتماعی نه تنها در اتمام اصلاحات دموکراتیک علاقمند توسعه یافته نیست، بلکه یک برنامه یکپارچه و قدرتمند برای حل این مشکل را عملاً".

با این وجود، ما بر این باوریم که، در عین حفظ محیط زیست نسبتاً مساعد خارجی، به ویژه با توجه به شرایط بازار syrevyh بازارهای کالا، نظام مالیاتی، او مشغول کار بر روی شکل گیری چنین کلان نهاد است که در ادامه تحولات علاقمند است در درون فرایندهای مدرنیزاسیون مدل لیبرال. این قوی ترین، جوان، تحصیل کرده، استراتژی مورد استفاده در زندگی عقلانی و از انگیزه های مثبت زندگی جامعه است. این روسی "yuppie" اواسط تا اواخر 90 - ies قرن XX، افرادی که نمی تواند مورد استفاده قرار به پیاده سازی پروژه ideokraticeskogo بعدی.

تشکیل makrosubekt در Europeanization روسیه علاقه مند، حرکت در جهت ادغام در نهادی بین المللی و به ویژه، اروپا، اقتصادی، سیاسی و نظامی سازه. این ادغام در ساختارهای اروپا متحده می تواند موقعیت از مدل لیبرال و مدرنیزاسیون و تقویت میکند، در نتیجه، اجتماعی جایگزین لیبرال - نظام فرهنگی به عنوان یک غالب.

طبقه متوسط در حال توسعه به صورت پویا است، به طوری که ظرف مدت سه سال از تحقیقات انجام شده تحت نظارت "باتجربه" مجله، او "14 - 25٪ از کل جمعیت، فناوری اطلاعات، با درجه conditionality کافی رشد کرده بود را می توان به تقسیم می گردد بالا، متوسط و پایین. با توجه به روش پژوهش استفاده می شود، متعلق به یک لایه خاص از طبقه متوسط است که توسط سطح درآمد ماهیانه هر عضو خانواده مصمم.

طبقه متوسط روسیه به تدریج ceases به چیزی "را در خود دارد، تعیین اولویت های خود را در زمینه هنجارها و ارزش ها، از جمله در رابطه با اصول اشتراکی و فردگرایی، احزاب سیاسی، و غیره. F توسط این نتایج از تحقیقات جامعه شناختی ثابت شده است، پس از سقوط سال 2002 توسط مجله "باتجربه" و شرکت "زیرکون" مطالعه "ترجیحات سیاسی طبقه متوسط". ما به برخی از شاخص های عددی به طور متوسط سطح درآمد سرانه از گروه های مختلف از طبقه متوسط، که عمدتاً با مقدار آن و گیری ترجیحات ایدئولوژیک رابطه.

پس بیاید آغاز خواهد شد. گروه کمتر از سود طبقه متوسط (پایین طبقه متوسط) بیشتر تمایل به پیروی اجتماعی روسیه، سنت های فرهنگی، ارزش قابل توجه خود را از قبیل گرایی، عدالت اجتماعی، نمایندگان خود را بیشتر به این طیف سیاسی چپ متمایل. به عنوان بخشی از این، بزرگ ترین گروه ساخت تا حدود 60٪ از طبقه متوسط روسیه، شهروندان روسیه با درآمد ماهیانه هر نفر در خانواده از دستور 150 -- 250 دلار است. ایالات متحده آمریکا. این گروه، که معمولاً به نمایندگی مرتبه و فایل کارمندان شرکت های خصوصی و سازمان های دولتی، مدیران میانی و اشرافیت کارگری.

ترجیح می دهم بیشتر از گروه های سود آور ارزش های فردگرا هستند، تمایل به ریسک پذیری، انتخاب شخصی، مایل، که بیشتر، به سمت راست طیف سیاسی روسیه. در این، حداقل گروه های متعددی از طبقه متوسط، به نمایندگی حدود 12٪، که شامل شهروندان درآمد ماهیانه هر نفر در خانواده بیش از معادل آن مقدار را به \$ 400. ایالات متحده آمریکا. طبقه فوقانی میانی متشکل از مدیران ارشد از بزرگ و متوسط شرکت ها، صاحبان شرکت های کوچک، مجرب و حرفه ای.

بین بالا و پایین گروه است به طور متوسط "" طبقه متوسط درآمد در محدوده 250 - 400 دلار است. ایالات متحده آمریکا. در شرایط گیری مقدار این گروه را تا حد زیادی به موقعیت های برگزار شده توسط اکثر کلاس بالای متوسط

است که بوسیله قوه جاذبه حرکت ، به احتمال قوی ، به علت بزرگ تاریخی و خوش بینی شخصی ، ایمان به خودمان. این گروه حدود 28٪ از تعداد کل طبقه متوسط است.

پایین طبقه متوسط طرفدار فعال از عدالت اجتماعی و برابری در حوزه اجتماعی و زندگی فرهنگی جامعه ، که خود را در ابراز تمایل پدرگرایی از دولت ، تنگ شدن شکاف میان گروه های کم جمعیت ترین و ممتاز است. برای او مهم است سیاست دولتی فعال در امور مربوط به اشتغال ، مشارکت خود را در روابط بین کارگر و سرمایه ، که توسط پشتیبانی نسبتاً بالا برای پایان نامه از توزیع مجدد ، ملی کردن اموال به دست آمده با استفاده جعلی متصل است. در تجدید نظر در خصوصی سازی در این گروه از پاسخ دهندگان در مورد 27 درصد از پاسخ دهندگان بودند ، در برابر 16٪ و در گروه از کلاس بالای متوسط. با توجه به مشاهدات به اشتراک گذاشته شده توسط اکثریت طبقه متوسط پایین تر ، دولت باید نقش فعال در مدیریت اقتصاد ، بازی در پرداختن به تضاد بین کار و سرمایه. در عین حال باید به یاد داشت سطح بالایی از تعهد خود را به ارزشهای دموکراتیک ، اعلام کرد که گروه در نظر گرفته از پاسخ دهندگان ، به نمایندگی از طبقه متوسط پایین. نویسندگان این مطالعه نشان می دهد که طبقه متوسط پایین تر است و بر اساس انتخاباتی برای توسعه سوسیال دموکراسی روسیه. در طبقه متوسط پایین تر به اوج حس عدالت اجتماعی ، بنابراین ، در نظر ما ، که بخشی از آن ممکن است تا آزادی های مدنی را به عدالت عمومی " فئودالی در مدل های امپریالیستی.

وسط کلاس بالایی برای تعدادی از موضع گرفته نمایش متفاوت از همتایان خود از گروه های کم درآمد و طبقه متوسط. با توجه به غالب در این نقطه از محیط زیست را مشاهده ، در نهایت دولت باید سیاست های سنتی از پدر سروری با توجه به جامعه به عنوان یک کل را رها ، و کسب و کار در جامعه خاص است. وسط کلاس بالایی را پشتیبانی می کند مفهوم اقتصاد لیبرال ، مخالف توزیع مجدد اموال او را دارد که به احتمال زیاد دولت ، که به عنوان شریک زندگی ، بلکه یک سرپرست نیست. این افراد بی بضاعت هستند و بدبختی نیست ، بلکه برابر و شایسته.

به عبارت دیگر ، گروه فوقانی طبقه متوسط روسیه به خود مطمئن است و صحبت کردن برای توسعه نفس ، رهایی از فرد ، قادر به حل مشکلات اساسی آنها از زندگی است. این مشاهدات هستند تا حد زیادی با سنت کلاسیک لیبرال ، که تحت آن شهروندان آزاد دولت ایجاد شده برای محافظت از حقوق قانون اساسی منطبق است ، این تابع باید به دولت محدود شود. با توجه به مفهوم شخصیت های لیبرال ، چرا که هیچ هدف (علمی) روش های تعیین اولویت برای آن فرد وجود دارد ، فرد باید برای خودشان تصمیم بگیرند چه چیزی درست و چه غلط است ، رسیدن به حداکثر سودمندی و کارایی خود را در زمینه های مختلف می پردازد. "ویژگی مشخص از نظام های مذهبی خود (طبقه متوسط بالایی است به رسمیت شناختن ارزش بالایی از استقلال ، برای قدرت و انضباط نفس. به نظر می رسد ، دقیقاً روی این منابع بر اساس ، آنها موفق به دستیابی به آنچه آنها را به دست آورد."

به عنوان یک طبقه متوسط بالا ، و آن را به سوی بخش میانی تمایل دارد متشکل از یک پایگاه انتخاباتی بالقوه از احزاب جناح راستی. طبقه متوسط پایین تر است بیشتر در مورد اجتماعی و ارزش های دموکراتیک متمرکز شده است. این باعث بوجود آمدن پتانسیل برای توسعه دو دموکراتیک - سیستم حزبی ، بردار از توسعه آن ، قضاوت توسط تغییر در ارزش گیری طبقه متوسط روسیه ، در شکل گیری در روسیه از اجتماعی و دموکراتیک ، نظام فرهنگی ، هدف قرار داده است. به تدریج متوجه خود به عنوان یک گروه اجتماعی خود را با منافع اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی از قسمت بالا و وسط عمل طبقه متوسط در حال ظهور به عنوان یک موضوع بالقوه یک مدل لیبرال و مدرنیزاسیون روسیه.

با توجه به شکل رقابت به عنوان یک پدیده اجتماعی ، فرهنگی ، K. مانهایم تمایز دو رویکرد اساساً متفاوت به زندگی است. روش اول فرض بر این است که انسان توسط یک هدف آگاهانه رانده ، او است بلند پروازانه و کامل می داند و به آرزوی ، درک عقلانی جهان و از آن زمان به عنوان یک نوع یکپارچگی ، آگاه است. "توسط فرد کیفیت های لازم را

برای مبارزه اقتصادی : شجاعت ، رئالیسم و توانایی تجزیه و تحلیل روانشناسی علاقه زیادی به حریف تا دانش وابستگی متقابل پدیده های غنی شده است ، پیش بینی ثابت و فرصت های جدید ، توانایی دیدن پیشرفت های آینده در هر یک از زنجیره های خود ، برای زندگی کردن در آینده نزدیک نسبت به حال حاضر ، راضی نمی باشد در حال حاضر رسید ، به مطبوعات را برای شانس جدیدی برای موفقیت ، اعتقاد داشتند که اجرای آنها مهم تر از آنچه بوده است ، به دست در کوتاه مدت ، نیروهای ابدی "خود را ضرب" و ناتوانی در "منتظر ماندن".

مشکلات ، موانع موجود در مسیر به هدف ، موانع به طور موقت می تواند مانند انسان محدود نمی شود : "ارزش های اساسی از روسی به طور متوسط از آزادی است ، خواهد شد ، انرژی و تادیب نفس. بیان بالاتر از این ارزش ها ، و نزدیک به بالای اجتماعی هرم فرهنگی. مقادیر متنوع ، کسانی که از آن آنها است ، فاصله اخلاق ، اخلاق از مدل های سابق شوروی و متعلق به تیم".

در مقایسه با اول ، نوع شخصیت dostizhitelnomu فعال است که غالب نو جامعه ، نوع دوم مشخصه ، عمدتاً برای سنتی / نیمه سنتی ، از جمله جامعه شوروی سابق ، بیشتر از نوع منفعل شخص که داد تا مبارزه برای موفقیت در زندگی است. "زمان برای ایجاد آن بنویسید -- متناوب و استاتیک ، آن همه قدرت در سطح moods ، و آن را همیشه lurks خطر ابتلا به انکار نفس. این خطر از دست دادن خود -- از منابع عذاب ابدی. اگر وضع کند که در یک راه جدید تمام زندگی را تغییر ندهید ، خود را از دست دادن هدف حیاتی می شود. به این ترتیب ، از دست دادن نفس ویژگی های اصلی تسلیم سرخپوستان از نیروانا است. عرفان مسیحی منعکس کننده میل به ادغام فرد با مسیح تا انحلال کامل در مسیح. نوع دوم قطعاً به اندازه کافی به شخصیت با سنت ارتدوکس مذهبی مرتبط است ، مطالب بسیار عجیب و غریب سکولار در دوران شوروی سابق ، بر اساس حسابداری برای بشر قدیمی روسیه سیستم فنودالی امپراطوری دریافت کرد.

بنابراین ، ما به صورت مختصر در نظر گرفته احتمال دو گروه از استراتژی های اساسی زندگی استفاده شده توسط هم میهنان ما در پست اتحاد جماهیر شوروی روسیه -- بورژوائی و بورژوائی از قبل. گروه اول از سیاست های زندگی به طور عمده درگیر شد بخش بالایی و میانی طبقه متوسط ، و گروه دوم استراحت ، همانطور که ما قبلاً اشاره شد ، بسیاری از جامعه روسیه است. این نسبت عددی دیگر به طور جدی ترین در انتخاب حالات ممکن را برای توسعه های آینده روسیه تأثیر داشته است.

در این رابطه ، توجه داشته باشید که ما در مقابل جریان از یک روند خطرناک archaism آگاهی های عمومی و دیگری ، ظاهراً ، آخرین جدیدترین مدرنیزاسیون امپریال / ترمیم مستقیم می تواند وظیفه خود را حل و فصل نیست -- امپراطوری به بازگرداندن. امتناع واضح تر به استفاده از مدل لیبرال و مدرنیزاسیون را به ناچار به سرعت عقب ماندگی روسیه در پشت بسیاری از شاخص ها نه تنها در جهان غرب منجر شود ، بلکه از عدم کشورهای غربی ، ایستاده در راه مدرنیزاسیون. به طور خاص ، این خودداری برای افزایش شکاف تکنولوژیکی منجر شود ، تا بر اساس مدل های امپریالیستی و مدرنیزاسیون ، آن ، همانگونه که ما تا کنون ، نشان داده شده را بر اساس بندگی توده های عمومی در بعد از دوران صنعتی فن آوری برای دستیابی به توازن با کشورهای یورو در تمدن اقیانوس اطلس ، مدرنیته است و اساساً غیرممکن است. به منظور دستیابی به توازن و حفظ آن نیاز انسان آزاد ، حرفه ای ، در احساس راحتی در کشور خود ، دریافت کرده که مقامات ، رسانه ها ، بخصوص تلویزیون ، بدون رد و آزرژی ایران.

آن را برای تلفن های موبایل در نگاه اول متناقض است -- بدون Yabloko و SPS در مجلس هشتم (که حزب من ، و آنها در خدمت منافع من در قدرت) ، بدون انتخاب آزاد در روزنامه آزاد با یک فنجان قهوه صبح -- بدون توازن تکنولوژیک ، از جمله میدان نظامی ، تنها در - جهان صنعتی نمی تواند باشد. هیچ کس آن پشتیبانی خواهد کرد.

## به جای نتیجه گیری

در سال 1247 در اروپا از یک سفر طولانی و خطرناک را به امپراتوری خان Genghis بازگشت به سفیر پاپی Franciscan جیوانی dá Plano Carpini ، سمت چپ است که معاصران او و جانشینان ورود : توضیحات از کشور ، که حاوی توضیحات جمعی از مواد واقعی که توسط مورخان به رسمیت شناخته شده است بسیار مهم است. فصل پنجم از کتاب "در منبع از امپراطوری از Tartars ، و شاهزاده او را و قدرت امپراتور" بسیار متفاوت از بقیه متن را شرح حوادث فوق العاده است که ما معتقدیم که نمادهای خود را در راه حرف بی صدا که با موضوع این رساله. با توجه به Carpini ، Genghis خان ، که به دنبال حل تمام جهان ، منع کردند سربازان قبل از برنده شدن خود را به پیروزی کامل بازگشت ، تسخیر نه تنها همسایگان و در نتیجه فرهنگی نزدیک ، اما دور ، وحشیانه مردم است. جنگجویان مبارزه Chingiz ، و یا سعی کنید به افرادی که به جهان خاکی ما تعلق ندارد مبارزه ، گسترش فضای هرج و مرج امپراطوری ، تلاش برای کسب سلطه جهانی هل مغولان در سال مناطق submarginal. این تمثیل جذاب در عین حال و آموزنده : نویسنده پیش بینی سقوط زود هنگام این امپراتوری عکس.

امپراتوری تاریخ و زمان آخرین برای همیشه نخواهد بود. ما می دانیم این است که احتمالاً بهتر از معاصران کسانی که وقایع دور. ارسال روسیه ، دولت های امپریالیستی را به تلاش از خوب گام زده شده توسط قرن سنج امپریالیستی تبدیل ، و به همان اندازه دردناک ، رقابت با نئو پروژه های امپریالیستی ، پانچ شاخساره از دولت جدید دموکراتیک است. خم امپراتوری در سراسر جهان ، و تنها چنین امپراتوری اتحاد جماهیر شوروی بود ، به ناچار جسد او را به طور کامل شامل ناهمانند ، و در نتیجه ناسازگاری اجتماعی و عناصر فرهنگی ، قلمرو antipodes تمدن ، از قبیل استونی و تاجیکستان. پس از جذب فرهنگی ، و ، البته ، عمومیت بشر ، امپراطوری در گذشت. مرگ قدیمی ترک را به فضا reformat کیفیت های اساسی سیستم فرهنگی و تمدن در خرابه های کشورهای امپریالیستی کشورهای رشد ، رسیدن به خود را فرهنگی و تاریخی به شرط راه : چه کسی در اروپا ، برای آزادی و دموکراسی ، که در منطقه خاکستری از اقتدارگرایی ، خشونت ، تسلط "صرفه جویی" ایدئولوژی : کمتر سکولار ، بیشتر مذهبی است. به نظر می رسد مناسب برای فراخوان اندرز از فیلسوف روسی Én Trubetskoy ، با اشاره به تمایلات خطرناک زمان خود ، کاملاً مشخص ، تکثیر و امروز در روز : "اراذل و اوباش ، lzhepravoslavnye ، lzhepatrioty ، و با آنها پیامبران جدید آماده خواهد کرد جدید و وحشتناک تر از آن است در حال حاضر ، انفجار Bolshevism. و امروز آن است که احتمالاً نه چندان در مورد احیای Bolshevism زیاد است ، به عنوان وسوسه ناسیونالیسم ستیزه جو و با عظمت. بله ما حتی در این blowjob ، یکبار دیگر این فنان. اولین جایی است که سبکتر ، بیشتر منطقی ، به سادگی و بهتر است. و ما صمیمانه امیدواریم که به تغییر محتوا و اهداف نوسازی روسیه : به روز رسانی است به خاطر تحکیم امپراتوری نیست ، بلکه به خاطر انسان ، جهان خود را ، از وجود روزمره ، آسایش ، بی نیازی ، اگر به شما خواهد شد ، بورژوائی ، بیشتر یا کمتر ، اندازه گیری حیات بر روی مدل اروپایی. بله پناهندگی آنها را پیدا کنید ، به احتمال انتقال از مدل امپریال لیبرال عمدتاً مدرنیزاسیون است ، امروز بسیار کوچک ، اما تمام چه سریع می رود ، به زودی به دوران مختلف ، آمده اما نه همیشه می تواند از عدم سابقه.

## S.P

بارانی تابستان سال 2004. این کتاب در حال حاضر نوشته شده است ، و معافیت های پنجره های قدیمی و عصر جدید است به دنیا آمد. بنابراین مکمل چند کلمه. بنابراین. سناریوها برای کشور ، البته ، به همان اندازه های مختلف و به طور طبیعی ، نه همه آنها منجر به ساخت و ساز را بر اساس ارزشهای لیبرال حکومت روسیه ، بسیاری از آنها را تنها به هیچ جا منجر خواهد شد. و آن را در این است که بسیار نادیده گرفته نشده ، و بنابراین مرحله قابل درمان از اعدام بعدی / سناریو فوق العاده از کشور ، ما به احتمال زیاد هستند ، و امروز. جنبش های بیشتر در این مسیر می تواند روسیه در آپاندیس بعدی تاریخی منجر شود ، احتمال سوم برای یک صد سال از فروپاشی تمدن ، همراه با نقض دیگری از تداوم و فرهنگی است.

پس از انقلاب اکتبر سال 1917 ، وینستون چرچیل گفت که روسیه در sank ورود به بندر از رستگاری. روسیه امروز به عنوان پناه گاه از زندگی اروپایی با نزدیک شدن هرگز ، اما امپراتوری / نئو قدرت امپریالیستی خود ، بار سوم (!) در طول قرن ، باز کینگستون. سه بحران تمدن در قرن -- از اجتماعی عمیق است نشانه بیماری و فرهنگی ارگانسیم بیماری های روسیه است. مرده را تصاحب زندگی باید در حال حاضر مرده است ، اما فرد از طریق آنها ، جبر موجود و subdiskursoy خاموش هنوز قادر به تقلید لودگی - احیا.

به نام دردناک باید هم اکنون شروع به شکستن پایه و اساس ارسال جدید - ایالتی اتحاد جماهیر شوروی روسیه. شما می توانید با ثبات بعد از اتحاد جماهیر شوروی روسیه در محاکمات مسکو جدید ایجاد نشده ، با توجه به واقعیت های تاریخی امروز ، با فرآیند وسط skalkirovannyh -- نیمه دوم 30 - ies قرن گذشته. اگر روسیه بزرگترین تجار از نظر اجتماعی نزدیک به رژیم شوروی سابق حفاظت جنایی نداشتند آمده است ، اما حمایت از اتحاد جماهیر شوروی / روشنفکران روسیه ، اعلام کرد تقریبا در ترور سریال جنایی ، چرا که نه متن باز فردا Yezhov "عمومی" و "قانونی" روند و نشانی از آنها را متهم نمی اول همان ، و سپس به تعداد نامعلومی از آنهایی کمی در آمادگی برای فروش بخشهایی از کشور (شرق دور -- ژاپن ، اوکراین -- در واقعیت های امروز Kuban -- آلمان) ، و به اتهام جاسوسی برای امنیت خارجی؟ چرا که نه ، برای دادن فضا در بازداشت raznoryadku rootless cosmopolitans ، "جاسوسی" و دشمنان دیگر از مردم؟ متاسفانه ، این سوالات را از امروز زمینه ترس مجازی را از اتحاد جماهیر شوروی / روسیه ، روشنفکران را به عمل رفتن را ، تا ما را در بالا ، دیده در تاریخ روسیه ، هیچ کس و هیچ چیز می آموزد. paradigmatic به یاد بیاورید : در 30 سال ، مدیران میانی و مجریان دیگر / شاهد سرکوب انبوه قربانیان خود را برای یک سال یا دو با تجربه ، قدرت سه. امروز ، تاریخ خود را تکرار و نه به صورت نمایش خنده اور ، اما هنوز هم...

اما نه تا آن بد است ، در حال حاضر Thermidor و عواقب خوب وجود دارد. به عنوان مثال ، در آخرین بار خواهد بود کشور با حضور قوی و قدرتمند و متحد مشترک هستند ، ما باید گفت ، حق حریف - حزب جناح راستی ، سوال خوب است ، ما در برابر آنها خواهد شد دوستان ، کلید به روسیه در امور حزب به طور کلی ، و تا حدی شخصی ، شرایط را حل و فصل شده بود. ساختمان حزب موفق و در خدمت به عنوان یک مقدار مشخصی از شب آدرنالین : ببین ، در ترمزهای squeaked درب ، و در اینجا -- برای همسایه آمده است.

بدین ترتیب ، فرمول عصر جدید ، آنچه که به طور فزاینده در هوای زندگی جدید روسیه احساس : کسب و کار کوچک ، چه در اینجا کسب و کار ، بیشتر حفظ حریم خصوصی ، و احتمالا سیاست ، رتبهدهی نشده است که به نفع اینترنت ، کامپیوتر ، پرینتر و اسکنر است ، اما منظور از تقریبا فراموش کردن کلمه عبور 90 - ثانیه های رادیویی قدیمی و قابل اعتماد "آزادی". پشت پرده افزایش مییابد ، ما به بازگشت در باد از تاریخ ، و دوباره "فصل به فصل انجام نشده را

انتخاب کنید ، / آنها زندگی می کنند و می میرند. / خسیسی بزرگ در این جهان / بدون از گدایی و مذمت. / همانطور که  
اگر آنها را می توان در این باشد ، / همانطور که بازار تغییر کرده است.